



پوهنتون سلام
پوځنځی شرعیات و قانون
پروگرام ماستری تفسیر و حدیث



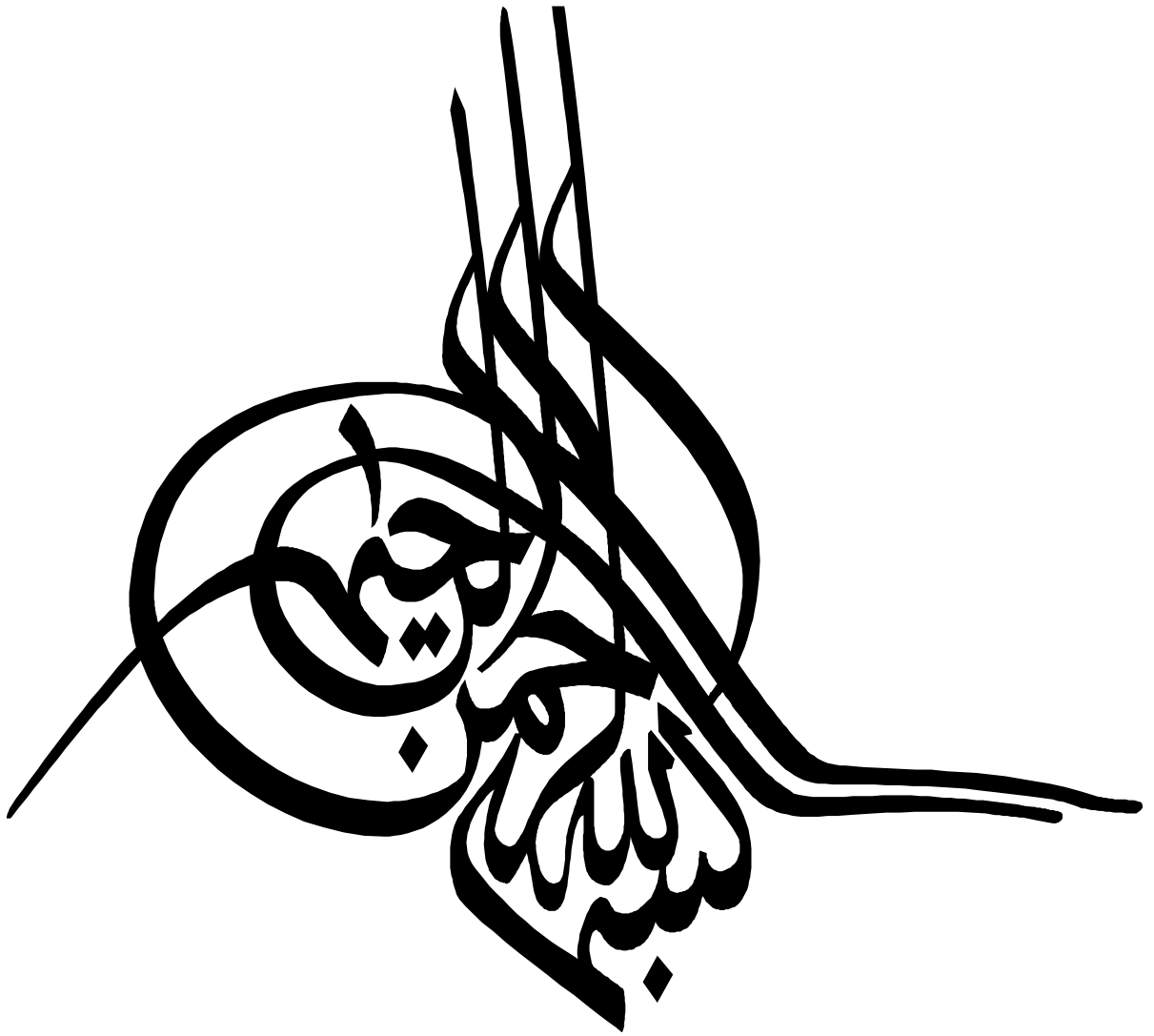
دولت جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی
ریاست پوهنتون های خصوصی

ملائکه در روشنی قرآن کریم و رد شبهات منکرین و مستشرقین (پایان نامه ماستری)

محصل : محمد شفیع (حماس)

استاد رهنما: پوهاند دکتور محمد اسماعیل (لیبیب بلخی)

سال : ۱۳۹۸ هـ ش - ۱۴۴۰ هـ ق





پوهنتون سلام



پوهنځی شرعیات و قانون

دپیارتمنت تفسیر و حدیث

بورډ ماستری

تصدیق نامه

محترم محمد شفیع ولد محمد اسلم ID: نمبر SH-MST-97-346 محصل دور چهارم تفسیر و حدیث که رساله ماستری خویش را زیر عنوان: ملانکه در روشنی قرآن و رد شبهات منکرین و مستشرقین به روز دوشنبه تاریخ ۲۷ / ۱۱ / ۱۳۹۹ هـ ش موفقانه دفاع نمود، و به اساس بررسی هیات تحکیم مستحق د ۸۸ (نمره په عدد) هشتادوهشت (نمره په حروفو) گردید.

موفقیت شان را از الله متعال خواهانیم.

اعضای هیات تحکیم:

ردیف	نام استاد	عضویت	امضاء
۱	استاد شکرالله مخلص	عضو هیات	
۲	دکتور محمد مزمل اسلامی	عضو هیات	
۳	دکتور محمد اسماعیل لیبیب بلخی	استاد رهنما و رئیس جلسه دفاع	

..... معاون علمی

..... آمر بورډ ماستری

ملائكة در روشنی قرآن کریم و رد شبهات منکرین و مستشرقین

اهداء

این اثر را به پاس از حمایت های مادی و معنوی والدین گرامی ام که نقش اساسی و کلیدی در رشد زنده گی علمی ام داشته اند با کمال اخلاص و رضامندی تقدیم میکنیم.

این پایان نامه تقدیم به اساتید گرامی ام بویژه استاد محترم دکتر محمد اسماعیل " لیبب بلخی " که با رهنمای های بی شایبه شان در زندگی علمی ام تحول آفریدند.

این اثر تقدیم به آنده از دوستانم که با اندرزهای دوستانه و حکیمانه راهگشای راه زندگی ام قرار گرفتند.

شکر و تقدیر

ستایش پروردگارم را که آثار قدرت او بر چهره روز روشن، تابان است و انوار حکمت او در دل شب
تار درفشان، آفریدگاری که خویشان را به ما شناساند و درهای علم را بر ما گشود و عمری و فرصتی
عطا فرمود تا بدان بنده ضعیف خویش را در طریق علم و معرفت بیازماید.

بدین وسیله از همه دست اندرکاران وزارت تحصیلات عالی جمهوری اسلامی افغانستان، پوهنتون های
دولتی و خصوصی که در راستای فراهم سازی زمینه تحصیلی به نسل جوان مشغول اند اظهار قدردانی
و سپاس فراوان می نمایم.

اظهار سپاس و امتنان از ریاست پوهنتون سلام که زمینه تعلیم و تحصیل را برای فرزندان این مرز و
بوم مهیا کردند، و در راه رسیدن آنان به قله های پیروزی از هیچ نوع سعی دریغ نورزیده اند.
سپاس بی پایان به مسئولین دانشکده شرعیات پوهنتون سلام که علم برداران واقعی اسلام بوده و جهت
بهبودی نسل امروزی به پا برخاسته اند، و صدای واقعی اسلام را از طریق آموزش سالم به نسل های
جوان این مرز و بوم انتقال میدهند.

سپاس ویژه از اداره ماستری پوهنتون سلام که از هیچگونه سعی و تلاش در جریان دوره تحصیلی در
حق محصلین دریغ نورزیده و همیشه در خدمت ما جوانان قرار داشته اند.

بدین وسیله از حمایت های بی شایبه اساتید، در حوزه آموزشی، از پوهنتون سلام جهت فراهم سازی
زمینه حصول تحصیل در مقطع ماستری، به ویژه از استاد رهنمای جناب دکتور: محمد اسماعیل (لیبیب
بلخی) که زحمات زیادی را در این زمینه متقبل شدند و از هیچگونه کمک دریغ نورزیدند، از جناب
ایشان اظهار قدردانی نموده و از الله جل جلاله متعال برای شان عمر دراز و صحت کامل آرزومند ام.

خلاصه بحث:

این پایان نامه شامل بحث روی مسئله "ملائکه در روشنی قرآن کریم و رد شبهات منکرین و مستشرقین" می باشد، بدون شک که ایمان به آخرت به ویژه فرشتگان یکی از اعتقادات اساسی اهل ایمان است و این باورمندی در دل مسلمانان شجاعتی بی نظیر، اشتیاقی شگفت به بهشت و بی اعتنائی به زندگی ایجاد می کند، خدمات ارزنده فرشتگان در آخرت جلو دیدگان شان مجسم و بهشت با تمام نعمت هایش برایشان نمایان میشود. ایمان به فرشتگان از منظر قرآن کریم و احادیث نبوی به کرات و مرات تأیید شده و یکی از ارکان دین مبین اسلام میباشد.

در بخش نخست این پایان در مورد ایمان به فرشتگان، جایگاه فرشتگان از دیدگاه قرآن کریم، و مسائل مربوط به آن به تفصیل بحث شده است، در بخش دیگری از این اثر در مورد شبهات منکرین، و رد شبهات آنان به تفصیل نیز صحبت گردیده است، در لابلای این پایان نامه به برخی از مسائل مهم دیگر که بستگی به باورمندی به فرشتگان، دیدگاه خاورشناسان دارد نیز صحبت شد.

درین تحقیق سه سوال اصلی وجود داشت که از مجرای تجزیه و تحلیل کتب و اطلاعات در پاسخ به هریک از سوالات چنین به دست آمد: در پاسخ به سوال اول که فرشتگان چه گونه مخلوقات هستند؟ دیگر آنکه متشرقین که ها اند؟ و پاسخ منکرین فرشتگان از دیدگاه قرآن و کتب سماوی چیست؟ تحقیق پیرامون این موضوع به شکل تفصیلی راجع به هر سه سوالیکه از قبل طرح گردیده بود ارایه گردید. همانگونه که فرشتگان مخلوقات معصوم اند که مطابق اوامر پروردگار وظیفه محوله خویش را به وجه احسن ادا می نمایند. خاورشناسان کسانی اند که راجع به شرق زمین و مسائل مربوط به شرق مطالعه نموده و بعضی اوقات به ضد مسلمانان از داشته های علمی شان استفاده می نمایند.

بدین منظور پایان نامه هذا، همه مسائل مربوط به فرشتگان را که در قرآن به آن مستقیماً و یا اشاره هرچند دور شده است، به مو شگافی و تحقیق پرداخته تا رهنمای خوبی برای مسلمانان این مرزوبوم قرار گیرد، از سوی دیگر به رد شبهات خاورشناسان پرداخته تا زمینه ساز اعتماد علمی اهل علم قرار بگیرد و همه مردم از فیض قرآن کریم در زندگی دنیوی و اخروی بهره مند گردند، که رهگشای خوبی برای همگان است.

واژه گان کلیدی: فرشتگان، مستشرقین، شبهات، آخرت.

فهرست عناوین

عنوان	صفحه
اهداء.....	أ.....
شکر و تقدیر	ب.....
خلاصه بحث	ج.....
مقدمه.....	1-----
اهمیت موضوع.....	1-----
هدف تحقیق.....	2-----
سوالات تحقیق	2-----
سبب انتخاب موضوع:	2-----
پیشینه تحقیق	2-----
نوآوری تحقیق	3-----
مشکلات تحقیق	3-----
روش تحقیق	3-----
نحوه نگارش:	4-----
فصل اول.....	5-----
مفاهیم کلی.....	5-----
پیشگفتار.....	6-----

فصل اول مفاهیم کلی

مبحث اول.....	13-----
ذکر ملائکه در قرآن کریم.....	13-----
تمهید.....	13-----
مطلب اول: منزلت و جایگاه ملائکه در قرآن کریم.....	15-----
مطلب دوم: نامهای ملائکه در قرآن کریم.....	17-----
مطلب سوم: آفرینش ملائکه در قرآن کریم.....	20-----
مطلب چهارم: تواناییهای ملائکه در قرآن کریم.....	21-----

- مطلب پنجم: برخی خصوصیات فزیکي ملائکه ----- 23
- مبحث دوم ----- 25
- مطلب اول: وحی بر انبیاء علیه السلام ----- 25
- مطلب دوم: قبض ارواح ----- 26
- مطلب سوم: نوشتن اعمال انسانها ----- 27
- مطلب چهارم: حفاظت انسان از آفت ----- 30
- مطلب پنجم: حمل عرش، نگهبانان جنت و جهنم ----- 30
- مطلب ششم: ذکر الله متعال و استغفار و دعا برای مؤمنان ----- 32
- مطلب هفتم: حمایت از پیامبران صلی الله علیه وسلم و نزول عذاب بر مخالفان آنها ----- 35
- مبحث سوم ----- 38
- مطلب اول: ثمره ایمان به ملائکه در قرآن کریم ----- 40
- مطلب دوم: صفات خلقی ملائکه در قرآن کریم ----- 41
- مطلب سوم: صفات خلقی ملائکه در قرآن کریم ----- 44
- مطلب چهارم: احترام فرشتگان در قرآن کریم ----- 45

فصل دوم

رد شبهات منکرین ملائکه

- مبحث اول ----- 48
- رد شبهات مشرکین ----- 48
- مطلب اول: رد شبه مونث بودن ملائکه در قرآن کریم ----- 51
- مطلب دوم: رد شبه پیامبر بودن ملائکه در قرآن کریم ----- 53
- مطلب سوم: رد شبه ثبوت نسب ملائکه در قرآن کریم ----- 56
- مطلب چهارم: رد شبه درگیری با ملائکه در قرآن کریم ----- 59
- مطلب پنجم: رد شبه الوهیت ملائکه در قرآن کریم ----- 61
- مبحث دوم ----- 63
- رد شبهات یهود ----- 63
- مطلب اول: رد شبه دشمنی با جبرئیل ----- 64
- مطلب دوم: رد شبه صدور معاصی از ملائکه ----- 67

مطلب سوم: رد شبه ملائکه بودن ابلیس ----- 69

مطلب چهارم: رد شبه شباهت خلقی ملائکه با انسان ----- 72

فصل سوم

مستشرقین و رد شبهات پیرامون ملائکه

مبحث اول ----- 76

شناخت مستشرقین (خاور شناسان) و تاریخچه استشراق ----- 76

مطلب اول: تعریف مستشرقین (استشراق "خاورشناسی") ----- 77

مطلب دوم: آغاز استشراق ----- 79

مطلب سوم: اهداف استشراق ----- 80

مبحث دوم ----- 83

مستشرقین و رد شبهات آنان پیرامون ملائکه ----- 83

مطلب اول: رد شبه وجود فرشتگان ----- 83

مطلب دوم: رد شبه حمایت فزیکی فرشتگان از انسان ----- 86

مطلب سوم: رد شبه حمایت معنوی از انسان ----- 88

مطلب چهارم: رد شبه حضور ملائکه در جنگها ونصر مؤمنین ----- 89

مطلب پنجم: رد شبه نورانی بودن ملائکه ----- 90

مطلب ششم: رد شبه پرواز کردن ملائکه به عالم بالا ----- 91

مطلب هفتم: رد شبه دمیدن صور توسط ملائکه ----- 94

مبحث سوم ----- 95

رد شبه وظیفوی ملائکه در آخرت ----- 95

مطلب اول : رد شبه بر حمله العرش ----- 96

مبحث چهارم ----- 99

فرشتگان از منظر تورات وانجیل ----- 99

مطلب اول: وظیفه فرشتگان در تورات ----- 100

مطلب دوم: وظیفه فرشتگان در انجیل ----- 101

مطلب سوم: فرشتگان از منظر صابئین ----- 102

نتیجه گیری ----- 104

105	پیشنهادهات
114	فهرست احادیث
116	فهرست اعلام
117	فهرست منابع و مآخذ

مقدمه

الحمد لله الذي أكمل لنا الدين، وأتم علينا النعمة، ورضي لنا الإسلام ديناً، أحمدته تعالي وأشكره وأشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له، وأشهد أن محمداً عبده ورسوله، بعثه الله بين يدي الساعة بشيراً ونذيراً وداعياً إلى الله بإذنه وسراجاً منيراً، صلى الله عليه وعلى آله وأصحابه وسلم تسليماً كثيراً.

اما بعد: با اظهار سپاس فروان از خدای منان و درود بی پایان بر روان پیامبر صلی الله علیه وسلم که بنده را توفیق بخشید تا پایان نامه دوره ماستری خویش را تحت عنوان " ملائكة در روشنی قرآن کریم و رد شبهات منکرین و مستشرقین " تحریر و به پایه اکمال رسانم. با توکل به الله جل جلاله قدیر و توانا و توفیق و استعانت ذات بزرگش، نظر بر رهنمود های استاد رهنمایم، دوکتور صاحب محمد اسماعیل " لیبب بلخی " کار تحقیق و یا پایان نامه ارشد تحصیلی خویش را در سه فصل و چندین مباحث و مطالب به پایه اکمال رسانیدم. در اخیر، با یک نتیجه گیری این پایان نامه ارشد را اختتام بخشیده ام.

بیان موضوع:

این پایان نامه دوره ماستری با ارایه معلومات جامع در مورد " ملائكة در روشنی قرآن کریم و رد شبهات منکرین " که یکی از موضوعات مهم و برآورنده در ارتباط به زندگی دنیا و بعد از مرگ است، بحث می نماید. ایمان به فرشتگان یکی از مقتضیات ایمان به الله جل جلاله می باشد، ایمان به ملائکه باعث اصلاح رفتار و اندیشه یک فرد مسلمان در دنیا قرار میگیرد، که چگونه بندگان خدا بدون وقفه در عبادت و پرستش پروردگار مشغول اند و دقیقه ای فروگذار نمی نمایند مگر آنکه به فرمان الله عمل می نمایند، بناء باورمندی به فرشتگان بهترین وسیله تقرب بسوی پروردگار و نیکوترین شیوه مراقبت از نفس است.

اعتقاد بر فرشتگان یکی از اجزای ایمان می باشد بطوریکه بدون اعتقاد به ملائکه ایمان تکمیل نخواهد شد، در حقیقت باورمندی به فرشتگان زایده ایمان به توحید و نبوت است، یعنی اگر کسی وجود الله جل جلاله متعال را بپذیرد و نبوت را اهم بداند ناچار وجود فرشتگان را نیز در کنار توحید و رسالت قبول کند، و پاداش اعمال را در میزان عدل الهی یقین کند، و به واقعیت فرشتگان به عنوان بندگان مطیع نیز باور کامل داشته باشد، تا آنکه زمینه رضایت الله جل جلاله مهیا شود.

اهمیت موضوع

در این مقطع زمانی که یک گونه تشویش ذهنی و کشمکش روحی و عقیدتی دامنگیر مسلمانان شده، و تأثیر بسزائی در زندگی عملی مسلمانان نهاده است؛ بر علماء و دانشمندان اسلامی لازم است که جهت تردید اوهام ملحدین و بخاطر دفع شبهات کفار و ملحدین برخیزند و برای حفاظت عقائد اسلامی از هیچ گونه کوششی دریغ نورزند؛ هر چند علماء و دانشمندان مسلمان در این زمینه خدمات ارزنده ای انجام داده اند اما چونکه اکثر تألیفات و نوشته هایشان به زبان عربی یا اردو بوده مردم ما نتوانسته اند از آنها بهره بسیار ببرند؛ بدین منظور هدفم بر آن شد که در این زمینه با استفاده از کتب علمای متقدمین و متأخرین بتوانم پایان نامه برنامه ماستری خویش را در این زمینه به پایه اکمال برسانم. از آنجا که وجود فرشتگان را برخی ها باور ندارند، و از سوی دیگر شبهات را پیرامون وظایف، و موجودیت فرشتگان پیشکش مینمایند، بناء ایجاب میکند تا در روشنی اندیشه های ناب اسلامی و کتب

آسمانی به رد شبهات آنان بپردازیم، تاباشد واقعیت عینی که همانا موجودیت و وظایف مقدس فرشتگان است به همگان بر ملا شود.

هدف تحقیق

هدف از تحقیق در این زمینه پژوهش کامل و بجا در مورد چگونگی فرشتگان است که با دسترسی به منابع که در افغانستان و بسا کتابخانه های الکترونیکی عربی مثل کتابخانه الشامله داشتم خواستم یک تحقیق جامع و کامل در رابطه به این عنوان تهیه نمایم، بناء فشرده هدف بزرگ از نگارش این پایان نامه قرار ذیل است:

1. این اثر در روشنی قرآن کریم چگونگی زندگی فرشتگان را بحث میکند.
2. این تحقیق بهترین رهگشا جهت توجیه درست امت اسلامی در مورد ایمان به فرشتگان است.
3. هدف از تحریر این اثر همانا آگاهی کامل در مورد، فرشتگان و رد شبهات مستشرقین می باشد

سوالات تحقیق

بدون شک صحبت در مورد علم فرشتگان و دفع شبهات مستشرقین صدها چرا و چطور را باخود دارد، که هرکدام نیاز به بازپرسی و پژوهش داشته های اسلامی دارد، مثلاً چگونگی وظایف فرشتگان از دیدگاه اسلام؟ آیا ایمان به فرشتگان وابسته به اندیشه ها ناب اسلامی نیست؟ و یا آنکه حقیقت باورمندی به وجود فرشتگان کدام است؟ اهمیت ایمان به فرشتگان در شرایط کنونی چگونه است؟ و صدها مسائل دیگر که در اینجا به آن پرداخته ایم.

سبب انتخاب موضوع:

عمده ترین سبب انتخاب موضوع قرار ذیل است:
طبق مقررات وزارت تحصیلات عالی افغانستان هر دانشجو در پایان تحصیل خویش موضوعی را تحت نام پایان نامه تحصیلی اش به رشته تحریر درمی آورد، من هم به نوبه خود این لایحه را مسئولیت خود دانسته موضوعی را پیرامون " ملائکه در روشنی قرآن کریم و رد شبهات منکرین و مستشرقین " به عنوان پایان نامه دوره ماستری خویش انتخاب نموده و تحریر نمودم.
چیزی دیگری کن من را واداشت تا این اثر را تحریر نمایم کم توجهی امت اسلامی از چگونگی آفرینش فرشتگان، وظایف محوله آنان در دنیا و آخرت می باشد. پاسخ مثبت به میل و علاقمندی قلبی ام که باید در مورد آفریده های الله جل جلاله من جمله فرشتگان نوشته نمائیم.

پیشینه تحقیق

از آنجا که موضوع ایمان به فرشتگان از دیدگاه قرآن و حدیث از اهمیت بالا برخوردار است بدون شک که در این زمینه تحقیقات و کتابهای متعددی وجود دارد. اما تحقیقات که در این زمینه صورت گرفته است تا حدی پراکنده به نظر میرسد چون محدود از نویسندگان در زمینه به تحقیق جزئی و کلی پرداخته اند که در آن بررسی قرآنی کامل دیده نمیشود به ویژه پیرامون دفع شبهات منکرین که باعث گنجی تعدادی زیادی از نسل جوان است که ذیلاً میتوان ذکر کرد:

برخی از کتب تفاسیر که در لابلای آیه های قرآنی که در مورد فرشتگان صحبت به میان آمده است، همان آیه های قرآنی را تفسیر نموده اند. شبیه تفسیر طبری، قرطبی، ابن کثیر، روح البیان و چندین تفسیر دیگر در این مجال، همه این تفاسیر و صدها تفاسیر دیگر تنها پیرامون جایگاه، وظایف و برخی مسائل دیگری که مربوط به فرشتگان میشود صحبت نموده اند، که در واقع نیاز جدی به جمع آوری و تحقیق در همین راستا دارد.

تعدادی از محدثین در پی شرح برخی از احادیث در باب فرشتگان نیز صحبت نموده اند همانند، صحیحین و سنن اربعه، بیشتر روی مسائل وظایف فرشتگان در دنیا و آخرت و برخی مسائل دیگر نوشته اند.

تعدادی زیادی از کتاب های عربی و فارسی که بخشی بزرگی از موضوع فرشتگان را در روشنائی آیات و احادیث نبوی به بحث گرفته اند همانند کتاب: علم الملائكة بقلم اشقر، عمر بن سلیمان، ضمن بحث آفرینش فرشتگان از عبادت آنان، رابطه میان فرشتگان و انسانها، و آنکه کدام یک بهتر است سخن آمده است که در واقع نیاز بیشتر به بحث و تحقیق دارد، کتاب دیگری بنام: الحق المبين في معرفة الملائكة المقربين، بقلم محمد علی محمد امام، این کتاب بیشتر پیرامون ایمان به فرشتگان، آفرینش فرشتگان، صفات آنان، وظایف فرشتگان، آیا فرشتگان معصوم اند، حکم کسیکه به فرشتگان کفر می ورزند. کتاب دیگری در این باب: رسالة الملائكة، بقلم تنوخی، نیز وجود دارد که باز هم پیرامون مسائل قبلی تحقیق نموده اند.

نوآوری تحقیق

این تحقیق، با در نظر گرفتن تمامی جوانب آن می توان گفت: تقریباً جنبه نو آوری دارد، چون نظر به جستجوی که توسط من انجام گرفت است، تا حدی کم سابقه می باشد، زیرا تا امروز از نظر من کدام تحقیق و پژوهش کامل به زبان فارسی اهل تسنن در راستای فرشتگان به گونه مستقل و کامل صورت نگرفته است. اما بعضی از کتاب های که در این راستا وجود دارد به صورت پراکنده و اجمالی در این مورد به بحث پرداخته اند.

مشکلات تحقیق

هر تحقیق می تواند از جهاتی محدودیت و موانع داشته باشد. بناء این تحقیق هم محدودیت های دارد که عبارت اند از:

عدم دسترسی به کتب مستشرقین بخاطر دفع شبهات آنان.
کمبود وقت و پائین بودن سطح علمی من جهت تحقیق در همچو مسائل مشکل.
کمبود کتب معتبر مصادر و مراجع جهت رسیدگی به اینگونه مسائل.

روش تحقیق

نوع تحقیق، مطالعه قرآنی، گاه هم تحلیلی بوده است، و روش های را که برای انجام این پایان نامه مورد استفاده قرار داده ام عبارت از روش کتاب خانه ای است که با استناد از کتب تفاسیر، احادیث صحیح، کتب متنوعه، و رساله های علمی و پژوهشی استفاده نموده ام.
روش نگارش این پایان نامه بشکل فشرده قرار ذیل است:

1. ذکر آیات قرآن عظیم الشان، با شکل اعراب و خطوط قرآنی،

2. ترجمه آیات از تفسیر نور، مؤلف مترجم مصطفی خرم دل،
3. تفسیر آیات از تفاسیر معتبر نظر به نیازمندی موضوع.
4. ذکر احادیث، از کتب معتبر حدیثی بویژه صحیحین "بخاری و مسلم" و سنن اربعة.
5. نقل قول علماء راجع به درجه احادیث در صورتیکه در بخاری و مسلم نبوده باشد.
6. تشریح و تحلیل آیات در صورتیکه مستقیماً به موضوع ارتباط نداشته باشد.
7. نخست ذکر آیات نظر به موضوع سپس ذکر احادیث در صورت نیاز مطابق به موضوع.
8. ذکر اقوال برخی از علماء راجع به آیات در صورت نیاز و تحلیل بیشتر راجع به موضوع.
9. تعریف واژه های نا آشنا را از کتب معتبر لغات و کتب تفاسیر تعریف نموده ام.

نحوه نگارش:

این پایان نامه مشتمل بر یک مقدمه، سه فصل، نتیجه گیری، فهرست موضوعات، آیات، احادیث، و منابع اند که به شکل ذیل ترتیب یافته است:

مقدمه که شامل: بیان موضوع، اهمیت آن، سوالات تحقیق، سبب اختیار موضوع، پیشینه تحقیق، نوآوری تحقیق و روش نگارش تحقیق به تفصیل تذکر رفته است.

در فصل اول: روی مفاهیم کلی فرشتگان که شامل ذکر ملائکه در قرآن کریم، جایگاه فرشتگان، نامهای و وظایف آنان، ایمان به فرشتگان، و دلایل ایمان به آنان، ثمره ایمان به فرشتگان همگام با صفات آنان از دیدگاه قرآنی تحقیق تفصیلی شده است.

در فصل دوم: روی مسائل متعلق به رد شبهات منکرین ملائکه با در نظر داشت، رد شبهات مشرکین، همانند تانیث بودن آنان، پیامبر بودن شان همچنان رد شبه الوهیت فرشتگان صحبت شد، متعاقباً در مبحث دوم روی رد شبهات یهودیها نیز صحبت گردید، همانند رد شبه دشمنی با جبرئیل، رد شباهت خلقی ملائکه با انسان و چندین مسائل دیگر صحبت تفصیل گردید.

در فصل سوم: مسئله مستشرقین و رد شبهات پیرامون ملائکه صحبت نموده ام، در مبحث اول این فصل روی شناخت مستشرقین، و تاریخچه استشرق، اهداف آنان، صحبت مفصل گردید، سپس در مبحث دوم رد شبهات پیرامون فرشتگان با در نظر داشت رد شبه حمایت فزیک و معنوی آنان صحبت شد، متعاقباً رد پیرامون وظایف ملائکه در دنیا و آخرت به بحث گرفته شد که در این بخش از پایان نامه روی رد شبه حملة العرش، پرواز فرشتگان صحبت شد در فرجام مسئله فرشتگان از دیداه تورات و انجیل به بحث گرفته شد.

در فرجام این پایان نامه روی چند فهارس مهم تمرکز صورت گرفته است همانند: نتیجه گیری، فهرست قرآن، فهرست احادیث، فهرست اعلام و فهرست مطالب

فصل اول

مفاهیم کلی

با پیشرفت همه روزه جهان و ماشینی شدن زندگی بشر، مسلمانان نیز در دام زرق و برق دنیا افتاده، شب و روز برای بدست آوردن متاع ناچیز دنیا اهتمام می ورزند، به منظور بیداری و انتباه از این غفلت و روی آوردن به زندگی بندگان مطیع و معصوم پروردگار این پایان نامه ماستری تهیه یافته، تا در پرتو روشنایی این اثر فگر و اندیشه خویش را بسوی راه درست سمت سو داده و آماده حساب و کتاب در حضور پروردگار در روز قیامت بوده باشیم، روزیکه جزء قلب سالم چیزی دیگری به نفع انسان نمی انجامد:

بناءً فصل حاضر شامل چهار بحث در مورد مفاهیم کلی فرشتگان می باشد، در بحث اول به مفاهیم کلی فرشتگان پرداخته ام، در بحث دوم در باره وظایف فرشتگان و متعاقباً روی مسائل دیگری در این مورد صحبت نموده ام، به همین شیوه برخی از مسائل دیگری که ارتباط مستقیم به مفاهیم کلی فرشتگان، شبهات و مستشرقین داشت نیز تحقیق تفصیلی صورت گرفته است.

پیشگفتار

سخن از فرشتگان بستگی به ایمان و باورمندی به الله جل جلاله متعال دارد، آنکه فرشتگان را بیافرید، ملائکه هائیکه موجودات مجردی هستند، همانگونه که تسلیم امر پروردگار خویش نیز هستند و از عبادت حضرتش سر باز نمی زنند. برخی از آنها همواره حق تعالی را در حال سجده عبادت می کنند، برخی همیشه در رکوع اند و برخی در قیام و گروهی هم الله متعال را تسبیح می گویند، همانگونه که الله می فرماید: {لَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا} ¹ ترجمه: آنان که بردارندگان عرش خداوند و آنان که گرداگرد آند به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند.

فرشتگان اجسام لطیف و نورانی هستند که در علم و قدرت بر انجام کارهای طاقت فرسا توانائی کامل دارند. کار آنها اطاعت از الله است. ایشان رسولان الهی به سوی انبیا هستند که شب و روز الله جل جلاله متعال را تسبیح می کنند و خسته نمی شوند. آنچه خدا به آنها امر می کند نافرمانی نکرده و از دل و جان انجام می دهند: {عَلَيْهَا مَلَكَةٌ غِلَظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ} ² ترجمه:

فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند. از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند، و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند. در باب تعداد فرشتگان الهی آیه ها و احادیث متعددی در دست است که همگی آنها گاه بر محدودیت وظیفوی و گاه بر فراوانی تعداد فرشتگان دلالت دارند، به گونه ای که به هیچ وجه قابل مقایسه با تعداد انسان ها نیست. فرشتگان کارهایی دارند و هر یک از آنها مکلف به عمل معینی هستند و هیچ تأخیری در انجام آن کار را نمی کنند، بلکه فوراً آنها را انجام داده و الله جل جلاله را نافرمانی نمی کنند. هر یک از انسانها دو فرشته مأموریت دارد، یکی بر سمت راست حسنات و نیکی های او را می نویسد، و دیگری در سمت چپ او بدیها را می نویسد. ³

ایمان داشتن به فرشتگان مترتب بر چند چیز خواهد بود: تصدیق کردن بوجود آنها، مقام و منزلت آنها، اینکه آنها مانند انس و جن از بندگان و مخلوقات خداوند، اینکه هیچ عملی نمی توانند انجام دهند مگر بفرمان خدا، به هیچ وجه بخدا شرک نمی ورزند، عرش با عظمت خدا را حمل می کنند، بزرگترین و عظیمترین سربازان خداوند، و غیر از اینها.

از جمله فرشتگان آنها هستند که الله جل جلاله نام آنان را برایمان ذکر فرموده است، مانند جبریل و میکائیل و اسرافیل، ملک الموت و مالک نگهبان جهنم و ما به تمامی آنان ایمان می آوریم چه آنانیکه نامشان ذکر شده و چه آنانیکه نامشان ذکر نشده است، و به اعمال و کرداری که آنان به فرمان خدا آن اعمال را انجام می دهند ایمان می آوریم. و فرشتگانی هستند که جز الله جل جلاله کس دیگری از آنها خبر ندارد، و آنان را دوست داریم. و آنها بیشترین کسانی هستند که بنی آدم را به نیکی و خیر نصیحت می کنند، و برای آنان استغفار می کنند: {وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ} ⁴ ترجمه: (در آن روز، ای مخاطب!) فرشتگان را خواهی دید که گرداگرد عرش خدا حلقه زده اند و به سپاس و ستایش پروردگار خود مشغولند. در میان (بندگان خدا

1. سوره غافر 7

2. سوره تحریم 6

3. عتیبی، عمر بن سلیمان بن عبد الله الأشقر العتیبی، عالم الملائكة الأبرار، ناشر: مكتبة الفلاح، الكويت، سال نشر: 1083م، ج 1 ص 10.

4. سوره زمر 75

داوري مي شود) و دادگرانه و واقعي در ميانشان داوري مي گردد و گفته مي شود : حمد و سپاس الله جل جلاله جهانيان را سزا است ! وقتي انسان در تمام حالات و انفعالات خود، پروردگار متعال را حاضر و ناظر دانسته و بداند كه مأمورين الله جل جلاله (ملائكه) كليهي حرركات و سكنات او را ثبت مي كنند احساساتي الهي در هنگام عمل به او دست داده و روحيه ي اخلاص را در او تقويت مي كند.

شب و روز به ذكر و تسبيح الله جل جلاله مشغولند و هيچگاه خسته و ملول نمي شوند. تعدادشان را جز پروردگار كسي نمي داند، و الله جل جلاله آنانرا به اعمال و وظائف مختلفي مكلف فرموده است آنان داراي اجسامي نوراني و لطيف مي باشند كه قادرند خود را به شكل ها و صورت هاي پاك درآورند. بسيار قوي و نيرومند هستند و مي توانند سريع جابه جا شوند. الله جل جلاله آن ها را براي عبادت خود و اجراي اوامرش انتخاب كرد و برگزيد. آن ها در هيچ كاري نافرمانی الله جل جلاله نمي كنند و آنچه را كه به آن ها امر شده، انجام مي دهند. 1 فرشتگان در واقع نگهبانان بر انسان گمارده شده اند، فرشتگاني كه با انسان همراه مي گردند و مراقب او هستند و از وي پاسداري مي نمايند، و هر چيزي را بكنند آن را به حساب او مي گيرند و ثبت و ضبط مي كنند.

بخش اول: مفهوم ملائكه:

عالم ملائكه همانند بسياري از عالم ها مانند: عالم جن، عرش، كرسي، لوح و قلم، جزء عالم غيب مي باشد و عدم درك آن نمي تواند بهانه و دليلي براي رد اين عالم باشد.

لغت شناسان و مفسران در واژه "مَلَك" اختلاف نموده اند. زمخشری 2 می نویسد: ملائكه جمع آن "ملائك" است؛ مانند شمائل كه جمع آن "شمائل" است، تا در آخر آن دلالت به جمع بودنش ميكند. 3

راغب اصفهانی 4 بيان می دارد كه اصل واژه ملائكه، "مَلَك" است كه مقلوب از مَلَأَك — المَلَأَك و المَأَلَكه و الأولوك — يعنی پیام و رسالت می باشد. 5 برخی ديگر معتقد اند كه اصل ملك "مَلَك" است، آن گاه لام را مقدم و همزه را مؤخر نمودند و واژه مَلَأَك شكل گرفت كه از «أَلَوَكه» به معنی رسالت است، سپس همزه به دليل كثرت استعمال حذف و به واژه «مَلَك» تبديل گشت. چون اين كلمه جمع شود به اصلش برگشته و "ملائك" می شود و "تاء" را برای مبالغه يا تأنيث جمع بر آخر آن اضافه کرده اند. 6

خلاصه آنكه بنا بر نص صريح قرآن كريم، ملائكه جمع ملك است و شاهد مدعاى ما آيه 95 سوره "اسراء"، است كه می فرمايد: {قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا

1. سحيمي، صالح بن سعد سحيمي، اصول عقايد اهل سنت در پرتو كتاب و سنت، ج 1 ص 126
2. زمخشری أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله، در سال 467 در زمخشر یکی از قريه های نواحی خوارزم چشم به جهان گشود، وی یکی از امام تفسیر، لغت، ادب، زمانی به مکه سفر نمود و در همانجا سالها در کنار حرم زیست تا آنكه لقب جار الله را به خود گرفت، وی یکی از بزرگان معتزله بود، بیشترین اثر را از خود بجا گذاشته است و در سال 538 از دنیا رحلت کرد
3. زمخشری، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل ناشر: دار الكتاب العربي - بيروت، سال نشر 1407، ج 1 ص 251.
4. الراغب اصفهانی، المفردات فی غريب القرآن الاصفهانی، أبو القاسم الحسين بن محمد، بن المفضل، معروف به راغب اصفهانی، المفردات فی غريب القرآن از جمله ادیبان حکما و اهل اصفهان بود، در بغداد سکونت گزید، و در آنجا شهرت حاصل نمود، وی کتب متنوعه دارد از جمله کتاب هایش، المفردات فی غريب القرآن می باشد، (الاعلام لزرکانی، ج 2 ص 255).
5. راغب، أبو القاسم الحسين بن محمد، بن المفضل، معروف به راغب اصفهانی، المفردات فی غريب القرآن، ناشر دار القلم، الدار الشامیة - دمشق بيروت، سال نشر 1412 هـ ج 1 ص 82
6. ابن منظور، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفی الإفريقی، لسان العرب، محمد بن مکرم بن علی، ناشر دار صادر - بيروت سال نشر 1414 ج ص - زبیدی، محمد بن محمد بن عبدالرزاق الحسنی، أبو الفيض، زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، انتشارات دار العلم، سال نشر 2002م

رَسُولاً¹ ترجمه: گو: اگر در زمین (به جاي انسانها) فرشتگاني مستقر و در آن راه مي رفتند ، ما از آسمان (از جنس خودشان) فرشته اي را به عنوان پيغمبر به سويشان مي فرستاديم. بدین منظور می توان نوشت که اصل ملائکه جمع ملک است که به آن در زبان فارسی فرشته می گویند.

ملائکه در اصطلاح دانشمندان: عبارت اند از: (الْمَلَكُ جِسْمٌ لَطِيفٌ نُورَانِيٌّ يَتَشَكَّلُ بِأَشْكَالٍ مُخْتَلِفَةٍ، وَمَسْكَنُهَا السَّمَاوَاتُ) 2 یعنی ملک مخلوقی لطیف و نورانی به شکل و شیوه های متفاوت تبارز می یابد و محل سکونت اش آسمان می باشد. یعنی فرشته موجودی است لطیف و آسمانی و از مأموران الهی و واسطه رساندن فیض به بندگان.

شرح تعریف: واژه های ذیل که در تعریف تذکر رفت قرار ذیل است:

1. **جسم:** جسم چیزی است که دارای درازا و پهنا و ژرفا باشد (طول و عرض و عمق) اجزاء هر جسمی از جسمیت خارج نمی شود هر چند که تکه تکه و جزء جزء شود باز آن جزء ابعاد دارد. 3 همانگونه که الله جل جلاله در مورد طالوت می فرماید: {وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ} 4 ترجمه: و دانش و (قدرت) جسم او را وسعت بخشیده است. فرشتگان دارای جسم هستند: فرشتگان روح مجرد نبوده بلکه جسم اند و در بین انسانها موجودند اما انسانها با چشم ظاهری قادر به دیدن آنها نیستند. در صحیح بخاری “کتاب بدء الخلق” آمده است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم، حضرت جبرئیل را در حالی در آسمان مشاهده فرمود که جبرئیل بر روی یک صندلی در بین زمین و آسمان، نشسته بود که این کیفیت، دلالت بر جسم بودن فرشتگان دارد.⁵

2. **لطیف:** از لطف گرفته شده است. اگر با واژه- لطیف- جسم توصیف شود ضدش- جتل و ثقیل- است یعنی کثرت و سنگینی، چنانکه میگویند- شعر جتل- یا موهای زیاد، و گاهی حرکت آرام و سبک یا پرداختن به کارهای دقیق را با واژه های- لطافت و لطف تعبیر میکنند، و چیزی را هم که با حواس ظاهر قابل درک نیست با کلمه لطائف بیان میشود، از این روی اگر خدای تعالی با آن وصف شود درست است و یا اینکه به جهت علم او به دقائق امور، یا از جهت مرحمت و لطف او به بندگان و هدایت آنها. 6 همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ} 7 ترجمه: حقیقهٔ پروردگارم هرچه بخواهد سنجیده و دقیق انجام می دهد.

3. **نورانی:** بر گرفته شده از نور است، یعنی، روشنائی پراکنده ایکه کمک به دیدگان و بینائی میکند که دو گونه است نور دنیائی و نور اخروی. نور دنیوی به دو قسم است:

1. سوره اسراء 95
2. علي بن محمد بن علي الزين الشريف الجرجاني جرجاني، التعريفات، ناشر دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، سال نشر 1983 ج 1 ص 194- مجموعه از نویسندگان، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية در کویت، الموسوعة الفقهية الكويتية، ناشر، دارالسلاسل - الكويت، سال نشر 1427 هـ. ج 39 ص 5
3. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ج 1 ص 399
4. سوره بقره 247
5. بخاری، صحیح بخاری، محمد بن اسماعیل البخاری، صحیح البخاری، ناشر، دار الفکر بیروت، سال نشر 1999م، ج 1 ص 7
6. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ج 1 ص 740
7. سوره یوسف 100

ا. نور معقول که کمک به چشم دل و بصیرت میکند، مثل نوری که از ضمیر و اوامر الهی مانند نور عقل و نور قرآن است.

ب. نور محسوس که به دیدن چشم ظاهر کمک میکند که از اجسام نورانی ساطع و منتشر میشود. مثل نور خورشید و ماه و ستارگان و سایر اشیاء نورانی (چراغ و غیره).¹ نور الهی همانند قوله تعالی: {قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ}² ترجمه: از سوی خدا نوری (که پیغمبر است و بینشها را روشنی می بخشد) و کتاب روشنگری به پیش شما آمده است. و چندین آیات دیگر در قرآن کریم. همچنان از نورهای محسوس که به دیدن چشم کمک میکند مثل این فرموده الله جل جلاله که می فرماید: {هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا}³ ترجمه: خدا است که خورشید را درخشان و ماه را تابان گردانده است. بکار بردن- ضیاء- برای خورشید و- نور- برای ماه اینست که ضوء و ضیاء اخص از نور است- واژه نور برای عمومیت داشتن آن است.⁴ فرشتگان از نور خلق شده اند: در صحیح مسلم روایتی از ام المومنین عائشه رضی الله عنها آمده است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: (خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ، وَ خُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ، وَ خُلِقَ آدَمُ مِمَّا وَصَفَ لَكُمْ)⁵ ترجمه: فرشتگان از نور خلق شده اند، جنها از شعله آتش خلق شده اند، و آدم از آنچه که برای شما توصیف شده (یعنی از خاک) خلق شده است.

4. يتشكل بأشكال مختلفة: المشاكلة: همانند و همگونی در صورت و هیئت ظاهر و ناهمگونی در جنسیت و شباهت در کیفیت (تخالف و ناهمگونی در جنسیت نسبت به يك نوع خاص که هر دو معنی از نظر ضدیت و مخالفت در همانندی است). گفته شده- شکل- حالتی از وقار و آرامش در اخلاق و ظاهر آدمی است و در حقیقت انس الفتی است که در راه و روش میان دو همسر و همانند وجود دارد، از این روی می گویند: النَّاسُ أَشْكَالٌ.⁶ مختلفه یعنی یکسان نیستند منحصر به یک جسم و صورت نیستند و بلکه چهره های بسیار متنوع و اشکال مختلف دیگر دارند.

به فرشتگان این قدرت داده شده است که می توانند به اشکال مختلف درآیند. البته فرشتگان به اشکال زیبا و انسانهای صالح و نیک در می آیند.⁷ ظاهر شدن حضرت جبرئیل به صورت یک انسان زیبا و خوش قیافه در مقابل حضرت مریم و بشارت تولد حضرت عیسی علیه السلام⁸ همچنان ظاهر شدن فرشتگان به عنوان میهمانان حضرت ابراهیم؛⁹ و موارد دیگری در قرآن نمونه های بارزی اند که به این موضوع اشاره دارند.

1. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج 4، ص: 407

2. سوره مائده 15

3. سوره یونس 5

4. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ج 4 ص 408

5. نیشاپوری، مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشیری، صحیح مسلم، دار إحياء التراث العربی، بیروت 1999م ج 4 ص 299

6. همان مرجع ج 2 ص 345

7. شهود، علی بن نایف الشحود، الايمان بالملائكة و بیان صفاتهم، ناشر دار المعمور، سال نشر 1430هـ - 2009م ج 1 ص 6

8. سوره مریم 16-19

9. سوره ذاریات 17-24

در احادیث متعددی نیز این مطلب به اثبات رسیده است. در حدیثی از حضرت عمر¹ رضی الله عنه روایت شده است که یک بار حضرت جبرئیل علیه السلام به صورت یک انسان با لباسهای سفید و موهای سیاه در مقابل آنحضرت صلی الله علیه وسلم حاضر شده و در مورد اسلام، ایمان، احسان، قیامت و نشانه های آن از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم سؤال کرد.²

1. مسکن: سکن السکون: ایستادن و ثابت شدن چیزی بعد از حرکت است و در ساکن شدن و منزل گزیدن نیز بکار می رود- مثل- سکن فلان مکان کذا: یعنی: منزل گزید. مسکن اسم مکان است، یعنی جای سکونت، جمعش- مساکن- است.³ الله جل جلاله تعالی می فرماید: {فَأَصْبَحُوا لَا يَرَى إِلَّا مَسَاكِينَهُمْ} 4 ترجمه: پس (از چندی ، تندباد ایشان را دربر گرفت و هلاک گشتند و) به گونه ای درآمدند که جز خانه هایشان چیزی به چشم نمی خورد !.

2. السموات: سماء کلّ شیء: فوق و بالای هر چیزی باشد، بعضی گفته اند: هر بالایی به نسبت پائینش- سماء- است و به نسبت مافوق و بالاترش.⁵ همانگونه که الله متعال می فرماید: {اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ} 6 ترجمه: خدا همان است که هفت آسمان را و همانند آن زمین را آفریده است. واژه- السّماء- در برابر واژه- ارض- است: {ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ} 7 ترجمه: آنگاه تدبیر آسمانها فرمود و برابر، و استوارشان داشت) سماء- بصورت- سماوات- هم جمع بسته می شود، همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {خَلَقَ السَّمَاوَاتِ} 8 ترجمه: در اینجا سماوات مؤنث بیان شده، توجیه و جهتش اینست که واژه- سماء- مثل واژه- نخل- در شجر است و کار بردش مثل اسم جنس است که مذکر و مؤنث دارد و بالفظ مفرد و جمع هر دو بیان می شود ولی سمائی که نام باران است همیشه مذکر است و بصورت- اسمیه- یعنی باران ها جمع بسته شده است.⁹

1. حضرت عمر عمر فرزند خطاب فرزند نفیل فرزند عبدالعزی فرزند رباح بن عبدالله بن فرط بن رزاح بن عدي بن كعب بن لؤي (1) بن غالب قرشي عدوي است ونسبش در كعب بن لؤي با نسب رسول خدا - صلی الله علیه وسلم - يكي مي شود، كنيه اش، ابو حفصن؛ و لقبش، فاروق است. زیرا او، نخستین کسی است که اسلام را در مکه آشکار ساخت و بدین سان خداوند متعال، به وسیله ی او میان حق و باطل و اسلام و کفر، جدایی انداخت، عمر رضي الله عنه سه سال پس از عام الفیل چشم به جهان گشود او، چهره ای سرخ و سفید داشت که سرخی چهره اش بیشتر بود و گونه ها، بینی و چشمانی زیبا داشت. کف دستها و قدمهایش، پهن و درشت بود؛ وی، بلند قامت، تنومند، قوی و شجاع بود، پدر عمر، خطاب بن نفیل؛ و مادرش حنتمه دختر هاشم بن مغیره بود، عمر رضي الله عنه همچون سایر قریشیان، بخشی از زندگی خویش را در دوران جاهلیت سپری کرده است، عمر رضي الله عنه شخصی فرزانه، بردبار، بزرگوار و توانا بود که استدلالهای قوی و محکمی داشت، بعد از ابوبکر صدیق خلافت اسلامی را به عهده گرفت و در راه اسلامی خدمات ارزنده ی را انجام داد بیشتر از ده سال خلافت نمود بالاخره در سال هجری توسط ابو لولوی مسیحی به شهادت رسید. (ابو عبد الله محمد بن سعد بن منیع الهاشمی بالولاء، البصري، البغدادي المعروف بابن سعد، الطبقات الكبرى، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، سال نشر 1990 م ج3 ص 265-268، - ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، البداية والنهاية، ناشر دار الفكر - بيروت سال نشر، 1986 م)

2. بخاری، صحیح بخاری، ج 1 ص 19

3. زبیدی، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسینی، أبو الفیض، الملقب بمرتضی، الزبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشر دار الهدایه، بدون تاریخ ج 35 ص 198

4. سوره احقاف 25

5. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين، مقاييس اللغة، ناشر دار الفكر، سال نشر 1979، ج 3 ص 98

6. سوره طلاق 21

7. سوره بقره 29

8. سوره بقره 164

9. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ج 2 ص 263

بخش دوم: مفهوم شبه:

الشَّبه و الشَّبهه: حقیقت معنی آن در همسانی و مشابهت از جهت کیفیت است. مثلاً در رنگ و مزه، و همچنین برابری و همسانی در عدالت و در ستم باشد. (شُبْهَة): آن است که چیزی از دیگری که میانشان همسانی و شباهت است، تمیز داده نشود، یا از جهت جسم یا کیفیت و معنی.¹ چنانکه الله جل جلاله می فرماید: {وَأَتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا²} یعنی بعضی از آن ها به بعضی دیگر، از نظر رنگ و مزه و حقیقت شباهت دارند. که گفته اند همانندی در کمال و خوبی است (اشاره به نعمات بهشتی است) همانگونه که در جای دیگری می فرماید: {مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ³} ترجمه: همگون و یا غیر همگونند، و همچنین گفته شده همه آن نعمت های بهشتی به یکدیگر شبیه است که البته هر دو معنی فوق بهم نزدیک است. و آیه: {إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهُ عَلَيْنَا⁴} ترجمه: به راستی این گاو بر ما مشتبه است (و ناشناخته مانده است). متشابه چیزی است که از لفظ معنا دریافت نمی شود همانند تشبیه زیورات به طلا، و مشبهات به امور گفته میشود که اشکال، شک و شبه وارد میکند،⁵ هدف از شبهه در این اثر ایجاد شک و تردید، پیرامون مسائل عقیدوی است تا عقیده مسلمان نسبت به خداوند، قرآن کریم و پیامبر صلی الله علیه وسلم متزلزل شود.

بخش سوم: شناخت منکرین

واژه منکر به به ضم میم و کسر کاف بمعنی انکار کننده و رد کننده آمده است. و واژه منکر به ضم میم و فتح کاف سکون نون، اسم مفعول از انکر است، و آن بر خلاف معروف و یا امر پسندیده می باشد. بدین منظور منکر امر قبیح و ناپسند را گویند. هر کاریست که عقل ها و خردهای صحیح زشتی آنرا حکم میکند یا اینکه عقل ها در زشتی و خوبی آن کار سکوت میکنند. منکر به ضم میم و فتح کاف عبارت است از: هر آن فعل و قولیکه در آن رضایت الله نباشد.⁶ منکر به ضم میم و کسر کاف عبارت است از نپذیرفتن، حاشا کردن، ابا و امتناع ورزیدن از آنچه که قلب به آن میل ندارد.⁷ هدف از منکرین در این اثر کسانی است که موجودیت فرشتگان را انکار دارند و به واقعیت زندگی و ظایف آنان باورمند نیستند.

بخش سوم شناخت منکرین:

هدف از منکرین در این بخش آنعه افرادی هستند که بدون موجب در برابر حق قرار میگیرند، و حقایق را انکار می ورزند. مثلاً انکار در نعمت که بیشتر در همین مورد بکار میرود و واژه - کفر - بیشتر در مورد دین - (کفور) - یعنی حق ناشناس و ناگرونده به حق، در هر دو قسمت یعنی هم در مورد نعمت و هم در مورد دین است.

کفر در لغت پوشیده شدن چیزی است، شب را هم بخاطر اینکه اشخاص و اجسام را با سیاهی میپوشاند همانگونه که منکر حق را می پوشاند. الله جل جلاله خطاب به منکرین می فرماید:

1. زبید، تاج العروس، ج36 ص411 - ج36 ص411

2. سوره بقره 25

3. سوره انعام 99

4. سوره بقره 70

5. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين، معجم مقاييس اللغة، ناشر دار الفكر، سال نشر 1399 هـ - 1979 م، ج3 ص243.

6. حموی، أحمد بن محمد بن علي الفيومي ثم الحموي، أبو العباس، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، ناشر المكتبة العلمية - بيروت، سال نشر 2004 م ج2 ص456

7. معین، فرهنگ معین ج1 ص298

{وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ} 1 ترجمه: و نخستین کافران به آن نباشید (به جایی این که نخستین مؤمنان به آن باشید). واژه کافر بطور عموم در مورد کسی که وحدانیت و یگانگی الله جل جلاله یا نبوت و دین و یا هر سه را انکار می کند متعارف و معمول است و بیشتر بکسی کافر می گویند که در شریعت و دین اخلال کند و آنچه را که لازمه شکر بر الله جل جلاله است ترك نماید. 2

از برای یک فرد مسلمان جایز نیست امری از امور دینی را انکار کند زیرا انکار بعضی از امور دینی فرد را به کفر می کشاند، برخی دیگر وسیله گنگهاری فرد میگردند. نزد جمهور علماء کسیکه فهمیده یکی از امور دینی را که همه علماء به صحت و وجوب آن اجماع کرده باشند انکار می کنند همانند وجوب نماز، زکات، حج و برخی از مسائل حرام مثل حرمت زنا، حرمت گوشت خنزیر و برخی موارد دیگر که منکر اینگونه مسائل کافر است. احناف اضافه نموده اند که انکار مسائلی که قطعی الثبوت باشد. 3

فشرده کلام آنکه ملائکه موجوداتی نورانی و مجرد هستند که شأنشان افاضه خیر است و انسان را به سوی سعادت فرامی خوانند. ملائکه دارای اصناف گوناگونی هستند و هر دسته از آنان موظف به انجام وظیفه ای می باشند که از سوی الله جل جلاله به آنان محول گشته است. در این میان، دسته ای از ملائکه، عهده دار ابلاغ پیام از عالم بالا به عالم مادی هستند. بحث از این دسته از ملائکه که واسطه میان عالم ملکوت و عالم مادی می باشند.

فصل اول

ملائکه در روشنی قرآن کریم

جهان فرشتگان غیر از جهان انس و جن می باشد، زیرا دنیای ملائکه جهان پاک و خوشی و صفا است، و آنها مخلوقاتی با تقوی هستند، خدا را به حق عبادت می کنند، و آنچه به آنها امر شود انجام می دهند و به هیچ وجه سر پیچی اوامر خدا را نمی کنند.

ایمان به فرشتگان یکی از ازکان ایمان به الله جل جلاله است، و ایمان بنده کامل نمی شود مگر با ایمان آوردن به فرشتگان، ایمان داشتن به فرشتگان مترتب بر چند چیز خواهد بود: تصدیق کردن بوجود آنها، مقام و منزلت آنها، اینکه آنها مانند انس و جن از بندگان و مخلوقات خدایند، اینکه هیچ عملی نمی توانند انجام دهند مگر بفرمان الله جل جلاله، دیگر آنکه به هیچ وجه بخدا شرك نمی آورند، عرش با عظمت خدا را حمل می کنند، بزرگترین و عظیمترین سربازان خدایند، و برخی وظایف را در امور دنیا و تعداد وظایف دیگر در دنیای قیامت به ویژه در امور بهشت و دوزخ به انجام میرسانند. در این فصل روی ایمان به فرشتگان، جایگاه فرشتگان، وظیفه آنان، آفرینش و بسا موارد دیگر به تفصیل صحبت خواهیم نمود.

1سوره بقره 418

2. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ج1 ص 714

3. ابن عابدین، ابن عابدین، محمد امین بن عمر بن عبد العزیز عابدین الدمشقی الحنفی، رد المختار علی الدر المختار، دار الفکر-بیروت، سال نشر 1992م ج3 ص 284 - بهوتی، منصور بن یونس بن صلاح الدین ابن حسن بن إدريس البهوتی الحنبلی، شرح منتهی الارادات، ناشر: عالم الکتب، سال نشر 1993. ج3 ص 386

مبحث اول ذکر ملائکه در قرآن کریم تمهید

قرآن و سنت بطور مفصل این موضوع را شرح داده، و زوایای مختلف آن را بیان کرده اند. هر کس قرآن و سنت را در این زمینه مطالعه کند، ایمان و اعتقاد به فرشتگان برایش واضح خواهد بود، هیچ گنگی و ابهامی نخواهد یافت، و این مطالعه موجب ایمان عمیق و راسخ بودن این اعتقاد می‌گردد؛ زیرا شناخت تفصیلی از شناخت مختصر و فهرست وار محکم‌تر و استوارتر است. قرآن و سنت بدین جهت پیرامون فرشتگان به طور مفصل بحث نموده اند که انسان بدون وحی نمی‌تواند به شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد.¹

ملائکه در قرآن کریم یکی از ستونهای ایمان، عقیده ی راسخ و باور راستین به آنان شاخصه دینی خوانده شده است، همانگونه که عدم اعتقاد به آنان یعنی نقص ایمان و سقوط انسان در دایره ی انسانی خوانده شده است. طبق نص قرآن و حدیث و اجماع امت اسلامی ملائکه وجود دارند و انکار آنها سبب کفر می‌گردد پس اعتقاد به وجود آنها واجب است و الله جل جلاله نیز مؤمنین را بدلیل ایمان به ملائکه که از امور غیبی است تمجید می‌نماید.² حتی پیامبران یکی پی دیگری به وجود فرشتگان ایمان راستین داشتند آیات زیادی از قرآن درباره صفات، ویژگی‌ها، مأموریت‌ها و وظایف فرشتگان سخن می‌گوید، حتی قرآن، ایمان به ملائکه را در ردیف ایمان به خدا و انبیا و کتب آسمانی قرار داده است و این دلیل بر اهمیت بنیادی این مسئله است: {أَمَّنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ} ³ ترجمه: فرستاده (خدا ، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مؤمنان (نیز) بدان باور دارند . همگی به خدا و فرشتگان او و کتابهای وی و پیغمبرانش ایمان داشته.

فرشتگان مخلوقی از مخلوقات الله جل جلاله هستند، دارای اجسامی نورانی و لطیف می‌باشند که قادرند خود را به شکل‌ها و صورت‌های پاک درآورند. بسیار قوی و نیرومند هستند و می‌توانند سریع جابه‌جا شوند. تعدادشان بسیار زیاد است و جز الله جل جلاله تعدادشان را کسی نمی‌داند. الله جل جلاله آن‌ها را برای عبادت خود و اجرای اوامرش انتخاب کرد و برگزید. آن‌ها در هیچ کاری نافرمانی الله جل جلاله نمی‌کنند و آنچه را که به آن‌ها امر شده، انجام می‌دهند.⁴ در واقع دیدگاه قرآن عظیم‌النشان از فرشتگان خلیفها واضح و روشن است همانگونه که برخی از صفات آنان را پروردگار چنین در کتابش بیان میکند:

فرشتگان موجوداتی عاقل و باشعورند و بندگان گرامی خدا هستند؛ { وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ } ⁵ ترجمه: برخی از کفار عرب (می‌گویند : الله جل جلاله رحمان فرزندان) برای خود ، به نام فرشتگان (برگزیده است) چرا که ملائکه دختران خدایند !) . سبحان پاک و منزّه (از این گونه نقصها و عیبه) است . (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند.

1. اشقر، عمر سلیمان اشقر، دنیای فرشتگان، سایت عقیده اهل سنت و جماعت www.Aqeedah.com ج 1 ص 2
2. قشمی، احمد بازماندگان قشمی، ملائکه الرحمن ، سایت عقیده اهل سنت و جماعت. www.Aqeedah.com ج 1 ص 32
3. سوره بقره 285
4. اشقر، عمر بن سلیمان بن عبد الله الأشقر، عالم الملائكة الأبرار، ناشر: مكتبة الفلاح، الكويت، سال نشر 1983م ج 1 ص 81
5. سوره انبیاء 26

آنها سر بر فرمان خدا دارند و هرگز معصیت او را نمی‌کنند؛ فرشتگان فقط آنچه را که به آنها امر شود، انجام می‌دهند و به فرمان الله جل جلاله به حرکت در می‌آیند.¹ و در حد و مرز فرمان او توقف می‌کنند {لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِ يَعْْمَلُونَ} 2 ترجمه: آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار یزدانند که هرگز) در سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند ، و تنها به فرمان او کار می‌کنند.

آنها وظایف مهم و بسیار متنوعی و سنگین را از سوی الله جل جلاله بر عهده دارند: همانگونه که الله جل جلاله در مورد جبرئیل می‌فرماید: {عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى} 3 ترجمه: (جبرئیل ، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. ابن کثیر 4 رحمه الله در تفسیر این آیه می‌گوید: قدرتش آنقدر زیاد است که سرزمین قوم لوط را با تمام سکنه ی آن که نزدیک چهارصد هزار نفر بودند با حیوانات، عمارات و کشتزارها همه را با یک طرف بالش بالا برده تا اینکه ملائکه صدای سگهایشان را می‌شنیدند سپس آن سرزمین را منقلب نمود و بر زمین کوبید.⁵

آنها پیوسته مشغول تسبیح و تقدیس الله جل جلاله هستند، چنان‌که می‌خوانیم: {وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَن فِي الْأَرْضِ} 6 ترجمه: فرشتگان تسبیح و حمد پروردگار خود را بجا می‌آورند و برای کسانی که در زمین هستند استغفار می‌کنند.

با این حال انسان به حسب استعداد تکامل از آنها برتر و والاتر است تا آنجا که همه فرشتگان بدون استثنا به خاطر آفرینش آدم به سجده افتادند و آدم معلم آنها گشت. چنانکه الله جل جلاله می‌فرماید: {وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ} 7 ترجمه: و هنگامی (را یادآوری کن) که به فرشتگان گفتیم: برای آدم سجده (بزرگ داشت و خضوع ، نه عبادت و پرستش) بپريد. همگی سجده بردند جز ابلیس که سر باز زد و تکبر ورزید، و (به خاطر نافرمانی و تکبر) از زمره کافران شد. همه به سجده افتیدند مگر شیطان که از امر پروردگار سرباز زد.⁸

آنها گاه گاه به صورت انسان در می‌آیند و بر انبیاء و حتی غیر انبیاء ظاهر می‌شوند چنان‌که در سوره مریم می‌خوانیم: {فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا} 9 ترجمه: در این هنگام (ما جبریل (فرشته) خویش را به سوي او فرستادیم و جبریل در شکل انسان کامل خوش قیافه ای بر مریم ظاهر شد. آنها نه خواب دارند نه سستی و غفلت. بلکه مقامات مختلف و مراتب متفاوت دارند بعضی همیشه در رکوع اند و بعضی همیشه در سجود اند: {وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ* وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ* وَإِنَّا لَنَحْنُ

1. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة الفقهية الكويتية، ناشر ، دارالسلاسل – الكويت، سال نشر 1427 هـ.

2. سوره انبياء 27

3. سوره النجم 5

4. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، در سال 700 هـ در دمشق تولد شد، او مفسر كبير، فقهی و نحوی بود مشهورترین کتابهای وی تفسیر القرآن العظيم و البدايه و النهايه می باشد و ی در سال 774 هـ وفات یافت. (ولید بن حنثی، اموی، معجم أصحاب شيخ الإسلام ابن تيمية، ج 1 ص 54)

5. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، تفسیر القرآن العظيم، ابن کثیر، ناشر ، دار طيبة للنشر والتوزيع سال نشر 1999 ج 4 ص 332

6. سوره شوری 5

7. سوره بقره 34

8. قرطبي، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبي، دار الكتب المصرية – القاهرة سال نشر 1964م ج 1 ص 288

9. سوره مریم 17

المُسَبِّحُونَ¹ ترجمه: هر يك از ما مقام مشخص و جایگاه جداگانه اي داریم (و در آنجا و در آن پُست به انجام وظیفه مشغول و گوش به فرمان یزدانیم)، و ما جملگی (برای اطاعت الله جل جلاله) به صف ایستاده ایم، و ما جملگی، به تسبیح و تقدیس خدا مشغولیم. خلاصه آنکه فرشتگان نیکمنیش و نیکو سرشت هستند پروردگار در مورد آنان می فرماید: {بِأَيْدِي سَفَرَةٍ - كِرَامٍ بَرَرَةٍ} ²ترجمه: با دست نویسندگانی (نگارش یافته اند). که بزرگوار و نیکمنش و نیکوکردارند.

مطلب اول: منزلت و جایگاه ملائکه در قرآن کریم

بهترین ویژگی فرشتگان بندگی الله جل جلاله متعال است، اما آنان بندگانی گرامی و نیک منش هستند. در مباحث گذشته اشاره نمودیم که اعتقاد مشرکان مبني بر اینکه فرشتگان دختران الله جل جلاله هستند، عقیده اي باطل و مردود است و هیچ دلیلی بر صحت آن وجود ندارد، و الله جل جلاله کسانی را که چنین عقیده اي دارند تکذیب کرده است، در آیه های گوناگون قرآن، ماهیت و منزلت فرشتگان را بیان نموده و می فرماید: { وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ - لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ } ³ ترجمه: (برخی از کفار عرب) می گویند : الله جل جلاله رحمان فرزندان (برای خود ، به نام فرشتگان) برگزیده است الله جل جلاله پاک و منزّه (از این گونه نقصها و عیبه) است . (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند. آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار یزدانند که هرگز) در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند ، و تنها به فرمان او کار می کنند. یهودیها گفتند که فرشتگان از جنیات اند یعنی اعمال ناروا انجام میدهند، در پاسخ آنان الله جل جلاله چنان فرمود مکرمون.⁴

فرشتگان بندگانی هستند که تمام صفات بندگی در آنها وجود دارد، و همواره آماده خدمتاند، و امر و نهی خدا را بدون چون و چرا اجرا میکنند. علم الله جل جلاله آنها را احاطه کرده و نمیتوانند از دستورات موکوله و رهنمودهای القا شده به آنان تجاوز کنند، از اینکه مبدا از حد و مزر خود تجاوز کنند و مورد انتقام و مجازات الله جل جلاله قرار گیرند بیم و هراس دارند. از جمله نشانی های بندگی کامل آنان این است که هرگز بر خدا پیشی نگرفته، و در پیشگاه الله جل جلاله پیشنهادی را مطرح نمی کنند، و به دستورهای او اعتراض ندارند، بلکه همه را پذیرفته و با شتاب تمام آن را اجرا می کنند.⁵ {يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ} ⁶ترجمه: فرشتگان از پروردگار خود که حاکم بر آنان است می ترسند و آنچه بدانان دستور داده شود انجام می دهند. از جالب ترین مسائل ملائکه نظم و انضباط آنها در کلیه امور می باشد، که نمونه هایی از آن را در آیات قرآن بیان می کنیم. {وَجَاء رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا} ⁷ ترجمه: و پروردگارت بیاید و فرشتگان صف صف حاضر آیند. در این مورد

1. سوره الصافات 164-166

2. سوره عبس 15-16

3. سوره انبیاء 26-27

4. طبری، محمد بن جریر بن یزید بن کثیر بن غالب الأملي، أبو جعفر، جامع البیان فی تأویل القرآن، ناشر مؤسسة الرسالة، سال نشر 2000 م ج 18 ص 428

5. رازی، زین الدین أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي الرازي، مختار الصحاح، انتشارات المكتبة العصرية - بيروت سال نشر 1999 م ج 20 ص 217

6. سوره نحل 50

7. سوره فجر 22

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به اصحابش چنین فرمودند: (أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا)¹ ترجمه: آیا صف آرای نمی کنید همان طور که ملائکه نزد خدایشان صف آرای می کنند؟! در جای دیگری پر کردن و نظم صفهای اول نماز، سبب شده که صفوف نماز به صفوف ملائکه تشبیه شود. بدین مناسبت پیامبر ما چنین ارشاد فرمودند که: (جُعِلَتْ صُفُوفُنَا كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ)² ترجمه: صفهای ما همانند صفوف ملائکه قرار داده شده است. صف زننده و تسبیح گوینده برای الله جل جلاله.³

برخی از خصوصیت فرشتگان در قرآن کریم همانا ترک نافرمانی خدا، و پایبندی به اطاعت از او در فرشتگان امری فطری و است، و چون شهوت ندارند برای اطاعت فرمان خدا متحمل کمترین تلاش و مشقت نمی شوند قرآن عظیم الشان فرشتگان را از جمله مقربان و محبوبان درگاه الهی می خواند آنجا که می فرماید: {لَنْ يَسْتَكْفِرَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ}⁴ ترجمه: هرگز مسیح ابائی از این ندارد که بنده ای (از بندگان متواضع) برای خدا باشد، و فرشتگان مقرب نیز (از بندگی او سر باز نمی زنند) در این آیه افضلیت فرشتگان تذکر رفته است جهت مبالغه.⁵

در بخش دیگری از قرآن عظیم الشان در مورد جایگاه فرشتگان در قرآن کریم نیز آمده است: {بِأَيِّ سَفَرَةٍ - كِرَامٍ بَرَرَةٍ}⁶ ترجمه: با دست نویسندگانی (نگارش یافته اند). (نویسندگانی) که بزرگوار و نیکنش و نیکوکردارند. امام بخاری⁷ رحمه الله می گوید: سفره یعنی: فرشتگان که مفردش سافر است، حضرت ام المؤمنین عایشه رضی الله عنها روایت می کند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمود: (الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالَّذِي يَقْرَأَهُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ)⁸ ترجمه: کسی که قرآن را تلاوت می کند، و در تلاوت مهارت دارد همراه با فرشتگان بزرگوار و نیکنش است، و شخصی که قرآن را تلاوت می کند ولی چون در آن مهارت ندارد متحمل زحمت و مشقت می گردد دو اجر دارد.

-
1. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 1 ص 322
 2. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 1 ص 371
 3. تونسسی، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي، التحرير و التنوير، انتشارات الدار التونسية، سال نشر 1984 هـ، ج 23 ص 192
 4. سوره نساء 172
 5. رازی، مختار الصحاح، ج 2 ص 434
 6. سوره عبس 15-16
 7. امام بخاری، ابو عبدالله محمد بن ابوالحسن اسماعیل بن ابراهیم بن مغیره بن بردزیه است، مغیره جد سوم امام بخاری توسط یمان بن جعفی والی خراسان به دین اسلام گروید، محمد فرزند دوم اسماعیل در روز جمعه سیزدهم شوال سال یکصد و نود و چهار (194) هجری قمری چشم به جهان گشود. هنوز مدت کوتاهی از تولدش نگذشته بود که پدرش اسماعیل از دنیا رفت، محمد به ده سالگی نرسیده بود که قرآن کریم را حفظ کرد و مبادی علوم دین و بسیاری از احادیث نبوی را در مکتب خانه ای در بخارا فرا گرفت، احادیث صحیح بخاری را جمع آوری نمود، در راه در روستای خرتنک به نزد نزدیکانش رفت و در آنجا مریض شده و بعد از مدت کوتاهی در شب شنبه به وقت نماز عشاء شب عید فطر سال دویست و پنجاه و شش هجری دار فانی را وداع گفت. (قندیل، عبدالمنعم قندیل، مترجم محمد صدیق دھواری، زندگی نامه امام بخاری رحمه الله ج 1 ص 17-14-61-68)
 - 8- بخاری صحیح بخاری، ج 1 ص 493

مطلب دوم: نامهای ملائکه در قرآن کریم

هر کدام از فرشتگان نام مخصوصی دارند و ما جز نام تعداد اندکی از آنها را نمی دانیم. نام بعضی از فرشتگان که در قرآن کریم تذکر رفته است قرار ذیل اند:

1. جبرئیل، میکائیل: این دو از جمله فرشتگان مقرب و صاحب قدرت اند که پروردگار نام هر دو را به عنوان فرشتگان نیرومند تذکر میدهد آنجا که می فرماید: { مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ }¹ ترجمه: کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و

جبرئیل و میکائیل باشد (الله جل جلاله دشمن او است) . چه الله جل جلاله دشمن کافران است. قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می کند، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (الله جل جلاله دشمن او است). چه الله جل جلاله دشمن کافران است. و جبرئیل همان روح الامین است که در آیه ای دیگر بدین نام از وی یاد شده است که فرمود: { وَإِنَّهُ لَنَزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ - نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ }²

ترجمه: این (قرآن) فرو فرستاده پروردگار جهانیان است، جبرئیل آن را فرو آورده است. الرُّوحُ الْأَمِينُ: لقب جبرئیل علیه السلام است. و نیز منظور از روح همان جبرئیل است، و جبرئیل همان روح است که الله جل جلاله او را بسوی مریم فرستاده است، و آن بزرگترین فرشته نزد پروردگار است. ³پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد میکائیل به روایت انس می فرماید: عَنْ أَنَسٍ 4 بَنِي مَالِكٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَجِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: (مَا لِي لَمْ أَرِ مِيكَائِيلَ ضَاحِكًا قَطُّ؟ قَالَ: مَا ضَحِكَ مِيكَائِيلُ مُنْذُ خُلِقَتِ النَّارُ)⁵ ترجمه: از آنس بن مالک رضی الله عنه روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - به جبرئیل گفت: چرا هرگز ندیده ام میکائیل بخندد؟ جبرئیل گفت: میکائیل از زمانی که آتش (جهنم) خلق شده نخندیده است.

2. اسرافیل: یکی دیگر از فرشتگان اسرافیل است که ماموریت دمیدن در صور را بر عهده دارد. الله جل جلاله در مورد می فرماید: { يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا }⁶ ترجمه: در آن روز (که مردمان سر از گورها به در می آورند ، همگی) بدون کمترین سرپیچی ، از منادی (الهی) پیروی می کنند ، (و برابر فرمان او رهسپار عرصه محشر می شوند ،) و صداها به سبب (جلال و شکوه الله جل جلاله) مهربان فروکش می کند ، و جز صدای آهسته (و پنهان در زیر لبان ، چیزی) نمی شنوی. هدف از الداعی: دعوت کننده . منادی . مراد اسرافیل است. جبرئیل، میکائیل و اسرافیل همان فرشتگانی هستند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در دعای خود هنگام شروع نماز شب از آنها یاد می نمود: {اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرِائِيلَ

1. سوره بقره 98

2. سوره شعراء 192-193

3. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم، ج 8 ص 309

4. آنس بن مالک بن النضر، الأنصاري، الخزرجي، خادم، دوست و همصیبت رسول الله صلی الله علیه وسلم، از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و از خلفای راشدین روایت کرده است، وی گفته است: زمانی که پیامبر در مدینه آمد من ده ساله بودم و زمانی که رحلت نمود من بیست سال داشتم، وی تا آخرین رمق حیات پیامبر در خدمتش قرار داشت، از آنجا که پیامبر در حقش دعای خیر کرده بود یعنی (اللَّهُمَّ أَكْثِرْ مَالَهُ وَوَلَدَهُ) خدایا مال و فرزندش را زیاد بدار. فرزندانش در زندگی اش تا حدود صد نفر رسیده بود و آخرین کسی از اصحاب بود که از دنیا رفت. (سیر اعلام النبلاء ج 3 ص 401)

5. احمد، مسند احمد. ج 21 ص 55 این حدیث در السلسله الصحیحه بقلم شیخ البانی ج 6 ص 42 نیز تذکر رفته است.

6. سوره طه 108

وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنْ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ¹ ترجمه: يعني: پروردگار! ای رب جبرئیل، میکائیل و اسرافیل! ای آفریدگار آسمانها و زمین! ای آگاه بر پیدا و پنهان! تو میان بندگان در مسایل مورد اختلافشان قضاوت می کنی. به اجازه و فرمان خود در مسایل مورد اختلاف مرا به حق هدایت بفرما! بدون شک تو هر کس را که بخوای به راه راست راهنمایی می کنی. اسرافیل یکی از حاملین عرش است و مهمترین وظیفه ی او دمیدن در صور می باشد، و در نزد پروردگار مقام بالا دارد.²

3. مَالِك: یکی از فرشتگان، مَالِك نام دارد که نگهبان دوزخ است، همانگونه که الله جل جلاله متعال در این باره می فرماید: { وَنَادُوا يَا مَالِكُ لِيَقْضِيَ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَأْكُونُونَ }³ ترجمه: آنان فریاد می زنند: ای مَالِك! پروردگارت ما را بمیراند و نابودمان گرداند (تا بیش از این رنج نبریم و از این عذاب دردناک آسوده شویم . او بدیشان) می گوید: شما (اینجا) می مانید. هدف از مَالِك نام فرشته ای است که رئیس فرشتگان نگهبان دوزخ است. در حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: (رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ أَتَيَايَا قَالََا الَّذِي يُوقِدُ النَّارَ مَالِكُ خَازِنُ النَّارِ وَأَنَا جَبْرِيلُ وَهَذَا مِيكَائِيلُ)⁴ ترجمه دیشب دو مرد نزد من آمدند و گفتند: کسی که جهنم را روشن نگه می دارد، مَالِك، نگهبان جهنم می باشد و من جبرئیل و این میکائیل است.

4. رضوان: مفسر معروف علامه ابن کثیر رحمه الله می گوید: مدیر و مسئول بهشت فرشته ای به نام رضوان است، و در بعضی احادیث نام رضوان بطور صریح آمده است.⁵ پروردگار قلب وی را پر از رحمت و شفقت داشته است.⁶

5. منکر و نکیر: منکر و نکیر هم از جمله فرشته هایی هستند که رسول الله صلی الله علیه وسلم از آنها یاد کرده است و در روایات مربوط به سوال و جواب در قبر؛ نامشان مشهور است آنجا که می فرماید: بعد از دفن میت دو فرشته برای سوال کردن از میت می آیند که به آن دو فرشته، منکر و نکیر می گویند: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (إِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ أَوْ قَالَ أَحَدُكُمْ أَتَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ أَزْرَقَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَالْآخَرُ النَّكِيرُ)⁷ ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه روایت شده است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: وقتی میت دفن شد دو فرشته ی سیاه رنگ با چشمان آبی به نزد او می آیند که به یکی از آنها منکر و به دیگری نکیر گفته می شود. سپس برای مسلمان بشارت به خیر میدهند، و به کافر وعده عذاب و برخورد زشت میشود.⁸ خداوند پیرامون مسلمانانیکه پاسخ مثبت ارایه میکنند چنین می فرماید: {يُثَبِّتُ اللَّهُ

1. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 1 ص 434

2. برجس، عبدالسلام، اعتقاد صحیح هر مسلمان، موقع کتاب خانه شامله، ج 1 ص 33،

3. سوره زخرف 77

4. بخاری، صحیح بخاری، ج 4 ص 116

5. ابن کثیر، البداية النهایة ج 1 ص 35

6. أبو الفداء إسماعیل حقی بن مصطفی الاستانبولی الحنفی الخلوئی، روح البیان، دار الفکر - بیروت، ج 9 ص 508

7. ترمذی، سنن الترمذی، ج ص این حدیث را شیخ البانی در کتاب صحیح و ضعیف سنن الترمذی حسن خوانده است. ج 3 ص 17.

8. آل عقده، أبو عاصم هشام بن عبد القادر بن محمد آل عقده، مختصر معارج القبول، مكتبة الكوثر - الرياض، سال نشر 1418 ج 1 ص 220.

الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ¹ ترجمه: خداوند مؤمنان را به خاطر گفتار استوار (و عقیده پایداریشان) هم در این جهان (در برابر زرق و برق مادیات و بیم و هراس مشکلات محفوظ و مصون می نماید) و هم در آن جهان (ایشان را در نعمتهای فراوان و عطایای بی پایان ، جاویدان و) ماندگار می دارد

6. هاروت و ماروت: از جمله فرشتگان دو فرشته ای هستند که هاروت و ماروت نام دارند، و الله جل جلاله با همین نام آنان را در قرآن یاد کرده، آنجا که فرمود: { وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ }² ترجمه: آنچه در بابل بر دو فرشته هاروت و ماروت نازل گردیده بود. از سیاق آیه چنین بر می آید که الله جل جلاله در فاصله زمانی دو پیامبر؛ هاروت و ماروت را جهت امتحان مردم فرستاده بود. پیرامون این دو فرشته در کُتُب تفسیر و تاریخ، افسانه پردازی های زیادی شده که هیچ کدام از آنها در قرآن و حدیث به اثبات نرسیده است. بنابراین باید درباره ی این دو فرشته به همان اندازه بسنده کرد که از آیه ی قرآن ثابت می شود. و جای بسی تأسف است که بسیاری از وعاظ و سخنرانان بدون اینکه کوچکترین دقتی به عدم صحت روایات کنند با آب و تاب آن را برای شنوندگان خویش بیان می کنند.³

7. ملک الموت: نام خاصی برای فرشته ی مرگ در قرآن و حدیث ذکر نشده آنچه در قرآن و حدیث ذکر شده است همان کلمه ی ملك الموت است: { قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ }⁴ ترجمه: بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است ، به سراغتان می آید و جان شما را می گیرد ، سپس به سویی پروردگارتان بازگردانده می شوید. در بعضی روایات اسرائیلی به نام عزرائیل معرفی شده است. ملك الموت روح بنده را از کالبد بیرون می کشد تا اینکه به حلقوم برسد و قتی روح را گرفت بلا فاصله به ملائکه ی رحمت یا عذاب تحویل می دهد. { وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ }⁵ ترجمه: الله جل جلاله بر بندگان خود کاملاً چیره است . او مراقبانی بر شما می فرستد و می گمارد و چون مرگ یکی از شما فرا رسید ، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می آیند و) جان او را می گیرند ، و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچ کدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی کنند. برخی از فرشته ی مأمور قبض ارواح انسانها به عزرائیل یاد کرده اند البته این نام در قرآن و احادیث صحیح ذکر نشده است.⁶

8. رقیب و عتید: رقیب و عتید صفت دو فرشته ای هستند که اعمال انسان ها را ثبت می کنند، و به معنای دو فرشته ای هستند که همواره با انسان همراهند، و با حضور خود، ناظر بر اعمال آنانند، و لحظه ای از انسان غایب نمی شوند. برخی از علما با استدلال به این آیه معتقدند که نام برخی فرشتگان رقیب و عتید است؛ که می فرماید: { إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ -

1. سوره ابراهیم 27

2. سوره بقره 102

3. ابن کثیر، تفسیر قرآن العظیم، ج 1 ص 237

4. سوره سجد 11

5. سوره انعام 61

6. ابن کثیر، أبو الفداء إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشی البصری ثم الدمشقی، ت البدایه و النهایه، ناشر، دار طبیة للنشر والتوزیع سال نشر

1999 م ج 1 ص 50

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ¹ ترجمه: بدانگاه که دو فرشته ای که در سمت راست و در طرف چپ انسان نشسته اند و اعمال او را دریافت می دارند (ما از همه چیز و همه کس - حتی از این دو فرشته - به او نزدیکتریم). انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی راند مگر این که فرشته ای، مراقب و آماده (برای دریافت و نگارش) آن سخن است هدف از: رَقِيبٌ: مراقب و مواظب و مراد از عَتِيدٌ: مهیای انجام مأموریت و آماده انجام کار هستند. 2 همانگونه که الله می فرماید: {وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ - كَرَامًا كَاتِبِينَ}³ ترجمه: بدون شك نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند، نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می نویسند. مراد فرشتگانی است که مأمور حفظ و نگهداری اعمال انسانها هستند.

مطلب سوم: آفرینش ملائکه در قرآن کریم

ملائکه از نور خلق شده اند و جنیان از شعله ی بی دود آتش و آدم از خاک آفریده شده است. البته نوع این نور با نوری که در تصور ما وجود دارد فرق می کند زیرا نورها متعدد می باشند مثلاً نور خورشید، نور مهتاب، اشعه ی ایکس، اشعه ی ماوآء بنفش، لیزر و ... هر کدام نور هستند ولی نوع آنها فرق می کند، ملائکه نیز از نور می باشند لیکن نوع نور ملائکه به گونه ای است که در عقل و تصور ما نمی گنجد. 4 همانگونه که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِّنْ نَّارٍ وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ)⁵ ترجمه: ملائکه از نور خلق شده اند و جنیان از شعله ی بی دود آتش و آدم از آنچه در قرآن توضیح داده شده (یعنی از خاک آفریده شده است) در واقع ما به صورت دقیق زمان آفرینش ملائکه، جنیان و انسانها را نمی دانیم لیکن از آیات قرآنی چنین برداشت می کنیم که آفرینش انسان بعد از آفرینش جنیان و آفرینش جنیان نیز بعد از ملائکه می باشد، چنانکه الله فرمود: {وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ}⁶ ترجمه: زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت: من در زمین جانشینی بیافرینم گفتند: آیا در زمین کسی را به وجود می آوری که فساد می کند و تباهی راه می اندازد و خونها خواهد ریخت، و حال آن که ما (پیوسته) به حمد و ستایش و طاعت و عبادت تو مشغولیم؟ گفت: من حقایق را می دانم که شما نمی دانید. این آیه بیانگر این است که آفرینش ملائکه و جن قبل از انسان بوده است.

فرشتگان دارای جسم هستند: فرشتگان روح مجرد نبوده بلکه جسم اند و در بین انسانها موجودند اما انسانها با چشم ظاهری قادر به دیدن آنها نیستند. چنانچه در صحیح بخاری آمده است که آنحضرت صلی الله علیه وسلم، حضرت جبرئیل را در حالی در آسمان مشاهده فرمود که جبرئیل بر روی یک صندلی در بین زمین و آسمان، نشسته بود که این کیفیت، دلالت بر جسم بودن فرشتگان دارد.⁷

1. سوره ق 18

2. بیضاوی، ناصر الدین أبو سعید عبد الله بن عمر بن محمد الشیرازی البیضاوی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ناشر، دار إحياء التراث العربی - بیروت، سال نشر 1418 هـ ج 5 ص 141

3. سوره انفطار 10-11

4. اشقر، ملائکه الرحمن ج 1 ص 86

5. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 4 ص 229

6. سوره بقره 30

7. بخاری، صحیح بخاری، 1 ص 7

فرشتگان دارای بال هستند: اینکه فرشتگان دارای بال و پر هستند به صراحت در قرآن کریم آمده است؛ الله جل جلاله متعال در ابتدای سوره فاطر می فرماید: {الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةَ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَرِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} 1 ترجمه: ستایش الله جل جلاله را سزا است که آفریننده آسمانها و زمین است، و فرشتگان را با بالهای دوتا دوتا، و سه تا سه تا، و چهارتا چهارتایی که دارند، مأموران (قدرتمند اجرای فرمان خود در زمینه های مختلف تکوینی و تشریعی) کرد. او هر چه بخواهد بر آفرینش (فرشتگان و مردمان و سایر موجودات جهان) می افزاید. چرا که خدا بر هر چیزی توانا است.

الله جل جلاله آنها را بسیار زیبا خلق نموده است و در مورد جبرئیل می فرماید: {ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى} 2 ترجمه: همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. مِرَّةٌ: تیزهوشی. خرد استوار. پختگی اندیشه. مراد نمایان شدن جبرئیل در آغاز وحی است به شکل اصلی فرشتگی و با قیافه واقعی و با بالهایی که افق کوههای دور و بر غار حراء را پر کرده بود. 3 در زمانهای قدیم زیبایی غیر قابل وصف به فرشته تشبیه می شد زنان مصر از دیدار یوسف تعبیری که یافتند این بود که بگویند او بشر نیست بلکه فرشته است: {وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ} 4 ترجمه: (هنگامی که چشمانشان به یوسف افتاد) گفتند: ماشاء الله! این آدمیزاد نیست، بلکه این فرشته بزرگوار است.

مطلب چهارم: تواناییهای ملائکه در قرآن کریم

بدون شک که فرشتگان از توانمندی فوق العاده برخوردار اند، همانگونه که در آثار و متون دینی دیده میشود بهترین فعالیت ها و تنظیم امور در دنیا و آخرت به فرشتگان محول شده است، با آنهم بخشی توانمندی دیگر از آنان در زندگی دنیا نیز صادر شده است همانند:

قدرت تغییر شکل

الله جل جلاله متعال این استعداد و توانایی را به فرشتگان داده که می توانند خود را به شکلهای گوناگون در آورند. همانگونه که الله جل جلاله جل جلاله جبرئیل علیه السلام را به صورت انسان نزد مریم دختر عمران فرستاد، آنجا که می فرماید: {وَإِذْ كُنَّا فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّخَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا - فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا - قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِالرَّحْمَنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا - قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُولُ رَبِّكِ لِأَهَبَ لَكِ غُلَامًا زَكِيًّا} 5 ترجمه: در کتاب (آسمانی قرآن، اندکی) از مریم سخن بگو: آن هنگام که در ناحیه شرقی (بیت المقدس برای فراغت عبادت) از خانواده اش کناره گرفت. و پرده ای میان خود و ایشان افکند ما جبرئیل (فرشته) خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان کامل خوش قیافه ای بر مریم ظاهر شد. (مریم لرزان و هراسان) گفت: من از (سوء قصد) تو، به خدای مهربان پناه می برم. اگر پرهیزگار هستی (بترس که من به خدا پناه برده و او کس بیگسان است). (جبرئیل) گفت: (بترس که من یکی از فرشتگانم) پروردگارت مرا فرستاده است

1. سوره فاطر 1

2. سوره نجم 6

3. خرم دل، مصطفی، تفسیر نور ج 1 ص 472

4. سوره یوسف 31

5. سوره مریم 16-18

تا (سبب شوم و) به تو پسر پاکیزه ای (از نظر خلق و خوی و جسم و جان) ببخشم. این یکی از داستان های واقعی است که در قرآن کریم به تفصیل آمده است.¹

همچنین فرشتگان بصورت جوانان زیبا روی نزد حضرت لوط علیه السلام آمدند: {وَلَمَّا أَن جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا} ترجمه: هنگامی که فرستادگان ما پیش لوط آمدند، فرشتگان بودند. ابن کثیر می گوید: فرشته ها جهت آزمون و امتحان به صورت جوانانی زیباروی خود را به آنها نشان دادند تا بر قوم لوط اتمام حجت شود، سپس ایشان را گرفتار کرد و کیفر داد بسان کیفر دادن خدایی چیره، پیروز و قدرتمند.³

همانگونه که جبرئیل با شکوه و ویژگیهای متفاوتی نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم می آمد. در صحیح بخاری و مسلم آمده که: عمر رضی الله روایت می کند: روزی در محضر رسول خدا ص بودیم، مردی با لباس بسیار سفید و موهای خیلی سیاه که آثار سفر بر او دیده نمی شد، و هیچ کس از حاضران او را نمی شناخت، آمد و نزدیک رسول خدا ص نشست و دو زانوی خود را با زانوهای ایشان وصل کرد و دو دستش را بر رانهایش گذاشت و گفت: (ای محمد! درباره ی اسلام برایم بگو..... و نیز از ایمان، احسان، قیامت و نشانه های آن سؤال کرد).⁴ پس از رفتن این مرد رسول خدا ص فرمود: او جبرئیل بود، آمده بود تا به صحابه دین را بیاموزاند، همانگونه که نزد ابراهیم علیه السلام آمده بودند: {وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا} 5 ترجمه: فرستادگان (فرشته) ما همراه با مزدگانی ، به پیش ابراهیم آمدند و بدو سلام کردند.

سرعت فوق العاده:

بالا ترین سرعتی که انسان بدان آشناست، سرعت نور است. سرعت نور 300 هزار کیلومتر در ثانیه است. ولی سرعت فرشتگان بیش از این است که با معیار و مقیاس های بشری قابل سنجش نیست. گاهی سؤال کننده ای نزد رسول خدا صلی الله علیه وسلم می آمد، ولی هنوز از مطرح کردن سؤال خود فارغ نشده بود که جبرئیل پاسخ را از جانب خدای بلند مرتبه می آورد. 6 {عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى} 7 ترجمه: (جبرئیل ، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. مراد از شدید القوی جبرئیل علیه السلام است که از نیروی بالا برخوردار است همانگونه که قریه های قوم لوط، قوم صالح علیهما السلام را نظر به هدایت الله متعال ویران کرد،⁸

محافظت مطمئنه:

یکی دیگر از ویژگی های فرشتگان همانا محافظت کامل و باخبر بودن از اعمال درونی انسان ها می باشد، فرشتگان توان شنیدن سخن انسان، و درک عمل و اراده قلب را نیز دارند همانگونه که الله جل جلاله متعال می فرماید: {وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ - كَرَامًا كَاتِبِينَ - يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ} 9 ترجمه: بدون شك نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند. نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می نویسند. می دانند هر کاری را که می کنید آنان کسانی اند که هر آنچه از

1. قرطبی، تفسیر قرطبی، ج 11 ص 90 - شوکانی، فتح القدیر ج 3 ص 390

2. سوره عنکبوت 33

3. ابن کثیر، البدایة النهایة ج 1 ص 42

4. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 1 ص 32

5. سوره هود 69

6. اشقر، عالم ملانکه الأبرار، ج 1 ص 83

7. سوره نجم 5

8. مجموعه از نویسندگان ازهر شریف، تفسیر الوسیط ج 9 ص 1145

9. سوره انفطار 12

انسان صادر میشود می نویسند، و برخی ها انسانها را از شر شیاطین در امن می مانند، و برخی دیگر تقدیر الله را در روی زمین نافذ میگردانند یعنی هر یکی از فرشتگان رابطه کاری با انسانها دارند.¹

غنا مندی فرشتگان از خوردن، نوشیدن و نکاح کردن، فرشتگان نمی خورند، نمی نوشند، نمی خوابند، اما شیاطین و جنیات هم میخورند و هم می نوشند² همانگونه که حضرت ابراهیم علیه السلام از آنان پرسید چرا نمی خورید: {فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ} 3 ترجمه: و آن را نزدیک ایشان گذارد. (ولی با تعجب دید دست به سوي غذا نمی برند و از آن چیزی نمی خورند !) گفت : آیا نمی خورید ؟ !،⁴

مطلب پنجم: برخی خصوصیات فزیکي ملائکه

بدون شک که فرشتگان دارای خصوصیات و ویژگی های بیحد و حصر اند ولی در این مقام به سه شاخصه بزرگ آنان اکتفا می نمائیم:

1. حسن صورت و سیرت فرشتگان: از زمان قدیم تا به امروز مردم، ملائکه را به زیبایی توصیف می کنند آنگونه که زشتی را در چهره ی شیطان به تصویر می کشند. به عنوان مثال در قرآن کریم جوان زیبارویی به فرشته تشبیه شده است. همانگونه که زنان دربار با دیدن جمال یوسف بی اختیار به جای میوه دستهایشان را بردیدند و با دیدن جمال یوسف که تاکنون ندیده بودند گفتند: {فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْتَهُ فَقَطَعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ} 5 ترجمه: هنگامی که چشمانشان بدو افتاد ، بزرگوارش دیدند و (به دهشت افتادند و سراپا محو جمال او شدند و به جای میوه) دستهایشان را بردیدند و گفتند : ماشاء الله ! این آدمیزاد نیست ، بلکه این فرشته بزرگوار است. این جمله حاکی از زیبای بیحد و حصر حضرت یوسف است، تا امروز چنین مثالی در زیبای مروج است، همانگونه که در قبح تشبیه به شیطان گفته میشود.⁶

2. پرستش فرشتگان: فرشتگان در عبادت بسیار منظم هستند همانگونه که الله می فرماید: {وَالصَّافَّاتِ صَفًّا} 7 ترجمه: قسم به آنان که (در مقام عبودیت و انقیاد) محکم صف کشیده اند !. مراد فرشتگان است که برای اجرا اوامر و بندگی خدا صف کشیده اند. از این رو رسول خدا ص ما را به پیروی از آنان تشویق کرده و می فرماید: (أَلَا تَصُفُّونَ كَمَا تَصُفُّ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالُوا وَكَيْفَ يَصُفُّونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ؟ قَالَ: يَكْمَلُونَ الصَّفَّ الْأَوَّلَ وَالْأَوَّلَ يَتَرَاوُونَ فِي الصَّفِّ) 8 ترجمه: یعنی: آیا مانند فرشتگان که نزد پروردگارشان به صف می ایستند صف نمی بندید؟ پرسیده شد: ای پیامبر

1. شعراوی، محمد متولی الشعراوی، تفسیر الشعراوی، - الخواطر، ناشر مطابع اخبار الیوم، بدون تاریخ ج 1 ص 255

2. رازی، مفتاح الغیب ج 1 ص 52

3. سوره ذاریات 27

4. داستان صحبت حضرت ابراهیم علیه السلام با فرشتگان قبل از تذکر رفت.

5. سوره یوسف 31

6. مجموعه از نویسندگان در ازهر شریف، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، ناشر: الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية، سال نشر 1993م ج 1

ص 315

7. سوره صافات 1

8- نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 2 ص 222

خدا! فرشتگان چگونه صف می بندند؟ فرمود: صف ها را کامل می کنند و تا صف اوّل تکمیل نشده صف دوم را تشکیل نمی دهند، و استوار و با وقار می ایستند. در این مورد در جزء نبأ نیز آمده است: {يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا} 1 ترجمه: در آن روزی که جبرئیل و فرشتگان به صف می ایستند.

3. بال های فرشتگان: اینکه فرشتگان دارای بال و پر هستند به صراحت در قرآن کریم آمده است؛ الله جل جلاله متعال در ابتدای سوره فاطر می فرماید: {الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ} 2 ترجمه: ستایش الله جل جلاله را سزا است که آفریننده آسمانها و زمین است ، و فرشتگان را با بالهای دوتا دوتا ، و سه تا سه تا ، و چهارتا چهارتائی که دارند ، مأموران (قدرتمند اجرای فرمان خود در زمینه های مختلف تکوینی و تشریعی) کرد . او هر چه بخواهد بر آفرینش (فرشتگان و مردمان و سایر موجودات جهان) می افزاید . چرا که خدا بر هر چیزی توانا است . در این آیه به صراحت آمده است که ملائکه دارای بالهایی هستند که برخی دارای دو بال، برخی سه بال، برخی چهار بال و به همین ترتیب هر کدام دارای بالهای متعددی می باشند. همچنین در حدیثی از حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه آمده است که می فرماید: (أن الرسول عليه الصلاة والسلام رأى جبرئيل عليه السلام له ستمئة جناح) 3 ترجمه: آنحضرت صلی الله علیه وسلم حضرت جبرئیل را دید که ششصد بال داشت). با وجود آنکه از توان ما سنجش و مجسم سازی ذهنی در مورد چگونگی بالهای فرشتگان بدور است ولی ناگزیر به همه آنچه در مورد فرشتگان آمده است ایمان راسخ داشته باشیم و با فرشتگان از دل و جان محبت نمایم، تا باشد محبوب الله متعال نیز قرار بگیریم.

1. سوره نبأ 38

2. سوره فاطر 1

3. بخاری، صحیح بخاری، ج 8 ص 610

مبحث دوم وظایف ملائکه در قرآن کریم تمهید

فرشتگان کارهایی دارند و هر يك از آنها مكلف به عمل معینی هستند و هیچ تأخیری در انجام آن کار را نمی کنند، بلکه فوراً آنرا انجام داده و الله جل جلاله را نافرمانی نمی کنند. چنانکه الله جل جلاله می فرماید: {عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ} ¹ ترجمه: فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر ، و زورمند و توانا هستند . از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند ، و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند. فرشتگانی هستند که جز الله جل جلاله کس دیگری از آنها خبر ندارد، و ما بطور اجمالی ایمان می آوریم به آن فرشتگان که نام آنها ذکر نشده، و بطور تفصیلی ایمان می آوریم به آن فرشتگانی که نامشان ذکر شده است: {وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ} ² ترجمه: لشکرهای پروردگارت را جز او کسی نمی داند ، و این جز اندرزی برای مردم نیست .

ما می توانیم به دقت عمل و وظیفه شناسی آنان در پرتو حدیث معراج بنگریم آنگاه که جبرئیل برای ورود به آسمان ها درخواست اجازه می کرد، و درب هیچ آسمانی بدون اجازه و بازپرسی باز نمی شد. همه نصوص به صراحت دلالت دارند که فرشتگان، نیروهای معنوی نیستند. آنگونه که انسانهای گمراه معتقدند بلکه دارای جسم هستند و مسلمانان به اقتضای این نصوص، اتفاق نظر دارند. بعضی از فرشتگان هم مأموریت های ویژه ای انجام می داد. بعنوان نمونه، جبرئیل علیه السلام امین، مسئول وحی الهی است و الله جل جلاله او را نزد پیامبران می فرستند. و مسئولیت باران و گیاهان به میکائیل سپرده شده است و اسرافیل هنگام بر پا شدن قیامت و حشر خلائق در صور می دمدم. و ملک الموت مسئول قبض روح است و مسئول آتش، فرشته ای به نام مالک است که به او خازن آتش هم می گویند. و به تعدادی از فرشتگان هم مسئولیت جنین هایی که در شکم مادر وجود دارند، سپرده شده است. فرشته ای را می فرستد و دستور می دهد تا رزق، اجل، عمل و شقاوت و یا سعادت او را بنویسد. برخی از دیگر فرشتگان هم مسئول نوشتن و نگهداری اعمال انسانها هستند. طوریکه هر شخص را دو فرشته همراهی می کند یکی از سمت راست و دیگری از سمت چپ. فرشتگانی هم وظیفه بازجویی میت را به عهده دارند.³

مطلب اول: وحی بر انبیاء علیه السلام

وحی عبارت است از نازل آوردن پاره های از قرآن توسط جبرئیل به حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، پروردگار پیام خویش را به وسیله فرشتگان به پیامبران نازل می نمود: {إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ - ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ - مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ} ⁴ ترجمه: بین قرآن ، کلام (خدا و توسط) فرستاده بزرگواری (جبرئیل نام برای محمد پیغمبر اسلام ، روانه شده) است. او (در ادای مأموریت خود توانا و) نیرومند است ، و نزد الله جل جلاله صاحب عرش دارای منزلت و مکان و الاثی است. او

1. سوره تحریم 6

2. سوره مدثر 31

3. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة العقدية، محل دریافت مکتبه الشامله، سال برداشت: 1433 ج 3 ص 260

4. سوره تکویر 19-21

در آنجا (که ملکوت اعلی و عالم فرشتگان است) فرمانروا ، و (در کار ابلاغ وحی و پیام الهی) امین و درستکار ذی قوه‌ی عند. او دارای نیرو و قدرتی است که توانائی حمل قرآن و آنچه به او امر شود را دارد، و او نزد پروردگار صاحب عرش دارای منزلت و مکان است. مراد از: ذی العرش، صاحب عرش و آنهم الله جل جلاله عز وجل می باشد. {يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ} ترجمه: فرشتگان را همراه با وحی بر هر کس از بندگان (به نام انبیاء) که خود بخواهد نازل می کند (تا به مردم بیاموزند) که جز من خدائی نیست ؛ پس (با انجام حسنات و دوری از سیئات)، از (غضب و عذاب) من بپرهیزید. الله جل جلاله جل شأنه در مورد چگونگی قرآن عظیم الشان می فرماید: {نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ - عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ - بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ} ترجمه: جبرئیل آن را فرو آورده است. بر قلب تو ، تا از زمره بیم دهندگان باشی، با زبان عربی روشن و آشکاری است. الرُّوحُ الْأَمِينُ: لقب جبریل علیه السلام است. قرآن را خدای یکتا بوسیله جبریل الروح الامین بر دل تو فرود آورد و بزبان تو که زبان عربی فصیح و آشکار است قرار داد تا قوم خود را بوسیله قرآن از عذاب خدا بترسانی و به راه ایمان و تقوی برسانی. پس جبریل علیه السلام قرآن را بر قلب پیامبر صلی الله علیه وسلم نازل کرد. و او بزرگترین و بهترین و شرافتمندترین فرشتگان است که قرآن را از نزد الله جل جلاله عز وجل بر محمد صلی الله علیه وسلم نازل فرموده است.³

مراد از ذی قوه: فرشته نیرومند و با قدرت است این صفت جبریل علیه السلام است . مراد از: مکین: نزد پروردگار صاحب عرش دارای منزلت و مکان است. یعنی صاحب منزلت و مکان نزد الله جل جلاله که کسی غیر از او به چنین مقام و منزلتی نمی رسد. مراد از مطاع: در بین فرشتگان فرمانروا (فرمانده) است. تمامی فرشتگان به امر و فرمان الله جل جلاله از جبریل اطاعت می کنند.

مطلب دوم : قبض ارواح

همانا بنده ی مؤمن هنگامی که در لحظه ی جدایی و وداع با دنیا و استقبال آخرت قرار می گیرد فرشتگانی با چهره های سفید در حالی که چهره ی ایشان همچون آفتاب می درخشد از آسمان بر او نازل می شوند که همراه آنها کفنی از کفن های بهشت و حنوطی از حنوطهای خوش بوی بهشت می باشد، تا جایی که چشم می بیند اطراف او را فرا می گیرند سپس ملك الموت آمده بالای سرش نشسته، می گوید: {يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ - ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً} ترجمه: ای انسان آسوده خاطر! به سوی پروردگارت بازگرد ، در حالی که تو (از کرده خود در جهان و از نعمت آخرت یزدان) خوشنودی ، و (خدا هم) از تو خوشنود (است). ای روح پاک (در روایتی روح مطمئنه) به سوی مغفرت و رضوان خدا خارج شو. این کلام الله جل جلاله است که می فرماید: {وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ} ترجمه: بر شما می فرستد و چون مرگ یکی از شما فرا رسید

1. سوره بقره 90

2. سوره شعراء 193

3. خازن، علاء الدین علی بن محمد بن ابراهیم بن عمر الشیخی أبو الحسن، المعروف بالخازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، دار الکتب العلمیة - بیروت، سال نشر 1415 ج 3 ص 332

4. سوره بجر 27-28

5. سوره انعام 61

، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می آیند و) جان او را می گیرند ، و (فرشتگان گروه اول و فرشتگان گروه دوم هیچ کدام در مأموریت خود) کوتاهی نمی کنند.

روح از جسد همراه با بهترین بو و مشکی که بر زمین پیدا شود خارج می گردد پس آن روح را به طرف آسمان می برند و بر هیچ جمعی از فرشتگان نمی گذرند مگر اینکه آنها سؤال می کنند این روح خوش بو از آن کیست؟ پس می گویند: فلانی پسر فلانی و او را با بهترین نامی که در دنیا داشته صدا می زنند تا اینکه به آسمان دنیا می رسند پس درخواست می کنند که در آسمان بر روی آنها باز شود و باز کرده می شود و فرشتگان مقرب هر آسمان روح را همراهی می کنند تا اینکه به آسمان بعدی برسند و تا آسمان هفتم ادامه می دهند.¹ به همین شیوه مرگ انسان فرا میرسد و به وسیله فرشته مقرب الله متعال قبض روح میگردد همانگونه که الله جل جلاله یگانه می فرماید: {قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ} 2 بگو: فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است ، به سراغتان می آید و جان شما را می گیرد ، سپس به سویی پروردگارتان بازگردانده می شوید. آسانی و سختی قبض روح بستگی به عملکرد انسانی دارد، قبض روح افراد کافر رافرشتگان به سختی می گیرند، همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ} 3 ترجمه: اگر (حال همه ستمگران ، از جمله این) ستمکاران را ببینی (و بدانی که چه وضع نابهنجار و دور از گفتاری دارند) در آن هنگام که در شدائد مرگ فرو رفته اند و فرشتگان دستهای خود را (به سویی آنان) دراز کرده اند (و بر بناگوششان تپانچه و بر پشتشان تازیانه می زنند و بدیشان می گویند : اگر می توانید از این عذاب الهی) خویشتن را برهانید. یعنی به آنان می گویند: روحتان را از جسدتان بیرون بیاورید؛ به عبارت دیگر به آنان می گویند: جان بکنید! امر در اینجا برای اهاننت و دشوار کردن کار می باشد تا روحشان را به سختی بیرون کشند؛ لذا فرشتگان با چنین کسانی به آرامی رفتار نمی کنند.

اهل سنت به ملك الموت که مأمور قبض ارواح همه جهانیان از انس و جن است ایمان دارند ، چنانکه الله متعال فرموده است: {قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ} 4 ترجمه: بگو فرشته مرگ که بر شما گماشته شده است به سراغتان می آید و جان شما را میگیرد ، پس بسوی پروردگارتان باز گردانیده میشود

مطلب سوم: نوشتن اعمال انسانها

فرشتگانی هستند که به حفظ و نگهداری اعمال و کردار بنی آدم مأمورند، و عمل انسان را به شکل مداوم نظارت می کنند: {وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ - كِرَامًا كَاتِبِينَ - يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ} 5 ترجمه: بدون شك نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند. نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می نویسند. می دانند هرکاری را که می کنید . در صحیح مسلم ابوهریره از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت می کند که الله جل جلاله خطاب به فرشته ها می فرماید: (إِذَا هُمْ

1. طبری، جامع البیان، ج 12 ص 423

2. سوره سجه 11

3. سوره انعام 93

4. سوره سجه 11

5. سوره انفطار 12

عَبْدِي بِسَيِّئَةٍ فَلَا تَكْتُبُوهَا عَلَيْهِ فَإِنْ عَمِلَهَا فَاتَّكَبُوهَا سَيِّئَةً وَإِذَا هُمْ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا فَاتَّكَبُوهَا حَسَنَةً فَإِنْ عَمِلَهَا فَاتَّكَبُوهَا عَشْرًا) 1 ترجمه: هنگامی که بنده‌ام قصد عمل بدی نمود آن را برایش ننویسید پس اگر بدان عمل کرد تنها يك گناه برایش ثبت کنید و هنگامی که قصد عمل نیکی نمود ولی آن را انجام نداد، برایش يك حسنه بنویسید و اگر بدان عمل نمود ده حسنه برایش بنویسید. پس معلوم شد قصد و اراده (هَمْ) برای فرشته معلوم و آشکار می‌باشد البته به این خدا که او را آگاه نماید و فرشتگان فقط قصد و اراده را می‌فهمند اما بقیه امور دلیلی برای آن وجود ندارد.

در حدیث مشهور پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در این زمینه می‌فرماید: (يتعاقبون فيكم ملائكة بالليل وملائكة بالنهار) 2 ترجمه: فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می‌شوند، گروهی شب می‌آیند و گروهی روز می‌آیند. از این رو ترک نافرمانی خدا، و پایبندی به اطاعت از او در فرشتگان امری فطری است، و چون شهوت ندارند برای اطاعت فرمان خدا متحمل کمترین تلاش و مشقت نمی‌شوند. شاید این نکته موجب شده که عده‌ای از علما بگویند: فرشتگان مانند انسانها مؤظف به انجام تکالیف نیستند. اما اینکه گفته شود بطور مطلق بر آنها تکلیفی نیست، صحیح نیست؛ زیرا آنها مؤظف به عبادت و اطاعت از فرمان خدا هستند: الله جل جلاله بر هر انسانی دو فرشته‌ی حاضر را گماشته است. که هرگز از انسان جدا نمی‌شوند، و ناظر بر رفتار و اعمال انسان هستند، همانگونه که می‌فرماید: {إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ} 3 ترجمه: بدانگاه که دو فرشته‌ی ای که در سمت راست و در طرف چپ انسان نشسته‌اند و اعمال او را دریافت می‌دارند. مراد دو فرشته‌ی ای است که همراه هر انسانی بوده، یکی در طرف راست مأمور ثبت و ضبط اعمال نیک است، و دیگری در طرف چپ مأمور ثبت و ضبط اعمال بد است. هرچند گفته‌اند که هر اندازه دو فرشته از طرف شب و دو فرشته از طرف روز دارد و یکی همیشه با انسان است 4

حسن بصری 5 در باره‌ی این آیه می‌گوید: ای بنی آدم، کتابی برایت گسترده و باز شده است و دو فرشته‌ی بزرگوار بر تو گمارده شده‌اند: یکی در سمت راست و دیگری در سمت چپ، فرشته‌ی سمت راست مأمور ثبت و ضبط اعمال نیک، و فرشته‌ی سمت چپ مأمور ثبت و ضبط اعمال بد است. پس کم یا زیاد هر طور که می‌خواهی عمل کن و هنگامی که بمیری نامه‌ی اعمال پیچیده‌ی می‌شود و با تو در گور همراه است و به گردنت آویخته می‌شود تا روز قیامت که زنده شوی و از گور در آیی. 6

هر کلمه‌ای که بر زبان براند (از خیر و شر) آنرا مینویسند و مراقب و حاضر حال اویند. این فرشتگان در سفر و در اقامت با انسان هستند، و در تمامی احوال، در نماز در سجود با او هستند و او را ترك نمی‌کنند مگر در بعضی از حالات خاصی مانند قضای حاجت، و آنان گفتار و کردار او را می‌نویسند.

1. نیشاپوری، صحیح مسلم ج 1 ص 117

2. بخاری، صحیح بخاری ج 6 ص 306

3. سوره ق 16

4. قرطبی، تفسیر قرطبی ج 7 ص 6

5. حسن بن یسار بصری، از موالی سلمه بود. ابو سعید کنیه داشت. دو سال از خلافت عمر گذشته بود که ولادت یافت. مدت عمرش نود و شش سال بود. گویند از اسیران میسان بود. آنگاه که مغیره بن شعبه در عهد عمر میسان را فتح کرد به اسارت درآمد حسن بن ابی الحسن بصری فقیه، قاری قرآن و عابد مشهور در سال 110 درگذشت. (حموی، معجم الادباء ج 1 ص 362)

6. اشقر، ملائكة الرحمن ج 1 ص 89

الله جل جلاله در مورد آن اعمال نامه ها می نویسد: {وَكُلُّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَشْهُورًا-افْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا¹} ترجمه: ما اعمال هرکسی را (همچون گردن بند) به گردنش آویخته ایم (و او را گروگان کردار و عهده دار رفتارش ساخته ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می آوریم که گشوده به (دست) او می رسد. کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان) . کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی. یعنی: ما اعمال هر کسی را (همچون گردن بند) به گردنش آویخته ایم (و او را گروگان کردار و عهده دار رفتارش ساخته ایم) و در روز قیامت کتابی را (که کارنامه اعمال او است) برای وی بیرون می آوریم که گشوده به (دست) او می رسد. (در آن روز بدو گفته می شود: کتاب (اعمال) خود را بخوان (و سعادت یا شقاوت خویش را بدان). کافی است که خودت امروز حسابگر خویشتن باشی. برخی ها هدف از اعناق افراد بزرگان و متکبران و یا جماعات را میدانند که مورد سختترین محاسبه قرار خواهند گرفت.² مراد از طائره یعنی عمل آن، یعنی اعمال نامه وی با او در خانه قبرش تا آنکه روز قیامت بیرون آورده می شود.³ در ادامه نیز ابن کثیر می گوید: ابن عباس⁴ رضی الله عنه در این مورد گفته است که: هر آنچه را که انسان بر زبان آورد و بگوید، فرشته می نویسد حتی این که می گوید: (خوردم، نوشیدم، رفتم، آمدم، دیدم و...) را نیز می نویسد.⁵

در حدیث دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد فهم و درک فرشتگان از نیت و اراده انسان می فرماید: (إِذَا هَمَّ عَبْدِي بِسَيِّئَةٍ فَلَا تَكْتُبُهَا عَلَيْهِ فَإِنْ عَمِلَهَا فَاتَّكَبُهَا سَيِّئَةٌ وَإِذَا هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا فَاتَّكَبُهَا حَسَنَةٌ فَإِنْ عَمِلَهَا فَاتَّكَبُهَا عَشْرًا)⁶ ترجمه: هنگامی که بندهام قصد عمل بدی نمود آن را برایش ننویسد پس اگر بدان عمل کرد تنها يك گناه برایش ثبت کنید و هنگامی که قصد عمل نیکی نمود ولی آن را انجام نداد، برایش يك حسنه بنویسد و اگر بدان عمل نمود ده حسنه برایش بنویسد. در مورد چگونگی نوشتن اعمال نامه سید قطب⁷ رحمه الله می نویسد: ما نمی دانیم این دو فرشته چگونه می نویسند و می نگارند و ضبط و ثبت می دارند. هیچ انگیزه ای هم نیست که انسان به خیالبافیهای پپردازد که اساس و بنیادی ندارند. موضع ما در قبال همچون مسائل غیبی این است: آنها را آن گونه دریافت می داریم که از آنها سخن می رود. مفهوم و مدلول آنها را بر دیدگان می نهیم و با جان و دل می پذیریم، بدون این که به دنبال کیفیت و چگونگی آنها رهسپار شویم، کیفیت و چگونگی ای که شناخت آنها هیچ گونه سودی به ما نمی رساند، گذشته از این که از محدوده دائره

1. سوره اسراء 14

2. طبری، جامع البیان ج 19 ص 62

3. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظيم ج 5 ص 52

4. عبدالله ابن عباس رضی الله تعالی عنه ملقب به حبر الامه، أبو العباس عبدالله ابن عباس کاکای پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم، بن عبدالمطلب شبیه بن هاشم، الهاشمی المکی، در شعب بنی هاشم سی سال قبل از هجرت در مکه تولد شده است، از تعداد زیادی او حدیث روایت نموده و تعداد زیادی از وی نیز وایت نموده اند، عبدالله امام در تفسیر، امام در فقه فشرده سخن آنکه بنیانگذار مدرسه مکه می باشد. (سیر اعلام النبلاء ج ص)

5. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر ج 7 ص 399

6- صحیح مسلم/ کتاب الایمان باب اذا هم العبد بحسنة کتبت و اذا هم بسیئة لم تکتب رقم 128

7. استاد ادیب سید قطب ابراهیم در سال 1324 هـ برابر با 1906 م. در روستای «موشه» از توابع استان آسیوط در صعيد مصر به دنیا آمد. در سال 1338 هـ برای ادامه تحصیل به قاهره رفت و در سال 1352 هـ با دریافت لیسانس ادبیات از دانشگاه قاهره فارغ التحصیل شد. و پس از فراغت از تحصیل بعنوان معلم در روستاها و شهرهای زیادی خدمت کرد. وی در وزارت معارف به سرعت ترقی کرده و به مقامات عالییه رسید و به مقام کفیل وزارت معارف ارتقاء یافت، وی چندین بار زندانی شد به ویژه در سال 1954 دستگیر و زندانی شد بالاخره در صبحگاه روز دوشنبه 14 ربیع الآخر 1385 هـ برابر آگوست 1966 اعدام شد (احمد سیر، راشد، سید قطب ج 1 ص 3-6)

تجربه ها و آموخته ها و علوم و معارف بشری فرا تر و بالاترند. ما انسانها در حدود دانش بشری و ظاهری خودمان به وسائل و ابزارهایی برای ثبت و ضبط دست یافته ایم که به خیال نیاکان ما نگذشته است.¹

مطلب چهارم: حفاظت انسان از آفت

بر هر يك از انسانها دو فرشته مأموریت دارد فرشتگانی هستند که به حفظ و نگهداری انسان از هلاکت مأمورند، زیرا انسان راه می رود در حالیکه در خطر است، ولیکن الله جل جلاله فرشتگانی را مأمور کرده تا انسان را از خطر این دنیا که مقدر و سرنوشت او است نگهداری کنند. الله جل جلاله این فرشتگان را قرار داده تا انسان را نگهداری کنند چنانکه می فرماید: { لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ }² ترجمه: انسان دارای فرشتگانی است که به (نوبت عوض می شوند و) پیایی از روبرو و از پشت سر، به فرمان خدا از او مراقبت می نمایند. به دستور الله جل جلاله او را حفظ می کنند،³ پروردگار قادر است که از ما به هر شیوه ای حفاظت کند به ویژه از طریق فرشتگان چنانکه خداوند می فرماید: { وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدُكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفَرِّطُونَ }⁴ ترجمه: الله جل جلاله بر بندگان خود کاملاً چیره است. او مراقبانی (از فرشتگان را برای حسابرسی و نگارش اعمال شما) بر شما می فرستد و می گمارد و چون مرگ یکی از شما فرا رسید، فرستادگان ما (از میان فرشتگان دیگر به سراغ او می آیند و) جان او را می گیرند، و کوتاهی نمی کنند.

همانگونه که فرشتگان مسلمانان را در جنگ بدر در مقابل کفار حمایت جسمی کردند چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (جَاءَ جِبْرِيلُ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَ: مَا تَعْدُونَ أَهْلَ بَدْرٍ فَيَكُم؟ قَالَ: مِنْ أَفْضَلِ الْمُسْلِمِينَ أَوْ كَلِمَةً تَحْوَاهَا قَالَ: وَكَذَلِكَ مَنْ شَهِدَ بَدْرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ).⁵ ترجمه: از رفاعة بن رافع زرقی رضی الله عنه روایت است که جبرئیل به نزد پیامبر - صلی الله علیه وسلم - آمد و گفت: اهل بدر نزد شما چه مقام و منزلتی دارند؟ فرمودند: از بهترین مسلمانانند. جبرئیل گفت: فرشتگانی که در جنگ بدر شرکت نموده اند: (يَوْمَ بَدْرٍ هَذَا جِبْرِيلُ أَخَذَ بِرَأْسِ فَرَسِهِ عَلَيْهِ أَذَاةُ الْحَرْبِ)⁶ ترجمه: که روز بدر فرمودند: این جبرئیل است که با لباس رزم آمده و افسار اسب خویش را به دست گرفته است.

مطلب پنجم: حمل عرش، نگهبانان جنت وجهنم

العرش: در اصل چیزی است که سرش پوشیده و سقف دارد، جمع آن عروش است. همانگونه که آمده است: { وَهِيَ خَاطِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا }⁷ ترجمه: در حالی که سقف خانه ها بر روی سقفها فرو ریخته بود.

1. سید قطب، فی ظلال القرآن ج1 ص 33

2. سوره رعد 11

3. سیوطی، الدر المنثور سیوطی، عبد الرحمن بن أبی بکر، جلال الدین، الدر المنثور، ناشر، دار الفکر - ب سال نشر 1998م، ج 4 ص 612

4. سوره انعام 61

5. بخاری، صحیح بخاری، ج 5 ص 80

6. بخاری، صحیح بخاری، ج 5 ص 81

7. سوره بقره 100

جایگاه و تخت زمامدار را نیز عرش گفته میشود.¹ هر آن مکان مرتفع که بلند باشد عرش می نامند همانگونه که تخت ملک را عرش می نامند چنانچه در مورد حضرت یوسف علیه السلام آمده است: {وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ} 2 ترجمه: و یوسف پدر و مادرش را بر تخت نشاند. واژه عرش برای بزرگی قصر و قدرت و کشور داری هم کنایه شده است الله جل جلاله می فرماید: {أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بَعْرَشِهَا} 3 ترجمه: کدام يك از شما مي تواند تخت او را پیش من حاضر آورد. {وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَجْمَلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ} 4 ترجمه: و فرشتگان در اطراف و کناره هاي آسمان (جدید آن روزي) قرار مي

گیرند، و در آن روز، هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می دارند. عرش الله: چیزی است که در حقیقت بشر آن را نمی شناسد و نمی داند مگر بوسیله اسم آن و این چنین نیست که اوهام و خیالات عامه مردم به آن توجه کرده و پنداشته اند، زیرا اگر آنچنان باشد بایستی عرش حامل خدای، که متعالی از آن است باشد نه محمول. عرش همان فلك الأعلى است عرش بزرگترین مخلوق الله جل جلاله است که آسمانها را احاطه کرده و بالاتر از همه قرار دارد. الله جل جلاله بر روی عرش قرار دارد، (کیفیتش را الله جل جلاله بهتر میدانند) حمل کنندگان عرش چهار فرشته مقرب اند که همیشه حمد و ثنای الله جل جلاله را نیز می گویند چنانکه الله جل جلاله می فرماید: {وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ} 5 ترجمه: فرشتگان را خواهی دید که گرداگرد عرش خدا حلقه زده اند و به سپاس و ستایش پروردگار خود مشغولند. در میان (بندگان خدا داوری می شود) و دادگران و واقعی در میانشان داوری می گردد، (و از سوي همه هستي فریاد برآورده می شود) و گفته می شود: حمد و سپاس الله جل جلاله جهانیان را سزا است!

روز قیامت تعداد آنان زیاد شده به هشت فرشته می رسند و این بر قدرت و توانائی فرشتگان دلالت دارد، زیرا آنان این عرش بزرگ را که از بزرگترین مخلوقات خدا است بر دوش خود حمل می کنند.⁶ همانگونه که الله جل جلاله می در این مورد می فرماید: {وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَجْمَلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ} 7 ترجمه: و فرشتگان در اطراف و کناره هاي آسمان (جدید آن روزي) قرار مي گیرند، و در آن روز، هشت فرشته، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می دارند. هدف از: {أَرْجَاءَ جَمْعِ رَحِيٍّ، یا رجا، کناره ها، جوانب و اطراف. ضمیر (ها) به آسمان جدید آن روز بر می گردد.

در احادیث نبوی نیز در مورد فرشتگان صحبت شدن است، پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در مورد یکی از حاملان عرش چنین فرموده است: {أُذِنَ لِي أَنْ أُحَدِّثَ عَنْ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ إِنَّ مَا بَيْنَ

1. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن اصفهانی، ج 2 ص 578

2. ابن فارس، مقاییس اللغة ج 4 ص 264

3. سوره نمل 41

4. سوره حاقه 17

5. سوره زمر 75

6. نیشاپوری، نظام الدین الحسن بن محمد بن حسین القمی النیسابوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ناشر دار الکتب العلمیه - بیروت ج 1

ص 215

7. سوره الحاقه 17

شَحْمَةُ أُذُنِهِ إِلَى عَاتِقِهِ مَسِيرَةُ سَبْعِ مِائَةِ عَامٍ¹ ترجمه: به من اجازه داده شد که از فرشته ای از فرشتگان الله جل جلاله، که از حاملین عرش است سخن بگویم همانا بین نرمی گوش تا گردن او فاصله ی هفتصد سال راه می باشد. در جای دیگری از انس رضی الله عنه روایت است که فرمودند: (أُذُنِي لِي أَنْ أُحَدِّثَ عَنْ مَلِكٍ مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ رِجَالَهُ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى وَعَلَى قَرْنِهِ الْعَرْشُ وَبَيْنَ شَحْمَةِ أُذُنِهِ وَعَاتِقِهِ خَفَقَانُ الطَّيْرِ سَبْعُمِائَةِ عَامٍ يَقُولُ ذَلِكَ الْمَلِكُ سُبْحَانَكَ حَيْثُ كُنْتُ)² ترجمه: به من اجازه داده شد که از فرشته ای از حاملین عرش سخن بگویم که دو پایش در پایین ترین طبقه زمین می باشد و عرش بر شاخش قرار دارد و فاصله بین نرمه گوشش و شانه اش برابر با مسیری است که پرنده ای سریع بال و تند پرواز در طول 700 سال طی می کند و سخن آن فرشته این می باشد که الله جل جلاله متعال هر جایی که هستی پاک و منزهی. از آنجا بالا تذکر رفت به خوبی دانسته می شود که عرش پروردگار نسبت به همه مخلوقات بزرگی و عظمت دارد، و از جایگاه ویژه برخوردار است.

مطلب ششم: ذکر الله متعال و استغفار و دعا برای مؤمنان

ایمان داشتن به خدا آنقدر ارزشمند است که سبب می شود که الله جل جلاله و فرشتگان مقرب، شخص با ایمان را شامل دعاهاي خویش قرار بدهند. چون بسیاری از انسانها عبودیت خدا را با اعتقاد به وجود خدا اشتباه می گیرند. فراموش نشود که در طول تاریخ مادی گرایان و آنهایی که وجود خدا را انکار کرده اند، به قدری کم بوده اند که در مقابل لشکر عظیم بشر چیزی به حساب نمی آیند. به ویژه لشکر غیبی پروردگار همانند فرشتگان که همیشه در تسبیح و تحمید الله بسر میبرند همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ}³ ترجمه: آنان که بردارندگان عرش خدایند و آنان که گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند (و می گویند :) پروردگارا ! مهربانی و دانش تو همه چیز را فرا گرفته است. پس در گذر از کسانی که برمی گردند و راه تو را در پیش می گیرند ، و آنان را از عذاب دوزخ مصون و محفوظ فرما .

هدف از حاملین عرش فرشتگانی است که بردارندگان عرش هستند . قرآن و سنت متواتر تفصیلی در این باره نداده اند . در این باره دم نمی زنیم و امر آن را به خدا حواله می داریم.⁴ نه تنها دعا در حق خود شخص بلکه دعا در حق فامیل و خانواده وی نیز می نمایند چنانکه الله جل جلاله می فرماید: {رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ}⁵ ترجمه: پروردگارا ! آنان را به باغهای همیشه ماندگار بهشتی داخل گردان که بدیشان (توسط پیغمبران) وعده داده ای ، همراه با پدران خوب و همسران شایسته و فرزندان بایسته ایشان . قطعاً تو (بر هر چیزی) چیره و توانا و (در هر کاری) دارای فلسفه و حکمت هستی .

1. سجستانای، سنن ابو داود ج 7 ص 109، شیخ البانی این حدیث را صحیح خوانده است، (صحیح و ضعیف سنن ابی داود، ج3، ص 25)
2. طبرانی ؛ سلیمان بن احمد بن ایوب بن مطیر اللخمي الشامي، أبو القاسم الطبراني، المعجم الأوسط، ناشر دار الحرمین - القاهرة بدون تاریخ ج3 ص 41.
3. سوره غافر 7
4. شهود ، الايمان بالملانکه و بیان صفاتهم، ج1 ص 91
5. سوره غافر 8

چه زیباست نامی که فرشتگان آن را بخوانند، دوستش بدارند و دعای مغفرت و مرحمت بر او بفرستند، چه زیبا آن است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در این مورد فرمودند: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ "إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيلَ فَقَالَ: إِنِّي أُحِبُّ فَلَانًا فَأَحِبُّهُ، قَالَ فَبِحُبِّهِ جِبْرِيلُ ثُمَّ يُنَادِي فِي السَّمَاءِ فَيَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فَلَانًا فَأَحِبُّوهُ فَيَحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ قَالَ ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقَبُولُ فِي الْأَرْضِ وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيلَ فَيَقُولُ إِنِّي أَبْغِضُ فَلَانًا فَأَبْغِضُوهُ قَالَ فَيَبْغِضُونَهُ ثُمَّ تُوضَعُ لَهُ الْبُغْضَاءُ فِي الْأَرْضِ)¹ از ابوهریره رضي الله عنه روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: هرگاه خدا بنده ای را دوست بدارد جبرئیل را فرا می خواند و می فرماید: من فلانی را دوست دارم تو نیز دوستش بدار، پس جبرئیل نیز او را دوست می دارد. سپس جبرئیل در آسمان ندا سر می دهد و می گوید: الله جل جلاله فلانی را دوست دارد شما نیز او را دوست بدارید. اهل آسمان نیز او را دوست می دارند، سپس مورد قبول اهل زمین نیز واقع می شود و هرگاه خدا بنده ای را مورد خشم قرار دهد، جبرئیل را فرا خوانده و می فرماید: من فلانی را مورد خشم قرار داده ام تو هم او را مورد خشم قرار بده سپس جبرئیل در آسمانها ندا می دهد که الله جل جلاله بر فلانی خشم گرفته است شما نیز بر فلانی خشم بگیرید سپس الله جل جلاله بغض و کینه ی اهل زمین را برایش قرار می دهد. هیچ گونه محبت در روی زمین مورد قبول نیست که آغاز آن محبت به الله نباشد، همانگونه که ابن عباس فرمود: الله جل جلاله آنان را دوست دارد سپس آنان را محبوب مخلوقش نیز میدارد²

محبت الله وسیله محبت فرشتگان را فراهم میآورد، خوشنودی فرشتگان در برابر خوشنودی الله است آنجا که می فرماید: {هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا} 3 ترجمه: او کسی است که به شما عنایت و مرحمت می کند، و فرشتگانش برای شما تقاضای بخشش و آمرزش می نمایند، تا یزدان (جهان در پرتو الطاف خود و دعای فرشتگان) شما را از تاریکیهای (کفر و ضلالت) بیرون آورد و به نور (ایمان و هدایت) برساند. چرا که او پیوسته نسبت به مؤمنان مهربان بوده است.

رسول الله صلی الله علیه وسلم در مورد حضور فرشتگان در نمازها فرمودند: (يَتَعَاقَبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ، وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ، وَيَجْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ، وَصَلَاةِ الْعَصْرِ)⁴ ترجمه: فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می شوند، گروهی شب می آیند و گروهی روز می آیند، و اینها صبح و عصر با هم يك جا جمع می شوند، بدین منظور باریتعالی می فرماید: {وَقَرَأَ الْفَجْرِ} یعنی نماز صبح.

فرشتگان بندگان عبادتگذار و موظف به اطاعت از الله جل جلاله متعال هستند. عبادت و تکالیف را براحتی و آسانی انجام می دهند. اینک به بیان برخی از عبادات های آنان که الله جل جلاله، یا رسول گرامی صلی الله علیه وسلم آن را برای ما بیان کرده اند، می پردازیم: {وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

1. بخاری، صحیح بخاری، ج 9 ص 142

2. نیشاپوری، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، ج 4 ص 511

3. سوره احزاب 43

4. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 1 ص 439

5. سوره اسراء 78

وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا إِنْ اللَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ {1} ترجمه: و فرشتگان (با همه قدرتی که دارند دائماً)

به تسبیح و تقدیس پروردگارشان مشغول و برای کسانی که در زمین هستند درخواست آمرزش می کنند . هان ! (ای انسان غافل از اطاعت آسمانها و افلاک و عبادت فرشتگان پاک ! بدان که) یزدان آمرزگار و مهربان است . فرشتگان به باشندگان مومن در روی زمین طلب استغفار می کنند، و یا آنکه استغفار به معنی کوشش مغفرت خواهی در حق کسانی که ایمان آورده اند.²

کثرت تسبیح آنان تنها بدین دلیل است که تسبیح بهترین ذکر است و فرشتگان به آن ملبس اند همانگونه که الله جل جلاله می گویند: {وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ- وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ} {3} ترجمه: و ما جملگی (برای اطاعت یزدان و اجرا فرمان الله جل جلاله سبحان) به صف ایستاده ایم (و کسی از ما جرأت حرکت از جای خود ، و گام بیرون نهادن از دایره حوزه کارش را ندارد) . و ما جملگی ، به تسبیح و تقدیس خدا مشغولیم (و ستایشگران ایزد بیچونیم) .

دعا در حق کسانی که سحری میکنند تا آنکه بخاطر تقرب الی الله روزه ماه رمضان را روزه می گیرند چنانکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در این مورد می فرماید: (عَنِ ابْنِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: (إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ) {4} ترجمه: از ابن عمر⁵ رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند: همانا الله جل جلاله و فرشته ها برای کسانی که سحری می خورند مغفرت می کنند. و از صلاه نسبت به گوینده آن تفاوت دارد، مراد صلات از جانب الله رحمت است، و از جانب فرشتگان دعاء در حق مومنان است.⁶

دعای فرشتگان در حق کسانی که به نماز جماعت در مساجد حضور می یابند، در این زمینه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و سلم می فرماید: (فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتْ الصَّلَاةُ هِيَ تَحْبِسُهُ وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ يَقُولُونَ اللَّهُمَّ ارْحَمْهُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ تَبَّ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ مَا لَمْ يُحْدِثْ فِيهِ) {7} ترجمه: و وقتی به مسجد رسید آن مدتی که بخاطر نماز در مسجد باقی مانده باشد (ثواب) نماز برایش حساب می شود و تا زمانی که از جایگاه نمازش که در آن نماز خوانده بلند نشود فرشتگان برایش دعا می کنند و می گویند الله جل جلالها او را رحم کن و او را ببخشی و توبه اش را بپذیر. تا وقتی که وضویش باطل نشده این دعا ادامه دارد. حتی فرشتگان به کسانی که در صف اول نماز جهت ادای نماز جماعت حضور می یابند نیز صلات می فرستند. چنانچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم فرموده است: (إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَعَلَى الثَّانِي قَالَ إِنْ اللَّهَ

1. سوره شوری 5

2. شوکانی، محمد بن علی بن محمد بن عبد الله الشوکانی الیمنی ، فتح القدیر، ناشر دار ابن کثیر، دار الکلم الطیب - دمشق، بیروت سال نشر 1414 هـ ، ج 4 ص 603

3. سوره صافات 165- 166

4. البانی، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدین، بن الحاج نوح بن نجائی بن آدم، الأشقودری الألبانی، صحیح الجامع الصغیر و زیاداته، ناشر المکتب الاسلامی ج 1 ص 377

5. عبدالله بن عمر فرزند خطاب بن نفل العدوی، مادرش زینب بنت مظعون، در کودکی ایمان آورد، سپس با پدرش هجرت کرد، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بسیار و از خلفای راشدین احادیث فراوان روایت نموده است. یکی از بهترین و دانا ترین اصحاب پیامبر شناخته شده است. (سیر اعلام النبلاء ج ص)

6. ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد بن حبان بن معاذ بن معبذ، التمیمی، أبو حاتم، الدارمی، البیستی ، صحیح ابن حبان، مؤسسة الرسالة، بیروت ، سال نشر 1988 ج 1 467

7. نیشاپوری، صحیح مسلم ج 1 ص 459

وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَعَلَى الثَّانِي قَالَ وَعَلَى الثَّانِي 1 ترجمه: همانا الله جل جلاله و فرشتگان بر صف اول درود می فرستند صحابه رضي الله عنهم گفتند: اي رسول خدا صلى الله عليه وسلم و همچنین بر صف دوم؟ فرمودند: الله جل جلاله و فرشتگان بر صف اول درود می فرستند صحابه رضي الله عنهم گفتند: و بر صف دوم؟ پیامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند و بر صف دوم. عبادت مریض باعث نزول درود بر فرد مومن میشود: عن علي رضي الله عنه قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: (مَنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا غُدُوَّةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يُصْبِحَ وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّةِ) 3 ترجمه: از علي رضي الله عنه روایت است که گفت شنیدم رسول اکرم صلى الله عليه وسلم فرمودند: هر مسلمانی که به وقت صبح به عبادت بیماری رود هفتاد هزار فرشته تا شب در حق او دعای مغفرت می کنند و هر مسلمانی که شامگاه به عبادت بیماری رود هفتاد هزار فرشته تا صبح در حق او دعای مغفرت می کنند و علاوه بر این الله جل جلاله باغی از باغهای بهشت را به او اختصاص خواهد داد.

مطلب هفتم: حمایت از پیامبران صلى الله عليه وسلم ونزول عذاب بر مخالفان آنها

پروردگار، فرشتگان و مومنین الله جل جلاله متعال بر پیامبر اکرم صلى الله عليه وسلم درود می فرستند همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا} 4 ترجمه: الله جل جلاله و فرشتگانش بر پیغمبر درود می فرستند ، اي مؤمنان ! شما هم بر او درود بفرستید و چنان که باید سلام بگوئید. این آیه دلالت به تشریف و تکریم پیامبر اکرم صلى الله عليه وسلم می نماید، حتی فرشتگان بر وی درود می فرستند 5 ابو سعید خدری رضي الله عنه روایت می کند: جبرئیل نزد رسول خدا صلى الله عليه وسلم آمد و عرض کرد: اي محمد! آیا بیمار شده اي؟ فرمود: آری. جبرئیل گفت: (بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ وَ اللَّهُ يَشْفِيكَ) 6 ترجمه: به نام الله جل جلاله از هر چیز موزی تو را دم می کنم، از بدي هر موجود زنده، و از چشم هر حسودی، الله جل جلاله تو را شفا دهد، بنام خدا تو را دم میکنم، خدا شفایت دهد. این زمانی است که پیامبر اکرم صلى الله عليه وسلم تقریباً شش ماه مریض باقی ماند تا آنکه در سه روز اخیر مریضی اش شدت گرفت سپس جبرئیل به وی چنان گفت و بالأخره شفا یافت. 7

1. احمد، مسند احمد بن حنبل، ج 5 ص 296، رجال آن ثقه هستند، (هیثمی، مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، ج 2 ص 91)
2. حضرت علی رضي الله عنه اسمش علي پسر ابو طالب این عبدالمطلب ابن هاشم ابن عبد مناف قریشی از تیره ي هاشم است. نسبش در عبدالمطلب به پیامبر صلى الله عليه وآله وسلم می رسد. مادرش فاطمه بنت اسد ابن هاشم ابن عبد مناف قریشی از تیره ي هاشم است، کنیه اش ابو الحسن و ابو تراب است، علي رضي الله عنه سي ودو سال بعد از تولد رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم در شهر مکه مکرمه بدنیا آمد، علي رضي الله عنه به عقاید و آداب جاهلیت آلوده نشد زیرا قبل از بلوغ مسلمان شد، اولین کودکی بود که مسلمان شد، وی یکی از ابرمردان تاریخ اسلامی و خلفای راشدین میباشد، وی در سال چهل هجری بنا به دسیسه دشمنان اش کسی بنام بن ملجم در بامداد آن در سال (40 هجری) به شهادت رسید. (صلابی، سیرت حضرت علی رضي الله عنه ، ج 1 ص 178)
3. ترمذی، سنن الترمذی، ج 3 ص 291
4. سوره احزاب 56
5. رازی، مفاتیح الغیب = التفسیر الکبیر ج 2 ص 438
6. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 4 ص 218
7. خازن، لباب التأویل في معاني التنزيل، ج 4 ص 500

از کارهای دیگر جبرئیل این بود که در غزوه بدر و خندق همراه رسول خدا ص با کفار جنگیده است. همچنین در سفر اسراء و معراج او را همراهی کرده است. الله جل جلاله متعال همراه هر انسانی یک فرشته و یک جن قرار داده.

یکی از مواردیکه فرشتگان بخاطر احیای مجدد آن همواره در تلاش اند همانا اتحاد و همدلی مسلمانان است، در این زمینه همیشه همگام پیامبر اسلام بوده اند و همیشه پیامبر را سفارش در حق همسایه می نمود آنجا که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: **عَنْ عَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِنِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِثُهُ**¹ ترجمه: از عایشه رضي الله عنها روایت است که رسول الله - صلی الله علیه وسلم - فرمودند: همواره جبرئیل مرا در مورد همسایه سفارش نمود تا جایی که گمان کردم همسایه از همسایه ارث خواهد برد.

حمایت فرشتگان از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و اصحاب کرام در غزوه بدر از شهرت زیاد برخوردار است زمانیکه پیامبر ما از زبان بلا کیف پروردگار می فرمودند: **{ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنَزَّلِينَ }**² ترجمه: بدان گاه که تو به مؤمنان می گفتی: آیا شما را بسنده نیست که پروردگارتان با سه هزار از فرشتگان فرستاده (از سوی خویش برای آرامش خاطرتان) یاریتان کرد ؟ اما نصرت و یاری فرشتگان بر مومنین پیش شرط های دارد که ناگذیر مسلمانان آن را در نظر بگیرند همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: **{ بَلَى إِنْ تَصِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّن فَوْرِهِمْ هَذَا يُدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ }**³ ترجمه: آری ! (شما را بسنده است . و علاوه از آن) اگر بردباری (در کارزار) داشته باشید و پرهیزگاری کنید (از معصیت خدا و مخالفت با پیغمبر) ، و آنان (یعنی دشمنان مشرک) هم اینک بر شما تاخت آرند ، پروردگارتان (بر تعداد فرشتگان بیفزاید و) با پنج هزار فرشته یورشگر و نشانگذار ، شما را یاری کند. در مقابل افراد فاجر و کافر مورد نفرین الله متعال، پیامبرش و کافه امت اسلامی قرار میگیرند همانگونه که الله جل جلاله نیز ارشاد می فرماید: **{ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ }**⁴ ترجمه: کسانی که کفر ورزیدند و در حالی که کافر بودند مردند (و با استمرار کفر و بدون توبه و پشیمانی ، از دنیا رفتند) نفرین خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان خواهد بود. لعنت الله بر آنانی است که هدایت به آنان کارگر نشد، پس این جزای انکار و عناد آنان است که مورد نفرین و لعنت قرار بگیرند.⁵

حتی آنان که مخالف کتاب الله و سنت رسول الله عمل نمایند بدون تردید که مورد نفرین و لعنت فرشتگان قرار میگیرند همانگونه که ابو هریره در حدیثی می فرماید: **(عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ عَنْ**

1. بخاری، صحیح بخاری، ج 1 ص 601

2. سوره آل عمران 124

3. سوره آل عمران 126

4. سوره بقره 161

5. اندلسی، تفسیر البحر المحیط ج 3 ص 252

6. حضرت ابو هریره رضی الله در مورد اسم ابوهریره رضي الله عنه قبل از اسلام اختلاف وجود دارد و در این مورد چند قول ذکر شده است. گفته اند: اسم او عیدشمس بن صخر بوده و گفته اند عبد عمرو بن غنم، بعد از اسلام اسم او عبدالرحمن بن صخر بوده است، کنیه اش (ابوهریره) بر اسمش غالب بوده است، وی بالاترین تعداد احادیث را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم روایت کرده است وی در سال 57 هـ و گفته اند 58 هـ و گفته اند 59 هـ در سن 78 سالگی درگذشت. (ذهبی، سیر اعلام النبلاء ج 1 ص 253).

النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ أَنْ تَجِيءَ لَعْنَتُهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تُصْبِحَ¹ ترجمه: از
أبوهريره رضي الله عنه روايت است كه پيامبر صلى الله عليه وسلم فرمودند: هنگامي كه مردی
همسرش را به خوابگاهش فرا خواند و همسرش از آمدن امتناع ورزید، فرشتگان او را تا صبح لعنت
می کنند.)

1. بخاری ، صحیح بخاری، ج 4 ص 116

مبحث سوم ایمان به ملائکه در قرآن کریم تمهید

ایمان و اعتقاد به وجود فرشتگان، یکی از اصول اعتقادی اسلام است که ایمان بدون آن کامل نمی‌گردد. و فرشتگان بخشی از جهان غیب‌اند که الله جل جلاله متعال ایمان آورندگان بدان را مورد ستایش و تمجید قرار داده است؛ زیرا ایمان به فرشتگان در واقع پذیرفتن خبر الله جل جلاله متعال و پیام رسول خدا صلی الله علیه وسلم است. قرآن و سنت بطور مفصل این موضوع را شرح داده، و زوایای مختلف آن را بیان کرده‌اند. هر کس قرآن و سنت را در این زمینه مطالعه کند، ایمان و اعتقاد به فرشتگان برایش واضح خواهد بود، در این اعتقاد هیچ گنگی و ابهامی نخواهد یافت، و این مطالعه موجب ایمان عمیق و راسخ بودن این اعتقاد می‌گردد؛ زیرا شناخت تفصیلی از شناخت مختصر و فهرست وار محکم‌تر و استوارتر است. ایمان به فرشتگان یکی از اصول ایمان به خداست، و ایمان بنده کامل نمی‌شود مگر با ایمان آوردن به فرشتگان خدا، باری تعالی می‌فرماید: {أَمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ} 1 ترجمه: فرستاده (خدا، محمد) معتقد است بدانچه از سوی پروردگارش بر او نازل

شده است (و شکی در رسالت آسمانی خود ندارد) و مؤمنان (نیز) بدان باور دارند. همگی به خدا و فرشتگان او و کتابهای وی و پیغمبرانش ایمان داشته، میان هیچ یک از پیغمبران او فرق نمی‌گذاریم (و سرچشمه رسالت ایشان را یکی می‌دانیم). و می‌گویند: (اوامر و نواهی ربّانی را توسط محمد (شنیدیم و اطاعت کردیم. پروردگارا! آمرزش تو را خواهیم، و بازگشت به سوی تو است. ایمان به فرشتگان یکی از ارکان مهم شریعت اسلامی است. این آیه در شب معراج نازل شده است هرچند تعدادی بدین باور اند که همه قرآن به وسیله جبرئیل نازل شده مگر این آیه، بخاطر آنکه این آیه را پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم در شب معراج شنید، اما برخی ها گفته‌اند که این آیه در شب معراج نازل نشده است زیرا شب معراج در مکه صورت گرفت ولی این سوره مدنی است، به هر حال این آیات معنی واقعی سپاسگذاری و صدق پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم را بنمایش می‌کشاند.²

این حقایق که در قرآن و سنت بیان شده‌اند، ایمان و اعتقاد ما را نسبت به خدایی که معبود حقیقی است و محافظ و مراقب این جهان هستی است راسخ و عمیق می‌گرداند آن که لشکر خود را از فرشتگان برگزیده تا به امور و شؤون مختلف هستی پردازند زیرا فرشتگان بهترین موجود روی زمین هستند که باید به آنان بالید: {وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ} 3 ترجمه: اگر ما بخواهیم از شما فرزندان صالح و فرشته گونی پدیدار و در زمین جایگزین شما می‌سازیم.

قرآن و سنت بدین جهت پیرامون فرشتگان به طور مفصل بحث نموده‌اند که انسان بدون وحی نمی‌تواند به شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد. زیرا حواس انسان ناتوان‌تر از آن است که فرشتگان را ببیند و کلامشان را بشنود، باز هم ایمان به آنان باعث رشد و تقویه ایمان شده و انکار آنان ایمان را ضایع می‌سازد و انسان را به بیراهه می‌کشاند چنانکه الله جل جلاله می‌

1. سوره بقره 285

2. قرطبی، تفسیر قرطبی، ج 3 ص 425

3. سوره زخرف 60

فرماید: {وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا}¹ ترجمه: هرکس که به خدا و فرشتگان و کتابهای الله جل جلاله و پیغمبرانش و روز رستاخیز کافر شود (و یکی از اینها را نپذیرد) واقعاً در گمراهی دور و درازی افتاده است.

جهان فرشتگان غیر از جهان انس و جن می باشد، جهان پاکی و خوشی و صفا است، و آنها مخلوقات با تقوی هستند، خدا را به حق عبادت می کنند، و آنچه به آنها امر شود انجام می دهند و به هیچ وجه معصیت خدا را نمی کنند، و پروردگار از کار آنان خوشنود است، و دشمنی با آنان را دشمنی باخود می داند² آنجا که می فرماید: {مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ}³ ترجمه: کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (الله جل جلاله دشمن او است). چه الله جل جلاله دشمن کافران است. الله جل جلاله در این آیه دشمنی با جبرئیل را دشمنی با خود معرفی می نماید.

ایمان داشتن به فرشتگان مترتب بر چند چیز خواهد بود: تصدیق کردن بوجود آنها، مقام و منزلت آنها، اینکه آنها مانند انس و جن از بندگان و مخلوقات الله جل جلاله می باشند، اینکه هیچ عملی نمی توانند انجام دهند مگر بفرمان خدا، به هیچ وجه بخدا شرک نمی آورند، عرش با عظمت خدا را حمل می کنند، بزرگترین و عظیمترین سربازان پروردگار اند. بالاتر از آن باید نوشت که ایمان به فرشتگان یکی از ارکان ششگانه ایمان می باشد و معنی آن: تصدیق به وجود آنها و تصدیق به اعمال و کردار آنهاست که در دنیا و آخرت انجام می دهند.

فرشتگان، مخلوقات غیبی هستند که الله جل جلاله را پرستش می کنند و چیزی از ویژگیهای ربوبیت و الوهیت را ندارند. الله جل جلاله آنها را از نور آفریده است و به آنان، اطاعت کامل و توان اجرای دستورانش را عنایت کرده است. که خود نیروی معنوی را در درون ما می افزایش: {وَمَنْ عِنْدَهُ لَا

يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ - يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ}⁴ ترجمه: و کسانی که در پیشگاه وی هستند (و مقربان درگاه پروردگارند، یعنی فرشتگان) از پرستش او سر باز نمی زنند و خویشتن را بالاتر از عبادتش نمی دانند و (از بندگی شبانه روزی خود هرگز) خسته نمی گردند. شب و روز (دائماً به تعظیم و تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و تقدیسند و سستی به خود راه نمی دهند. تعدادشان بسیار زیاد است که بجز الله جل جلاله، کسی دیگر نمی داند در داستان معراج در صحیح بخاری در حدیث اسراء و معراج آمده است (فَرَفَعَ لِي الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ فَسَأَلْتُ جِبْرِيلَ فَقَالَ هَذَا الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ يُصَلِّي فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ إِذَا خَرَجُوا لَمْ يَعُودُوا إِلَيْهِ آخِرَ مَا عَلَيْهِمْ)⁵ ترجمه: سپس مرا به سوی بیت المعمور بردند از جبرئیل سؤال کردم گفت این بیت المعمور است که هر روز هفتاد هزار (فرشته) بر آن وارد می شوند (نماز می گزارند و آن را طواف می کنند) و بعد از طواف بر نمی گردند.

1. سوره نساء 136

2. نسفی، بو البرکات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدین النسفی تفسیر النسفی (مدارک التنزیل وحقائق التأویل)، ناشر، دار الکلم الطیب - بیروت، سال نشر 1998م ج1 ص 114.

3. سوره بقره 98

4. سوره انبیاء 19-20

5. بخاری، صحیح بخاری، ج1 ص 109

مطلب اول: ثمره ایمان به ملائکه در قرآن کریم

بدون شک ایمان به فرشتگان پیامد نیکو و ثمره شریین دارد، چه آنکه ایمان به فرشتگان رکنی از ارکان ایمان ششگانه اسلامی است، بدین وسیله می توان نوشت که فشرده سخن آنکه ایمان به فرشتگان ثمرات بسیار زیادی است که برخی از آنها عبارتند از:

1. انسان به عظمت، قدرت و پادشاهی الله جل جلاله؛ پی می برد زیرا عظمت مخلوقات دلیل بر عظمت خالق است. همانگونه که همکاری فرشتگان با مریم علیها السلام، حضرت زکریا علیه السلام را واداشت تا از درگاه پروردگار طلب فرزند بکند: {فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ} ¹ ترجمه: پس (خداوند دعای او را پذیرفت و) در حالی که در عبادتگاه به نیایش ایستاده بود ، فرشتگان او را ندا در دادند که خداوند تو را به یحیی مژده می دهد ، و او تصدیق کننده کلمه خدا (یعنی عیسی ، چون با کلمه " کُن " پدید آمده است) و پیشوا و برکنار از هوسهای سرکش ، و پیغمبری از (تبار) صالحان خواهد بود.

2. ایمان به فرشتگان باعث سپاسگزاری از الله جل جلاله بخاطر عنایتی که به بنی آدم دارد، می شود. چنانکه تعدادی از فرشتگان به حراست از انسان و نوشتن اعمالشان و سایر منافع آنان مشغولند، از سوی دیگر همانند آنکه به حضرت مریم بشارت فرزند را دادند: {وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ} ² ترجمه: (تو حضور نداشتی) هنگامی که فرشتگان گفتند : ای مریم ! خدا تو را برگزیده و پاکیزه ات داشته است ، و تو را بر همه زنان جهان برتری داده است

3. باعث دوست داشتن فرشتگان می شود؛ آنها بخاطر عباداتی که انجام می دهند.3 همچنان ایمان به فرشتگان باعث نیروی معنوی قلب شده و به مسلمان اطمینان میدهد که پروردگار به لکشر غیبی در شرایط ناهنجار زندگی معاونت می نماید: {إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ} ⁴ ترجمه: (ای مؤمنان ! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم (و کمک و یاریتان می نمایم . شما با الهام پیروزی و بهروزی) مؤمنان را تقویت و ثابت قدم بدارید ، (و من هم) به دلهای کافران خوف و هراس خواهم انداخت . (به مؤمنان الهام کنید :) سرهای آنان را بزنید (و از هم بشکافید که بر گردنهای ناپاکشان سنگینی می کند) و دستهای ایشان را ببرید (و پنجه هایشان را پی کنید).

4. ایمان به فرشتگان تأثیر مهمی در زندگی روز مره انسان دارد، و اگر انسان دانست که چنین است احتیاط می کند، و اگر دانست که فرشتگانی مأمور بر او هستند و شب و روز از او نگهداری می کنند، در اینحال احتیاط می کند تا اینکه چیزی بر او نوشته شود که به خیر دنیا و آخرتش قرار بگیرد. زیرا ممکن است خود را از بشر پنهان کنی و داخل خانه ای شوی، یا دری بر خود ببندی تا از تو با خبر نشود ولی فرشتگان در هر جا که باشی با تو همراهند.⁵

1. سوره آل عمران 39

2 سوره آل عمران 42

3. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة العقیده ج3 ص 369

4. سوره انفال 12

5. فوزان، صالح بن فوزان الفوزان، ایمان به فرشتگان و تأثیر آن در زندگی امت اسلام، مترجم: اسحاق دبیری، بدون تاریخ، ج1 ص 39

همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {وَإِنَّ عَلَيْكُمْ حَافِظِينَ - كَرَامًا كَاتِبِينَ - يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ} 1

ترجمه: بدون شك نگاهبانانی بر شما گمارده شده اند. نگاهبانانی که (در پیشگاه پروردگار مقرب و) محترم هستند و پیوسته (اعمال شما را) می نویسند. می دانند هرکاری را که می کنید. و این ثمره ایمان به فرشتگان است که انسان مواظب گفتار و کردار بد خود خواهد بود، تا اینکه بر او چیزی نوشته نشود، وگرنه روز قیامت مجازات خواهد شد .

5. ایمان به فرشتگان باعث تقویه معنوی شده حمایت فزینگی و معنوی فرشتگان شامل حال انسان

میشود، همانگونه که ملائکه در غزوه بدر به شکل فزینگی با مجاهدین سهم گرفتند در جای دیگری از قرآن عظیم الشان فرشتگان را مامور میدارد تا بندگان نیک اش را بشارت به خیر نمایند همانگونه می فرماید: { إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْأَمُوا تَنْزِيلَ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا

تَخْزَنُوا وَأُبَشِّرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ } 2 ترجمه: کسانی که می گویند : پروردگار ما تنها خدا است

، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می ایستند ، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می دهند ، و بر این راستای خداپرستی تا زنده اند) پابرجا و ماندگار می مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می آیند (و بدانان مژده می دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می شد.

مطلب دوم: صفات خلقی ملائکه در قرآن کریم

ما نمی دانیم فرشتگان چه زمانی آفریده شده اند؟ الله جل جلاله در این باره هیچ گونه اطلاعی به ما نداده است. البته می دانیم که آنها قبل از آدم آفریده شده اند؛ زیرا الله جل جلاله به ما خبر داده که جانشین قرار دادن آدم بر روی زمین را به فرشتگان اعلام نموده، و به اطلاع آنها رسانده است آنجا که فرمود: { إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ } 3 ترجمه: زمانی (را یادآوری کن) که پروردگارت به فرشتگان گفت : من در زمین جانشینی بیافرینم (تا به آبادانی زمین بپردازد و آن زیبانگاری و نوآوری را که برای زمین معین داشته ام به اتمام رساند و آن انسان است . فرشتگان دریافتند که انسان بنا به انگیزه های سرشستی زمینی اش فساد و تباهی برپا می دارد . پس برای دانستن نه اعتراض کردن از خدا پرسیدند که حکمت برتری دادن انسان بر ایشان برای امر جانشینی چیست و (گفتند : آیا در زمین کسی را به وجود می آوری که فساد می کند و

بعضی از صفات فرشتگان عبارتند از :

فرشتگان از نور آفریده شده اند، عن عائشه رضی الله عنها قالت قال رسول الله صل الله علیه وسلم خلقت الملائكة من نور وخلق الجان من نار وخلق آدم مما وصف لكم . 4

1. سوره انفطار 10-11-12

2. سوره فصلت 30

3. سوره بقره 30

4. نیشاپوری، صحیح مسلم ج 4 ص 229 برخی ها این حدیث و امثال آن را به بهانه ای اینکه با حدیث آحاد عقیده ثابت نمی شود، مردود می دانند ولی این موضوع را در رساله ای (اصل الاعتقاد) به این شبهه پاسخ داده است.

ترجمه: عایشه رضی الله عنها روایت کرده که رسول اکرم صل الله علیه وسلم فرمود: فرشتگان از نور، جن ها از آتش و آدم از چیزی که برای شما بیان شده است، آفریده شده اند
فرشتگان دارای انواع و خصوصیات مختلف اند و به چند دسته تقسیم می شوند:

دسته ی اول: آنهایی هستند که الله جل جلاله می داند هر خوبی و نفعی به وجود آنها بستگی دارد
دسته ی دوم: گروهی هستند که بصورت هماهنگ با مزاج بخارهای لطیف از عناصری به وجود آمده اند که دارای نفس پاک و والا هستند، و به شدت آلودگی های حیوانی را از خود می رانند.
دسته ی سوم: آنهایی هستند که نفوس انسانی دارند، و به ساکنان آسمان بسیار نزدیک هستند، و همواره در حال انجام اعمالی هستند که مفید و موجب رستگاری می باشند، به طوری که پیوستن به آنها سودمند است و پرده های فیزیکی از اجسام این گروه برداشته شده، به گونه ای که اینان در مسیر باشندگان آسمان حرکت می کنند و جزو آنها محسوب می شوند.¹

1. آنها بزرگترین و عظیمترین سربازان الله جل جلاله در دنیا و آخرت هستند همانگونه که الله

جل جلاله می فرماید: {وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ} ² ترجمه: لشکرهای آسمانها و زمین از آن

خدا است. و هنگامیکه الله جل جلاله صحبت از نگهبانان جهنم می کند چنین می فرماید:

{عَلَيْهَا تِسْعَةُ عَشْرَ} ³ ترجمه: نوزده (فرشته) بر آن گمارده شده اند. یکی از کفار وقتی تعداد

نگهبانان آتش را شنید به خیال او که تعدادشان کم است گفت: من بر آنها چنین و چنان می

کنم، یعنی وقتی داخل جهنم شدم با آنها جنگ کرده بر آنان غلبه می کنم و از آتش بیرون می

آیم، آنهم از باب مسخره و استهزاء این سخنان را گفت. باری تعالی در جواب وی فرمود: {وَمَا

جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا} ⁴ ترجمه: مأموران دوزخ را جز

از میان فرشتگان برنگزیده ایم، و شماره آنان را نیز جز آزمایش کافران نساخته ایم. و

أصحاب جهنم: نگهبانان آتش هستند، یعنی در جهنم نوزده فرشته بر آتش پاسبانی می دهند.

2. آفرینش فرشتگان عظیم و بزرگ است چنانکه باری تعالی می فرماید: {الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ

وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ} ⁵ ترجمه: ستایش الله جل جلاله را سزا

است که آفریننده آسمانها و زمین است، و فرشتگان را با بالهای دوتا دوتا، و سه تا سه تا،

و چهارتا چهارتایی که دارند فرستاده است. هدف از أَجْنِحَةٍ: جمع جناح، بالها. بال و پر

نماد سرعت و قدرت است و می تواند معنی کنائی داشته باشد چنانکه جبریل فرشته از

فرشتگان است که الله جل جلاله آنرا قوی قدرتمند توصیف نموده، چنانکه می فرماید: {عَلَّمَهُ

شَدِيدُ الْقُوَى} ⁶ ترجمه: (جبرئیل، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. نافگته بناید

گذاشت که

فرشتگان به فرمان الله جل جلاله نیرو میگیرند بطور نمونه به برخی از آنان اشاره میکنیم:

1. دهلوی، شاه ولی الله دهلوی، حجه الله البالغه، مترجم محمد یوسف حسین پور، سایت عقیده www.Aqeeda.com ج1 ص 23

2. سوره فتح 8

3. سوره مدثر 30

4. سوره مدثر 31

5. سوره فاطر 1

6. سوره نجم 5

ا. حضرت جبرئیل کسیکه بارها از قدرت و نیروی وی در قرآن و سنت صحبت شده است. فرشتگان به اجازه الله جل جلاله قدرتمند هستند و دلیل بر توانائی و قدرتمندی آنان این است که اگر الله جل جلاله به یکی از آنان فرمان دهد در جهان فریاد می کشد و تمامی خلق هلاک میشوند، چنانکه بر قوم ثمود چنین آمد و بوسیله چغ همه هلاک شدند، پروردگار نیاز به نزول فرشتگان همانند چنگ بدر ندید. ¹ جبریل فریادی بر آنان زد چنانکه باری تعالی می فرماید: { إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَاحِبَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُخْتَطِرِ } ² ترجمه: ما بر آنان يك صدای سهمناك سر دادیم و ایشان همگی به صورت گیاه خشکی درآمدند که صاحب چهارپایان در آغل جمع آوری می کند. عادت بادیه نشینان عرب این بود که اگر به جایی کوچ می کردند در آنجا هیزم جمع کرده و از آن آغل (حصاری) برای گوسفندان و حیوانات خود درست می کردند تا از حیوانات دیگر محفوظ بمانند، و این هیزم خشک شده و تبدیل به خس و خاشاک میشد. پس قوم ثمود با وجود قدرت و توانائی و نیروی زیادی که از آن برخوردار بودند بر اثر شنیدن آواز هولناك یکی از فرشتگان مانند این هیزم های خشک به خس و خاشاک تبدیل شدند. و این جبریل علیه السلام بود که الله جل جلاله به او فرمان داد تا قریه های قوم لوط که هفت دهکده بود و در آن بشر و ساختمانها و توشه و حیوانات خیلی زیادی وجود داشت که آنان را به هلاکت کشانید و این نمونه ای از قدرت و قوت فرشتگان علیهم السلام می باشد. ³

ب. اسرافیل علیه السلام مأمور به دمیدن در صور است و آنهم ⁴ شاخ است که در آخر زمان یکبار در آن می دمدم و تمامی موجودات هلاک میشوند. سپس به بار دوم میدمت و این دمیدن بعثت یعنی برخاستن می باشد: { وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ } ⁵ ترجمه: و (یادآور شو) روزی که در صور دمیده شود، و تمام کسانی که در آسمانها و زمینند وحشت زده و هراسناك شوند، مگر کسانی که خدا بخواهد. و همگان فروتنانه در پیشگاه او حاضر و آماده می گردند. اسرافیل همیشه آماده و منتظر است تا الله جل جلاله دستور دمیدن در صور را به او بدهد. در مستدرک حاکم از ابوهیره - رضي الله عنه - روایت است که پیامبر - صلی الله علیه وسلم - می فرمودند: (طَرَفَ صَاحِبِ الصُّورِ مُنْذُ وَكَلَّ بِهِ مُسْتَعِدُّ يَنْظُرُ نَحْوَ الْعَرْشِ، خَافَةً أَنْ يُؤَمَّرَ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ طَرَفُهُ، كَأَنَّ عَيْنَيْهِ كَوْكَبَانِ دُرِّيَّانِ) ⁶ ترجمه: همانا صاحب صور از زمانی که عهده دار دمیدن در صور شده است با چشمهایش که همانند دو ستاره ی درخشان است آماده بسوی عرش می نگرد از ترس اینکه مبدا آن زمانی که پلکهایش را به هم می زند به او دستور داده شود. بی شك هرچه زمان می گذرد وقت دمیدن در صور نزدیک تر می شود و به همان نسبت اسرافیل خود را آماده تر می کند.

ت. فرشتگان خوش صورت ترین مخلوق پروردگار هستند در زمانهای قدیم زیبایی غیر قابل وصف به فرشتگان تشبیه می شد زنان مصر از دیدار یوسف تعبیری که یافتند این بود که

1. زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج 4 ص 12

2. سوره قمر 31

3. شهود، الایمان بالملائکة و بیان صفاتهم، ج 1 ص 138

3. معنای صور: بادی است که اسرافیل در روز رستاخیز در صور یعنی شاخ خود می دمدم و مردگان زنده می شوند.

5. سوره نمل 87

6. حاکم، أبو عبد الله الحاکم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم ضبي طهماني، نيسابوري، المستدرک علی الصحيحین، دار الكتب العلمية - بيروت، سال نشر 1990م شماره حدیث 8676. سپس گفت: صحیح الاسناد.

بگویند او بشر نیست بلکه فرشته است: { قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ } 1 ترجمه: (هنگامی که چشمانشان به یوسف افتاد) گفتند: ماشاء الله! این آدمیزاد نیست، بلکه این فرشته بزرگوار است. زیرا الله جل جلاله آنها را بسیار زیبا خلق نموده است. همانگونه که در مورد جبرئیل می فرماید: { ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى } 6 ترجمه: همان کسی که دارای خرد استوار و اندیشه وارسته است. سپس او (به صورت فرشتگی خود و با بالهایی که کرانه های آسمان را پر کرده بود) راست ایستاد.

مطلب سوم: صفات خلقی ملائکه در قرآن کریم.

سرشت و طبیعت ملائکه بر اساس اطاعت محض و انجام دادن اوامر و دستورات الله جل جلاله و فروتنی و کرنش در برابر عظمت و جبروت او می باشد. آنها با اراده و خواست پروردگار در کارها و امور مربوط به دنیا انجام وظیفه می کنند و بدون اراده و خواست خدا قادر به انجام هیچ کاری نمی باشند: { يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ } 5 ترجمه: از پروردگار بالایی عرش (که حاکم بر آنان است) می ترسند و آنچه به آنان دستور داده شود انجام می دهند. فرشتگان لشکر معزم و مکرم خدای یگانه هستند همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: { بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ - لَا يَسْخِفُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ } 2 ترجمه: بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند (که به هیچ وجه از طاعت و عبادت و اجرا فرمان یزدان سرپیچی نمی کنند). آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار یزدانند که هرگز) در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند ، و تنها به فرمان او کار می کنند (نه به فرمان کس دیگری) .

حیای ملائکه: ملائکه موجود بسیار با حیای هستند که در آثار فراوان آمده است من جمله در حدیثی از حضرت عائشه رضی الله آمده است که: (عَائِشَةُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مُضْطَجِعًا فِي بَيْتِي كَاشِفًا عَنْ فَخْذَيْهِ أَوْ سَاقَيْهِ فَاسْتَأْذَنَ أَبُو بَكْرٍ فَأَذِنَ لَهُ وَهُوَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ فَتَحَدَّثْتُ ثُمَّ اسْتَأْذَنَ عُمَرُ فَأَذِنَ لَهُ وَهُوَ كَذَلِكَ فَتَحَدَّثْتُ ثُمَّ اسْتَأْذَنَ عُثْمَانُ فَجَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَسَوَّى ثِيَابَهُ قَالَ مُحَمَّدٌ وَلَا أَقُولُ ذَلِكَ فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ فَدَخَلَ فَتَحَدَّثْتُ فَلَمَّا خَرَجَ قَالَتْ عَائِشَةُ دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ فَلَمْ تَهْتَشَّ لَهُ وَلَمْ تَبَالِهْ ثُمَّ دَخَلَ عُثْمَانُ فَجَلَسَتْ وَسَوَّيْتُ ثِيَابَكَ فَقَالَ: أَلَا أَسْتَحِي مِنْ رَجُلٍ تَسْتَحِي مِنْهُ الْمَلَائِكَةُ) 3 ترجمه: عائشه رضي الله عنها می گوید: رسول خدا صلى الله عليه وسلم در خانه ی من بر يك پهلو دراز کشیده بود و قسمتی از ران یا ساق پایش برهنه بود در این هنگام ابوبکر رضي الله عنه اجازه ی ورود خواست، پیامبر صلى الله عليه وسلم با همان حالتی که بود به او اجازه دخول داده و او مطلب خود را بیان نمود، سپس عمر رضي الله عنه اجازه ی دخول خواست، پیامبر صلى الله عليه وسلم به او نیز در همان حالت که بود اجازه ی ورود داد و او هم مطلب خود را بیان نمود سپس عثمان رضي الله عنه اجازه ی ورود خواست، پیامبر صلى الله عليه وسلم بر جاي خود نشست و لباسش را صاف نمود. {محمد یکی از راویان حدیث می گوید: و من نمی گویم این رعایت کردن در يك روز بوده است (یعنی همیشه با آمدن عثمان، پیامبر صلى الله عليه وسلم چنین می نمودند. عثمان رضي الله عنه وارد شد و مطلب خود را

1. سوره یوسف 51

2. سوره انبیاء 26-27

3. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 4 ص 1866

بیان نمود بعد از اینکه عثمان رضي الله عنه خارج شد، عایشه گفت: هنگامی که ابوبکر رضي الله عنه وارد شد شما به او توجه و اعتنایی نکردید همچنین هنگامی که عمر - رضي الله عنه - داخل شد شما به او توجه و اعتنایی ننمودید اما وقتی که عثمان - رضي الله عنه - داخل شد شما نشستید و لباس خود را مرتب نمودید پیامبر اکرم - صلی الله علیه وسلم - فرمود: آیا شرم نکنم از کسی که فرشتگان از او شرم می کنند؟!

عبادت و بندگی ملائکه: { إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ }¹ ترجمه: بیگمان کسانی که مقرّبان (درگاه) پروردگار تو هستند ، خویشتن را بزرگتر از آن نمی دانند که به پرستش خدا بپردازند ، و بلکه به تسبیح و تقدیس او مشغولند و در برابر او کرنش و سجده می برند.

مطلب چهارم: احترام فرشتگان در قران کریم

فرشتگان بندگان برگزیده‌ی خدا هستند و نزد پروردگارشان از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، و مسلمانی که خدا را عبادت کند و در صدد خشنودی الله جل جلاله است، چاره‌ای جز دوستی و تعظیم و طرفداری از فرشتگان ندارد. و مؤمن باید از هر عملی که موجب ناخشنودی و اذیت و آزار فرشته می‌شود خودداری کند. در این بخش توضیحاتی در این زمینه تقدیم می‌گردد.²

1. اذیت نکردن فرشتگان

علمای اسلام به شدت ناسزاگویی و عیب‌گویی فرشتگان را محکوم کردند. علامه سیوطی رحمه الله نوشته است: هر کس فرشته‌ای را دشنام دهد، باید کشته شود. این حکم درباره‌ی تمام فرشتگان یا آن فرشته‌هایی است که فرشته بودن آنان برای ما آشکار باشد. یعنی فرشته بودن آنان از قرآن و یا از حدیث متواتر و مشهور و متفق علیه ثابت شده باشد، مانند جبرئیل، نگهبان بهشت، مالک و زبانیه مأمور جهنم، حاملان عرش، ملک الموت، اسرافیل، رضوان، نگهبانان و نویسندگان اعمال انسان و منکر و نکیر. اما این حکم شامل آنهایی که حدیث، دلیل و اجماعی بر فرشته بودنشان نباشد، مانند هاروت و ماروت این حکم مذکور شامل حالشان نمی‌شود. سیوطی به نقل از قرافی مالکی می‌گوید: بر هر انسان مکلفی احترام پیامبران و فرشتگان ضروری است. هر کس با صراحت، کنایه و یا تعریض و اشاره، درباره‌ی حیثیت فرشتگان سخن بگوید، کافر می‌شود. مثلاً هر کس بگوید: فلانی از فرشته نگهبان دوزخ سنگ دل تراست، یا فلانی از منکر و نکیر وحشتناک‌تر است، اگر این سخن را بخاطر اثبات عیب و نقص وحشت و سنگدلی بگوید، کافر می‌گردد.³

2. دوستی و محبت با تمام فرشتگان

بر هر مسلمانانی لازم است با همه‌ی فرشتگان دوستی و محبت داشته باشد، و میان آنان تبعیض و برتری قائل نباشد؛ زیرا همه آنان بندگان مطیع و فرمانبر الله جل جلاله هستند، و هرگز با هم اختلاف و تفرقی ندارند و دستورهای خدا را به بهترین روش انجام می‌دهند. یهودیان مدعی بودند که میان فرشتگان دوستان و دشمنانی دارند. آنان جبرئیل را دشمن و میکائیل را دوست خود می‌دانستند.⁴ بنابراین الله جل جلاله متعال این ادعایشان را تکذیب کرد و فرمود که فرشتگان با هم اختلاف ندارند

1. سوره اعراف 206

2. شهود، الایمان بالملائکه و بیان صفاتهم، ج 1 ص 112

3. سیوطی، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، الحبانك في اخبار الملائك ج 1 ص 255.

ترجمه قرافی: ابوالعباس شهاب الدین احمد بن ادريس بن عبدالرحمن الصنهاجی المصری الشهير بالقرافی (626 – 684 هـ)

4. اشقر، عالم الملائکه الابرار ج 1 ص 16

آنجا که فرمود: {مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ} 1 ترجمه: کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (الله جل جلاله دشمن او است) . چه الله جل جلاله دشمن کافران است.

ذکر و یاد آوری فرشتگان فقط برای علم و دانش و درك چیزی نیست چنانکه تاریخ را مطالعه می کنیم، بلکه ما آنان را یاد آوری می کنیم تا اینکه آماده شویم و بر حذر باشیم که چیزی از بدیها بر ما نوشته شود و روز قیامت مورد بازخواست الله جل جلاله قرار گیریم و مجازات شویم . همچنین بخاطر دوست داشتن آنان را یاد آوری میکنیم، زیرا الله جل جلاله آنانرا دوست می دارد و همچنین ما آنان را دوست می داریم زیرا نیکوترین و فرمانبردارترین مخلوقات خدایند.

فصل دوم

رد شبهات منکرین ملائکه

مشرکین از گذشته تا امروز جهت تشویش پراگنی ذهنی بعضی شبهات را در مورد فرشتگان مطرح نموده اند، متأسفانه بدلیل آنکه کمتر از ملائکه سخن به میان می‌آید، مردم تصویر عجیب و غریبی نسبت به فرشتگان داشته باشند، آنگونه که تعداد زیادی از مشرکین آنها را دختران خدا معرفی می‌کردند، تعدادی به آنان رنگ الوهیت و قداست داده بودند. از آغاز بعثت پیامبر صلی الله علیه وسلم تا امروز ما شاهد ترویج شبهات در مورد فرشتگان از طرف دشمنان هستیم، که همواره اندیشه های غیر واقعی را نسبت به فرشتگان ابراز نموده اند. هرچند در برابر باورمندی آنان، افراد با دیانت همواره با جان و دل پذیرای اسلام بوده و برای توضیح واقعیت های دنیای فرشتگان دست بکار شده اند.

موضوعی که من می خواهم در این فصل به آن بپردازم درباره کسانی است که روش شك اندازی و ایجاد شبهه را در پیش گرفته اند، تا مسلمانان را نسبت به عقیده و دین خود متزلزل سازند، برای آگاهی هرچه بیشتر ماهیت این شبهات، به ویژه پیرامون منکرین ملائکه می توان در این فصل آنها را به صورت زیر دسته بندی کرد، و در دو مبحث و چندین مطلب تحریر نمود.

مبحث اول رد شبهات مشرکین تمهید

کفار و مشرکین برای خاموش سازی نور ایمان از هیچگونه سعی و تلاشی دریغ نکرده اند، امروز که بیشتر از هزار و چهارصد سال ، از آغاز اولین حکومت اسلامی می گذرد، باز هم شاهد تلاش های این دوگروه یعنی مشرکین و کفار برای جلوگیری از انتشار حقیقت، و بخش شبهات در ذهن مردم هستیم. به طور خلاصه باید گفت: مردم قبل از ظهور دین مبین اسلام، به وجود فرشتگان باور کامل داشتند، اما باورمندی آنان نسبت به فرشتگان به دو دسته بزرگ دسته بندی شده است:

1. پیروان انبیاء علیهم السلام، کلیه ی آنها معتقد به وجود ملائکه بودند و ایمان به آنها را جزء اصول اعتقادی خویش به شیوه های متفاوت می دانستند.

2. کسانی که به انبیاء ایمان نداشتند. باز هم آنان به دو دسته تقسیم می شدند:

أ. کسانی که هیچ گونه سخنی از ملائکه به میان نمی آورند نه نفي و نه اثبات می کردند.

ب. بعضی دیگر که به وجود ملائکه باور داشتند؛ از این گروه، می توان به روحانیون و بسیاری از فلاسفه ی قدیم یاد آور شد.

ب. مشرکین قریش؛ آنانکه ملائکه را دختران الله جل جلاله می خواندند.¹

ج. برخی از افراد مشرکین فرشتگان را می پرستیدند و آنها را مقدس می دانستند.²

شک و تردید در اندیشه و عقیده انسانی از همان آغاز به مرور زمان گسترش یافت، تعدادی همانند فرعونیان زیبای ها و درخشنده گی را ویژه فرشتگان الله جل جلاله می دانستند، همانگونه که زنان قصر فرعونیان با دیدن یوسف علیه السلام چنین گفتند: {وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ}³

ترجمه: و گفتند: پاک است الله! این آدمیزاد نیست، بلکه این فرشته بزرگوار است. شبهه نسبت به فرشتگان که الله جل جلاله متعال آنها را از زبان مشرکین مکه در آیه های مختلف قرآن بیان می کند.⁴

از این جمله آیه 26 سوره انبیاء می باشد که در این آیه فرشتگان را مونث، می خوانند آنجا که الله جل جلاله در این مورد می فرماید: {وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ}⁵ ترجمه: می گویند: الله جل جلاله رحمان فرزندان (برای خود، به نام فرشتگان) برگزیده است (چرا که ملائکه دختران خدایند!). الله جل جلاله سبحانه پاک و منزّه (از این گونه نقصها و عیبا) است. (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند. هدف از شبه پراگنی ها جهت خدشه وارد سازی بر شخصیت مبارک رسول الله صلی الله علیه و سلم به صورت طعنه، تمسخر و یا تخریب واقعیت های بارز اخلاقی وی صورت می گرفت، زیرا دشمنی با پیامبر و دوستان خدا سنت دیرینه الله جل جلاله است همانگونه که الله جل جلاله در این مورد می فرماید: {وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ}⁶

ترجمه: این گونه (که تو ای پیغمبر! با موضعگیری و عداوت سرسختانه این گروه روبرو شده ای،

1. اشقر، عمر بن سلیمان بن عبد الله الأشقر العتیبی، عالم الملائكة الأبرار، ناشر: مكتبة الفلاح، الكويت، سال نشر 1983 ج 1 ص 37 - طبری، جامع البین، ج 18 ص 539

2. بیضاوی، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، ج 2 ص 97

3. سوره یوسف 31

4. کشاف، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج 1 ص 425

5. سوره انبیاء 26

6. سوره فرقان 31

همه پیغمبران در چنین شرایطی قرار داشته اند، و (برای هر پیغمبری گروهی از بدکاران را دشمن ساخته ایم.

از گذشته ها تردید پیرامون موجودیت فرشتگان نزد مشرکین مطرح نبود، بلکه بیشتر روی مسائلی مونت بودن آنان، پائین شدن فرشتگان وحی، و برخی موارد دیگر بود که در مطالب بعدی روی آن صحبت خواهیم کرد. ارتباط ما با فرشتگان از لحاظ تکوین و بوجود آمدن، و مراقبت و نگهداری بیانگر اهمیت و ارزش انسان است، و با درک این حقیقت انسان ارزش خود را می شناسد و تلاش می کند نقش بزرگ خود را که موظف به ادای آن است به اثبات برساند. البته انگیزه آنانیکه در سدد نابودی و شایعه پراگنی در مورد اسلام هتسند متفاوت است، برخی از ایشان این را بعنوان راهی جهت فرو ریختن اعتقاد اسلامی و ایجاد شک و شبه ی برای مسلمانان دنبال می کردند، برخی دیگر عقل شان توانایی شناخت حق را نداشته و با ایراد شبه های بی معنا از اسلام بیشتر فاصله می گرفتند.

الف: تعریف شبه:

شبهات جمع شبه است، و شبه در لغت: التباس و اختلاط را گویند. همانگونه که گفته اند: الشَّبهَةُ وَ الشَّيْبَةُ یعنی همسانی، یکرنگی، هم مثلی، حقیقت معنی آن در همسانی و مشابهت از جهت کیفیت است. مثلاً در رنگ و مزه، و همچنین برابری و همسانی در عدالت و در ستم. شُبُهَةٌ: آن است که چیزی از دیگری که میانشان همسانی و شباهت داشته باشد نامتمايز باقی باند، یعنی دو چیز را از هم تمیز داده نشود، گاه از جهت جسم و یا از جهت کیفیت و معنی.¹

شبه بر وزن فعله است. "هُوَ اشْبَهُ بَ": او شبیه است "مَا اشْبَهَ اللَّيْلَةَ بِالْبَارِحَةِ": یعنی شب به صبح شباهت دارد. این تعبیر ضرب المثلی است در همسانی و تشابه آینده با گذشته. شُبُهَة و شُبُهَات: مثل، مانند، ابهام، نامعلوم بودن چیزی، آمیخته و مشکوک شدن حق با باطل یا حلال با حرام² بوده است. همانگونه که الله جل جلاله از قوم بنی اسرائیل خبر می دهد آنجا که گفتند: {إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا} ³ ترجمه: به راستی این گاو بر ما مشتبه است (و ناشناخته مانده است) . همچنین در جای دیگری نیز آمده است: {وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانُ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ} ⁴ ترجمه: و باغهای انگور و زیتون و انار پدید می سازیم که همگون و یا غیر همگونند. یعنی باغهای که باهم شباهت دارند، یعنی تمیز یکی از دیگری مشکل است.

ب: شبه در اصطلاح:

شبه در اصطلاح عبارت از شبه التباس حق بر باطل است، آنچه حرمت و حلت آن را متیقین نباشیم، و یا آنچه حلت و حرمت حقیقت مجهول باشد، و یا هم شباهت به ثابت داشته باشد ولی ثابت نباشد.⁵ شبه وارد شونده در قلب است که بعد از داخل شدن مانع کشف حقایق میشود. ⁶ یقیناً شک و تردید مانع درک حقیقت می شود، آنکه باشک زندگی کند در واقع از حقایق فاصله دارد. از تعریف بالا به خوبی دیده میشود که التباس حق به باطل، و یا هم به نحوی حقایق را بر عکس آن بیانکردن، بیانگر شبه در همان چیز است.

1. ابن منظور لسان العرب، ج 1 ص 283 - ماده شبه

2. راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن ج 1 ص 392

3. سوره بقره 70

4. سوره انعام 99

5. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة الفقهية الكويتية ج 25 ص 338

6. ابن قیم الجوزیه، مفتاح دار السعادة، ج 1 ص 83

ج: حرمت ایجاد شبه:

از آنجا که شبه مانع درک حقایق و ایجاد فتنه در قلب ها میشود، سلف صالح از شبهات سخت متنفر بودند، همانگونه که الله جل جلاله در مورد دفع فتنه و رد شبهات ارشاد می فرماید: {وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي

الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ} 1 ترجمه: الله جل جلاله در کتاب (قرآن ، این حکم را) بر شما نازل کرده است که چون شنیدید به آیات خدا کفر ورزیده می شود و آیات خدا به بازیچه گرفته می شود ، با چنین کسانی منشینید تا آن گاه که به سخن دیگری پردازند (و دست از کفر و شوخی نابهنجار خود بردارند) . بیگمان در این صورت (که با ایشان همنشین می شوید و به استهزاء آنان گوش فرا می دهید) شما هم مثل آنان خواهید بود.

این آیه بزرگترین دلیل بر حرمت اشتراک و حضور در مجلس های شرکی و کفری است. 2 معیار گزینش دوستان در شریعت اسلامی ایمان و تقوی است، آنانیکه در شبهه پراگنی دست دارند و شبهه ایجاد می نمایند نباید نشست در حدیثی پیامبر اسلام رابطه دوستی را آنقدر دقیق و محکم می داند که می گوید: (وعن أبي هريرة رضي الله عنه أن النبي صَلَّى الله عليه وسلم قال: (الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ) 3 ترجمه: از ابو هریره رضي الله عنه روایت است که: پیامبر صلی الله علیه وسلم

فرمود: هر شخص بر دین دوستش است، پس بنگرد هر کدام تان که با چه کسی دوستی می کند. از آنجا که ایجاد شبه، پیکار در برابر حق و حقانیت و همرنگی و همسانی معنوی با کفار است و انسان را شبیه آنان می سازد، الله جل جلاله نشست و برخاست را با آنان کاملاً نهی فرموده و چنین ارشاد می فرماید: {وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ} 4 ترجمه: هرگاه دیدی کسانی که تمسخر و طعن در آیات (قرآنی) ما می پردازند ، از آنان روی بگردان (و مجلس ایشان را ترک کن و با آنان منشین) تا آن گاه که به سخن دیگری می پردازند. مشرکین در مکه مکرمه در آیات الهی استهزاء می نمودند، همانگونه که احبار یهود در مدینه منور شبیه آنان انجام می نمودند الله جل جلاله از نشستن با آنان نهی فرموده است. 5

قبل از آنکه در مورد شبهات پیرامون فرشتگان رشته سخن را باز کنیم، بهتر است بگویم که دشمنی و نفرت میان کفار و فرشتگان از گذشته ها تا امروز ادامه دارد، بخاطر آنکه فرشتگان افراد کافر، فاجر، ظالم، و فاسد را دوست نداشته و سخت در تضاد و دشمنی با آنان هستند، همانگونه که پروردگار عذاب را به وسیله فرشتگان بر کفار نازل میکند، همانند هلاکت قوم لوط: 6 { قَالُوا يَا لُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ} 7 ترجمه: (فرشتگان بعد از اطلاع از پریشانی لوط و اصرار بزهکاران ، به لوط) گفتند : ای لوط ! ما فرستادگان پروردگارت هستیم ، (این زشتکاران) دستشان به تو نمی رسد (و نمی توانند کوچکترین بلا و کمترین زبانی به تو برسانند) . ابن کثیر می نویسد که حضرت

1. سوره نساء 140

2. طبری، جامع البیان ج9 ص 321 – السعدی، تیسیر الکریم الرحمن ج1 ص 210

3. سجستانی، ابو داود، ج7 ص 204، ابن حدیث را شیخ البانی در کتاب صحیح و ضعیف سنن ابی داود حسن خوانده است، ج1 ص 2.

4. سوره انعام 68

5. زمخشری، الکشاف ج1 ص 578

6. مجموعه از نویسندگان بریاست شیخ علوی بن عبدالقادر السقاف، ناشر: موقع الدر السنیة، سال نشر 1433هـ ج3 ص 324

7. سوره هود 81

جبرئیل با بالهای آنان را درهم کوبید و همه شان را هلاک ساخت. 1 بدون شک حضرت جبرئیل علیه السلام با بالهایش به روی و چشمان آنان کوبید تا آنکه به هلاکت رسیدند²

بدون شک فرشتگان سخت از انسانان های مسلمان حمایت می کنند، همیش در خدمت انسان مسلمان قرار دارند، و از همکاری با مسلمانان خورسند اند، همانگونه که پروردگار می فرماید: {إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ} 3 ترجمه: اگر به سوي خدا برگردید و توبه کنید (الله جل جلاله برگشت و توبه شما را می پذیرد) چرا که دلهایتان (از حفظ سرّ که پیغمبر دوست می داشت) منحرف گشته است . و اگر بر ضدّ او همدست شوید (و برای آزارش بکوشید ، باکی نیست) خدا یاور او است ، و علاوه از خدا ، جبرئیل ، و مؤمنان خوب و شایسته ، و فرشتگان پشتیبان او هستند.

پس فهمیده شد که شایعه پراگنی، ایجاد شک و شبه در شریعت اسلامی کاملاً ممنوع بوده و زمینه بی باوری اسلامی را که یکی از اهداف بزرگ کفار است مهیا می کند.

مطلب اول: رد شبهه مونث بودن ملائکه در قرآن کریم

مشرکین عرب هم در این عرصه ها به بیراهه رفتند؛ زیرا فرشتگان را از جنس زنان می پنداشتند، و این پندارشان که خالی از واقعیت بود با خرافاتی واهی، در هم آمیخته بود، بدینگونه که فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند! قرآن در هر دو موضوع با آنان به جدل و بحث پرداخته، و ثابت کرد که مشرکین برای اثبات ادعای خود در قبال فرشتگان، دلیل صحیحی ندارند، و این ادعای آنان هیچگونه اعتبار و ارزشی ندارد. بسی جای تعجب است که آنها دختران را به خدا نسبت می دادند در حالی که خود از داشتن دختر اظهار نفرت و ناخرسندی می کردند⁴

مشرکین فرشته ها را بنات الله می گفتند و برخی ها آنان را پرستش می کردند و از ایشان در جلب منفعت یا دفع مضرت حاجات می خواستند، یعنی به فرشتگان ارزش والا و مقام بالاتر معتقد بودند همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاثًا أَشَهِدُوا خَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ} 5 ترجمه : آنان فرشتگان را که بندگان خدای مهربانند ، مؤنث بشمار می آورند (و دختران خدا قلمداد می نمایند !) . آیا ایشان به هنگام آفرینش فرشتگان حضور داشته اند و خلقت شان را مشاهده نموده اند ؟ ! اظهار نظر و گواهی ایشان (بر این عقیده بی اساس ، در نامه های اعمالشان) ثبت و ضبط می شود و (در روز قیامت ، از سوي خدا) بازخواست می گردند. از این آیه فهمیده شد که فرشتگان توالد و تکاثر ندارند زیرا فرشتگان مونث ندارند پس ازدواجی نیست، بناء توالد و تکاثر هم وجود ندارد. 6

مشرکین نسبت فرزند را به پروردگار می دادند، به زعم آنان که پروردگار نیاز به فرزند دارد، همسان یهودیها که عزیر علیه السلام را فرزند الله جل جلاله می دانستند و یا شبیه مسیحی ها که عیسی علیه السلام را فرزند الله متعال باور داشتند آنجا که الله جل جلاله می فرماید: {وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ

1. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ج 1 ص
2. بیضاوی، انوار التنزیل ج 3 ص 143
3. سوره تحریم 4
4. اشقر، عالم الملائکه ج 1 ص 15
5. سوره زخرف 20
6. رازی، مفاتیح الغیب ج 2 ص 429

وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ¹ ترجمه : برخي از کفار عرب) مي گویند : الله جل جلاله رحمان فرزندان (براي خود ، به نام فرشتگان) برگزیده است (چرا که ملائکه دختران خدايند !) . پروردگار سبحان پاک و منزّه (از اين گونه نقصها و عيبها) است . (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامي و محترمي هستند. زندگانيکه به هيچ وجه از طاعت و عبادت و اجرا فرمان الله جل جلاله سرپيچي نمي کنند. مراد از فرزندان . در اینجا فرشتگان است. واژه ولد : براي مفرد و مثني و جمع و مذکر و مؤنث به کار مي رود. مشرکين قریش به ويژه قبیله خزاعه فرشتگان را بنات الله گفته آنان را گرامي می داشتند الله جل جلاله باور مندی آنان را رد نموده فرمود که فرشتگان بندگان گرامي ما هستند.²

هدف از فرزندان، نزد مشرکين همان فرشتگانی بودند که مشرکين آنان را دختران الله جل جلاله می نامیدند: {وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ}³ ترجمه : و براي الله جل جلاله که از هرگونه آلايش و نيازي پاک است ، دختراني قائل مي شدند (و فرشتگان را دختران خدا مي پنداشتند ،) و براي خود آنچه دوست مي داشتند قرار مي دادند (که پسران هستند) . از آنجا که الله جل جلاله بی نیاز است، و نیاز به همسر و فرزندی ندارد الله جل جلاله متعال در آیه دیگری نیز اعمال زشت آنان را نکوهش نموده چنین ارشاد می فرماید که: {وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ}⁴ ترجمه فرشتگان و جنیات را شرکاء خدا مي سازند ؛ در حالي که الله جل جلاله خود آنان و همه ملائکه و شیاطين را آفریده است. کافران از روي ناداني ، پسران و دختراني براي خدا به هم مي بافند. الله جل جلاله منزّه (از همه اين نقصها و عيبها) و به دور از اين صفاتي است که او را بدانها توصيف مي کنند.

يعنی پسراني را براي پروردگار بهم بافته اند: يهوديان عزيز را و مسيحيان عيسي را پسران خدا شمرده اند... دختراني را براي پروردگار بهم بافته اند: مشرکان فرشتگان را دختران خدا مي دانستند و گمان مي بردند که فرشتگان نیز ماده هستند) ... هيچ کس هم نمي داند فرشتگان چرا بايد ماده بشمار آيند! همه اين گمانها و ادعاها بي بنياد است و تکیه گاهي از دانش ندارد. از طرف ديگر برخی زنديق ها گفته اند که پروردگار نور، آب، چهارپايان و حيوانات را آفريد، در مقابل ابليس آفريدگار تاریکی، درندگان، اژدها و گژدم ها است، بناء اين آیه نازل شد.⁵

مشرکين دختران را مایه ننگ و سرشکستگي و بدبختي مي دانستند. در اینجا الله جل جلاله با منطق خودشان با ايشان به استدلال مي پردازد، و آنان را شرمند مي دارد با برگزیدن چيزي که خودشان نمي پسندند و آن را به خدا نسبت مي دهند. چرا نبايد آنان چيزي را برگزينند و به خدا نسبت دهند که مي پسندند و نيکويش مي دانند و از وجودش شاد و مسرور مي گردند، اگر مجبورند چنين کاري را بکنند و همچون گزينش و انتخابي را داشته باشند؟! اين باور مندی بدین منظور است که آنان خرد کامل ندارند: {وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ}⁶ ترجمه و هنگامی که به یکی از آنان مژده تولد دختر داده مي شد (آن چنان از فرط ناراحتي چهره اش تغيير مي کرد که) صورتش سپاه

1. سوره انبياء 26

2. صابوني، صفوه التفاسير ج 2 ص 238

3. سوره نحل 57

4. سوره انعام 100

5. جوزي، زاد المسير في علم التفسير ج 2 ص 61

6. سوره نحل 58

می گردید و مملو از خشم و غضب و غم و اندوه می شد. یکی از ویژگی های زشت و ناپسند مشرکین آن است، زمانیکه به دختران مژده داده شوند، سخت غصه میکنند، با وجود آنکه سخت از دختران متنفر اند، اما باز هم، فرشتگان را زیرا عنوان دختران الله جل جلاله متعال قبول دارند. چگونه به آنچه خود سخت از آن متنفر اند به خالق یگانه نسبت میدهند.¹

در نهایت این بند برای آخرین بار گمانها و خیالبافیهای مشرکان در باره فرشتگان را نقد و بررسی می کند، مشرکانی که به آخرت ایمان ندارند. در این نقد و بررسی پرده از پایه و اساس سست و بی بنیاد گمانها را کنار می زند، پایه و اساسی که اصلاً عقیده نباید بر آن برقرار و استوار بشود نتیجه اش آن است که بدون دلیل دروغ را به خالقشان نسبت می دهند چنان که الله جل جلاله فرمود: {إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى} ² ترجمه: کسانی که به آخرت ایمان ندارند، فرشتگان را با نامهای زنان وصف و نامگذاری می کنند. زیرا مشرکین بدون دلیل و برهان معتقد به مونث بودن فرشتگان بودند و آنان را دختران الله جل جلاله می خواندند.³

از آنجا که سخن آنان کاملاً واهی از واقعیت و حقیقت بود پروردگار در پاسخ به شبهه آنان چنین جواب گفت: {أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا} ⁴ ترجمه: ای کسانی که می گوئید: فرشتگان دختران خدایند! آیا پروردگارتان (شما را بر خود ترجیح داده و) پسران را ویژه شما کرده است (که به گمان شما نسل اعلی بشمارند) و از فرشتگان دخترانی را خاص خود کرده است (که به عقیده پوچ شما بی ارج و از نسل ادنی محسوبند ؟) واقعاً شما سخن بسیار (بزرگ کفرآمیزی و بهتان) عظیمی بیان می دارید.

پرسشی است که جنبه زشت شمردن و ریشخندکردن را دارد. زشت می شمارد این را که میگویند فرشتگان دختران الله جل جلاله اند، خدا والاتر و بالاتر از آن است که فرزند و همسر و همانند داشته باشد.

پروردگار آنان را ریشخند می کند در این که دختران را به خدا نسبت می دهند، و حال این که دختران را از پسران کم ارزشتر می دانند. همانگونه که دختران را زنده به گور می گردانند، زنده بگور داشتن آنان بخطر ترس از فقر و فاقه یا ننگ و عار بوده است. با وجود این فرشتگان را دختر قلمداد می کنند، بدتر از آن این دختران را به خدا نسبت می دهند! وقتی که بخشنده پسران و دختران خدا است، آیا سزا است که پسران را به شما بدهد که برترند، ودختران را برای خود برگزیند که به عقیده شما پست ترند؟! ⁵

مطلب دوم: رد شبه پیامبر بودن ملانکه در قرآن کریم

ارسال رسل یکی از سنت های دیرینه پروردگار در امت های گذشته بود، همانگونه که در آثار اسلامی دیده میشود، هر قوم بخاطر هدایت فرستاده شده های داشتند به ویژه قوم بنی اسرائیل که بارها از آنان در قرآن کریم سخن به میان آمده است، بدین منظور برخی از کفار معتقد بودند که رسالت شایسته فرشتگان است، حتی این امر را بعید می دانستند که از جنس بنی آدم فرستاده شده ای پیام آور

1. طبری، جامع البیان، ج 14 ص 254

2. سوره نجم 27

3. قرطبی، تفسیر القرطبی، ج 17 ص 105

4. سوره اسراء 40

5. اندلسی، البحر المحیط ج 7 ص 52

خدا باشد. دشمنان پیامبران الهی اعتراض و انتقادات زیادی داشتند از اینکه پیامبران از میان بشر برگزیده شده اند، و این امر بزرگترین عامل رویگردانی مردم از ایمان بود آنجا که پروردگار می فرماید: {وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا} 1 ترجمه: تنها چیزی که مانع ایمان آوردن مردمان بعد از نزول هدایت (وحی آسمانی) برای ایشان شد، این است که می گویند: آیا الله جل جلاله انسانی را به عنوان پیغمبر فرستاده است؟!

به باور کفار فرشتگان افلاکی سزاوار این مقام بزرگ رسالتند؛ نه انسانهای خاکی، پیروی از پیامبران و عقاید و شریعتی را که از جانب خدا آورده بودند، به سبب انسان بودنشان امری زشت تلقی، و گرویدن به آنها را زیانکاری محسوب می کردند: {وَلَئِنْ أَطَعْتُم بَشَرًا مِّثْلَكُمْ لِيَئْسَ إِلَٰهًا لَّخَسِرُونَ} 2 ترجمه:

گر از انسانی همسان خود پیروی کنید و بدو بگروید، در این صورت سخت زیانکار خواهید بود. مخالفان و دشمنان پیامبران پیشنهادی را ارائه می دادند مبنی بر اینکه باید پیامبران فرشته باشند، و بصورت واقعی آنها را مشاهده کنند، یا حداقل همراه با پیامبر بشری، یکی از فرشتگان مبعوث شود: {فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ} 3 ترجمه: آنان گفتند: آیا از انسانی از خودمان پیروی کنیم که تنها (و بدون قوم و عشیره) هم هست؟ در صورت پیروی از او، ما گمراه و دیوانه خواهیم بود. به گمان آنان انسانها شایسته پیام رسانی نیستند، مقام و جایگاه فرشتگان را نسبت به انسانها والا و بالا می دانستند.

باورمندی بر آنکه تنها رسالت ویژه فرشتگان است، سنت و دیدگاه امروزی نیست، بلکه این دیدگاه یکی از نظریه های امت های پیشین است، همانگونه که از برای حضرت نوح علیه السلام قومش چنین فرمودند: {فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِن قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ} 4 ترجمه: اشراف و سران کافر قوم او گفتند: این مرد جز انسانی همچون شما نبوده (و در ادعای نبوت دروغگو است) ولی او (با این ادعاء) می خواهد بر شما برتری گیرد (و خویشان را سرور و آقای شما گرداند). اگر خدا می خواست (پیغمبری را به میان ما روانه کند) حتماً فرشتگانی را (برای این منظور) می فرستاد. ما چنین چیزی را در (تاریخ) پدران پیشین خود نشنیده ایم. یعنی ما تا امروز در تاریخ پدران گذشته خویش کسی را نشنیده ایم که ادعای پیام رسانی الله جل جلاله را کرده باشد.⁵

این بدین منظور بود که آنان در ارواح شان آن نفخه آسمانی را مناسب نمی دیدند، که انسانها را با جهان والای فرشتگان پیوند می دهد، و برگزیدگان انسانها را به گونه ای درمی آورد که بتوانند آن فیض و لطف آسمانی را دریافت دارند، و آن را به برادران و دوستان انسان خود برسانند، و ایشان را در پرتو وحی به سرچشمه تابان و درخشان آن رهنمود و رهنمون گردانند. آنان همچون کاری را به سوابق مالوف و مانوس خود حواله می دارند نه این که به عقل اندیشمند و اگذارکنند. ما چنین چیزی را در تاریخ پدران پیشین خود نشنیده ایم که نوح به صفت پیامبر مبعوث می شود، و یا آنکه خبر

1. سوره اسراء 94

2. سوره مؤمنون 34

3. سوره قمر 24

4. سوره مؤمنون 24

5. قرطبی، تفسیر القرطبی، ج 12 ص 118

نبوت وی بما نرسیده است ¹ بالآخره گفتند چرا با وی فرشته نمی آید: {وَقَالُوا مَا لِهَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا} ² ترجمه: و می گویند: این چه پیغمبری است؟! او غذا می خورد، و در بازارها راه می رود، (نه شیوه فرشتگان دارد، و نه روش شاهان. او امتیازی بر دیگران ندارد). چرا لااقل فرشته ای به سوی او فرستاده نشده است تا (به عنوان گواه صدق دعوتش) همراه او مردم را بیم بدهد.

آنان بیخبر از آنکه فرستادن پیامبران به عنوان پیام رسان الهی بستگی به مشئیت و خواست الله متعال دارد هرکسی را که خواسته باشد به هر قومی می فرستد و از فرشتگان معصوم به عنوان وسیله ارسال وحی استفاده به عمل می آورد همانگونه که خود می فرماید: {اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ} ³ ترجمه: الله جل جلاله از میان فرشتگان پیام آورانی (همچون جبرئیل) را برمیگزیند (و به سوی انبیاء گسیل می دارد) و هم از میان انسانها پیغمبرانی (همچون موسی و عیسی و محمد) را (برمیگزیند و به سوی مردم می فرستد، و از کار همه آنان باخبر است) چرا که الله جل جلاله شنوا و بینا است.

در اینجا روند قرآنی بیان می کند که خدای توانا پیام آورانی را از میان فرشتگان برمیگزیند و آنان را به سوی پیغمبران روانه می کند. پیامبران خود را نیز از میان مردمان برمیگزیند و ایشان را به سوی انسانها روانه می سازد. این کار را هم از روی دانش و آگاهی و قدرت می کند. به همین دلیل کفار همچون گذشتگان خویش واکنش منفی در قبال دعوت پیامبران وارد نموده اند همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ} ⁴ ترجمه: زمانی که پیغمبران از پیش رو و پشت سر به نزدشان آمدند (و به عناوین مختلف و به شیوه های گوناگون پندشان دادند گفتند: (جز خدا را پرستش نکنید. پاسخ دادند که: اگر خدا می خواست پیغمبرانی روانه دارد فرشتگانی را (به عنوان پیغمبر) فرو می فرستاد (نه انسانهایی مانند خود ما) ما قطعاً به آن چیزهایی باور نداریم که با خود آورده اید.

مشرکین می خواستند که از فرشتگان به عنوان پیامبر باید ارسال میشد تا رسالت الله جل جلاله را به همگان می رساندند⁵، بیخبر از آنکه اگر خدا مقرر و مقدر می فرمود که فرشتگان در زمین زندگی کنند، آنان را به شکل آدمی زادگان درمی آورد. زیرا شکل آدمیزادگان شکلی است که با قوانین آفرینش و سرشت زمین متفق و سازگار است این گمان از ناآگاهی مردمان از ارزش انسانیت خودشان، و از این است که نمی دانند چه حرمت و کرامتی در پیشگاه پروردگار دارند. لذا آنان این را برای انسان بیش از مقام خود می دانند که پیغمبری از سوی الله جل جلاله متعال شود. زیرا وقتی که فرشته به حیث پیامبر بیاید چگونه انسانها می توانند ایشان را بشناسند و یقین پیداکنند که آنان فرشته اند⁶.

بناء پروردگار به آنان می فهماند که اگر به عوض شما فرشتگان در روی زمین می زیستند، بدون شک فرشته ای را پیامبر می فرستاد تا به فرشتگان پیام پروردگار را بفرستد، اما از آنجا که انسانها

1. الوسی، روح المعانی، ج 4 ص 393

2. سوره فرقان 7

3. سوره حج 75

4. سوره فصلت 14

5. سیوطی، الحبانک فی اخبار الملائک، ج 1 ص 83

6. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج 1 ص 169

اکنون در زمین زندگی می کنند پس نیاز است تا از جنس خودشان بخاطر هدایت آنان فرستاده شود: {قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا} ¹ ترجمه: بگو: اگر در زمین (به جای انسانها) فرشتگانی مستقر و در آن راه می رفتند، ما از آسمان (از جنس خودشان) فرشته ای را به عنوان پیغمبر به سویشان می فرستادیم (چرا که رهبر باید از جنس پیروان خود باشد). از آنچه بالا تذکر رفت به خوبی دیده شد که فرستاده الله جل جلاله در روی زمین برای انسانها از جنس خود بنی آدم می باشد، و هیچ عقل سلیم نمی پذیرد که جنسی را هادی و رهنمای جنس دیگری سفارش نماید، بناء فرشتگان وظیفه پیام رسانی به پیامبران را از جانب الله جل جلاله دارند، تا پیام رسالت را به شیوه کاملاً محفوظ و مطمئن تسلیم نمایند.

اینکه الله جل جلاله آنها را از بشر برگزید، چون انسان بیش از هر موجودی مورد امتحان و آزمون خدا قرار می گیرد، انتخاب بشر به پیامبری اکرام است به کسانی که نیکوکار بودند، زیرا انتخاب برخی از انسانها از جانب الله جل جلاله به پیامبری تکریم و بزرگداشت بزرگی به آنها است. نشان بیش از هر مخلوقی قادر به رهبری و توجیه، و رهنا شدن است، شهید سید قطب می فرماید: این حکمتی است که در رسالت یکی از افراد بشر بسوی بشر نمایان می شود، و یکی از آنها همان احساس را دارد که دیگران دارند، آنچه آنها می چشند می چشد، و تجارب او تجربه ی همه، و دردهای او درد همه، انگیزه های او مانند انگیزه های انسانی دیگران، و ضروریات یکدیگر را می داند، بنابراین بر ضعف و نواقص آنها ترحم می نماید، و از قدرت و استعلائی آنها امیدوار می شود، و قدم به قدم با آنها پیش می رود.²

مطلب سوم: رد شبه ثبوت نسب ملائکه در قرآن کریم

مشرکین فرشتگان را دختران نازنین الله جل جلاله متعال تصور می کردند و آنها را می خواندند و پرستش می کردند و همچنین معبودان دیگر را محبوبان الله جل جلاله متعال می دانستند، قریش به دور کعبه طواف می کردند، و می گفتند: (واللات والعزى ومنات الثلاثة الأخري فإِنَّهنَّ الغرائق العلي وإن شفاعتهن لترجي وکانوا يقولون: بنات الله عزوجل وهن يشفعن إليه)³ ترجمه: قسم به لات و عزی و منات که در درجه سوم قرار دارد. یقیناً اینها پرنده های بلند پروازند و شفاعت آنها امید کرده می شود. و آنها را دختران خدا می گفتند و عقیده داشتند که به محضر الله جل جلاله متعال شفاعت می کنند. حضرت حسن بصری رحمه الله می فرماید که مشرکین می گفتند که معبودان ما در امور دنیا برای ما شفاعت می کنند چون که عقیده معاد را نداشتند.⁴

مشرکین نسبت فرشتگان را به الله جل جلاله می نمودند، به باور آنان فرشتگان باید همسان انسانها پدر و مادر داشته باشند، بناء فرشتگان را دختران الله جل جلاله متعال می خواندند آنجا که الله جل جلاله می فرماید: {وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ} ⁵ ترجمه: مشرکان از میان بندگان خدا، برخی را پاره ای از او می دانند (چرا که فرشتگان را دختران خدا قلمداد می کنند و فرزند هم جزئی

1. سوره اسراء 95

2. سید قطب، فی ظلال القرآن، 5 ص 238

3. انور شاه، محمد انور شاه بن معظم شاه کشمیری الهندی ثم الدیوبندی، فیض الباری، ناشر: دار الکتب العلمیة بیروت - لبنان، سال نشر

2005م ج 4 ص 238

4. اندلسی، البحر المحيط ج 5 ص 133

5. سوره زخرف 15

از وجود پدر و مادر است که به صورت نطفه از آنان جدا می شود (واقعاً انسان بس ناسپاس و کفرپیشه آشکاری است).

آنان نمی دانند که برای الله جل جلاله مهربان سزاوار نیست که فرزندی برگیرد. زیرا فرزند بر گرفتن او بر نقص و نیازمندی وی دلالت می نماید، در صورتی که او بی نیاز و ستوده است و فرزند نیز از جنس پدرش می باشد، و الله جل جلاله شبیه و نظیر و همتایی ندارد. همانگونه که پروردگار می فرماید: {وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا} ترجمه: برای الله جل جلاله مهربان سزاوار نیست که فرزندی برگیرد. آنانی را که آنان فرزندان الله جل جلاله می دانند در واقع آنان بندگان معظم و مکرم الله جل جلاله یکتا اند همانگونه که الله جل جلاله در این مورد می فرماید: {وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ} 2 ترجمه: رخی از کفار عرب (می گویند : الله جل جلاله رحمان فرزندان (برای خود ، به نام فرشتگان) برگزیده است (چرا که ملائکه دختران خدایند !) . پروردگار سبحان پاک و منزّه (از این گونه نقصها و عیبا) است . (فرشتگان فرزندان خدا نبوده و) بلکه بندگان گرامی و محترمی هستند (که به هیچ وجه از طاعت و عبادت و اجرای فرمان پروردگار سرپیچی نمی کنند). در این آیه پروردگار قطعاً ثابت میکند که فرشتگان تنها بندگان معظم الله جل جلاله اند.

هرچند تعداد دیگری از کفار نه تنها دختران را نسبت به الله جل جلاله می دادند بلکه برخی ها فرزندان پسر را نیز به الله جل جلاله نسبت می دادند، همانند یهود و نصاری همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {وَحَرِّفُوا لَهُ بَيِّنَ وَبَيِّنَ بَغْيٍ عِلْمِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ} 3 ترجمه: کافران از روی نادانی ، پسران و دخترانی برای خدا به هم می بافند. الله جل جلاله منزّه (از همه این نقصها و عیبا) و به دور از این صفاتی است که او را بدانها توصیف می کنند.

اکنون که روند قرآنی پرده از چیزهایی همچون بی خردی و ناتوانی برداشته، که در پرستش مشرکان نهفته است ، و کوتاه بینی و نادانی موجود در عبادتشان را برملا کرده است ، خطاب را متوجه ملت مسلمان می سازد، تا به وظائف و تکالیف دعوت خود برخیزند، و بر راستای برنامه ریشه دار و استوار خویش ماندگار شوند و رهسپار گردند، تا باشد واقعیت ها را به همگام بازگو نموده. و بی نیازی خدای یگانه را نیز بیان نمایند. جای تعجب و حیرت است آنانکه خود از دختر سخت متنفر اند چگونه نسبت دختران را به سوی پروردگار می نمایند آنجا که الله جل جلاله می فرماید: {أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَيِّنِ} 4 ترجمه : آیا از میان چیزهایی که خدا می آفریند ، دختران را برای خود برگزیده است و پسران را ویژه شما کرده است ؟

سپس پروردگار بخاطر وضاحت کم خردی آنان باور های بیهوده و پوچ ایشان را نقد می فرماید که در باره پروردگار جهان می گویند. و آن اینست که ایشان فرشتگان را دختر می دانند، و همچون دخترانی را به وی نسبت می دهند. مستقیماً بدیشان خطاب می شود، تا بیشتر، ایشان را شرمنده و خوار بدارد آنجا که می فرماید: {أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبُنُونَ} 5 ترجمه : آیا دختران ، سهم خدایند ، و پسران ، سهم شما ؟ ! یعنی چنین چیزی در حق الله جل جلاله مناسب نیست، باز هم به تائید آنچه بالاتذکر

1. سوره مریم 92

2. سوره انبیاء 26

3. سوره انعام 100

4. سوره زخرف آیه 16

5. سوره طور 39

رفت می فرماید: {أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى} ¹ ترجمه: آیا پسر مال شما باشد، و دختر مال خدا؟! (در حالی که به گمان شما دختران کم ارزش تر از پسرانند؟!). عربهای عصر جاهلیت فرشتگان را مؤنث و دختر خدا می دانستند همچنین بتهای خود را با اسمهای مؤنث نامگذاری می نمودند، سپس آنان را شریکان الله جل جلاله می شمردند ²!

پروردگار سخن آنان را از ریشه و بنیان بی اساس دانسته و آنان را دروغ گویان به معرفی میگیرد آنجا که می فرماید: {أَلَا إِنَّهُمْ مِنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ - وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ} ³ ترجمه: هان! آنان تنها از روی دروغها و تهمت‌های به هم بافته خود می گویند: الله جل جلاله فرزند زاده است! قطعاً ایشان دروغ‌گویند. کفار به آنچه می گویند دلیل ندارند، ابراز نظر در مورد اینگونه مسائل نیاز جدی به برهان قطعی دارد، اما کفار آنچه ابراز نظر نموده اند از اساس بی بنیاد و بدور از حقیقت است.

همانگونه که قبلاً تذکر رفت عربها گمان می بردند که فرشتگان دختران خدا اند و جنیان آنان را برای خدا زاده اند و به دنیا آورده اند! این است حسب و نسب و خویشاوندی و قرابتی که گمان می بردند) جنیان که می دانند آنان آفریدگانی از آفریدگان پروردگار سبحان هستند، و این که آنان در روز قیامت با اجازه خدا حاضر آورده می شوند. این هم معامله حسب و نسب و خویشاوندی و دامادی نیست! {وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ} ⁴ ترجمه: آنان معتقد به خویشاوندی و نزدیکی میان خدا و جنیان هستند. در صورتی که جنیان می دانند که مشرکان (و هم خودشان، اگر شرک بورزند، در میان دوزخ) حاضر آورده می شوند.

نسبت دادن فرزند به پروردگار در واقع توهین و تحقیر در حق پروردگار جهانیان است همانگونه که در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید: (عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: قَالَ اللَّهُ: كَذَّبَنِي ابْنُ آدَمَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ، وَشَتَمَنِي وَلَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ، فَأَمَّا تَكْذِيبُهُ إِيَّايَ فَقَوْلُهُ: لَنْ يُعِيدَنِي، كَمَا بَدَأَنِي، وَلَيْسَ أَوَّلُ الْخَلْقِ بِأَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ إِعَادَتِهِ، وَأَمَّا شَتْمُهُ إِيَّايَ فَقَوْلُهُ: اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا وَأَنَا الْأَحَدُ الصَّمَدُ، لَمْ أَلِدْ وَلَمْ أُؤَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لِي كُفْمًا أَحَدٌ) ⁵ ترجمه: از ابوهریره رضی الله عنه از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت شده است که فرمودند: الله جل جلاله متعال فرمود: فرزند آدم، مرا تکذیب کرد و دشنام داد، در حالی که حق نداشت چنین کند؛ اما تکذیب او نسبت به من این سخن اوست [که می گوید: (الله جل جلاله) مرا زنده نمی کند (نمی تواند و قدرت آن را ندارد)، آنگونه که نخست مرا آفرید، در حالی که چنین نیست که آفرینش نخست برای من از آفرینش دوباره آسان تر باشد (هر دو برایم یکسانند). اما دشنام او نسبت به من این سخن اوست (که می گوید): الله جل جلاله فرزند دارد، در حالی که من خدای یگانه ای هستم که از هر چیزی بی نیازم، نه فرزند کسی هستم و نه کسی فرزند من و هرگز کسی همتا و همسنگ من نیست (من از این تهمت ها پاک و منزله هستم..

1. سوره نجم آیه 21
2. طبری، تفسیر طبری، ج 21 ص 118
3. سوره صافات 151 - 152
4. سوره صافات 158
5. بخاری، صحیح بخاری، ج 6 ص 180

سپس در اینجا پروردگار ذات خود را از همچون تهمت ناروا و دروغ شاخداري پاک و منزّه دانسته است و مي فرمايد: {سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ} 1 ترجمه: الله جل جلاله ، پاک و منزّه است از توصيفهائي که (اين گروه مشرک و خرافه پرست) مي کنند.

هميش آيه های قرآنی پروردگار را از گزينش فرزند منزّه و پاک ميداند، همانگونه که عقل بشری دست نميدهد که الله جل جلاله فرزند داشته باشد. زيرا چگونه ذاتيکه آسمان، زمين، بحرها، فرشتگان، انسان ها و همه موجودات را آفريده نيازی به فرزند داشته باشد. الله جل جلاله در آيات متعددي از قرآن کریم، شديداً به کساني که به ساحت مقدس او دروغ بسته و فرشتگان را دختران او و عيسي را پسر او معرفي کرده اند هشدار داده است. که سخترين مجازاتي را در روز قيامت به آنان خواهد چشاند؟ کفار که فرشتگان را دختر خدا و بتها را شفعا خود نزد خدا مي دانسته اند، اين عمل خويش را موجب رضاييت الله باورداشته، و از پيامد اينگونه اعمال زشت و ناپسند اصلاً آگاهی نداشته اند، زيرا آنان به خطاب قرآنی مردم نادان و جاهل اند.

مطلب چهارم : رد شبه درگيري با ملائکه در قرآن کریم

از جمله ويژگيهاي فرشتگان اطاعت از خدا در هر آن چيزي است که بدیشان دستور انجام آن را مي دهد. خصوصيت ديگري از ويژگيهاي شان داشتن قدرت و توان بر اقدام و انجام آن چيزي است که الله جل جلاله بدیشان فرمان مي دهد فرشتگان از الله جل جلاله در آنچه بدیشان دستور مي دهد اطاعت و فرمان مي برند، آنان مجهّز به نيروي لازمي هستند که خدا براي انجام اين وظيفه بدیشان مبذول فرموده است. پس دشمني با ملائکه متضمن کفر ورزیدن به خدايي است که آنان را نازل فرموده است پس تقابل با فرشتگان تقابل با حق و حقانيت است، يهوديه نزل وحی را توسط جبرئيل به خود گران ديده و ميگفتند که اگر وحی توسط میکائيل نازل ميشد، قابل قبول بود زيرا جبرئيل هميشه عذاب را ميفرستد.² در اين مورد الله جل جلاله می فرمايد: {قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ 3 فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ} 4 ترجمه: بگو : کسي که دشمن جبرئيل باشد (در حقيقت دشمن خدا است) زيرا که او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه اين که خودسرانه دست به چنين امري زده باشد) . قرآني که کتابهاي آسماني پيشين را تصديق مي کند ، و هدايت و بشارت براي مؤمنان است.

{إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْ مَعَكُمْ فَتِيتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ} 5 ترجمه: (اي مؤمنان ! به ياد آوريد) زماني را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمايم (و کمک و ياريتان مي نمايم . شما با الهام پيروي و بهروزي) مؤمنان را تقويت و ثابت قدم بداريد ، (و من هم) به دلهاي کافران خوف و هراس خواهم انداخت . (به مؤمنان الهام کنيد :) سرهاي آنان را بزنييد (و از هم بشکافيد که بر گردنهاي ناپاکشان سنگيني مي کند) و دستهاي ايشان را ببريد (و پنجه هايشان را پي کنيد) .

1. سوره صافات 159

2. صابوني، محمد علی صابوني، صفوه التفاسير ج 1 ص 82.

3. بعضي از آنان مي گويند که : چون جبرئيل ، دشمن ايشان ، قرآن را براي محمد مي آورد ، آنان با او دشمني مي ورزند و کتابش را قبول ندارند.

4. سوره بقره 97

5. سوره انفال 12

کمک و یاری فرشتگان برای مسلمانان کاملاً عیان و قابل قبول همه امت اسلامی، من جمله شرکت فرشتگان با گروه مؤمنان در پیکار با مشرکان! این کاری است که هیچ چیزی نباید ما را از آن غافل کند و بدور دارد، نه تحقیق درباره این که فرشتگان چگونه شرکت ورزیده اند؟ و نه این که چند نفر را کشته اند؟ و نه این که چگونه کشته شده اند؟ و نه آنکه تا چه وقت با مسلمانان باقی مانده اند.

حقیقت مهمی که در این موقعیت جلوه گر است، این است که حرکت گروه مسلمانان در زمین در پرتو این آئین، کاری بزرگ است. فرشتگان تنها در جنگ بدر در رویا رویی با مشرکین جنگیده اند فقط.¹ ما از کیفیت شرکت فرشتگان در مدد و یاری کردن و پیروز گرداندن مسلمانان در جنگ بدر جز مقداری را نمی دانیم که نص قرآنی بیان می دارد. الله جل جلاله به فرشتگان پیام داد: قطعاً ما با شما هستیم. بدیشان هم دستور فرمود که مؤمنان را ثابت قدم و پایدار بدارند. فرشتگان هم چنین کردند. چرا که هر آنچه بدیشان دستور داده شود انجام می دهند. ولی ما نمی دانیم چگونه چنین کرده اند. همچنین خدا بدیشان دستور فرمود که سرها و گردنهای مشرکان را بزنند و ببرند، و دستها و پاهای ایشان را بزنند و قطع کنند.²

در این رخداد، نص قرآنی در دسترس است، نصی که ثابت می کند ابلیس اعمال مشرکان را برای مشرکان آراسته است، و ایشان را برای بیرون آمدن دل و جرأت بخشیده است با اعلان پناه دادن بدیشان و یاری رساندن بدانان. گذشته از این، وقتی که دو گروه همدیگر را در ساحه بدر دیده اند و به یکدیگر نگریسته اند یعنی شیطان فرشتگان را بسر چشم دید در آن زمان شیطان ساحه را ترک گفت آنگونه که الله جل جلاله می فرماید:³ {نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ}⁴ ترجمه: بر پاشنه های خود چرخید (و از عهد و پیمان خود دست کشید) و گفت من از شما بیزار و گریزانم من چیزی را می بینم که شما نمی بینید.

یعنی چال و نیرنگ شیطان زمانی از بین رفت که نصر و یاری فرشتگان را برای مسلمانان مشاهده کردند.⁵ بخاطر آنکه الله جل جلاله به فرشتگان پیام داده بود که مؤمنان را پایدار بدارند، و افزون بر این خدا وعده داد که به دلهای کافران ترس و هراس بیندازد، و علاوه از اینها هم به فرشتگان دستور فرمود عملاً همراه مؤمنان در پیکار با مشرکان شرکت کنند.

همانگونه که نگهبانان دوزخ افراد بسیار خشن و زشت برخورد با کفار هستند، حتی گنهگاران و مجرمین به وسیله فرشتگان عذاب می بینند همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظٌ

شِدَادٌ}⁶ ترجمه: فرشتگانی بر آن گمارده شده اند که خشن و سختگیر، و زورمند و توانا هستند.

فرشتگان بسیار سخت دل هستند، اصلاً به یکی از کفار ترحم نمی کنند و تنها مکلف به عذاب کفار هستند، افرادی هستند که از غضب آفریده شده اند، از تعذیب انسانها لذت می برند.⁷ یعنی مطابق عملکرد زشت جزای بد و سخت را در انتظار دارند.

مقابله حق بر باطل در دنیای فرشتگان، چنان سخت و هیبت انگیز است که حتی جنیبات از شنیدن سخن فرشتگان در آسمان پیرامون مسائل غیبی سخت مورد حمله فرشتگان قرار می گیرند، همانگونه

1. خازن، لباب التأویل فی معانی التنزیل، ج 2 ص 297.

2. رازی، مفتاح الغیب ج 28 ص 38

3. بیضاوی، انوار التنزیل، ج 3 ص 62

4. سوره انفال 48

5. شوکانی، فتح القدیر، ج 2 ص 360

6. سوره تحریم 6

7. صابونی، صفوه التفسیر ج 3 ص 386

که خود به آن اقرار نموده گفته اند: {وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا} 1 ترجمه: ما قصد آسمان کردیم، و همه جای آن را پر از محافظان و نگهبانان نیرومند (ملائکه) و شهابها (سوزنده) یافتیم. یعنی نگهبانانی از فرشتگان آسمان را فرا گرفته اند تا مانع تجسس خبر آسمانی از شیاطین شوند. 2 یعنی از سوی فرشتگان مورد تاخت و تاز قرار میگیرند.

مطلب پنجم: رد شبه الوهیت ملائکه در قرآن کریم

اسلام دارای رسالت آزادی اندیشه و آزادی عقل و شعور است. این رسالت چنین تقلید ننگینی را نمی پذیرد و به رسمیت نمی شناسد که در تضاد به عقیده و اندیشه وحدانیت باشد، تقلید از پدران و نیاکان ناشی از عزت بدکاران و برخاسته از غرور گناه را قبول ندارد. باید بخاطر پرستش سند بدست داشته باشد. باید به تدبیر و تفکر نشست. آنگاه گزینشی مبني بر ادراک و یقین در دست داشت. بر عکس آنچه تذکر رفت دسته ای از مشرکین فرشتگان را خدا باور داشتند، و دسته دیگری فرشتگان را واسطه تقرب خود به درگاه پروردگار تصور می کردند، تعداد زیر نام صابنه فرشتگان را پرستش نموده، در روشنی کتاب زبور نماز نیز ادا می نمودند، به زعم خویش که روحانیات عالی را عبادت می نمایند. 3 همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {وَيَوْمَ يُخْشَرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا يَعْبُدُونَ - قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ} 4 ترجمه: (یادآور شو) روزی را که الله جل جلاله جملگی آنان را گرد می آورد و سپس به فرشتگان (رو در روی فرشته پرستان) می گوید: آیا اینان شما را (به جای من) پرستش می کرده اند؟! می گویند: تو منزهی (از این نسبت های ناروایی که به ساحت مقدس داده اند، ما به هیچ وجه با این گروه ارتباط نداشته ایم) و تنها تو یار و یاور ما بوده ای نه آنان. بلکه ایشان جنیان را می پرستیده اند، و اکثر آنان بدیشان ایمان داشته اند.

مراد این است که ای فرشتگان شما به این جماعت گفته اید که آنان شما را پرستش کنند؟ این سؤال برای تنبیه و شرمندگی هر چه بیشتر کافران و مشرکان است. به آنان گفته می شود آیا الله جل جلاله، دختران را بر پسران ترجیح داده است؟ در صورتی که به گمان شما پسران از دختران بهتر و همین شما هستید که دختران را زنده به گور می کنید. اگر راست می گویند، کتاب خود را بیاورید و نشان دهید. 5 آنگاه این تهمت و افتراء را دنبال می کند و جدال و ستیز و معذرت ایشان را پی جوئی و تعقیب می نماید، جدال و ستیز و معذرتی که پیرامون این تهمت و افتراء می سازند و آن را ترتیب می دهند.

هرچند تعدادی از آنان ادعا می کنند که این پرستش خواست پروردگار بوده اگر خدا نمی خواست آنان را پرستش نمی کنند پروردگار به رد این ادعا در پاسخ آنان چنین می فرماید: {وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ} 6 ترجمه: و می گویند: اگر خدا می خواست ما فرشتگان

1. سوره جن 8

2. قرطبی، تفسیر القرطبی، ج 19 ص 12

3. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة المیسره ج 2 ص 714

4. سوره سبا 40-41

5. الوسی، روح المعانی، ج 9 ص 437

6. سوره زخرف 20

را پرستش نمی کردیم . آنان کم ترین اطلاع و کوچک ترین خبری از این (رضایت الهی) ندارند! ایشان سخنانشان جز بر پایه ی حدس و گمان و تخمین نیست .

آنان تلاش می کنند بگریزند، زمانی که دلائل و براهین ایشان را محاصره می کند، و افسانه ی آن سقوط می کند و بر دستهایشان می ماند و خریداری نخواهد داشت . بدین هنگام کار را به مشیت و خواست الله جل جلاله حواله می دارند، و گمان می برند که خدا راضی است که آنان فرشتگان را ببرستند . اگر خدا از عبادت ایشان برای فرشتگان راضی نبود نمی گذاشت ایشان فرشتگان را پرستش نمایند، و ایشان را از این کار سخت باز می داشت!¹

از سوی دیگر با روشن شدن این امر، ارزش همه سخنان و گفته هایی که این دسته می گویند و برای ایجاد شك و شبهه در میان مسلمانان و متزلزل ساختن صف اسلامی می پردازند، و مگرراً آن را بازگو می نمایند که هم پیامبران بسوی خداوند دعوت میدادند: {لَنْ يَسْتَكْفِرَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَكْفِرْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا}2 ترجمه : هرگز مسیح ابائی از این ندارد که بنده ای (از بندگان متواضع) برای خدا باشد ، و فرشتگان مقرب نیز (از بندگی او سر باز نمی زنند) . و کسی که از عبادت خدا سر باز زند و خویشتن را بزرگتر از آن شمرد (که به عبادت او پردازد ، او را به عذاب سختی گرفتار می سازد ، بدان گاه) که همگان را در پیشگاه خود گرد می آورد.

تا این حدو مرز الله جل جلاله، پرده از یگانه سند اعتقادشان برمی دارد، اعتقاد بدین افسانه ی پوچ و بی پایه و مایه ای که متکی به مشاهده ای نیست ، و انجام عبادت باطلی که مستند به کتابی نمی باشد، تنها پیروی از پدران کورکورانه عاری از حقیقت اندیشه آنجا که می گویند: {بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ}3 ترجمه: بلکه ایشان میگویند: ما پدران و نیاکان خود را بر آئینی یافته ایم و ما نیز بر پی آنان می رویم.

این هم گفتاری است که باید آن را به تمسخرگرفت و بدان خندید، گذشته از این که پوچ و یاوه است به نیروئی تکیه ندارد. این گفتار تنها تقلید است ، تقلیدی که تدبر و تفکر ی و حجت و دلیلی به همراه ندارد. تصویر ایشان تصویر ننگینی است ، به تصویرگله ای می ماند که به هرکجا آنها را برانند راه می افتند و می روند، و نمی پرسند: به کجا می رویم ؟ خودشان هم نشانه های راه را نمی دانند! بدین منظور است که فرشتگان همگام با انسانها بر آنان نفرین و لعنت می فرستند: {أُولَئِكَ جَزَّأُوهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ}4 ترجمه: این چنین کسانی ، کيفرشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همه ، بر آنان باشد.

شکی نیست نصوص قرآنی انس و الفت به دل مؤمن می دهد، و درهای دانش و معرفت را به روی او می گشاید، و الهام ها و احساسهایی بدو می بخشد که جز در پرتو ایمان به کسی دست نمی دهد. این است که مؤمن در قرآن ، هدایت را می یابد، و در آن بشارت را می جوید. همانگونه که بر افراد مرتد و کافر غضب الله جل جلاله نازل می شود، ناگفته نباید گذاشت که لعنت و نفرین پروردگار نسبت به فرشتگان کاملاً متفاوت است، زیرا لعنت پروردگار شامل تبعید آنان از بهشت، و ارسال عذاب بر

1. جوزی، زاد المسیر فی علم التفسیر ج 4 ص 75

2. سوره نساء 172

3. سوره زخرف 22

4. سوره آل عمران 87

آنان است اما نفرین و لعنت فرشتگان قولی است، در واقع کفار مستحق هردو نوع لعنت و نفرین هستند.¹

از همه آنچه بالا تذکر رفت به خوبی دیده شد که فرشتگان نه خدا هستند و نه هم رنگی و بوی الهی دارند، تنها بندگان مکرم جهت تدبیر امور و خدمات ارزنده مصروف اند.

مبحث دوم رد شبهات یهود تمهید

یهودیت یکی از ادیان مربوط به قوم عبرانی وابسته به نسل حضرت ابراهیم علیه السلام دارد، یعقوب پسر اسحق پسر ابراهیم علیه السلام و در رأس آنها اسرائیل با یکتا پرستی و توحید خالصی که پدرشان حضرت ابراهیم علیه السلام به آنها یاد داده بود، به سوی قومشان مبعوث شدند، سپس پیامبر اولوالعزم و بزرگ، حضرت موسی علیه السلام با کتاب تورات نیز با دعوت و پیام توحید و با شریعت موسوی که بر اساس توحید و یکتا پرستی بنا نهاده شده بود، به دنبال حضرت اسرائیل، به سوی قومش فرستاده شد. نسبت یهود به پسر یعقوب علیه السلام یهودا بر میگردد. عقیده ی اصلی بنی اسرائیل؛ همان ایمان به خدای واحد و تنها و یکتای صمد، و ایمان به ملائکه و رسولان الهی و به کتاب و روز قیامت و آنچه مربوط به قیامت می شود مانند ایمان به حساب و ثواب و عقاب بود.² قرآن کریم این عقاید آنان را در آیات محکم زیادی به تصویر کشانده است، اما بنی اسرائیل از مسیر پیامبرانشان منحرف شدند و دعوت آنها را ترک گفتند و در تصورات بت پرستی و اوهام و خیالات باطله فرو رفتند، در کتاب مقدسشان (تورات)، انواع خرافات و افسانه ها را در باره خدا قید و ثبت نمودند، به گونه ای که هیچ قوم و ملت محروم و بی بهره ای از هدایت خدایی و کتاب آسمانی، تا این اندازه در خرافات و باطل فرو نرفته اند.³

خلاصه آنکه کفر اهل کتاب اعم از یهود و نصاری کفر انکار الله جل جلاله، ملاقات و وحی اش نمی باشد بلکه کفر تحریف و تبدیل است و تباه نمودن عقیده الوهیت و نبوت می باشد.⁴ {يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ} 5 ترجمه: ای اهل کتاب! چرا حق را با باطل می آمیزید و کتمان می کنید، و حال آن که شما می دانید (که عقاب و عذاب خدا در برابر چنین کاری چیست؟).

کفار در حقیقت، همگی دشمنان خدا و رسول و اسلام عزیز بوده اند و هستند لیکن از میان ایشان یهود بزرگترین دشمن اسلام از جانب الله جل جلاله معرفی شده اند که قرآن مجید گواه بر این مدعی است. از عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم عداوت و دشمنی عمیقی با اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و قرآن مجید داشته اند. با وجود همه ترفندها و نیرنگ هایی که یهود علیه دین اسلام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم به کار می گرفتند و می خواستند نهضت اسلامی را که سرور کائنات، آن را رهبری می کرد، منحرف کنند راه بجای نبرد، و به ناکامی انجامید. {مَا يَوْدُ

1. رازی، مفاتیح الغیب ج 8 ص 258

2. احمد عبدالواحد، الوحي والملائكة في اليهودية والمسيحية والاسلام، ناشر: مکتبه وهبه، - القاهرة، سال نشر: 1978م ج 1 ص 15

3. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة الميسرة في الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، ناشر، ج 1 ص 499

4. همان اثر ج 1 ص 502-503

5. سوره آل عمران 71

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ {1} ترجمه: کافران اهل کتاب و همچنین مشرکان ، دوست نمی دارند خیر و برکتی از جانب خدایتان بر شما نازل گردد و به شما دست دهد. قرآن مجید اهداف شوم آنها را چنین بیان می فرماید: {وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ} {2} ترجمه: بسیاری از اهل کتاب ، از روی رشک و حسدی که در وجودشان ریشه دوانده است ، آرزو دارند اگر بشود شما را بعد از پذیرش ایمان بازگردانند (به جانب کفر و به حال سابق که داشتید !) با این که حَقَّانیت (اسلام و درستی راهی که برگزیده اید ، از روی خود کتابهای آسمانشان) برایشان کاملاً روشن گشته است . پس گذشت نمائید و چشم پوشی کنید تا خدا فرمان دهد (که در برابرشان چه کار کنید) . بی گمان الله جل جلاله بر هر چیزی توانا است.

مطلب اول: رد شبه دشمنی با جبرئیل

جبرئیل یکی از فرشتگان مقرب الله متعال است، امام بخاری رحمه الله در صحیح بخاری می گوید: عکرمه می گوید: "جبر" "میکا" و "اسراف" یعنی: عبد و "ایل" یعنی: الله ، لذا معنای نام هر یک از سه فرشته ی معروف عبدالله است).³

بناء باید نوشت که بر هر مسلمانانی لازم است با همه ی فرشتگان دوستی و محبت داشته باشد، و میان آنان تبعیض و برتری قائل نباشد؛ زیرا همه آنان بندگان مطیع و فرمانبر الله جل جلاله هستند، و هرگز با هم اختلاف و تفرقی ندارند و دستورهای خدا را به بهترین روش انجام می دهند. یهودیان مدعی بودند که میان فرشتگان دوستان و دشمنانی دارند. آنان جبرئیل را دشمن و میکائیل را دوست خود می دانستند. بنابراین الله جل جلاله متعال این ادعایشان را تکذیب کرد و فرمود که فرشتگان با هم اختلاف ندارند آنجا که فرمود: {قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ} {4} ترجمه: بگو : کسی که دشمن جبرئیل باشد (در حقیقت دشمن خدا است) زیرا که

او به فرمان خدا قرآن را بر قلب تو نازل کرده است (نه این که خودسرانه دست به چنین امری زده باشد) . قرآنی که کتابهای آسمانی پیشین را تصدیق می کند ، و هدایت و بشارت برای مؤمنان است. الله جل جلاله در این آیه و آیه های دیگر خبر داده که فرشتگان منسجم و یکی هستند. هر کس با یکی از آنان دشمنی بورزد، او در واقع با الله جل جلاله و همه ی فرشتگانش دشمن است. اما دوستی با بعضی از فرشتگان و دشمنی با برخی دیگر، خرافه ای است که جز اندیشه ی منحرف یهودی کسی دیگر بدان قائل نیست. و این که قرآن از یهود نقل می کند عذر و بهانه ای واهی بیش نیست که کفر و بی ایمانی خود را بدان توجیه نموده، و ادعا می کردند که جبرئیل دشمن آنان است، چون مایه ی جنگ و تخریب است و اگر میکائیل نزد محمد می آمد، سخنانش را می پذیرفتیم.⁵

فرشتگان از نظر آفرینش در جسم و مرتبه با هم برابر نیستند. بعضی دو بال دارند، برخی سه بال، بعضی چهار و بعضی بیشتر، چنانکه جبرئیل (علیه السلام) ششصد بال دارد. و نزد پروردگار دارای

1. سوره بقره 105

2. سوره بقره 109

3. بخاری، صحیح بخاری، ج 6 ص 19

4. سوره بقره 97

5. اشقر، عالم الملائکه الابرار، ج 1 ص 70

مقامهای متفاوت و معلومی هستند، همانگونه که الله جل جلاله متعال می فرماید: {وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ} 1 ترجمه: هر يك از ما مقام مشخص و جایگاه جداگانه ای داریم. بدین منظور قرآن کریم درباره ی جایگاه و مقام جبرئیل علیه السلام فرموده است: {إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ - ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ - مُطَاعٍ ثُمَّ أَمِينٍ} 2 ترجمه: این قرآن، کلام (خدا و توسط) فرستاده ی بزرگواری (بنام جبرئیل برای محمد پیغمبر اسلام، روانه شده) است. او (در ادای مأموریت خود توانا و) نیرومند است، و نزد الله جل جلاله صاحب عرش دارای منزلت و مکان و الایی است.

صفت این فرستاده ای که برای حمل این سخن و ابلاغ آن انتخاب گردیده است "کریم" یعنی بزرگوار در پیشگاه پروردگار خود است. پروردگارش در باره او می گوید: "ذِي قُوَّةٍ" نیرومند است این بند بیانگر این است که حمل این سخن به نیرو نیاز دارد. این صفات بیانگر بزرگی این سخن است همانگونه که بیانگر عنایت پروردگار در حق انسان است. تا بدانجا که همچون فرستاده ای با داشتن همچون صفاتی برگزیده می شود تا این رسالت را برای پیغمبر صلی الله علیه و آله وسلم بردارد و بیاورد، و آن را به پیغمبری برساند که برای آن برگزیده شده است.³

پروردگار در آیه دیگری دشمنی با فرشتگان را کفر می داند، و از آنانیکه با جبرئیل دشمنی دارند نفرتش را عنوان میکند آنجا که می فرماید: {مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ} 4 ترجمه: کسی که دشمن خدا و فرشتگان و فرستادگان او و جبرئیل و میکائیل باشد (الله جل جلاله دشمن او است). چه الله جل جلاله دشمن کافران است.

در این مبارزه طلبی و آواز دادن، بر نشانه ی دیگری از نشانه های قوم یهود اطلاع می یابیم. واقعاً نشانه ی شگفتی است. خشم و کینه ی این قوم به سبب اینکه خدا نعمت نبوت و فضل الهی خویش را بهره ی کسی از بندگان کند، به جایی رسیده است که حد و مرزی نمی شناسد. این خشم ورزی، ایشان را به تناقض گوئی و یاوه سرائی کشانده است که با عقل جور در نمی آید و با خرد سازگار نیست. امام بن جریر طبری رحمه الله می گوید: تمام آگاهان به تأویل اتفاق نظر دارند که این آیه در پاسخ به یهودیان نازل شده است، و آن زمانی بود که آن ها گمان کردند جبرئیل دشمن آن ها و میکائیل دوست شان است.⁵

آنقدر دشمنی یهودیها با حضرت جبرئیل گسترده بود که در آغاز ملاقات با پیامبر اسلام یهودیها در مورد پیام رسان وحی از پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم پرسیدند: انس بن مالک رضي الله عنه میگوید: عبدالله بن سلام⁶ یهودی در زمینی مشغول چیدن خرما بود که خبر آمدن رسول خدا صلی الله علیه وسلم به مدینه را شنید. لذا نزد ایشان آمد و گفت: (إني سائلك عن ثلاث لا يعلمهن إلا نبي: فما أول

1. سوره صافات 164

2. سوره تکویر 19-21

3. سید قطب، فی ظلال القرآن ج1 ص 169

4. سوره بقره 98

5. طبری، جامع البیان ج2 ص 377

6. عبدالله بن سلام، ابن الحارث، اسرائیلی، دوستان انصار، یکی از علمای یهودی بود و مسلمان شد، وی یگانه فرد بهشتی است که بهشت برایش وعده داده شده است، (سیر العلام النبلاء ج4 ص 59) در مورد وی رسول الله صلی الله علیه وسلم گفته است: سَعْدُ بْنُ أَبِي وَقَّاصٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: مَا سَمِعْتُ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: لَا أَخَذَ يَمْشِي عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ إِلَّا لِعَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ قَالَ: وَفِيهِ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَةُ: وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ تَرْجُمَهُ: نَشْنَدُ مَنْ نَسَبَتْ بِهِ كَسَى كَيْسٌ فِي حَالِ حَيَاتِهِ، بِكَوَيْدِ ابْنِ شَخْصٍ مِنْ أَهْلِ الْبَهْشْتِ، بِهْ جَزِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ. سَعْدُ بْنُ سَلَامٍ قَالَ: إِنَّ آيَةَ سُورَةِ أَحْقَافٍ دُرْبَارَهُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَلَامٍ نَازِلٌ شَدِيدٌ اسْتَكْبَرَتْ عَنْهُ (بِكِ نَفَرٍ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِهْ عَنَوانِ شَاهِدٍ بِرِ حَقَانِيَّتِ قُرْآنِ كَوَاهِي دَادَ وَلِي شَمَا مِنْ رُويِ غُرُورِ أَنْ رَا قَبُولَ نَكْرَدِيدِ). (بخاری، صحیح بخاری ج5 ص 37)

أُشْرَاطُ السَّاعَةِ؟، وما أول طعام أهل الجنة؟، وما ينزع الولد إلى أبيه أو إلى أمه؟ قال: "أخبرني بهن جبريل أنفا" قال: جبريل؟ قال: نعم، قال: ذاك عدو اليهود من الملائكة، فقرأ هذه الآية: {من كان عدوا لجبريل...} أما أول أشرطة الساعة فنار تحشر الناس من المشرق إلى المغرب، وأما أول طعام يأكله أهل الجنة فزيادة كبد حوت، وإذا سبق ماء الرجل ماء المرأة نزع الولد، وإذا سبق ماء المرأة نزع. قال: أشهد أن لا إله إلا الله، وأشهد أنك رسول الله [ترجمه: من از شما سه چیز می پرسم که جز پیغمبری کسی آن ها را نمی داند: اولین نشانه ی قیامت چیست؟ اولین غذای بهشتیان کدام است؟ چه عاملی جنین را شبیه پدر یا مادرش می سازد؟ پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: جبرئیل هم اکنون مرا از این امور با خبر ساخت. این سلام گفت: جبرئیل؟ فرمود: آری، گفت: از میان فرشتگان این دشمن یهود است. رسول خدا صلی الله علیه وسلم این آیه را تلاوت کرد: {مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ...} و فرمود: اولین نشانه ی قیامت، آتشی است که مردم را از مغرب به سوی مشرق گرد می آورد، و اولین غذایی که بهشتیان می خورند افزوده ی جگر ماهی است، و اگر در هنگام مجامعت، آب منی مرد بر آب زن سبقت گیرد؛ جنین شبیه پدر می گردد، و اگر آب زن سبقت گیرد، جنین شبیه زن می گردد. عبدالله بن سلام گفت: گواهی می دهم که معبود بر حقی جز الله نیست، و گواهی می دهم که شما پیامبر صلی الله علیه وسلم خدا هستی.

جدایی انداختن بین ملائکه ها همانند جدایی انداختن بین پیامبران صلوات الله علیهم اجمعین است. سپس بصورت خاص این دو را ذکر کرده است، تا از جبرئیل که نماینده ویژه ی بین الله و پیامبران اوست، حمایت کرده باشد و میکائیل را به همراه او ذکر کرده است چون یهودیان تصور می کردند که جبرئیل دشمن شان است و میکائیل دوست شان است! الله جل جلاله اعلان می کند که هرکس با یکی از این دو دشمن باشد در واقع با یکی دیگر هم دشمن است چون گاهی اوقات میکائیل هم به نزد پیامبران فرود می آید، اما جبرئیل بیشتر می آید؛ چون آوردن وحی و وظیفه ی اساسی اوست. 2

از جمله عوامل گمراهی بعضی از انسانها هنگام پرداختن به موضوع عالم غیب این است که جهان غیب را با مقیاس و معیارهای بشری دنیا می سنجند. از این رو بعضی از آنان تعجب می کنند که چگونه جبرئیل در مدت چند ثانیه بعد از مطرح شدن سؤالی که نیاز بود از طرف الله جل جلاله جل جلاله جواب داده شود، بر محمد صلی الله علیه وآله وسلم نازل می شد؟ و حضور جبرئیل را در مدت کوتاه و با سرعت خارق العاده باور نکردنی تلقی می کنند. اما پیامبر اسلام سخت به فرشتگان دل بستگی داشت حتی در دعایش از آنان نام میبرد همانگونه که در حدیث صحیح آمده است: (اللَّهُمَّ رَبَّ جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ، اهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ) 3 ترجمه: هنگامی که رسول خدا صلی الله علیه وسلم برای تهجد بر می خواست می فرمود: (الله جل جلالها! ای پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل ای پدید آورنده ی آسمانها و زمین! وای آگاه نهان و آشکار! در اختلاف بندگان تو بین شان داور می کنی. لذا در آنچه اختلاف است مرا به حق راهنمایی کن، که تو هرکس را بخواهی به راه راست هدایت می کنی)

1. بخاری، صحیح بخاری، ج 6 ص 19 - فتح الباری 8 / 15

2. ابن کثیر، تفسیر القرآن القرآن العظیم ج 1 ص

3. نیشاپوری، صحیح مسلم ج 1 ص 534

الله جل جلاله متعال با ذکر این نام در این جا می خواهد، این مفهوم و معنا را تثبیت و آشکار کند و اعلام می دارد که هر کس با دوست الله دشمنی کند، قطعاً الله دشمن اوست و دشمن هرکس الله باشد در دنیا و آخرت بدترین ضرر و خسران را کرده است. و همانطور که ذکر شد. پیامبر صلی الله علیه وسلم در حدیث قدسی می فرماید: (هرکس با یکی از دوستان من (الله) دشمنی کند، قطعاً با او اعلان جنگ می کنم)¹

از همه آنچه بالا تذکر رفت به خوبی دشمنی یهود را نسبت به جبرئیل نشان میدهد، چون آنان شنیده بودند که جبرئیل از جانب خدا بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم وحی می آورد، و چون دشمنی ایشان با محمد به پلّه ی کینه و غضب رسیده بود، امواج کینه ورزی آنان را بدانجا کشانده بود که افسانه ی بی بنیاد و برهان پوچی را بهم بافند، و با توجه بدان گمان برند که جبرئیل دشمن آنان است، چون او هلاک و نابودی و عذاب را پائین می آورد. این کار ایشان را از ایمان آوردنشان به پیامبر اسلام باز می دارد و بخاطر جبرئیل که همدم او است، از محمد صلی الله علیه وسلم نیز بیزارند. به راستی نادانی خنده آوری است! لیکن خشم و کینه، انسان را به هر نوع حماقتی می کشانند. و الا چرا باید آنان با جبرئیل دشمنی ورزند؟ جبرئیل که انسان نبود تا با ایشان درکاري همدست شود یا بر ضد آنان دست به کاری زند. او که خودسرانه کاری انجام نمی دهد، بلکه او بنده خدا است هر آنچه را خدا فرمان می دهد انجام می دهد و از فرمان پروردگار سرپیچی نمی کند.²

مطلب دوم: رد شبه صدور معاصی از ملائکه

فرشتگان کاملاً معصوم اند، اصلاً از آنان گناه سر نمی زند. اما آنانی که به عصمت فرشتگان باور ندارند، ادّعاء آنان زاده جهل و نادانی فراوان در باره حقیقت آفرینش پروردگار و تدبیر و تقدیر او راجع به امور جهان است. زیرا آیات قرآنی تأکید می ورزد که فرشتگان کاملاً معصوم اند و هیچگاه از آنان گناه صادر نمی شود آنجا که الله جل جلاله می فرماید: {لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ} ³ ترجمه: از خدا در آنچه بدیشان دستور داده است نافرمانی نمی کنند، و همان چیزی را انجام می دهند که بدان مأمور شده اند. این آیه بیانگر عصمت کامل فرشتگان است، آنان همیشه در خدمت پروردگار قرار دارند.

یهودیه تصور می کردند که الله جل جلاله سحر را به وسیله جبرئیل و میکائیل علیهما السلام به سلیمان بن داوود علیهما السلام نازل کرده است، لذا الله جل جلاله متعال با این آیه آن ها را تکذیب می کند. و به پیامبر خود محمد صلی الله علیه وسلم خبر می دهد که الله جل جلاله بوسیله جبرئیل و میکائیل سحر را نازل نکرده است و سحر از اعمال شیطان هاست و در بابل هم شیطان ها به مردم سحر آموزش می دادند و آموزش دهندگان دو مرد به نامهای هاروت و ماروت بودند، به این ترتیب طبق این تفسیر، منظور از کسانی که به مردم سحر آموزش می دادند هاروت و ماروت است، این ردیست بر فهم یهود، ⁴

ابن عباس رضي الله عنه روایت می کند که: هرگاه کسی به خاطر سحر به نزد آن دو می آمد به شدت وی را منع می کردند و به او می گفتند: ما وسیله ی آزمایش هستیم، پس کافر نشوی، چون آن دو خیر

1. ابن حجر، فتح الباری، ج 11 ص 348
2. سید قطب، فی ظلال القرآن ج 1 ص 297
3. سوره تحریم 6
4. طبری، جامع البیان ج 2 ص 419

و شر و کفر ایمان را می شناختند، لذا فهمیده بودند که سحر کفر است، گوید: وقتی کسی حرف هایشان را قبول نمی کرد، می گفتند: به فلان جا برو همین که به آن جا می رفت شیطان را می دید و به او سحر یاد می داد و بعد از آن که سحر را یاد می گرفت از او نوری بیرون و روشنائی آن در آسمان دیده می شد، نگاه می کرد و می گفت: افسوس! وای بر من حالا چه کار کنم؟!1

حسن بصری رحمه الله در تفسیر این آیه می نویسد: آری، دو فرشته با سحر فرود آمدند تا به مردم آزمایشی را که الله جل جلاله اراده کرده بود مردم را با آن بیاموزند و از آن دو پیمان محکم گرفت که تا نگویند: ما وسیله ی آزمایش هستیم کافر نشوید، آن را به کسی آموزش ندهند.2 و آنان هم چنین کردند.

قتاده رحمه الله می گوید: الله جل جلاله از آن دو پیمان مؤکد گرفته بود که تا نگویند: ما وسیله آزمایشی هستیم که شما به آن مبتلا شدید، پس کافر نشوی، به کسی یاد ندهند.3

و بسیاری از سلف بر آن هستند که هاروت و ماروت دو فرشته بودند که از آسمان به زمین جهت آزمایش انسانها فرود آمده بودند.4 داستان آن دو فرشته در همه کتب تفاسیر تذکر رفته است، اما برخی از مفسرین اسرائیلیات را نقل نموده و باعث گیچی مردم پیرامون این موضوع شده اند.

بدین صورت می توان بین این روایات و ادله ی عصمت ملائکه هماهنگی و سازگاری دانست که در علم الهی این سرنوشت برای آن دو فرشته رقم خورده بود. و این انحراف به همان دو اختصاص دارد؛ در نتیجه تعارضی بین این ماجرا و عصمت ملائکه نیست، همان طور که در علم الله جل جلاله سرنوشت ابلیس رقم خورده بود، حال آن که الله جل جلاله او را از ملائکه می شمرد و می فرماید: (و آن گاه که به ملائکه گفتیم: آدم را سجده کنید، همگی سجده کردند. بجز ابلیس که سرباز زد) و نیز دیگر آیه هایی که بیانگر این موضوع است، و این در حالی است که آن چه از هاروت و ماروت سر زد به مراتب از گناه ابلیس کمتر بود. این ها را قرطبی از علی، ابن مسعود، ابن عباس، ابن عمر، و کعب الاحبار رضی الله عنهم اجمعین روایت کرده است. البته ماجرای زن بنام زهره، بدون شک موضوع (دروغ خود بافته) و بی اعتبار است.5

همیشه و در هر زمانی دیده شده که بعضی از مردم از خصائص و ویژگیهای برخوردارند که علم تاکنون به کنه آن دست نیافته است و پرده از چگونگی آن برداشته است. بخشی از این چیزها را نامگذاری کرده و اسمهایی بدانها داده اند، و باورمندی های را ساخته و بافته اند ولی حقیقت و طریقه ی آنها ناشناخته مانده است. یکی از آن موضوعات مسئله معصومیت فرشتگان است که برخی ها بخاطر گنهگار نشان دادن فرشتگان ناخردانه سخن گفته اند.

سیوطی رحمه گفته است: همه مسلمانان اجماع نموده اند که فرشتگان معصوم و پاک اند فرمان فرشتگان فرمان شبیه فرمان پیامبران است. اجماع مسلمانان برگرفته شده از آیه های قرآنی است که الله جل جلاله می فرماید: 6 {يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْترُونَ} 7 ترجمه: شب و روز (دائماً به تعظیم و

تمجید خدا مشغولند و پیوسته) سرگرم تسبیح و تقدیسند و سستی به خود راه نمی دهند. همین پاکی و عصمت آنان باعث شد تا به عنوان فرستادگان امین الله جل جلاله قرار بگیرند همانگونه که الله جل

1. ابن ابی حاتم، ج 1 ص 312

2. همان اثر ج 1 ص 310

3. طبری، جامع البیان ج 2 ص 443

4. ابن کثیر، تفسیر القرآن العظیم ج 1 ص 352

5. قرطبی، تفسیر قرطبی ج 2 ص 51

6. سیوطی، الدر المنثور

7. سوره انبیاء 20

جلاله در آیه دیگری نیز ارشاد می فرماید: { جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا }¹ ترجمه: و فرشتگان را مأموران کرد.

به خوبی دیده شد که فرشتگان کاملاً معصوم اند، و هیچگونه معاصی از آنان صادر نمی شود، همانگونه که طبق اوامر الهی عمل می نمایند، و همیشه در خدمت مردم قرار داشته و رسالت خویش را به شیوه بسیار درست و عادلانه تنظیم می نمایند، خصوصاً در باب نگارش اعمال نامه یک فیصد تعدی و تجاوز را جواز ندانسته و از آن عبور نمی نمایند، و در آخرت طبق فرمان خدای یگانه ماموریت تنعیم و تعذیب را دارند، که هرکدام را به شیوه شایسته با پایه انجام می رسانند.

مطلب سوم: رد شبهه ملائکه بودن ابلیس

ابلیس در لغت: برگرفته شده از ابلاس است که اندوه و غمی که در اثر شدت و سختی به انسان روی می آورد، معنا میدهد، فعلش- ابلس- است که واژه- ابلیس- از آن مشتق شده است، الله متعال فرماید: {وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ} ² ترجمه: در قیام قیامت و دنیای باز پسین، مجرمین و بدکاران بسختی اندوهگین و مأیوسند.

شیطان و ابلیس از لحاظ لغوی یک اند، شیطان در زبان عربی از واژه ی "شطن" زمانی که دور شود، مشتق شده است. و سرشت شیطان از سرشت انسان ها متفاوت است. و با گناهانش از تمام خیرها دور شده است. برخی ها گفته اند: از ریشه ی "شاط" گرفته شده است. سیبویه می گوید: عربها به کسی که کاری شیطانی انجام دهد (شیطانی کند) می گویند: "تشیطن" اگر از ریشه یشاط مشتق می بود، باید می گفتند: "تشیط" به این ترتیب، قول صحیح این است که واژه ی شیطان به معنای دوری است، به همین دلیل به هر سرکش اعم از جن، انسان و حیوان، شیطان می گویند³. الله جل جلاله متعال می فرماید: {وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا} ⁴ ترجمه: همان گونه (که اینان که در صدد هدایت ایشان هستی با تو دشمنی و ستیزه می ورزند) دشمنانی از انسانهای متمرد و جنیان سرکش را در برابر هر پیغمبری علم کرده ایم . گروهی از آنها سخنان فریبنده بی اساسی را نهانی به گروه دیگری پیام می داده اند تا ایشان را با (وسوسه های دروغین) بفریبند.

الله جل جلاله ابلیس را آفرید. موجودی که ماده فساد و تباهی ادیان و اعمال و اعتقادات و اراده هاست. موجودی که سبب شقاوت و بدبختی بسیاری از بندگان الله جل جلاله است و سبب می شود بندگان خدا کاری کنند که پروردگار را به خشم می آورد. ابلیس: در قرآن لفظ ابلیس 11 بار آمده و عیناً به همین تعداد یعنی 11 مرتبه فرمان به استعاده (پناه بردن به خدا) تکرار شده است.⁵ همانگونه که شیطان دارای صورتی زشت و کریه می باشد، و این تصویری است که راجع به صورت شیطان

1. سوره فاطر 1

2. سوره روم 2

3. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج 1 ص 41

4. سوره انعام 112

5. صالحی، صدر الدین أبو الحسن علی بن علاء الدین الدمشقی الصالحی، شرح عقیده طحاوی ج 2 ص 181.

در اذهان وجود دارد. الله جل جلاله میوه های درخت زقوم را که در عمق دوزخ میروید به سرهای شیاطین تشبیه کرده است، چون الله جل جلاله از صورت بد و قیافه کریه شیاطین اطلاع دارد.¹ در مورد آنکه آیا ابلیس از فرشتگان بود علماء اختلاف نموده اند:

1. جمهور علماء مثل ابن عباس ، ابن مسعود، سعید ابن المسیب، ابن جریر طبری بدین باور اند که ابلیس از جنس فرشتگان بوده است و چنین استدلال نموده اند:

أ. استثناء از جنس ملائکه، در خطاب عام پروردگار نسبت به فرشتگان بیانگر آن است که ابلیس از جنس فرشتگان بوده است.

ب. اصل در استثناء اتصال است نه انقطاع، زیرا جن نیز قبیله ای از جنس فرشتگان است همانگونه که ابن عباس رضی الله عنه گفته است.²

ابن عباس رضی الله عنه می گوید: ابلیس پیش از آن که مرتکب معصیت شود از فرشتگان و نامش عزازیل بود. او از ساکنان زمین و در بین ملائکه بود و از همه عالم تر و در عبادت بیشتر کوشش می کرد و همین عامل او را به وادی تکبر کشاند.³

2. در واقع شیوه ی گفتار، بیانگر این است که (ابلیس) از جنس فرشتگان نبوده است ، بلکه با آنان همراه بوده است. و فرمان سجده کنید! او را بدین دلیل نیز شامل می شد:

أ. اگر از جنس آنان می بود سرکشی نمی کرد. چون نخستین صفت فرشتگان این است که آنان: { لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ }⁴ ترجمه: سرشت و طبیعت نیکوی فرشتگان

چنین است که: { لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهٖ يَعْمَلُونَ }⁵ ترجمه: آنان (آن قدر مؤدب و فرمانبردار

الله جل جلاله که هرگز) در سخن گفتن بر او پیشی نمی گیرند ، و تنها به فرمان او کار می کنند (نه به فرمان کس دیگری)

ب. پروردگار تصریح نموده است که ابلیس از جنایات بود پس نیازی نیست که بگوئیم وی از جمله فرشتگان بوده است همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: { وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهٖ }⁶ ترجمه: (ای پیغمبر ! آغاز آفرینش مردمان

را برایشان بیان کن) آن گاه را که ما به فرشتگان گفتیم : برای آدم سجده کنید . آنان جملگی سجده کردند مگر ابلیس که از جنیان بود و از فرمان پروردگارش تمرد کرد.

هرچند ابن عباس رضی الله عنه در پاسخ به این گفته است که وی خازن جنت بود بدین منظور گفته شده که از جن بود همانگونه که به کسی مکی و به کسی دیگری مدنی می

گویند.⁷

ج. سخن پروردگار به شیطان می فرماید: { قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ

نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ }⁸ ترجمه: (الله جل جلاله به او) گفت : چه چیز تو را بازداشت از این که

1. صالحی، شرح عقیده طحاویه، ج 1 ص 23

2. قرطبی ، تفسیر قرطبی، ج 1 ص 89

3 طبری، جامع البیان ج 1 ص 502

4. سوره تحریم 6

5. سوره انبیاء 27

6. سوره کهف 50

7. طبری، جامع البیان ج 18 ص 41

8. سوره اعراف 12

سجده ببری ، وقتی که من به تو دستور (تعظیم و تواضع برای آدم) داده ام ؟ (ابلیس از روی عناد و تکبر پاسخ) گفت : من از او بهترم . چرا که مرا از آتش آفریده ای و او را از خاک . (و آتش کجا و خاک کجا !) .

د. اصل آفرینش ملائکه از ابلیس کاملاً متفاوت است زیرا فرشتگان از نور آفریده شده اند اما ابلیس از آتش در حدیثی آمده است: (خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ، وَخُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ، وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ)¹ ترجمه: آفریده شده ملائک از نور و جنّیات از آتش و آدم از آن چیزی که برای تان بیان شده، یعنی خاک.

هـ. فرشتگان رسولان پروردگار هستند اما شیاطین دشمنان الله جل جلاله² همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا} ³ترجمه: و فرشتگان را مأموران (قدرتمند اجرای فرمان خود در زمینه های مختلف تکوینی و تشریعی) کرد.

از آنچه تذکر رفت به خوبی دیده شد که ابلیس از جنس فرشتگان نبوده است. ناگفته نباید گذاشت که آنگاه که پروردگار به ملائکه دستور داد آدم را سجده کنند، این فرمان ابلیس را نیز شامل می شد، هر چند ابلیس از جنس فرشتگان نبود اما خود را شبیه آنان کرده بود و کارهای آنان را انجام می داد، لذا این فرمان او را نیز در برمی گرفت⁴

تحقیق علامه ابن تیمیه رحمه الله ، این است که شیطان باعتبار صورت و شکل ظاهری نه باعتبار اصل و نژاد از فرشتگان است.⁵

ابن قیم الجوزیه رحمه الله، میان هردو قول جمع نموده گفته است که هردو قول راجح است، ابلیس از لحاظ صورت از جمله فرشتگان بود، اما از لحاظ ماده و اصل از جنس آنان نبوده است. زیرا اصل ملائکه از نور است و اصل ابلیس از آتش.⁶

حسن بصري رحمه الله می فرماید: ابلیس حتی برای يك چشم بهم زدن از فرشتگان نبوده است.⁷ شیاطین نخستین دشمنان بشراند پدر ایشان را از بهشت خارج کرد و ابلیس و ذریه اش همیشه می کوشند که بشر را به دوزخ برسانند و از دخول آن ها به بهشت منع نمایند و پیوسته آن ها را به سوي هرگونه اعمال و اقوال ناروا و نادرست جلب می کنند و بشر را به سوي ضلالت و گمراهی و انحراف می کشانند الله جل جلاله بشر را بر اتباع از شیاطین توبیخ می فرمایند در فرجام باید نوشت که فرق میان جنّ ، ابلیس و شیطان قرار ذیل است:

1. جنّ : جنس است برای هر سه کلمه اطلاق می شود.

2. ابلیس : نوع و بخشی از جنّ است ، چنانکه قرآن شاهد است .

3. شیطان: برگروه کفاری از جنّیات اطلاق می شود.

همیش در تلاش گمراه سازی بندگان بر حق الله جل جلاله هستند، طبق دلایل بدست آمده از کتاب و سنت زمانیکه شیطان ار رحمت الله جل جلاله رانده شد، و از بهشت بیرون کرده شد، به الله سوگند یاد

1. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج 4 ص 2295

2. رازی، مفتاح الغیب ج 2 ص 429

3. سوره فاطر 1

4. ابن کثیر ، تفسیر القرآن العظیم ج 1 ص 179

5. ابن تیمیه، مجموعه فتاوی ج 4 ص 342

6. قاسمی، محمد جمال الدین بن محمد سعید بن قاسم الحلاق القاسمی، محاسن التأویل، ناشر: دار الکتب العلمیه - بیروت، سال نشر 1418هـ.

ج 1 ص 291.

7. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 1 ص 79

کرد که فرزندان آدم را از بیخ و بن ریشه کن خواهد کرد، و این دشمنی تا قیام قیامت ادامه خواهد یافت.

مطلب چهارم: رد شبه شباهت خلقی ملائکه با انسان

فرشتگان نسبت به انسانها کاملاً متفاوت اند مثلاً ملائکه نمی خورند و نمی نوشند خلقت و آفرینش آنها به صورتی است که نیاز به خوردن و نوشیدن ندارند. اما به شکل های گوناگون در می آیند مثلاً به شکل انسان، به عنوان مثال می توان به داستان آمدن ملائکه به نزد حضرت ابراهیم علیه السلام اشاره نمود، آنجا که الله متعال می فرماید: { وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ خَبِيرٍ }¹ ترجمه: فرستادگان (فرشته) ما همراه با مژدگانی ، به پیش ابراهیم آمدند و بدو سلام کردند . ابراهیم جواب سلام ایشان را داد . آن گاه هرچه زودتر گوساله بریانی را برای ایشان آورد . قرطبی می نویسد که فرشتگان عبارت بودند از: (جبرئیل، میکائیل، اسرافیل)² در شکل جوانان زیبا روی به نزد وی آمدند {وَبَشِّرُوهُ بَغُلَامٍ عَلِيمٍ }³ ترجمه: و او را به تولد پسری دانا و آگاه بشارت دادند.

سرشت و طبیعت ملائکه بر اساس اطاعت محض و انجام دادن اوامر و دستورات الله جل جلاله متعال و فروتنی و کرنش در برابر عظمت و جبروت او می باشد. آنها با اراده و خواست پروردگار به اشکال متفاوت تغیر شکل می دهند، سپس انجام وظیفه می کنند و بدون اراده و خواست پروردگار قادر به انجام هیچ کاری نباشند.

یکی دیگر از تقاضا های بی خردانه مشرکین ارسال فرشتگان به عنوان پیامبران بود، اما از آنجا که انسانها نمی توانند مفاهیم وحی را از فرشتگان فرا بگیرند الله جل جلاله چه زیبا پاسخ فرمود: {وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا جَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ }⁴ ترجمه: اگر هم فرشته ای را (مؤید پیغمبر) می کردیم ، او را به شکل انسان در می آوردیم (تا آنان بتوانند او را ببینند و سخنانش را فهم کنند. در این صورت باز هم اشکال برطرف نمی شد) و ایشان را دچار همان اشتباهی می کردیم که قبلاً در آن بودند.

این پیشنهادی که مشرکان به پیامبر صلی الله علیه وسلم پیشنهاد می کردند، و پیشنهادهایی که پیش از ایشان اقوام زیادی به پیغمبرانشان پیشنهاد کرده اند همان گونه که قرآن مجید در داستانهایشان روایت می فرماید یکسان است. از این پیشنهاد فهمیده میشود که مشرکان عرب ، منکر خدا نبودند. بلکه از پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم دلیل می خواستند، دلیلی که بیانگر این باشد که او از جانب خدا فرستاده شده است ، و برساند که این کتابی را که بر ایشان می خواند واقعاً از سوی خدا آمده است . معجزه معینی را پیشنهاد می کردند، و آن این که پروردگار جهان فرشته ای را به پیش پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بفرستد و در کار تبلیغ دعوت همراه او شود و ادعایش را تصدیق کند.⁵

سپس مشرکین اعتراض دیگری را از منظر خلقی نسبت به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم پیشکش کردند تا زندگی رسول الله صلی الله علیه وسلم همخوانی و شباهت به زندگی فرشتگان داشته باشد آنجا

1. سوره هود 72
2. قرطبی، تفسیر القرطبی، ج 9 ص 62
3. سوره ذاریات 28
4. سوره انعام 9
5. سید قطب، فی ظلال القرآن ج 1 ص 159

کی گفتند: {وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَداً لَّا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ} 1 ترجمه: ما پیغمبران را به صورت کالبدهائی که غذا نخورند نیافریده ایم (بلکه آنان انسان بوده و همچون انسانهای دیگر خورده اند و نوشیده اند و زندگی کرده اند و مرده اند) و عمر جاویدان هم نداشته اند.

اما حکمت خدا مقتضی این بوده است که پیغمبران از میان انسانها برگزیده شوند، و وحی آسمانی را دریافت کنند، و مردمان را با آن به سوی پروردگار دعوت نمایند. در گذشته ها هم پیغمبران جز مردانی همین مردمان بوده اند، پروردگار پیغمبران را به شکل کالبدهائی درنیاورده است که غذا نخورند. همانگونه که پیغمبران جاویدان نبوده اند این قانون و سنت همیشگی خدا است پیغمبران جز انسانها بوده اند تا زندگی انسانها را داشته باشند و همسان ایشان زیست کنند، و زندگی واقعی آنان مصداق شریعتشان باشد، و رفتار عملی ایشان نمونه زنده ای برای چیزی باشد که مردمان را بدان دعوت می کنند.

بدون شک سرشت و طبیعت فرشتگان نسبت به انسانها کاملاً متفاوت است همانگونه که الله جل جلاله جل جلاله این استعداد و توانایی را به فرشتگان داده که می توانند خود را به شکلهای گوناگون در آورند. پروردگار جبرئیل علیه السلام را به صورت انسان نزد مریم دختر عمران فرستاد، آنجا که می فرماید: {فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا} 2 ترجمه: ما جبرئیل (فرشته) خویش را به سوی او فرستادیم و جبرئیل در شکل انسان کامل خوش قیافه ای بر مریم ظاهر شد. همچنین فرشتگان بصورت جوانان زیباروی نزد حضرت لوط - علیه السلام - آمدند و لوط علیه السلام از ورود آنان ناراحت شد و از سوی قوم خود برای آنان احساس خطر کرد؛ زیرا قوم او مردمانی بدکردار بودند و همیشه دنبال فساد اخلاقی بودند، و گزینه جنسی خود را بجای زنان از مردان ارضاء می کردند، ابن کثیر می گوید: "فرشته ها جهت آزمون و امتحان به صورت جوانانی زیباروی خود را به آنها نشان دادند تا بر قوم لوط اتمام حجت شود، سپس ایشان را گرفتار کرد و عذاب داد. 3

طبیعت علم و فهم انسان ها نسبت به فرشتگان نیز کاملاً متفاوت است، با آنکه فرشتگان از علم و آگاهی فراوانی برخوردارند که الله جل جلاله به آنان آموخته است، اما مانند انسان قدرت شناخت اشیاء را ندارند، همانگونه که الله جل جلاله متعال می فرماید: {وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ} 4 ترجمه: سپس به آدم نامهای (اشیاء و خواص و اسرار چیزهایی را که نوع انسان از لحاظ پیشرفت مادی و معنوی آمادگی فراگیری آنها را داشت، به دل او الهام کرد و بدو) همه را آموخت. سپس آنها را به فرشتگان عرضه داشت و فرمود: اگر راست می گوئید.

از سوی دیگر چون فرشتگان شهوت ندارند برای اطاعت فرمان خدا متحمل کمترین تلاش و مشقت نمی شوند. شاید این نکته موجب شده که عده ای از علما بگویند: فرشتگان مانند انسانها موظف به انجام تکالیف نیستند. اما اینکه گفته شود بطور مطلق بر آنها تکلیفی نیست، صحیح نیست؛ زیرا آنها موظف به عبادت و اطاعت از فرمان خدا هستند. 5 در آیات و احادیث بی شماری مسئولیت آنان به وجه احسن تذکر رفته است، بناء فرشتگان اهل تکلیف و مسئولیت دنیوی و اخروی هستند، اما در اجرای وظایف کاملاً نیرومند و فرمانبردار هستند.

1. سوره انبیاء 8

2. سوره مریم 17

3. ابن کثیر، البدایه و النهایه، ج 1 ص 43

4. سوره بقره 31-32

5. اشقر، عالم الملائکه، ج 1 ص 34

فرشتگان بندگانی هستند که تمام صفات بندگی در آنها وجود دارد، و همواره آماده ی خدمت اند، و امر و نهی خدا را بدون چون و چرا اجراء میکنند. علم الله جل جلاله آنها را احاطه کرده و نمی توانند از دستورات موکوله و رهنمودهای القا شده به آنان تجاوز کنند، از اینکه مبدا از حد و مزر خود تجاوز کنند و مورد انتقام و مجازات الله جل جلاله قرار گیرند بیم و هراس دارند. از جمله نشانی های بندگی کامل آنان این است که هرگز بر خدا پیشی نگرفته، و در پیشگاه الله جل جلاله پیشنهادی را مطرح نمی کنند، و به دستورهای او اعتراض و ایرادی ندارند، بلکه همه را پذیرفته و با شتاب تمام آن را اجرا می کنند.

فرشتگان فقط آنچه را که به آنها امر شود، انجام می دهند.¹ در صحیح بخاری از عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت است که: رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم از جبرئیل پرسید: آیا بیش از این به دیدار ما نمی آیی؟ در جواب این آیه نازل شد: {وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا} 2 ترجمه: ما (فرشتگان) جز به فرمان پروردگارت فرود نمی آییم (و به کره ی زمین گام نمی گذاریم). از آن اوست آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است و پروردگارت فراموشکار نبوده است.

1. صالحی، شرح عقیده طحاویه، تحقیق: دکتر عبدالله بن عبدالمحسن ترکی و شعیب ارناؤوط، ج 1 ص 104-105
2. سوره مریم 64

فصل سوم

مستشرقین و رد شبهات آنان پیرامون ملائکه

امروز که هزار و چهارصد سال از ظهور اسلام می‌گذرد با وجود آنهم برخی ها پیرامون باورمندی، و زندگی دینی شک و تردید را روا میدانند، آنانیکه برهنگی، بی‌حیایی و بی‌بند و باری بخشی از زندگی امروزی شان را تشکیل میدهد. آنان در ذات الله، واقعیت بهشت و دوزخ تردید دارند، آنان به هیچ چیز پایبندی ندارند، و به مسائل غیبی نیز ملتزم نمی‌باشند و به قواعد و ضوابطی که دانشمندان ادیان سماوی معتقد اند مقید نمی‌باشد. فکر و اندیشه خویش را بر حق تر از حقایق دینی می‌دانند. همانند مستشرقین.

در این فصل دیدگاه مستشرقان را در باره فرشتگان به بحث گرفته ایم. حقیقت فرشتگان را از دیدگاه آنان مورد بررسی قرار داده ایم. در مبحث اول که اصلی‌ترین مطالب در آن گنجانده شده، ابتدا شبهات وارد آمده از سوی خاورشناسان را نام برده در ادامه پاسخ به شبهات محل بحث واقع شده و شبهات وظیفوی فرشتگان تشریح شده است. در هر مطلب جهت حل و فصل قضایا نظرات مفسران و دانشمندان اسلامی ارائه شده است. در مبحث دوم ابتدا شبهات مستشرقین همراه دیدگاهشان آورده شده، سپس به نقد و بررسی شبهات آنان در این موضوع نیز پرداخته شده است. مطلب پایانی بررسی علل عدم پذیرش فرشتگان توسط مستشرقان ارائه شده است:

مبحث اول

شناخت مستشرقین (خاور شناسان) و تاریخچه استشراق

تمهید

یکی از عوامل گمراه کننده بعضی نخبگان ما در مورد عالم غیب آن است که جهان غیب را با مقیاس و معیارهای بشری دنیوی می‌سنجند، یعنی آخرت را از منظر دنیا به بررسی میگیرند. از این رو بعضی از آنان تعجب می‌کنند، که چطور مخلوقات با ماهستند، و در دنیای ما وجود دارند که قابل دید نیستند، و یا آنکه چگونه جبرئیل علیه السلام در مدت چند ثانیه بعد از مطرح شدن سوالی که نیاز بود از طرف الله جل جلاله جواب را نازل میکرد، و یا آنکه به شیوه حضرت جبرئیل وحی را بر حضرت محمد صلی الله علیه وآله وسلم نازل می نمود؟ رفت و آمد جبرئیل را در مدت کوتاه و با سرعت خارق العاده و باور نکردنی چگونه باور کرد، و صدها مسائل دیگری که ارتباط مستقیم به عالم غیب و فرشتگان دارد، در این مبحث روی مسائل مربوط به فرشتگان در چند مطلب صحبت مفصل خواهیم داشت.

با آنکه مستشرقین بستگی دینی به مسیحیت و یهودیت دارند، از سوی دیگری همه ادیان سماوی به ویژه یهودیت و مسیحیت به وجود فرشتگان هستند، اما آنان از روی حسد و کینه که با معتقدات اسلامی دارند وجود آنان را به نحوی رد نموده و شبیه های را پیرامون وجود فزیک فرشتگان و وظایف محوله آنان مطرح می نمایند. در همان آغاز نشأت استشراق هدف کلی آنان جلوگیری از گسترش دامنه نفوذ مسلمانان در جامعه مسیحیت بوده است، همگام با آن تضعیف سازی امت اسلامی، ایجاد شک و شبیه در باورمندی های امت اسلامی، زیر سوال بردن فرهنگ های اسلامی نیز می باشد.

منکرین وجود فرشتگان می گویند: ما می دانیم که قوانین علمی سنن ثابت و لایتغیری هستند، که همین ثبات و دوام آنها پایه ایجاد صنایع و اختراعات و اکتشافات گوناگون شده است، و با باورمندی به وجود فرشتگان قانون علمی نقص می شوند پس باید وجود آنچه به چشم نمی خورد را تردید کنیم به عنوان مثال زنده شدن مرده توسط حضرت عیسی علیه السلام؟! چون حیات بخشیدن به یک پیکر بی جان هنوز از نظر علمی قابل حل نیست، و علم طبی و بیولوژی نمی تواند آن را تأیید کند.¹

پاسخ: اولاً معجزات به قدرت الله جل جلاله ظهور کرده اند و قدرت الله جل جلاله دارای حد و مرزی نیست خدایی که این جهان را با این همه انرژی و ماده از نیستی به هستی درآورده؛ آیا نمی تواند چیزی مانند معجزه که به مراتب آسان تر از پیدایش زمین و آسمان است ظاهر کند؟!²

دیر زمانی است که مغرب زمین، جهان اسلامی را آماجگاه تعرض و تهاجم فرهنگی خود قرار داده است و با شیوه گوناگون به یورش روزافزون خویش ادامه می دهد. از میان شکل های مختلف این تهاجم، تلاش گروهی از پژوهشگران غرب که مستشرق "Orientalist" یا خاورشناس نامیده می شوند، در صورتیکه مورد بررسی و نقد قرار گیرد، به ویژه که مخاطب این گروه، معمولاً کسانی هستند که با فرهنگ غربی کم و بیش آشنایی دارند و گاهی بر آستانه "غرب زدگی" ایستاده اند!³

خاورشناسی، میراث کنجکاوای ها و پژوهش هایی است که مسیحیان پس از پایان گرفتن جنگ های صلیبی در برابر فرهنگ اسلامی آغاز کردند. این شناسایی پر دامنه، در سرآغاز خود با افترا و

1. زقزوق، محمود حمدی، الاستشراق و الخلفیه الفكریه للصراع الحضاری ج1 ص 124
2. خطابی، أبو سلیمان حمد بن محمد بن إبراهیم بن الخطاب البستی المعروف بالخطابی، بیان اعجاز القرآن، ناشر: دار المعارف بمصر، سال نشر 1976م ج1 ص 5
3. صغیر، محمدحسین، المستشرقون و الدراسات القرآنیة، قم، مرکز النشر لمکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۳ هـ، ج1 ص 25

ناسزا همراه بود به گونه ای که در قرون وسطی گاهی پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه وسلم را مورد ناسزاگویی قرار میدادند،¹ هرچند این عملکرد زشت آنان بدور از تصور و پیشبینی نبوده است، زیرا قرآن عظیم الشان اندیشه و راهکار آنان را پیرامون اسلامی چنین معرفی می نماید: {يُرِيدُونَ لِيُطْفَؤُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ، وَاللَّهُ مَتَمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ}² ترجمه: می خواهند نور (آئین) خدا را با دهانهایشان خاموش گردانند ، ولی خدا نور (آئین) خود را کامل می گرداند ، هرچند که کافران دوست نداشته باشند. در آیه ای دیگری پروردگار سخت تاکید می ورزد که کار آنان راه بجای نخواهد برد و پروردگار مصمم است که نورش را بگستراند آنجا که می فرماید: {يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يَتِمَّ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ}³ ترجمه: آنان می خواهند نور خدا را با (گمانهای باطل و سخنان ناروای) دهان خود خاموش گردانند (و از گسترش این نور که اسلام است جلوگیری کنند) ولی الله جل جلاله جز این نمی خواهد که نور خود را به کمال رساند (و پیوسته با پیروزی این آئین ، آن را گسترده تر گرداند) هرچند که کافران دوست نداشته باشند.

از زمان ظهور اسلام تاکنون دشمنان این دین لحظه ای از توطئه و دسیسه علیه آن غفلت نورزیده و همواره در پی آن بوده اند تا به هر طریق ممکن مسلمانان را از اطاعت از پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و عمل به دستورات الله جل جلاله متعال باز دارند. با گسترش اسلام و پذیرش این آیین از سوی ملت های مختلف عده ای نیز با پنهان کردن کینه و کدورت نسبت به اسلام، تظاهر به پذیرش آن کردند و تلاش نمودند تا از داخل به آن ضربه بزنند و بدین وسیله انتقام خود را از پیروانش بگیرند. آنان از هیچ شیوه ای برای ایجاد انحراف در این آیین فروگذار نکردند. اما مؤمنان همواره با جان و دل پذیرای اسلام بوده و برای انتشار آن بنا به میزان ایمان و ظرفیتهای خود کوشیده اند.

مطلب اول: تعریف مستشرقین (استشراق "خاورشناسی")

مسئله استشراق به عنوان یک پدیده سیاسی، علمی با تاریخی نه چندان کوتاه، مطرح است، ولی تا کنون تعریف جامع و مانعی از آن به عمل نیامده است. زیرا استشراق را بررسی یک سلسله مفاهیم و مسائل متداخل می دانند که در واقع نوعی "علم" است و موضوع آن تحقیق درباره جوامع شرقی از سوی دانشمندان غربی است. استشراق روش علمی برای شناخت نوع اندیشه ها، ایدئولوژی، حتی نژادها و قومیت های شرقی انی... و سرانجام باید گفت: که استشراق یعنی "شرق شناسی" به مفهوم عام و مستشرقین هم افرادی هستند غربی، که درباره اندیشه و تمدن و تاریخ اسلامی و شرقی به تحقیق می پردازند. بناء بجاست تا نخست تعریف لغوی و اصطلاحی خاورشناسان را بحث نموده و پیرامون آن به تفصیل صحبت نمائیم:

الف: تعریف مستشرقین: "خاورشناسان"

هرچند واژه های استشراق و مستشرقین کاربرد قدیمی در تاریخ اسلامی نداشته ولی بعدها یکی از اصطلاحات خلیفها روشن و واضح نزد همگان بشمار رفته است. مستشرق در لغت به معنای روشن و تابان آمده است. بناء واژه استشراق و یا هم مستشرقین برگرفته شده از شرق سمت طلوع آفتاب، و

1. زقزوق، محمود حمدی، الاستشراق و الخلفیه الفكریه للصراع الحضاری ج1 ص 76

2. سوره صف 8

3. سوره توبه 32

یا سمت شرق زمین است، بدون شک که (است) حاکی از درخواست و طلب است، استشرق علم شرق و یا عالم شرقی است. 1 و یا آنکه استشرق نظریه تمایزی بین عالم شرق و غرب است. 2 شرق به اعتبار موقعیت جغرافیایی که پروردگار زمین را به دو بخش آفتاب بر آمد و آفتاب نشست تعیین کرده است، کشورهای غربی، و کشورهای شرقی، شرقی که اکثریت باشندگان متعلق به دین مبین اسلام اند، همانگونه که غربی ها اکثریت باشندگان اش مسیحی و یا هم یهودی هستند. 3 حتی فرهنگ شرقی ها باهم نزدیکی دارند، همانگونه که فرهنگ غربی ها با هم قرابت دارند. شناخت جهت شرق و غرب در اسلام آن است که جزیره عرب که مهد نزول وحی است تثبیت میشود، آنچه شرق جزیره عرب باشد به آن شرق گویند و آن اراضی که در غرب آن موقعیت دارد غرب نامیده میشود، آنچه همه امت اسلامی به اتفاق نظر دارند. 4 هرچند در شرایط کنونی اصطلاح شرق الاوسط سر زبانها است، اصطلاح کنونی به فاصله مکانی میان اروپا به شرق الادنی و شرق الاوسط و شرق الاقصى نظر به مصالح غرب نسبت به کشورهای شرقی به ویژه کشورهای اسلامی است. 5

ب: استشرق (خاورشناسی) در اصطلاح:

هرچند پیرامون معنی اصطلاحی مستشرقین و استشرق دیدگاه های متفاوت وجود دارد ولی در کل همه تعاریف باهم قرابت دارند، مستشرق، مستشرقان، شرق شناسان، خاور شناسان، دانشمندان و محققان غربی که در مورد جوامع شرقی به تحقیق می پردازند. به نظر می رسد این، یک روش علمی برای شناخت اندیشه ها، ایدئولوژی، تاریخ، تمدن و حتی نژادها و قومیت های شرقی باشد. ولی منظور از مستشرقان شرق شناس ها، خاور شناسان، عالمان و محققان و دانا به مسائل مشرق زمین هستند. 6

مستشرقین مذهب خاصی ندارند بلکه محققین غربی هستند که در مورد مشرق زمین و دین و مذهب آنها تحقیق علمی و یا هم سیاسی می کنند. مشخصا به این مفهوم، استشرق گفته می شود بدین منظور بهتر میدانم تعریف استشرق را از دو دیدگاه نویسندگان مسلمان و نویسندگان مستشرقین به تعریف بگیرم و آن هم قرار ذیل است:

1. تعریف اصطلاحی خاورشناسان نزد مسلمانان:

أ. مستشرق کلمه ای است که بر تحقیقات و بررسی های دانشمندان یهود و نصارا و دیگران که ساکنین غرب اند، علوم، زبان، دین، تاریخ، تمدن، فرهنگ، و وضعیت اجتماعی مردمان شرق نشین (مسلمانان) را مورد بحث و بررسی و مطالعه قرار می دهند اطلاق می گردد. 7

ب. استشرق، یک حرکت فکری دقیق است که تحقیق و مطالعات در جمله تمرکز روی کشورهای عربی، دنیای اسلام، و شریعت اسلامی دارد تا از هیبت و ارزش آن بکاهند. 8

1. رودی بارت، الدراسات العربیه و الاسلامیه فی الجامعات المانیة، مترجم، مصطفی ماهر، ناشر: دار الکتب العربی، 2004م ج 1 ص 11.
2. سعید، ادوارد، الاستشرق، ناشر: مؤسسه الابحاث العربیه - بیروت، سال نشر 1984م ج 1 ص 38
3. سعدی، إسحاق بن عبد الله السعدي، دراسات فی تميز الأمة الإسلامية وموقف المستشرقین منه، ناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، سال نشر 2013م ج 1 ص 186
4. ابراهیم، المعجم الوسيط، ج 1 ص 480 واژه شرقیت
5. ریاض، محمود، الشرق الأوسط فی التطبيق الجوبولیتکی والسیاسی، ناشر دار النهضة العربیه- بیروت، سال نشر 1993م، ج 1 ص 19
6. دهخدا، لغت نامه دهخدا، ناشر: مؤسسه انتشارات. سال نشر: 1380ه شماره حرف میم، ج 1 ص 347.
7. مجموعه از نویسندگان، رابطه جوانان عالم اسلامی، الموسوعة المیسرة فی الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، ناشر: دار الندوة العالمية للطباعة والنشر والتوزيع - الكويت، سال نشر 1420 ه. ج 2 ص 687
8. سعدی، إسحاق، دراسات فی تميز الأمة الإسلامية وموقف المستشرقین منه، ج 1 ص 188

ت. ولی (ادوارد سعید) اندیشمند فلسطینی الاصل امریکایی المسکن! استشرق را نوعی (ابزار برای شناخت شرق توسط غرب، برای ادامه و استمرار سلطه استعمار و استکبار غربی) معرفی کرده است.¹

2. تعریف اصطلاحی خاورشناسان نزد مستشرقین:

ا. هر آنکه در مورد شرق بیاموزد، تدریس کند، بنویسد، تحقیق کند، عالم باشد، مورخ باشد، دانشمند باشد و یا تاریخ دان مستشرق است، و عمل وی استشرق است.²

ب. در قاموس اکسفورد آمده است: کسیکه در لغات شرق و ادبیات آن تبحر کند مستشرق است.³ مستشرق "از استشرق گرفته شده، به معنای خاورشناسی یا شرق شناسی که در انگلیسی از آن به "Orientalism" یاد می‌شود. این واژه در ابتدا به دانشجوی اهل مشرق زمین اطلاق می‌شد؛ سپس در سال ۱۸۱۲م. در فرهنگ آکسفورد به معنای شرق شناسی به کار رفته است.⁴ واژه "Orientalism"، از سه واژه تشکیل یافته؛ "Orient" به معنای خاور، مشرق یا آسیا، پسوند "al" برای ربط، یعنی مسائل مربوط به مشرق زمین و خاورشناسی و پسوند "ism" به معنای مکتب است.⁵

از این تعریف، می‌توان چنین استنتاج کرد که استشرق یا شرق شناسی، یعنی اهتمام و توجه خاص به اوضاع شرق و کشف نظرها و اندیشه‌های ملل و بررسی اسرار و شرایط اقتصادی، اجتماعی و منابع طبیعی و ثروتی آن، و آگاهی از فرهنگ و تمدن قدیم و وضع فعلی و کشف نقاط قوت و ضعف، در راستای آماده سازی و مقدمه چینی برای سلطه استعمار غربی و حملات مذهبی تحت عنوان تبشیر مسیحیگری است... در واقع این نوع شرق شناسی که همواره مورد اهتمام همه و یا اکثریت قاطع مستشرقین بوده، زمینه ساز اصلی برای سلطه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی نیروهای غربی بر کشورهای شرقی به ویژه اسلامی بوده است.

مطلب دوم: آغاز استشرق

از آن زمانیکه مغرب زمین از دین فاصله گرفت، اسلام شناسی مستشرقان با پژوهشگری بیشترین قرین شد و به مرور زمان، خاورشناسان نامداری را به میدان آورد که با کوشششان کینه توز روزگار کهن و مورخان زودباور گذشته، تفاوت داشتند و اگرچه بسیاری از ایشان به انگیزه های غیرعلمی (تبلیغی، استعماری، سیاسی...) به کار شرق شناسی روی آوردند ولی اهل دانش و انصاف نیز در میانشان هر چند به ندرت دیده می‌شود باز هم نوشته اند: "وَأَمَّا أَهْلُ التَّنْقِيبِ فَطَرِيقُهُمْ فِي الْبَحْثِ أَنْ يَجْمَعُوا الْأَرْاءَ وَالظَّنَّ وَالْأَوْهَامَ وَالتَّصَوُّرَاتِ بِأَجْمَعِهَا لِيَسْتَنْجُوا بِالْفَحْصِ وَالْاِكْتِشَافِ مَا كَانَ مِنْهَا مُطَابِقاً لِلْمَكَانِ وَالزَّمَانِ وَظُرُوفِ الْأَحْوَالِ مَعْتَبِرِينَ الْمُتَّحِدُونَ الْإِسْنَادَ"⁶ یعنی: اما کاوشگران (خاورشناسان جهان غرب) روش پژوهش ایشان چنان است که همه آراء و پندارها و اوهام و تصورات را گرد می‌آورند تا با جستجو و اکتشاف، به نتیجه

1. سعید، ادوارد، الاستشرق، ج 1 ص 35

2. همان مرجع ج 1 ص 38

3. قاموس اکسفورد، ج 1 ص 17

4. اسنکدرلو، محمد جواد، مستشرقان و تاریخگذاری قرآن، ناشر پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، سال نشر 1387، ج 1 ص 36

5. زمانی، محمد حسین، شرقشناسی و اسلام شناسی غربیان، ناشر موسسه بوستان کتاب، سال نشر 1385، ج 1 ص 853

6. جواد علی، تاریخ العرب فی الاسلام، ناشر: دار الساقی، سال نشر: 2001م ج 12 ص 121

ای که با مکان و زمان و شرایط احوال مطابق باشد، دست یابند در حالیکه متن ها را معتبر می شمردند بدون آنکه اسناد روایات را در نظر گیرند!

استشراق زمانی آغاز شد که فاتحین و جهان گشایان اسلام به دروازه های اروپا رسیدند، در این زمان مسلمانان پیشتاز و یکه تاز جهان بودند. هرچند اولین کسیکه در ذهنش دیدگاه استشراقی را پروراند و آن را جهانی ساخت مشخص نیست، باوجود آن هم تعدادی بیشتری از دانشمندان بر آن اند که در سال 1003م راهب فرانسوی بنام جریر دی اولیاک، نخستین کسی بود که در مورد شرق به مطالعه پرداخت، آنکه نامش را بنام استشراق بسته نمود، وی در ابتداء از فرنسا به اسپانیا در معهد فرهنگ اسلامی آن وقت شامل شد، و در آنجا زبان عربی را نوشت، سپس علوم ریاضیات، کیمیا و فلسفه را آموخت، همانگونه که برخی علوم دینی را نیز آموخت، از آنجا که در زبان عربی و علوم شرقی از جایگاه ویژه برخوردار شد در سال 1003م به عنوان اولین پاپ فرانسوی تعیین شد. سپس دو معهد آموزش زبان عربی را ایجاد نمود و به تدریس زبان عربی آغاز نمودند، سپس مدرسه سومی را بنام شارتر ایجاد نمود، سپس برخی از کتاب های عربی را به زبان فرانسوی ترجمه کرد، و از خود نام و نشان در این راستا بجا ماند.¹

سپس راه وی را بعضی از دانشمندان دیگری در سال های متوالی تعقیب نموده اند، مثلاً در سال 1087م قسطنطین افریقی، و در سال، 1156 بطرس المحترم، و در سال 1107 ارجو دی سانتلا، و در سال 1187 جیرارد کریمون یکی پس دیگری مطالعات شرق را شدت گرفتند،² سپس در سال 1312 نخستین کنواسیون را جهت ایجاد زبان عربی و عبری در بخش معظم دانشگاه های عربی، ایجاد کردند، من جمله معهد زبان عربی در روما به حمایت مالی فاتیکان، و در فرنسا به حمایت ملک فرانسه، و در انگلستان به حمایت مالی ملک انگلیز، ترجیاً اینگونه مدارس فقط بخاطر دیدگاه های استشراقی معاند با دین مبین اسلامی گسترش یافت، تا آنکه در بیشترین کشور های اسلامی نیز پایگاه های رسمی و غیر رسمی بنا نهادند.³

زمانی توجه مستشرقین به کشورهای شرقی بیشتر شد که پاپ پنجم در آغاز قرن چهاردهم فرمان ایجاد مراکز تعلیم زبان عربی را در دانشگاه ها و نهاد تدریسی ایجاد نمود، نخست به ترجمه کتابهای فلسفه، منطق و ریاضیات آغاز نمودند، همانند کتاب های ابن رشد، غزالی، ابن سینا و همانند آنان سپس به شیوه تدریجی به تدریس زبان عربی، فرهنگ اسلامی و مسائل اسلامی پرداختند.⁴

مطلب سوم: اهداف استشراق

هدف بزرگ خاورشناسان از میان برداشتن عزت و شرف امت اسلامی همگام با گسترش اندیشه های صلیبی در کشورهای اسلامی است، همانگونه که دانشمندان مسیحی و یهودی از عظمت و گسترش دامنه اسلامی سخت در هراس اند و بخاطر تضعیف آن از راه های متفاوت به پا برخاسته اند، همانگونه که دانشگاه از هر شریف یکی از مراکز علمی بزرگ در دنیای اسلام بود بخاطر تضعیف

1. جلیند، محمد السید الجلیند، الاستشراق والتبشیر، دار قباء للطباعة والنشر والتوزیع، بدون تاریخ، ج 1 ص 14

2. همان مرجع، ج 1 ص 15

3. جلیند، الاستشراق والتبشیر، ج 1 ص 15-16

4. مدنی، أبو مجاهد عبد العزیز بن عبد الفتاح بن عبد الرحیم بن المأ محمد عظیم، المستشرقون فی المیزان، ناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، سال نشر: 1394 هـ. ج 1 ص 126

آن سخت کوشیدند حتی در برابر آن دانشگاه های دیگری را ایجاد نموده و تبلیغات نادرست را راجع به از هر منتشر ساختند.¹

برخی از خاورشناسان حتی نام پیامبر بزرگوار ما محمد صلی الله علیه وسلم را انکار می کنند! با اینکه در قرآن کریم و در تمام کتاب های سیره از صدر اسلام تاکنون این نام فرخنده به تکرار آمده و در میان مسلمانان و غیرمسلمانان متواتر است. دروغ ها و افسانه هایی که در عصر شکسپیر میان مردم انگلستان درباره پیامبر ارجمند اسلام صلی الله علیه وسلم و مسلمانان رواج داشت در فصل نهم از کتاب هلال و گل سرخ The Crescent the Rose تألیف چو Chew گرد آمده است. و شگفت

آنکه همین شایعات بی پایه، گاهی علمای مغرب زمین را تحت تأثیر قرار می داد و به اسلام و فرهنگ اسلامی از همان دیدگاه می نگریستند.² خوشبختانه اسلام با یاری خدا این توده فساد و خرافات را به کنار زد و به دور ریخت. اسلام یک نوع طغیان علیه تفکرات متضاد دینی بود. اسلام طغیانی علیه مجادلات واهی مسیحی مستشرقین و یک نوع انقلاب دینی علیه تجرد و بی دینی بود. یگانه سلاح مسلمانان در برابر همه شبّهات و تلاش نابود کننده کفار و مستشرقین عقیده راسخ و بارومندی کامل به خدا و رسول الله بود، که در همه معرکه ها به آن اعتماد کامل داشتند، همانگونه که در استقامت، صبر و شکیبایی در برابر نابوریهای زمان و دسیسه های دشمن جایگاه بالا داشتند.³

اهداف استعماری در کشورهای عربی و اسلامی مستشرقان را بر آن می داشت، که زبان شرق را فراگیرند و در یکی از فنون مربوط به شرق تخصص حاصل کنند. وجود همین انگیزه گاه سبب می شد که در نزد مستشرق احساسی خاص نسبت به مسایل شرق ایجاد شود، اما این احساس به گونه ای نبود که بر سرشت استعمارگری آنان غالب آید، بلکه این احساس تابع طرح های از پیش ترسیم شده استعمار می شد.⁴ مثلاً در این راستا کوشش مستشرقان آن بود که مسلمانان را در اعتقادات خود دچار تردید و دودلی کنند و یا آرمان های آنان را سبک بشمارند و پیشوایان ایشان را مورد انتقاد و نکوهش قرار دهند و از اهمیت میراث آنان بکاهند. بدین منظور اهداف مستشرقین را در نقاط ذیل فشرده نموده ایم:

1. هدف علمی: بسیاری از این مستشرقان زبان عربی را به عنوان فرهنگ، ادب و تمدن لمس کرده اند و قرآن را نقطه اوج این زبان دانسته و با انگیزه های علمی و تنها به خاطر آگاهی از قرآن و لذت بردن از آن به کاوش و پژوهش در این کتاب بزرگ پرداخته اند و آثار بزرگ و قابل ستایشی در این راه از خود بر جای نهاده اند.⁵
2. هدف دینی: هدف نهائی تعداد از مستشرقین از پژوهش های خود، جز ضربه زدن به اسلام و ایجاد شک و تردید در بین مسلمانان و جلوگیری از گرایش صاحبان عقاید و مذاهب دیگر – بویژه مسیحیان – به اسلام چیز دیگری نبوده است و در همین راستا می بینیم که انگیزه های سیاسی، اقتصادی، مذهبی و بالاخره استعماری این مستشرقین که در واقع مزدوران استعمار

1. مرجع سابق ج 1 ص 146

2. طباطبائی، مصطفی حسینی طباطبائی، نقد آثار خاورشناسان، ج 1 ص 3

3. عطا، عوض عبد الهادی العطا، الجهاد بین عقیده المسلمین و شبه المستشرقین، ناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، سال نشر: 1985 ج 1 ص 87.

4. مرصفي، الأستاذ الدكتور سعد المرصفي، المستشرقون و السنة، ناشر: مكتبة المنار الإسلامية ومؤسسة الريان، بيروت، بدون تاريخ، ج 1 ص 9

5. بهی، محمد البهی، المبشرون والمستشرقون في موقفهم من الإسلام، ناشر: دار المعلم، بيروت، سال نشر: 2008 م ج 1 ص 13

و دشمنان اسلام و مسلمانان هستند، ایجاد شبهه است،¹ اهداف دینی خویش از طریق ایجاد شبهه در صحت قرآن، تردید در صحت رسالت، شک در صحت نزول فرشتگان، و شبهه انگیزی در مسائل غیبی می باشد.²

3. هدف استعماری: با برنامه هایی که برای کار مستشرق تدارک دیده شده است، همچون ایجاد تفرقه در میان مسلمانان و برجسته کردن وجوه اختلاف و یا تعدد مذاهب کار استشراق را به رسوایی کشانیده است، با برملاسازی اشتباهات و انمود میکنند که اسلام دین تفرقه و دشمنی و شکاف است. کشورهای استعمارگر امکانات و کمک ای گوناگونی در اختیار مستشرقان قرار می دادند، تا آن جا که می توان گفت انگیزه اقتصادی یا رسیدن به دستاوردهای شخصی یا سیاسی به طمع برخورداری از مقام و پول و ثروت، محرک برخی از مستشرقان در امر شرق شناسی یا یکی از مرجحات و مقتضیات علاقمندی آنان به این پیشه شد.³

4. هدف سیاسی: کسب معلومات از جهان، سپس ایجاد اختلاف در بین مسلمانان زیرنام قوم، زبان، ملیت و صدها مسائل دیگر، حرکت استشراق بیشتر در خدمت یهودیها و نصرانیها بخاطر سیطره بالای کشورهای اسلام بیشتر از هر بخش دیگر بوده است، همانگونه که در بعضی از کشورها همفکران خویش را به عنوان وزراء و دیگر مقام های حکومتی گماشته اند.⁴

5. هدف اقتصادی: مستشرقین همیشه بخاطر تضعیف اقتصاد کشورهای اسلامی و زمینه سازی بخاطر بلعیدن سرمایه های کشورهای اسلامی همگام با استعمار دست بکار شده، آنان بهترین زمینه سازان راه های به غارت بردن سرمایه های کشورهای اسلامی را به استعمار آماده می نمودند.⁵

عده ای از اندیشمندان از چگونگی روش های تحقیق و پژوهش مستشرقین در مسائل اسلامی به ویژه تاریخ اسلام به شدت انتقاد کرده و آن را استمرار عداوت و دشمنی (احبار و رهبان) و صهیونیسم مسیحی، برای نابودی اسلام نامیده اند. ⁶ پس با توجه به روش کلی مستشرقین و هدف استشراق، نمی توان آن را علمی از "علوم انسانی" شمرد. چون فاقد شرایط اساسی برای تحقق یافتن "صفت علمی" بودن است. با بررسی چگونگی پیدایش و تحول و تکامل مراحل استشراق و با توجه به تعدد اهداف مستشرقین، نمی توان آن را نوعی علم در راستای اهداف انسانی بشریت دانست. بلکه هدف آنان تنها بدنام سازی، و خدشه وارد سازی در داشته های ناب اسلامی است. از سوی دیگر مستشرقین معاصر نسبت به گذشتگان خویش کاملاً متفاوت عمل می نمایند، در گذشته ها آنان از طرز نگارش و ابراز نظر شناخته میشدند، تنها مانع گسترش عقیده اسلامی در کشورهای غربی میشدند اما امروز بر عکس آن عمل می نمایند.

1. سباعی، مصطفی بن حسنی السباعی، الاستشراق والمُستشرقون ما لهم وما عليهم، دار الوراق للنشر والتوزيع - المكتب الإسلامي، بدون تاریخ ج1 ص 20-25

2. فروغ، مصطفی خالد و عمر فروغ، التبشير والاستعمار، ناشر: دار النهضة - بيروت، سال نشر 1957م ج1 ص 83

3. جلیند، الاستشراق والتبشير، ج1 ص 76

4. مجموعه از نویسندگان رابطه جوانان جهان اسلام، الموسوعة الميسرة، ج2 ص 696

5. مدنی، المستشرقون في الميزان، ج1 ص 148

6. نمله، علي بن إبراهيم الحمد النملة، المستشرقون والتنصير، ناشر: دار القلم - بيروت، سال نشر 2004م ج1 ص 27

مبحث دوم مستشرقین و رد شبهات آنان پیرامون ملائکه

سرشت و طبیعت ملائکه بر اساس اطاعت محض و انجام دادن اوامر و دستورات الله جل جلاله و فروتنی و کرنش در برابر عظمت و جبروت او می‌باشد. آنها با اراده و خواست پروردگار در کارها و امور مربوط به دنیا انجام وظیفه می‌کنند و بدون اراده و خواست خدا قادر به انجام هیچ کاری نمی‌باشند.

این پژوهش به دنبال آن است که پس از بیان پیشینه تاریخی خلقت فرشتگان، پرسش‌های اجمالی از آثار مستشرقین را در خصوص آفرینش فرشتگان، به تبیین، علل و انگیزه‌های ایشان از ورود به این عرصه را روشن، و با ارائه یک دسته‌بندی کلی و تحلیل برخی آثار و دیدگاه‌های ایشان، نکات مهمی را در این زمینه بازگو نماید. و با در نظر داشت دلایل نقلی و عقلی است به آن پرسش‌های پاسخ مثبت و جامع ارایه نماید، تا پاسخگوی نیازمندی باورهای دینی خوانده شود. مستشرقان در زمینه وجود فرشتگان دو گونه شبهه وارد کرده‌اند: برخی از شبهات آنها در اصل آفرینش فرشتگان تعلق داشته است و برخی دیگر در وجوه مختلف وظایف آنان می‌باشد.

در این مبحث موضوعی که من می‌خواهم به آن بپردازم درباره کسانی است که روش شك اندازی و ایجاد شبهه را در پیش گرفته‌اند تا مسلمانان را نسبت به عقیده و دین خود متزلزل و مشتاقان درک حقیقت را منصرف سازند. به ویژه اکنون که به خاطر پیشرفت رسانه‌های گروهی همچون شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنت، سرعت انتشار آن چند برابر شده است. هرکس با دقت و عمق نظر نسبت به شبهه‌هایی که امروزه مطرح شده و توسط دشمنان دانا و یا دوستان نادان به مسائل امور غیبی نظر بیافکنند به خوبی می‌فهمد که این شبهه‌ها چیز جدیدی نبوده، بلکه تکرار همان اقاویل و سوء ظن‌های است که سال‌های دراز است که از مشرکین مکه گرفته شده تا مستشرقین و ملحدین امروزی پیوسته با شیوه‌های جدید و رنگ‌های متفاوت عرضه می‌شود تا شاید بتوانند بدین وسیله قلب‌هایی را به بیراهه بکشاند.¹

مطلب اول: رد شبه وجود فرشتگان

مستشرقین وجود فرشتگان را نمی‌پذیرند، حتی در مورد آغاز وحی توسط حضرت جبرئیل اعتراضات را نیز پیش کش نموده‌اند که آن هم عبارت‌اند از:

1. آنان آغاز وحی را در واقع نوعی از بیماری می‌دانند که پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن مبتلا شده بود، گویا روح شریرویی را تحت تاثیر گرفته بود.²
2. گفته‌اند حضرت خدیجه رضی الله عنها حالتی را که در آغاز وحی از طرف جبرئیل علیه السلام به پیامبر صلی الله علیه وسلم پیش آمده بود نوعی از آزار و اذیت ارواح شریره تصور کرده بود.
3. به زعم آنان دیدار حضرت جبرئیل علیه السلام نوع باورمندی بر گرفته شده از دیدگاه‌های گذشتگان همان عصر است، که نزد همگان به نحوی زبان به زبان میشد.

1. انصاری، ابوعمر، شبهات، قدیمی یا جدید؟، بدون تاریخ ج 1 ص 3 برگرفته شده از کتابخانه الشامله.

2. زمانی، قرآن و مستشرقان، ج 1 ص 21

4. تغییر چهره و حالت غیر نورمال حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم بزرگترین دلیل بر آن است که فرشتگان وجود نداشته است همانگونه که حضرت عائشه رضی الله عنها از عرق پوشی وی در روز بسیار سرد صحبت نموده است، همچنان بیهوشی، سنگینی، هنگام نزول وحی به وی اتفاق می افتاد.

5. تعداد از آنان بدین باور اند که سخن و حالاتیکه به پیامبر صلی الله علیه وسلم عرضه میشد آثار سحر و جادوی بوده که در آن زمان سخت مروج بود.¹

6. باورمندی پیامبر صلی الله علیه وسلم به موجودیت فرشتگان برگرفته شده از دین یهودیت است، همانگونه که آنان فرشتگان را دختران الله جل جلاله و جن را همسر پروردگار باور داشتند.²

7. نزد بعضی از فلاسفه، فرشتگان با آنچه وصف شده اند، تنها دیدگاه عقلانی انسانی است که به آنان رنگ و چهره سازی شده است.³

در پاسخ به شبهات بالا به تفصیل چنین می نگارم که:

1. این نوع نگرانی ها منصفانه نیست، آیا میان وحی حضرت محمد صلی الله علیه وسلم و حضرت موسی و عیسی کدام تفاوت وجود دارد، قبول نزول وحی به موسی و عیسی علیهما السلام و انکار آن در حق پیامبر صلی الله علیه وسلم عادلانه نیست، این دشمنی عناد کینه توزی و کم فهمی را نسبت به پیامبر اسلام نشان میدهد.

2. وحی به پیامبر اسلام به شیوه های متفاوت و گوناگون نازل می آمد، همانگونه که جبرئیل گاه به صورت حقیقی ملک و گاه هم به صورت بشر حضور می یافت، از پیامبر اسلام پرسیده شد که چگونه به شما وحی نازل می شود؟ جناب مبارک فرمودند: (أحيانا يأتيني مثل صلصلة الجرس، وهو أشده علي، فيفصم عني، وقد وعيت عنه ما قال، وأحيانا يتمثل لي الملك رجلا فيكلمني فأعي ما يقول) 4 ترجمه: رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود: «گاهی به من وحی می شود مثل اینکه زنگی را به صدا در آورده اند؛ این حالت سخت ترین نوع وحی بر من است. آنگاه از من جدا می شود درحالیکه آنچه گفته فرا گرفته ام. گاهی هم ملائکه وحی، بصورت انسانی می آید و با من سخن می گوید و من گفته هایش را حفظ می کنم.

3. حالات و مریضی های را که آنان در مورد پیامبر اسلام گفته اند تنها دروغ و گذب است، زیرا برای نخستین بار که جبرئیل علیه السلام نزدش آمد وی صحیح سالم در غار حرا مشغول پرستش الله یگانه بود، همانگونه که قبل از نزول وحی رویای صادقه بود، که هیچ خوابی را نمی دیدند مگر آنکه صد در صد اتفاق می افتاد، تا آنکه جبرئیل علیه السلام چند آیه ای از قرآن را نازل فرمود: {اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ، خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ، اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ} 5 ترجمه: ای محمد! بخوان چیزی را که به تو وحی می شود .

1. علی، شاهین علی، دراسات في الاستشراق ورد شبه المستشرقين حول الإسلام، بدون تاریخ، ج 1 ص 124. - بهی، محمد البهی، الفكر

الإسلامي الحديث وصلته بالاستعمار الغربي، ناشر: دار القلم - بيروت، سال نشر: 1985م ج 1 ص 73

2. ماسیه، هنری ماسیه، الاسلام، مترجم بهیج شعبان، ناشر: منشورات عویدات، - بیروت سال نشر 1960م ج 1 ص 141

3 تویجری، حمود بن عبد الله بن حمود بن عبد الرحمن التویجری، عقیده أهل الإيمان في خلق آدم على صورة الرحمن، ناشر: دار اللواء للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، سال نشر 1409هـ ج 1 ص

4. بخاری، صحیح بخاری ج ص 103

5. سوره علق 1-5

آن را بیاغاز و) بخوان به نام پروردگارت . آن که (همه جهان را) آفریده است . انسان را از خون بسته آفریده است . بخوان ! پروردگار تو بزرگوارتر و بخشنده تر است (از آنچه تو می انگاری . بعد از این ، بزرگواریها و بخشندگیها از او خواهی دید که تعلیم قرائت در برابر آنها ساده و ناچیز است) . همان خدائی که به وسیله قلم (انسان را تعلیم داد و چیزها به او) آموخت . بدو چیزهایی را آموخت که نمی دانست .

4. اما سخن آنانکه چنین چیزی به پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم قبل از بعثت هم پیش آمده بود هیچ اساس و دلیلی و جود ندارد، هدف از اینگونه دیدگاه تنها بخاطر آن است که وحی را یک حالت معتاد در زندگی پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم معرفی نمایند.¹

5. سخن آنانکه حضرت خدیجه رضی الله عنها هم همان حالت را تاثیر مثبت ارواح شریره میدانست کاملاً دروغ است زیرا وی به حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: (والله لن

يُخْزِيكَ اللهُ أَبَدًا، إِنَّكَ لَتَصِلَ الرَّحْمَ وَتَحْمِلُ الْكَلَّ، وَتَكْسِبُ الْمَعْدُومَ وَتَقْرِي الضَّيْفَ وَتُعِينُ عَلَى نَوَائِبِ الْحَقِّ)² ترجمه: قسم به خدا هرگز تو را خدا خوار نمی کند، رحم را وصل می کنی و گرانی به دوش می برداری، و به محتاج کمک می کنی و مهمانان را نوازش می کنی و در حوادث حق یاری می کنی. اما رفتن آنان نزد ورقه بخاطر آن بود که وی از کتب آسمانی باخبر بوده یک فرد با تجربه و با درایت بود.

6. اعتراض آنان بر سحر قطعا قابل قبول نیست، زیرا اندکی از مشرکین نیز چنین چیزی میگفتند، ولی بعد خود آنان سخن شان را رد می نمودند همانگونه قرآن عظیم الشان در این مورد خبر میدهد: {وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ}³ ترجمه: در شگفتند از این که بیم دهنده ای از خودشان به سویشان آمده است ، و کافران می گویند : این ، جادوگر بسیار دروغگوئی است.

فیلسوفان، فرشتگان را وسایط آفرینش می دانند؛ زیرا ذات حق، برتر از آن است که مستقیماً به امور جزئی تغیر جهان بپردازد . اگر قرار بود الله جل جلاله متعال ، هر کار کوچک و ناچیزی را خود انجام دهد، ایجاد واسطه ها و وسایل، امری بیهوده بود و الله جل جلاله برتر از آن است که چیزی را بیهوده بپردازد. پس از آنچه بالاتذکر رفت به خوبی دیده میشود که شبهه اولی مستشرقین کاملاً عاری از حقیقت بوده است.

در کتاب عهد جدید به مراتب از فرشتگان صحبت به میان آمده است. برای نمونه فرشتگانی که برای حضرت مریم و یوسف (Joseph) پیام می آوردند فرشته ای که به حضرت مسیح بعد از آزمایش 40 روزه صحرا کمک نمود، فرشته ای که در هنگام مصلوب شدن حضرت، وی را ملاقات کرد، فرشته ای که بر مقبره ایشان دیده شد یا فرشته ای که دو حواری پیترو پل را از زندان آزاد کردند، همه و همه از مصادیق بارز اشاره به فرشتگان در این دین مسیحیت است. در نخستین صفحات کتاب مقدس «فرشته یهوه» Yahweh به صورت پیام رسان خدا بر آدمیان ظاهر می شود. در مورد فرشتگان دیگر اشارات مبهمتری وجود دارند. در دوران پس از تبعید [یهودیان در بابل]، احتمالاً تحت تأثیر آیین زردشتی، سلسله مراتبی از فرشتگان پدید می آید که چهار فرشته یا بیش تر به نام فرشتگان

1. مدنی، المستشرقون في الميزان، ج 1 ص 30

2. بخاری، صحیح بخاری، ج 1 ص 3

3. سوره ص 4

اعظم (یا ملائک مقرب) خوانده می‌شوند. برخی از این فرشتگان بر ملت‌های جداگانه نظارت می‌کنند؛ گروه دیگری سرپرستی عنصرهای طبیعی مانند آتش و آب را به عهده دارند؛ عده‌ای دیگر با فرایندهای تاریخ در ارتباطند و از آنان انتظار می‌رود که نقشی الهی در دآوری ایفا کنند.¹ پس فهمیده شد که پیروان موسی و عیسی علیهما السلام همانند مسلمانان وجود فرشتگان را یکی از اصول ایمانی و از مهمترین ارکان هستی می‌دانند.

مطلب دوم: رد شبه حمایت فزیکی فرشتگان از انسان

تاکنون سالانه صدها شک و شبه پیرامون قرآن کریم، و مضامین قرآنی به ویژه فرشتگان و امور غیبی از سوی مستشرقین به قصد تضعیف عقیده امت اسلامی و شریعت اسلامی بخش شده است که هرکدام قابل تأمل و بررسی است، توجه همه آنان به یک نکته تمرکز می‌نماید و آن علت گزینش هدفمند برخی موضوعات تحقیقی در خصوص قرآن کریم است. یکی از مهمترین مباحثی که خاورشناسان در پژوهش‌های قرآنی خود بدان توجه جدی نموده و به مطالعه و تحقیق در خصوص آن پرداخته‌اند، مسئله حضور فزیکی فرشتگان به حمایت از افراد می‌باشد، که یکی از مهمترین زیرشاخه‌های متعلق بدان، مسئله وظیفه محوله و مسئولیت‌های اجتماعی فرشتگان نسبت به انسانها است.²

در پاسخ باید نوشت که الله متعال به فرشتگان وظایف متعددی و متفاوت را محول نموده است که هرکدام نظر به ضرورت و فرمان به پروردگار وظایف‌شان را به شیوه بسیار دقیق به پیش می‌برند. از دیدگاه همه ادیان سماوی فرشتگان به حمایت انسانهای متعهد و با خدا همیش پرداخته‌اند و در خدمت ما انسانها قرار دارند که به نمونه از آن می‌پردازیم:

1. قرآن کریم پیرامون حمایت فزیکی من جمله در مورد غزوه بدر می‌فرماید: {إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى

الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ

كُلَّ بَنَانٍ} 3 ترجمه: (ای مؤمنان! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی

کرد که من با شمایم (و کمک و یاریتان می‌نمایم. شما با الهام پیروزی و بهروزی) مؤمنان

را تقویت و ثابت قدم بدارید، (و من هم) به دلهای کافران خوف و هراس خواهم انداخت. (

به مؤمنان الهام کنید: (سرهای آنان را بزنید) و از هم بشکافید که بر گردنهای ناپاکشان

سنگینی می‌کند) و دستهای ایشان را ببرید (و پنجه‌هایشان را پی کنید) حتی پیرامون جنگ

بدر پروردگار مسلمانان را به مدد و یاری فرشتگان بیشمار وعده سپرد، و در آثار فراوانی

پیرامون شرکت فرشتگان نیز آثاری وجود دارد که دلالت به شرکت عملی آنان در جنگ بدر

میکند، تا آنجا که کفار خود به مدد غیبی مسلمانان اقرار می‌نمودند الله جل جلاله در این

مورد می‌فرماید: {بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُم مِّنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُدْخِلُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ

مُسَوِّمِينَ} 4 ترجمه: آری! (شما را بسنده است. و علاوه از آن) اگر بردباری (در کارزار)

داشته باشید و پرهیزگاری کنید (از معصیت خدا و مخالفت با پیغمبر)، و آنان (یعنی

1. پیدایش، 6: 1-4

2. خلیل، المستشرقون والسيرة النبوية، ناشر: دار ابن كثير للطباعة والنشر والتوزيع - دمشق، بيروت، سال نشر 1426 هـ ج 1 ص 101.

3. سوره انفال 12

4. سوره آل عمران 125

دشمنان (مشرک) هم اینک بر شما تاخت آرند، پروردگارتان (بر تعداد فرشتگان بیفزاید و) با پنج هزار فرشته یورشگر و نشانگذار، شما را یاری کند. در جای دیگری پروردگار پیرامون مدد رسانی فرشتگان به بندگان نیک الله جل جلاله چنین ارشاد می فرماید: {إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ

فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ} 1 ترجمه: ای مؤمنان! حالا که غنائم را تقسیم می کنید و بر سر نحوه آن اختلاف می ورزید، به یاد آورید (زمانی را که) در میدان کارزار بدر از شدت ناراحتی (از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می نمودید و او درخواست شما را پذیرفت) (و گفت: من شما را با یک هزار فرشته کمک و یاری می دهم که این گروه هزار نفری گروه های متعدّد دیگری را پشت سر دارند.

2. در تورات نیز پیرامون حمایت فزیک فرشتگان از انسانها آمده است: فرشتگان به منزله بندگان خدا هستند که دستورات او را در زمین اجرا می کنند. آنان مومنان را حمایت و کافران را تنبیه می کنند.²

3. در انجیل نیز پیرامون حمایت فزیک فرشتگان از انسانها آمده است: فرشتگان پیش از انسان آفریده شده اند، مرتبه هایی دارند و محافظ انسان اند. همانگونه که ملائکه در تفکر مسیحی جایگاه خاصی دارند. پیروان انجیل از پیوندی عمیق میان مسیح و ملائکه خبر داده اند.³

4. جنگ بدر بهترین دلیل بر حمایت فرشتگان از مومنین است، با آنکه تعداد کفار چند برابر مسلمانان بود و از امکانات خوبی نظامی برخوردار بودند ولی الله جل جلاله با حمایت فرشتگان آنان را از میان برداشت. ناگفته نباید گذاشت همانگونه که پروردگار به وسیله فرشتگان بندگان نیک خویش را یاری میرساند، به همان پیمان و یا بالاتر از آن بندگان نافرمان خویش را به وسیله فرشتگان نیز عذاب می دهد، در این مورد نیز چنین الله جل جلاله ارشاد می فرماید: {وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ} 4 ترجمه: اگر ببینی (ای پیغمبر! هول و هراس و عذاب و عقابی را که به کافران دست می دهد) بدان گاه که فرشتگان جان کافران را می گیرند و سر و صورت و پشت و روی آنان را (از هر سو) می زنند و (بدیشان می گویند): عذاب سوزان (اعمال بد خود) را بچشید. از مشاهده این همه درد و رنج و ترس و خوف دچار شگفت خواهی شد و به حال آنان تأسف خواهی خورد، که چگونه با اندیشه های بیخردانه خویش زمینه عذاب را میسر نموده اند.

5. در مورد حمایت فزیک فرشتگان از افراد نیک در تورات آمده است که: "الله جل جلاله ملائکه نیک را برای نگاهبانی از بنی اسرائیل گسیل می دارد: اینک من فرشته ای پیش روی تو می فرستم تا تو را در راه محافظت نموده، بدان مکانی که مهیا کرده ام برساند" 5 همانگونه که در مورد افراد بد نیز آمده است: "و ملائکه بد را نیز می فرستند: (و آتش خشم خود را بر

1. سوره انفال 9

2. تورات، سفر خروج، 17

3. متی 4: 11 و لوقا 22: 43

4. سوره انفال 5

5. تورات سفر خروج 23: 20

ایشان فرستاد، غضب و غیظ و ضیق را، به فرستادن فرشتگان شریر¹ یعنی نقش هلاک کننده را به عهده دارند.

مطلب سوم: رد شبه حمایت معنوی از انسان

معنای ایمان داشتن به حمایت فرشتگان اینست که مسلمان به وجود آنها اعتراف داشته اعمال و وظائف مربوط به آنها را که در دنیا و آخرت بدوش دارند و انجام میدهند تصدیق کنند. هرچند امروزه بسیاری از روشن فکران درباره ی حمایت معنوی فرشتگان تردید دارند، مستشرقین حمایت معنوی فرشتگان را از اساس بی بنیاد میدانند². اما اگر این مسئله را به بیطرفی مورد بحث و بررسی قرار دهیم، به خوبی پی خواهیم برد، که حمایت فرشتگان همیشه همگام با نیازمندی های بشری به ویژه اهل ایمان همراه است:

1. تورات و انجیل در بسا موارد از حمایت معنوی فرشتگان سخن گفته و به کرات پیرامون حمایت فرشتگان از اهل ایمان سخن میزنند، مثلاً در کتاب تورات آمده است که: فرشته ی الله جل جلاله که پیشاپیش اردوی (اسرائیل) حرکت می کرد عزیمت کرده پشت سر آنها رفت. آن ستون ابر از جلو آنها حرکت نموده پشت سر آنها قرار گرفت. بر اساس اعتقاد مسیحیت مسیح سرور فرشتگان و برتر از همه ی آنها خوانده شده است، و به این ترتیب او نیز به عنوان فرشته محسوب می شود. کارکردهای فرشتگان در این جهان شامل، محافظت و نگهبانی از انسان ها و به طور ویژه کودکان، امید بخشی، درمان بیماری ها و ... می باشد.³

2. پروردگار در چندین جای از قرآن کریم نیز حمایش را از مومنین در برابر کفار ابراز نموده است، همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ} 4 ترجمه: (ای مؤمنان ! به یاد آورید) زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم (و کمک و یاریتان می نمایم . شما با الهام پیروزی و بهروزی) مؤمنان را تقویت و ثابت قدم بدارید ، (و من هم) به دل های کافران خوف و هراس خواهم انداخت . (به مؤمنان الهام کنید :) سرهای آنان را بزنید (و از هم بشکافید که بر گردنهای ناپاکشان سنگینی می کند) و دستهای ایشان را ببرید (و پنجه هایشان را پی کنید).

3. قرآن و سنت بدین جهت پیرامون فرشتگان به طور مفصل بحث نموده اند که انسان بدون وحی نمی تواند به شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد. زیرا حواس انسان ناتوان تر از آن است که فرشتگان را ببیند و کلامشان را بشنود، ولی این ناتوانی دلیل بر نبود آنان و یا به حمایت آنان نمی کند، آیا باورمندی به حمایت فرشتگان نیروی معنوی انسان را بالا می برد؟ آیا امروزه در حالی که علم چهره ی زندگی را تغییر داده و دیگر در

1. زمزمور 49:87

2. نذیر حمدان، الرسول فی کتابات المستشرقین ج 1 ص 13

3. تورات، سفر خروج، 17

4. سوره انفال 12

زمین جایی برای چیزی جز علم و حقایق علمی وجود ندارد، باورمندی به فرشتگان همان جایگاه قلبی را حفظ کرده است یا خیر؟

4. باورمندی به حمایت معنوی فرشتگان ایمان و اعتقاد ما را نسبت به خدایی که معبود حقیقی است و محافظ و مراقب این جهان هستی است راسخ و عمیق می گرداند آن که لشکر خود را از فرشتگان برگزیده تا به امور و شؤون مختلف هستی بپردازند. ارتباط ما با فرشتگان از لحاظ تکوین و بوجود آمدن، و مراقبت و نگرانی بیانگر اهمیت و ارزش انسان است، و اندیشه ی پوچگرایی و حقارت انسان را نفی می کند، و با درک این حقیقت انسان ارزش خود را می شناسد و تلاش می کند نقش بزرگ خود را که موظف به ادای آن است به اثبات برساند.¹ همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ} 2 ترجمه: کسانی که می گویند :

پروردگار ما تنها خدا است ، و سپس (بر این گفته خود که اقرار به وحدانیت است می ایستند ، و آن را با انجام قوانین شریعت عملاً نشان می دهند ، و بر این راستای خداپرستی تا زنده اند) پابرجا و ماندگار می مانند (در هنگام آخرین لحظات زندگی) فرشتگان به پیش ایشان می آیند (و بدانان مژده می دهند) که نترسید و غمگین نباشید و شما را بشارت باد به بهشتی که (توسط پیغمبران) به شما (مؤمنان) وعده داده می شد.

5. فرود آمدن فرشتگان و گفتگو با انسان های مؤمن، هنگام احتضار و سكرات مرگ صورت می گیرد. 3 وقوع هراسان و بیمناک است، همانطور که درباره بازماندگان و اقوامش اطمینانی ندارد، در این حالت فرشتگان نزد مؤمن در حال احتضار می آیند تا او را از خطرهای گمان شده و غم و اندوه نسبت به آینده امین سازند و خوف و حزنش را بزدایند، خطاب به وی می گویند: در مورد برزخ و قیامت آینده هراسی به دل راه نده و بر بازماندگان اندوهی بر دوش نگذار، بهشت و رضایت الله جل جلاله بر تو مبارک باد.⁴

مطلب چهارم: رد شبه حضور ملائکه در جنگها ونصر مؤمنین

دین یک ساختار به هم پیوسته و منسجم است. دین فقط عقیده یا تهذیب روح یا تربیت براساس نیکی ها و فضایل نیست. بلکه در همان حال یک نظام نظامی، اقتصادی عادلانه، نظام اجتماعی متعادل، قانون گذاری مدنی و جنایی، قانون بین المللی، راهنمایی فکری و تربیت جسمانی نیز هست. همه ی این ها براساس عقیده و به صورت ترکیبی از ارشاد اخلاقی و تهذیب روحی سر چشمه می گیرد، جهاد یکی از اساسات مهم زندگی و وسیله تامین عدالت اجتماعی است، فهم درست از تاریخ و مبارزه حق با باطل واقعیت نصرت فرشتگان را نسبت اهل دین ثابت نموده است، همانگونه که نصرت، پیروزی و همکاری معنوی را پروردگار وابسته با تدین و خداجویی خوانده است آنجا که می فرماید: {إِذْ تَسْتَعِينُونَ رَبُّكُمْ فَأَسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ} 5 ترجمه: (ای مؤمنان ! حالا که غنائم را تقسیم می کنید و بر سر نحوه آن اختلاف می ورزید، به یاد آورید) زمانی را که (در میدان کارزار

1. اشقر، عالم الملائکه ج1 ص 4

2. سوره فصلت 30

3. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر ج6 ص 174

4. اشقر، حضور فرشتگان در لحظه مرگ، ج1 ص 6

5. سوره انفال 9

بدر از شدت ناراحتی (از پروردگار خود درخواست کمک و یاری می نمودید و او درخواست شما را پذیرفت (و گفت :) من شما را با یک هزار فرشته کمک و یاری می دهم که ایمن گروه هزار نفری گروههای متعدّد دیگری را پشت سر دارند. یعنی فرشتگان در صورت نیاز به حمایت شما خواهند رسید.

در تورات پیرامون شرکت فرشتگان در جنگها آمده است: الله جل جلاله به مُشه (موسی) گفت: (نام) کسی را که به من خطا کرده است از کتابم محو خواهم کرد و اکنون برو این مردم را به آنجا که گفتم راهنمایی کن. اینک فرشته‌ی من پیشاپیش تو خواهد آمد. و در روز مواخذه انتقام خطای آنها را از آنها خواهم گرفت.¹

در انجیل پیرامون نصرت فرشتگان به انسانهای نیکو آمده است: "هنگامی که سپیده دمید فرشتگان، لوط را به شتاب واداشته گفتند: برخیز زن و دو دخترت را که حاضرند ببر مبادا به خاطر گناه شهر فنا گردی. (لوط) معطل شد. آن مردها (فرشته‌ها) به خاطر لطف الله جل جلاله به او، دست او و زنش و دو دخترانش را گرفته بیرونش بردند و در خارج شهر قرارش دادند"²

برای ما این بس که بدانیم الله جل جلاله این گروه مسلمان را در آن روز تنها نگذاشته است و به خود رها نکرده است، بدان گاه که آنان گروه اندکی و دشمنانشان مردمان زیادی بودند. و متوجه باشیم که در کار و بار این گروه مسلمان و در کار و بار این آئین، فرشتگان جهان بالا عملاً شرکت داشته اند، بدان گونه که الله جل جلاله فرموده است: { إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ } ترجمه: (ای مؤمنان! به یاد آورید (

زمانی را که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم (و کمک و یاریتان می نمایم . شما با الهام پیروزی و بهروزی (مؤمنان را تقویت و ثابت قدم بدارید ، (و من هم) به دلهای کافران خوف و هراس خواهم انداخت . (به مؤمنان الهام کنید :) سرهای آنان را بزنید (و از هم بشکافید که بر گردنهای ناپاکشان سنگینی می کند) و دستهای ایشان را ببرید (و پنجه هایشان را پی کنید).

مطلب پنجم: رد شبه نورانی بودن ملائکه

مسئله آفرینش فرشتگان همانند موجودیت آنان یکی از مسائل دیگری است که مستشرقین به ویژه مورّس بوکای نورانی بودن آنان را کاملاً رد نموده و در مورد جگونگی انتقال وحی نیز باور مند نیست.⁴

ما مسلمانان باورمندیم که الله جل جلاله فرشتگان را از نور آفریده است، همانگونه که میتوانند به اشکال مختلف خود را ظاهر سازند، شبیه آنکه الله جل جلاله متعال جنیان را از آتش و آدم را از خاک آفریده است، اما به اتفاق همه ادیان آفرینش فرشتگان قبل از آفرینش آدم علیه السلام بوده است.

1. دلیل ما بر آنکه فرشتگان از نور آفریده شده اند این است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم

فرموده است: (خُلِقَتِ الْمَلَائِكَةُ مِنْ نُورٍ وَخُلِقَ الْجَانُّ مِنْ مَارِجٍ مِنْ نَارٍ وَخُلِقَ آدَمُ مِمَّا وُصِفَ لَكُمْ) ترجمه:

فرشتگان از نور و جنیان از آتش شعله ور و آدم از آنچه برایتان توصیف گردید آفریده شده

اند. از طرف دیگر مفسر قرآن عبدالله ابن عباس رضي الله عنه در تفسیر "ذُو مِرَّةٍ" می نویسد:

1. خروج: 33

2. متن انجیل سایت رسمی، www.Wordproject.org

3. سوره انفال 12

4. www.pardise.com

5. نیشاپوری، صحیح مسلم، ج4 ص 229

- یعنی دارای سیما و صورت زیباست. قتاده رحمه الله می گوید: "دارای قامتی بلند و زیباست"¹. بعضی "ثَوِ مِرَّةً" را به قدرت و توانایی تفسیر کرده اند، میان این دو تفسیر هیچ منافات و تضادی وجود ندارد؛ زیرا جبرئیل علیه السلام هم تواناست و هم زیباست.
2. کلیسای کاتولیک، فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش ایشان پیش از آفرینش انسان است. در بخشی از دیدگاه های مسیحی ها آمده است که "گرچه فرشتگان بندگان خدا و ارواح نورانی و مقدسی هستند که حکیمانه عمل می کنند اما اینها اموری نسبی است یعنی آنها به نسبت انسان که گرفتار جسم است پاک و از عیب مبرا هستند، اما به نسبت الله جل جلاله که مظهر قدس و حکمت است، ناپاک و ناآگاه هستند"²
3. درباره صورت هایی که فرشتگان به آن صورت ها در نظر انبیاء دیده می شوند می گوئیم: انبیائی را می بینی که ملائکه را به صورت انسان می دیدند چنانچه در سفر تکوین، 18: 2 آمده: (اینجا سه نفر مرد هستند) و بعضی فرشته را به صورت انسان ترسناک و مبهوت کننده می دیدند چنانچه در قاضیان، 13: 6 آمده: (دیدار او چون دیدار فرشته خدا بسیار ترساننده بود) و بعضی فرشته را به شکل آتش می دیدند چنانچه در سفر خروج، 3: 2 آمده: و فرشته الله جل جلاله در لهیبی از آتش بر او تجلی کرد.
4. فرشتگان در میان مردم نیز به حسن و جمال معروف اند، همانطور که شیاطین به قبح، زشتی و بد شکلی معروف هستند، از این رو انسان زیبارویی را به فرشتگان تشبیه می کنند، و هنگامی که زنان مصر جمال و زیبایی یوسف علیه السلام را مشاهده کردند گفتند: {حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ}³ ترجمه: مَعَاذَ اللَّهِ! این آدمیزاد نیست، بلکه فرشته ی بزرگواری است. هنگامی که چشمانشان بدو افتاد، بزرگوارش و دیدند و (به دهشت افتادند و سراپا محو جمال او شدند و بجای میوه) دستهایشان را بریدند و گفتند: ماشاء الله این آدمیزاد نیست، بلکه این فرشته بزرگواری است.⁵
5. البته نوع این نور با نوری که در تصور ما وجود دارد فرق می کند زیرا نورها متعدد می باشند مثلاً نور خورشید، نور مهتاب، اشعه ی ایکس، اشعه ی ماوآء بنفش، لیزر و ... هر کدام نور هستند ولی نوع آنها از یکدیگر فرق می کند، ملائکه نیز از نور می باشند لیکن نوع نور ملائکه به گونه ای است که در عقل و تصور ما نمی گنجد.

مطلب ششم: رد شبه پرواز کردن ملائکه به عالم بالا

یکی از علل گمراهی برخی از انسانها به ویژه خاورشناسان در مورد عالم غیب این است که تلاش دارند عالم آخرت را با مقیاسهای دنیوی بشر مقایسه نمایند یکی از این افراد تعجب می کند از اینکه جبرئیل علیه السلام بعد از چند ثانیه که سؤالی از پیامبر صلی الله علیه وسلم می شد و به جواب از سوی الله جل جلاله احتیاج داشت حاضر می شد. از دیدگاه آنان چگونه ممکن است که جبرئیل با این سرعت فوق العاده حاضر شود در حالی که برای رسیدن نور به بعضی از ستارگان آسمان به میلیونها

1. قرطبی، تفسیر القرطبی، ج 17 ص 76

2. فکری، أنطونیوس، بی تا: 87

3. سوره یوسف 61

4. ابن کثیر، تفسیر ابن کثیر، ج 4 ص 331

5. سید قطب، فی ظلال القرآن ج 3 ص 62

سال نوري احتياج است.1 بناء یکی از مسائل مجادله بر انگيز موضوع بالارفتن فرشتگان به عالم بالا هست.

ما مسلمانان معتقد هستيم که بيشترين امور اداري انساني و کوني به وسيله فرشتگان از سوی الله متعال اداره می شود، همانگونه که وحی به وسيله جبرئيل عليه السلام به پيامبر اکرم صلی الله عليه وسلم از علم بالا نازل می آمد، و پيامبر اکرم صلی الله عليه وسلم در مورد جبرئيل که چگونه از آسمان پائين می آمد و در مورد بال های فرشتگان نیز صحبت مفصل نموده اند، اما اين مسئله را مستشرقين کاملاً رد نموده و عملکرد فرشتگان که در یک لحظه از عالم بالا به پائين بيابند و وظیفه خویش را انجام دهند کاملاً رد نموده و آن را خیالی بیش نمی دانند. و آن را بدور از حقيقت علمی و توان زنده جان می دانند بخاطر آنکه سازگاري با واقعيت های علمی امروزی همانند قدرت زوب و تجزیه جسمی می پندارند.²

1. مسئله پرواز و يا بالا رفتن فرشتگان به عالم بالا نیز به دلائل عقلی قابل حل و فصل نیست، بلکه نیاز به وحی و استنباط وحیانی دارد که در قرآن و سنت نبوی ثابت شده است، همانگونه که الله جل جلاله می فرماید: {تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ}3 ترجمه:

فرشتگان و جبرئيل به سوي او (پر مي کشند و) بالا مي روند در مدتي که پنجاه هزار سال (معمولي براي انسانها) طول مي کشد. بخاطر وضاحت هرچه بهتر اين مسئله بهتر ميدانم اين مسئله را از دیدگاه قرآنی و احاديث نبوی به بحث بگيرم تا در روشنی قرآن و سنت به واقعيت توانمندی فرشتگان پی برده و به توانمندی آنان باور کامل داشته باشيم.

2. فرشتگان از نظر آفرينش بسيار بزرگ و از نظر ضخامت بسيار تنومندند، الله جل جلاله متعال فرشتگان را به اشکال بزرگ و نیرومندی آفریده است که با مسؤوليتهاي مهمي که الله جل جلاله آنان را بدان مکلف نموده سازگاري دارد. مثلاً فرشتگان بال دارند. الله جل جلاله متعال براي فرشتگان از يك تا صدها بال آفریده که جز

3. الله جل جلاله متعال کسی تعداد دقيق آنها را نمیداند، چنانکه رسول الله صلي الله عليه وآله وسلم جبريل عليه السلام را با چهره حقيقي آن دیدند که ششصد بال داشت و تمام اُفق را پوشيده بود. در اين خصوص الله جل جلاله متعال مي فرماید: {الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ}4

ترجمه: ستايش الله جل جلاله را سزا است که آفريننده آسمانها و زمين است ، و فرشتگان را با بالهاي دوتا دوتا ، و سه تا سه تا ، و چهارتا چهارتائي که دارند ، مأموران (قدرتمند اجراي فرمان خود در زمينه هاي مختلف تکويني و تشريعي) کرد . او هر چه خواهد بر آفرينش (فرشتگان و مردمان و ساير موجودات جهان) مي افزايد . چرا که خدا بر هر چيزي توانا است . بلی حضرت پيامبر اکرم صلی الله عليه وسلم تعداد بالهای جبرئيل را به ششصد بال تعيين کرده است در حديثی آمده است: (رَأَيْتُ جِبْرِيلَ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عَلَيْهِ سِتُّ مِائَةٍ جَنَاحٍ يُنْتَنَرُ

1. ماسيه، الاسلام، مترجم بهيج شعبان، ج 1 ص 152

2. زقزوق، ، الاستشراق و الخلفيه الفكرية للصراع الحضاري ج 1 ص 137

3. سوره معارج 4

4. سوره فاطر 1

مِنْ رِيشِهِ التَّهَاقُوتُ: الدُّرُّ وَالْيَاقُوتُ)1 ترجمه: جبرئیل را در حالی دیدم که ششصد بال داشت و از بالش زیور آلات رنگارنگ و دُر و یاقوت می‌ریخت.

4. مسیحیت فرشته شناسی خود را از فضای یهودی به ارث برده است. از دیدگاه آنان فرشتگان گروهی از موجودات فراطبیعی اند که کارکرد آنها رساندن پیام خدا به انسان‌ها است و الله جل جلاله در قالب فرشتگان بر انسان‌ها تجلی می‌نماید. در هر دو آیین یهودیت و مسیحیت فرشتگان ارواحی جاودانی و نامیرا و با شعوری بالا و صاحب اراده دانسته شده اند که قادر به تولید مثل و نیازمند به تغذیه نیستند و شهوات و غرایز انسانی به ایشان راه ندارد و از نظر روحانی بر انسان برتری دارند. آنها قادرند که فاصله‌های طولانی را با سرعت نور پیمایند و نیز قابلیت رسیدن به درجات کمال و رشد روحانی را دارند.²

5. با آنکه اهل انجیل به بالا رفتن و پائین آمدن فرشتگان باورمند هستند با آنکه در شرایط بحرانی عیسی و یارانش می‌توانند از فرشتگانی که در خدمتش هستند یاری بجویند³ در بخش دیگری آمده است که: در صعود و نزول خویش به نزد مسیح می‌آیند⁴ اما از نظر خاورشناسان حقیقت ندارد. آنان نمی‌دانند که الله جل جلاله به آنان قدرت بالا بخشیده است همانگونه که خود در مورد جبرئیل می‌فرماید: {عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى}5 ترجمه: (جبرئیل ، فرشته) بس نیرومند آن را بدو آموخته است. ابن کثیر در تفسیر این آیه می‌گوید: قدرتش آنقدر زیاد است که سرزمین قوم لوط را با تمام سکنه‌ی آن که نزدیک چهارصد هزار نفر بودند با حیوانات، عمارات و کشتزارها همه را با یک طرف بالش بالا برده تا اینکه ملائکه صدای سگهایشان را می‌شنیدند سپس آن سرزمین را منقلب نمود و بر زمین کوبید.⁶

6. مستشرقین نمی‌دانند که وضعیت آنان مانند پشه‌ای است که سعی می‌کند سرعت هواپیمایی را با مقیاس خاص خود بسنجد. اگر در این قضیه می‌اندیشدند می‌دانستند که عالم ملائکه مقیاسهای خاص خود را دارد که با مقیاسهای بشری ما بطور کلی متفاوت است.

7. از نظر اهل کتاب و مسلمانان فرشتگان توانایی دارند که جز شکل اصلی، خود را به هر شکل دیگری در آورند؛ الله جل جلاله به فرشتگان قدرت داده که خود را به شکل مرد در آورند همانگونه که در داستان زندگی حضرت مریم در آیه های قرآنی آمده است من جمله: {فَاتَّخَذَتْ

مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا}7 ترجمه: و پرده ای میان خود و ایشان افکند (تا خلوتکده اش از هر نظر برای عبادت آماده باشد ، در این هنگام) ما جبریل (فرشته) خویش را به سوي او فرستادیم و جبریل در شکل انسان کامل خوش قیافه ای بر مریم ظاهر شد. در واقع در این امر ردّ بر بت پرستان است که مدعی بودند که فرشتگان دختران خدایند. ما نمی‌دانیم که آنان چگونه نقش انسان را بازی می‌کنند اما بقدری دقیق عمل می‌کنند که مشکل است فرق آنان با انسان تشخیص داده شود.

1. احمد، مسند امام احمد بن حنبل، شماره حدیث 3915، این حدیث را شیخ البانی در کتاب الاسراء و المعراج حسن خوانده است، ج 1 ص

101

2. سلیمانی، عبدالرحیم، کتاب مقدس، قم: انجمن معارف اسلامی، بهار 1378 ش. ج 1 ص 62

3. متی 26: 53

4. یوحنا 1: 51

5. سوره نجم 5

6. ابن کثیر تفسیر القرآن العظیم، ج 8 ص 338

7. سوره مریم 17

مطلب هفتم: رد شبه دمیدن صور توسط ملائکه

دنیای آخرت یکی دیگر از باورمندی های ادیان سماوی است، اما تعدادی زیادی به زنده شدن بعد از مرگ باورمند نیستند، زیرا از دیدگاه عقلی امکان پذیر نیست، واقعیت آن است که جدال میان دین و علم در اروپا از آنجا ناشی شد که کلیسا، افکار علمی و نظریه های مشخصی را به انحصار خود درآورد و ادعا کرد که آن ها حقایق مقدس و کلمات آسمان اند! زمانی که علم نظری و تجربی، بطلان این افکار و نظریه ها را ثابت کرد مردم چاره ای نداشتند جز این که به علم ایمان بیاورند و نسبت به کلیسا و دینی که عالمان دینی آن را بیان می کنند کفر بورزند. عده به نام کلمه و سخن خدا، خرافات و اوهام را بر آنان تحمیل می کردند. همانند سوزاندن دانشمندان به علت مطرح کردن ادعای کروی بودن زمین، در نتیجه محکوم و تقبیح کردن دین به تصویر کشیده شده، ولی در شرق و سرزمین های اسلامی قضیه کاملاً متفاوت است؟ ما هیچگاه علم و دین را از هم جدا نمی کنیم و میان آن نزاع و درگیری به وجود نمی آوریم؛ بلکه واقعیت های دینی را که به وسیله وحی ثابت شده باشد و مجال بحث عقل و برداشت عقلی نداشته باشد به هیچ عنوان به دلایل عقلی به آن نمی پردازیم، و آن را از دل و جان می پذیریم، بناء زنده شدن بعد از مرگ همانند زندگی دوباره طبیعت هم از نظر عقل و هم از دیدگاه نقل قابل درک است.

1. نفخ صور توسط فرشتگان علیهم السلام یک امر مسلم و غیر قابل انکار است پروردگار پیرامون نفخ صور در چندین جای از قرآن کریم ارشاد فرموده است همانگونه که در این آیه ارشاد می فرماید: {وَنُفِخُ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ} 1 ترجمه: در صور دمیده خواهد شد و تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند می میرند مگر کسانی که خدا بخواهد (آنان را تا زمان دیگری زنده بدارد) . سپس بار دیگر در آن دمیده می شود ، به ناگاه همگی (جان می گیرند و) بپا می خیزند و می نگرند (تا در حق ایشان چه شود و حساب و کتابشان کی انجام پذیرد و سرنوشتشان به کجا بینجامد).

2. ملائکه وظایفی را که در کتب تورات و انجیل به آنها نسبت داده شده، پیوسته متوجه انسانها می سازند، بنابراین، با توجه به این دیدگاه ملائکه حقیقتاً پیام آورانی هستند که هر دستوری را از آسمان به زمین می آورند، و دسته ای دیگر قیامت را اعلام می کنند²

3. کسانی که دید آنها فقط محسوسات و تجربیات است؛ وقوع معجزات و خوارق عادت را انکار می کنند و می گویند: معجزات مخالف با عقل و محال هستند زیرا پیدا شدن چیزی بدون سبب ناممکن و محال است، و این جهانی است که بقاء نظامش توسط اسبابی است که مشاهده می کنیم؟! پاسخ؛ کسانی که قائل بر این اند که چیزی بدون سبب پیدا نمی شود ادعایی است که برای اثبات آن هیچ گونه دلیل و برهانی ندارند. آنچه را که آنها مارک محال بودن بر آن می زنند خالی از هر گونه دلیل قطعی می باشد لازماً همچنین محال خود ساخته ای هرگز حکم محال واقعی را به خودش نمی گیرد.

1. سوره زمر 68

2. متی 28: 75

مبحث سوم رد شبه وظیفوی ملائکه در آخرت تمهید

الله جل جلاله قدرت آفرینش مخلوقات عظیم چون عرش، بهشت و جهنم را دارد. که دلیلی بر قدرت و عظمت الله جل جلاله است و ملائکه هم نوعی از مخلوقات عظیم الله جل جلاله بحساب می آیند. وقتی انسان در تمام حالات و انفعالات خود، پروردگار متعال را حاضر و ناظر دانسته و بداند که مأمورین الله جل جلاله (ملائکه) کلیه حرکات و سکنات او را ثبت می کنند احساسی الهی در هنگام عمل به او دست داده و روحیه اخلاص را در او تقویت می کند و در نهایت هر گاهی که در زندگی بر می دارد در جستجوی رضایت الهی و تحقق خواست اوست و به تدریج به مرتبه ای و الای عبودیت خواهد رسید

مستشرقین وجود فرشتگان را نه تنها در آخرت بلکه در دنیا نیز انکار نموده اند، و اصلاً به موجودیت فرشتگان و وظیفه های اخروی آنان باور ندارند، همانگونه که فرشتگان را نمی شناسند، به گمان آنان صحبت پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم در این مورد سخن نفسانی و بدور از حقیقت است آنچه که در عقل خطور کرده و وجود خارجی و نورانی در زمین و آسمان ندارد، من جمله بلند رفتن فرشتگان را به آسمان انکار و پائین آمدن فرشتگان را نیز باور ندارند، فشرده سخن آنکه تعداد زیادی از مستشرقین وجود، وظیفه، کار های خارق العاده و هر آن مسئله ای که پیرامون فرشتگان در متون دینی آمده است عاری از حقیقت و هیچگونه تصویر بیرونی ندارد. همانگونه که زندیق ها وجود الله متعال و فرشتگان را قطعاً انکار نموده اند، سپس فرشتگان را به شیوه دیگری تعریف نموده اند، و آن هم تعریف واهی، مزخرف و بدور از حقیقت گفته اند: فرشتگان قوه نیرومند حسنه، و صفات و سیرت نیکو در وجود انسان است، همانگونه که شیطان قوه نیرومند شرارت افگند در وجود انسان است.¹

کسانی که وجود فرشتگان را باور ندارند، در واقع به گفته های اسلام باور ندارند، زیرا اگر ایمان داشته باشند حتماً از اسلام فرمان میبردند، همانگونه که آنان در مورد عذاب قبر، و حضور فرشتگان را در خانه قبر باور ندارند، چنانکه پرسش فرشتگان نکیر و منکر را نیز باور ندارند، گفته اند که عذاب قبر صحت ندارد بخاطر آنکه آنان چندین وسایل را روی سینه مرده گذاشته اند، سپس آن وسایل را همان گونه که گذاشته بودند در یافتند، متعاقباً نظر به دریافت همان وسایل کما کان عذاب قبر را انکار نموده اند. نتیجه آن شد که آخرت و وظایف فرشتگان را نیز انکار نموده اند.

قرآن و سنت پیرامون وظایف فرشتگان در دنیا و آخرت به طور مفصل بحث نموده اند که انسان بدون وحی نمی تواند به شناخت کافی و لازم در مورد این موضوع مهم دست یابد. زیرا حواس انسان ناتوان تر از آن است که فرشتگان را ببیند و کلامشان را بشنود، ولی این ناتوانی به مصلحت انسان است؛ زیرا اگر انسان همه ی صداهای اطرافش را می شنید، و همه ی موجودات را مشاهده می کرد؛ نمی توانست زندگی راحتی داشته باشد؛ برای مثال کافی است تصوّر کنیم که انسان به همه ی صداهایی که از رادیو بخش می شود گوش فرا می دهد تا از حوادث و بلاهایی خبر شود که در انتظارش است. پس اگر فرشته هم از اخبار جهان باخبر شود دچار جنون و سرگشتگی می شود. کسی گمان نبرد که پرداختن به موضوع این اصل (فرشته) از علوم اساسی نیست؛ زیرا حقایق که قرآن و سنت در این راستا ارائه می دهند؛ تأثیر بسزایی در نفی خرافات و انحراف از مسیر عقل صحیح

1. حلبوسی، شافعی جمعه حمادی حلبوسی، شبهات من انکر ملائکه القبر و الرد علیها، ناشر: الوکاله، سال نشر: 2010 م ج 1 ص 23

دارد؛ چرا که از قدیم مقوله‌ی خدا بودن یا دختر خدا بودن فرشتگان، رایج بوده، و برخی از فیلسوفان هم بر این باور بوده اند که فرشتگان همان افلاک و گردونه اند که در فضا دیده می‌شوند. یعنی فرشتگان نه حقیقت دنیوی دارند و نه وجود خارجی.

وظایف فرشتگان در آخرت حقایق است که در قرآن و سنت بیان شده اند، ایمان و اعتقاد ما را نسبت به خدایی که معبود حقیقی است و محافظ و مراقب این جهان هستی است راسخ و عمیق می‌گرداند آن که لشکر خود را از فرشتگان برگزیده تا به امور و شؤون مختلف هستی بپردازند.¹ وظایف فرشتگان در آخرت نه تنها از دیدگاه مسلمانان بلکه از نظر اهل کتاب نیز یک امر یقینی است. تورات به ابعاد گوناگون ملائکه و وظایف آنها اشاره نموده است که توجه به آنها می‌تواند بیانگر مبانی اعتقادی یهود و جایگاهی که آنها برای ملائکه در تدبیر عالم قائل هستند باشد.

مطلب اول : رد شبهه بر حمله العرش

مستشرقین سه گونه سوال را در رابطه به برداندگان عرش مطرح نموده اند: نخست آنکه حمله العرش وجود ندارد؟ اگر وجود داشته باشد هنگام حمل عرش پروردگار کجا می‌باشد؟ هرگاه پروردگار به همه چیز قادر است پ پروردگار به حمله العرش چه نیاز دارد؟ همانگونه که مصدر وحی را دروغ می‌شمارند که از جانب جبرئیل باشد، پس گفته های پیامبر صلی الله علیه وسلم در این مورد بی اساس است.²

در پاسخ باید گفت: اسناد متعددی در باب حمل کننده گان عرش پروردگار وجود دارد، عقل سلیم نیز این مسئله را تاکید می نماید که پروردگار قادر به همه امور است، یعنی هر آنچه را خواسته باشد می آفرید، همانگونه که جبرئیل را با بیشتر از شش صد بال بیافرید، همانگونه که الله جل جلاله متعال این استعداد و توانایی را به فرشتگان داده که می توانند خود را به شکلهای گوناگون در آورند. الله جل جلاله متعال جبرئیل را به صورت انسان نزد مریم دختر عمران فرستاد،

در نخست باید نوشت که وجود عرش در آیات متعددی از قرآن کریم ثابت شده است همانگونه که پروردگار می فرماید: { فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ } 3 ترجمه: الله جل جلاله که فرمانروای راستین است و هیچ معبودی جز او نیست و صاحب عرش عظیم است (برتر از آن است که جهان هستی را بیهوده و بی هدف آفریده باشد). همچنان آمده است: { اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ } 4 ترجمه: جز خدا که صاحب عرش عظیم (و حکمرانی بر کائنات) است معبودی نیست .

(پس چرا باید جز او را بپرستند ؟ !). پس پیرامون بردارندگان عرش نیز آمده است که:

1. آفرینش و نیروی فرشتگان از آن لطیف تر و قویتر اند که فعالیت های عقلانی ما آن را تشخیص دهند یعنی لطیف تر و ظریفتر هستند و هیچ موقع قوای عاقله نمی توانند، کار قوای خیال را انجام بدهند. خیالی ها نمی توانند کار واهمه را انجام بدهند. یعنی هر کدام ماموریت خاص خودش را دارد. نحوه ی وجودی، جایگاه وجودی و درجه ی آنها هر کدام نسبت به دیگری فرق می کند. بنا به درجه و جایگاه وجودی، هر کدام ماموریت خاصی را دارند.

1. البدر، عبدالرازق بن عبد المحسن البدر، شیخ عبدالرحمن بن سعدی وجهوده فی توضیح العقیده، ناشر: مکتبه الرشد، - ریاض، سال نشر:

1998م ج 1 ص 232.

2. نذیر حمدان، الرسول فی کتابات المستشرقین، ناشر: دار الکتب العلمیه، - بیروت، سال نشر 2004م، ج 1 ص 13

3. سوره مومنون 116

4. سوره نمل 26

فرشته هایی هستند که مامور به زمین هستند. یعنی با اشیاء و مواد مستقیم ارتباط دارند. بعضی ها لطیف تر هستند و نحوه ی وجودی آنها طوریست که مستقیم با ماده سر و کار ندارند. کار های لطیف تر و بالاتر را انجام می دهند. مراتب بالاتر، فرشته های عالم برزخ و فرشته های عالم عقل و مجردات و عالم عقول هستند و فرشته های عالم جبروت و فرشته های حجب و روح که بر اینها تسلط دارند. در این میان فرشتگانی هستند که عرش پروردگار را حمل می نمایند، اینها فرشته های گوناگونی هستند و هر یک مأموریت خاص خود را طبق فرمان پروردگار انجام می دهد.

2. آیات بیشماری دلالت بر آن دارند که فرشتگان عرش پروردگار را حمل می نمایند همانگونه

که الله جل جلاله می فرماید: {وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ} 1 ترجمه: و

فرشتگان در اطراف و کناره های آسمان (جدید آن روزی) قرار می گیرند ، و در آن روز ، هشت فرشته ، عرش پروردگارت را بر فراز سر خود بر می دارند. در این آیه هدف از الْمَلَكُ: فرشتگان . اسم جنس است و در اینجا معنی جمع دارد. اما أَرْجَائِهَا: أَرْجَاء جمع رَجِيٍّ ،

یا رجا ، کناره ها ، جوانب و اطراف . ضمیر (ها) به آسمان جدید آن روز بر می گردد. اما مراد از ثَمَانِيَةٌ: عرش ، بردارندگان عرش ، ملائکه ، کرسی ، قلم ، لوح ، و مانند اینها از غیبیات است و ما بدانها ایمان داریم و از چند و چون و کیف آنها بی خبریم. 2

3. تعدادی دیگری در اطراف و اکناف عرش پروردگار حلقه زنان مصورف تسبیح و تحلیل اند

چنانکه الله جل جلاله می فرماید: { وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ

بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ } 3 ترجمه: (در آن روز ، ای مخاطب !) فرشتگان را

خواهی دید که گرداگرد عرش خدا حلقه زده اند و به سپاس و ستایش پروردگار خود مشغولند . در میان (بندگان خدا داوری می شود) و دادگرانه و واقعی در میانشان داوری می گردد ، (و از سوی همه هستی فریاد برآورده می شود) و گفته می شود : حمد و سپاس الله جل جلاله جهانیان را سزا است ! هدف از حَافِينَ: طواف کنندگان و گردندگان . حلقه زندگان .

فراگیرندگان می باشد. به تفصیل آیه قبلی آمده است که: { الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ

بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا } 4 ترجمه: آنان که بردارندگان عرش خدایند و آنان که

گرداگرد آنند به سپاس و ستایش پروردگارشان سرگرمند و بدو ایمان دارند و برای مؤمنان طلب آمرزش می کنند. باز هم شبیه قبلی الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ: فرشتگانی که بردارندگان عرش

هستند . تعداد نفرات فرشتگان حامل عرش عظیم و نحوه حمل ایشان ، و خود عرش بر ما مجهول است . قرآن و سنت متواتر تفصیلی در این باره نداده اند . در این باره دم نمی زنیم و امر آن را به خدا حواله می داریم. پروردگار بالای همه مخلوقات است، همانگونه که به همیه چیز قادر و توانا است، طبق معمول پروردگار فرشتگانی را اکنون و در روز قیامت بخاطر حمل عرش برگزیده است، که آنان به وجه خوب وظیفه خویش را تکمیل می نمایند،

1. سوره الحاقه 17

2. خرم دل، تفسیر نور ج 1 ص 384

3. سوره زمر 75

4. سوره غافر 7

- در احادیث آمده است که بردارندگان عرش اکنون چهار فرشته اند این سخن را جمهور مفسرین تائید نموده اند همانگونه که ابن کثیر نیز به آن گفته است.¹
4. آنکه پروردگار هنگام حمل عرش کجا می باشد؟ باید نوشت که پروردگار بر عرش می باشد، و عرش بالای همه مخلوقات، عرش و بردارندگان عرش همه مخلوق اند، پروردگار از مخلوقین بی پروا است، بخاطر آنکه الله حی و قیوم است، پس بردارندگان عرش به فرمان و خواست پروردگار وظیفه می کنند، پروردگار آنچه خواهد انجام میدهد، پروردگار فرشتگان را مناسب و شایسته حمل عرش در دنیا و آخرت دارد. 2 {وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ} 3 ترجمه: پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند ، و هر کس را بخواهد برمی گزیند
5. در مورد چگونگی جسمی فرشتگان در قرآن آمده است در روز قیامت عرش عظیم الله جل جلاله را با آن همه عظمتش که کرسی در مقابل آن همانند يك حلقه یا نگین انگشتر می ماند هشت فرشته حمل می کنند که فاصله ی لاله ی گوش آنها تا دوش مسیر هفتصد سال می باشد (أُذُنَ لِي أَنْ أُحَدِّثَ عَنْ مَلَكٍ مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ، مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ، إِنَّمَا بَيْنَ شَحْمَةِ أُذُنِهِ إِلَى عَاتِقِهِ مَسِيرَةٌ سَبْعُمِائَةٍ عَامٍ) 4 ترجمه: از جابر بن عبد الله روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: به من اجازه داده شد که از فرشته ای از فرشتگان الله جل جلاله، که از حاملین عرش است سخن بگویم همانا بین لاله ی گوش تا دوش او فاصله ی هفتصد سال می باشد.
6. تورات و انجیل نیز پیرامون این موضوع پیام روشن و واضح دارند همانگونه که در تورات آمده است: در مآثورات یهودی، جبرئیل که تصور می شود از آتش ساخته شده، در کنار میکائیل، اوریل و رافائل جزء چهار فرشته ای است که در اطراف عرش اند.

1 دیده شود به: ابن کثی، تفسیر ابن کثیر، ج 7 ص 130 / طبری، تفسیر الطبری ج 29 ص 59

2. المنجد، شیخ محمد صالح المنجد، الاسلام سوال و جواب، ج 1 ص 6

3. سوره قصص 68

4. سجستانی، سنن ابو داود، ج 7 ص 109، ابن حدیث را شیخ البانی در کتاب صحیح وضعیف سنن ابی داود، صحیح خوانده است.

مبحث چهارم فرشتگان از منظر تورات وانجیل تمهید

ملائکه به طور مشخص در زبان انگلیسی با واژه Angel بیان می‌گردند. در اصطلاح شناسی عبری یهود، واژه‌ای که به صورت گسترده مورد استفاده قرار می‌گیرد کلمه Malak است که دقیقاً با معنای Angel همخوانی ندارد، این واژه عبری به معنی "پیام آور" یا "فرستاده" است. این واژه معمولاً در مورد عامل انسانی به کار می‌رود.¹ تورات بارها از فرشتگان صحبت نموده است، در دین یهودیت، فرشتگان به منزله بندگان خدا هستند که دستورات او را در زمین اجرا می‌کنند. آنان مومنان را حمایت و کافران را تنبیه می‌کنند و وحی را به انسان‌ها می‌رسانند. گاهی هم امکان دارد در زمین به شکل انسان ظاهر شوند.² فرشتگان، ملکوت آسمان را تشکیل می‌دهند و به منزله بندگان الله جل جلاله هستند که اوامر او را در زمین اجرا می‌کنند. حمایت از مؤمنان و تنبیه گناه کاران و رساندن وحی به انسان از وظایف آنهاست.

برخی از فرشتگان را فرشتگان مقرب می‌نامند، فرشتگان مقرب یا Archangels فرشتگانی هستند که از سایر فرشتگان، برتر و دارای درجه بالاتری هستند. این فرشتگان در تمامی ادیان یافت می‌شوند که بعضاً نام آنها اندکی متفاوت است. اسلام، مسیحیت، یهودیت و زرتشت، ادیانی هستند که این فرشتگان را در یک مضمون و زمینه قرار داده و تقریباً وظایف یکسانی را بر آنها می‌شمارند. در کتاب های تورات که پس از دوره اسارت بابلی تألیف شده است، از جمله سفرهای ایوب، حزقیل، دانیال نقش های مهم تری و همچنین سلسله مراتب و نام های مخصوصی دارند؛ از این جمله می‌توان جبرائیل، میکائیل و رافائیل را به عنوان ملائکه مقرب ملائکه با شش باله که وظایف گوناگونی بر عهده دارند، نام برد، تلمود، بی تا²: بسیاری از مفسران یهود، موجوداتی برتر از انسان در علم و قدرت را پذیرفته اند و از نظر آنان، این موجودات، آفریده های الله جل جلاله هستند و تنها از او فرمان می‌برند. آنها همچنین کارگزاران وی در رساندن پیام های الهی به آدمیان و انجام مشیت الله جل جلاله هستند؛ البته در کتاب مقدس به گونه ای روشن میان الله جل جلاله و پیام آورش تمایزی صورت نگرفته است. برخی از علمای یهود، از این پدیده چنین نتیجه می‌گیرند که فرشته، يك موجود مستقل و خودمختار نیست؛ بلکه او تجلی قدرت و مشیت الهی است. برخی دیگر بر این باورند که در نمونه های آغازین داستان ها، يك وجود انسانی، مستقیماً با الله جل جلاله روبرو بوده است و بعدها استتساخ کنندگان، برجستگی استبعاد این مفهوم را با واسطه قرار دادن فرشتگان کاسته اند. بعضی دیگر در دوره های مختلف کوشیده اند علاوه بر جمع آوری متون مربوط به دین یهود، به انتخاب و دسته بندی مطالب و رفع تناقضات و شبهات موجود در آنها بپردازند.³ در تورات نیز آمده است: (به صورت زن، زمانی به صورت ارواح و زمانی به صورت ملائکه اند)⁴. "انبیای را می‌بینی که ملائکه را به صورت انسان می‌دیدند، سفر تکوین 2 انسان ترسناک و مبهوت کننده می‌دیدند همان طور که در سفر قاضیان 6 و بعضی فرشته را به شکل بسیار ترساننده دیوار می‌دیدند، سفر خروج 2

1. سفر پیدایش 4: 32

2. تورات، سفر خروج، 17

3. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار 1387

4. تورات، مزامیر، 107

چنانکه ملاحظه شد، آرای یهود درباره فرشتگان، بسیار متناقض و مبهم است. فرقه صدوقیان یهود وجود فرشتگان را به طور کلی انکار کردند، نگرش یهودیت معاصر نیز بر این دیدگاه استوار گردید و نگرش سنتی و معمول به فرشتگان را به عنوان توصیفاتی نمادین و شاعرانه می پذیرند. جنبش های معاصر آنها مانند یهودیت اصلاح طلب و برخی از بخش های جنبش محافظه کار، همه اشارات به فرشتگان را در نیایش ها و مناجات نامه ها حذف کردند. موارد حفظ شده را به مفاهیمی اساطیری و شاعرانه تفسیر نمودند. به عقیده آنان، اعتقاد به فرشتگان با دریافت های نوین از جهان و خدا هم خوانی ندارد و نمی تواند با عقل گرایی مدرن، سنخیتی داشته باشد.¹

ب: فرشتگان نزد مسیحی ها: در انجیل، در موارد متعددی از فرشتگان صحبت شده است. فرشتگان پیش از انسان آفریده شده اند، مرتبه هایی دارند و محافظ انسان اند. درود فرستادن و به نوعی پرستش بعضی از فرشتگان مانند میکائیل در کلیساهای مسیحی رایج است و از سده چهارم میلادی، در سرزمین های مسیحی نماز خانه هایی برای میکائیل ساخته شده است در تورات آمده است. پرداختن به ماهیت ملائکه از دیدگاه پیروان کتاب مقدس می تواند روشنگر نوع و چگونگی اعتقادات آنها به فرشتگان و بیانگر جایگاه ملائکه در نظرگاه آنان باشد به همین جهت: «فرشتگان در انجیل در موارد متعدد و مخصوصاً در ذکر حوادث خود مسیح ذکر شده اند. آباء نخستین کلیسا با همه اعتقاد به فرشتگان، در باره ماهیت آنها کمتر سخن می گفتند. بعدها به تدریج بحث در ماهیت فرشتگان به پیش آمد.

ملائکه در تفکر مسیحی جایگاه خاصی دارند. پیروان انجیل از پیوندی عمیق میان مسیح و ملائکه خبر داده اند. پس مسیح از آن جهت که فرشتگان وجودی فعال، حقیقی و تاثیرگذار در عالم خلقت دارند به آنها اشاره نموده است پس آنها در عین حضور در پیشگاه پدر آسمانی به این امور اشتغال دارند: در مسیحیت، فرشتگان موجودات خوش نهادی هستند که نه تنها به عنوان آشکارکنندگان حقایق الهی عمل می کنند؛ بلکه در کمک رسانی به انسان ها در کسب رستگاری، فیض مخصوص و محبوب وی نیز سود می رسانند.² انجیل در موارد متعدد و مخصوصاً در ذکر حوادث زندگی حضرت مسیح از فرشتگان سخن می گوید و آنها بیشتر اوقات در کتاب مقدس، با نقشی منتقدانه ظاهر می شوند.

مطلب اول: وظیفه فرشتگان در تورات

تورات به ابعاد گوناگون ملائکه و وظایف آنها اشاره نموده است که توجه به آنها می تواند بیانگر مبانی اعتقادی یهود و جایگاهی که آنها برای ملائکه در تدبیر عالم قائل هستند باشد که به موارد آن اشاره می شود: فرشتگان وظیفه های متعددی را از منظر تورات عملی می نمایند مثلاً در تورات آمده است: "ای فرزندان خدا، الله جل جلاله را توصیف کنید. جلال و قوت را برای الله جل جلاله توصیف نمایید. الله جل جلاله را به جلال اسم او تمجید نمایید. الله جل جلاله را در زینت قدّوسیت سجده کنید. 3 فرشتگان به عنوان رفعت بخش بهاء و کرامت و مجد و عظمت الله جل جلاله و گروگانان فرمان الله جل جلاله برای تحقق حاکمیت و سلطنت الهی را بر جهان هستی: الله جل جلاله را متبارک

1. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار 1387.

2. متی 4: 11 و لوقا 22: 43

3. مزامیر، 89: 7 - مزامیر، 29: 1

خوانید، ای فرشتگان او که در قوت زور آورید و کلام او را به جا می‌آورید و آواز کلام او را گوش می‌گیرید!1

فرشتگان پیوند دهنده میان آسمان و زمین و خوابی دید که ناگاه نردبانی بر زمین برپا شده، که سرش به آسمان می‌رسد، و اینک فرشتگان خدا بر آن صعود و نزول می‌کنند. در حال، الله جل جلاله به سر آن ایستاده، می‌گوید: من هستم یهوه، خدای پدرت ابراهیم، و خدای اسحاق. این زمینی را که تو بر آن خفته ای به تو و به ذریت تو می‌بخشم...2

مطلب دوم: وظیفه فرشتگان در انجیل

اگرچه یهودیت، ترتیبی منطقی از فرشتگان به دست نداده است، در مسیحیت برای آنها سلسله مراتب خاصی ارائه شده که دایونسیس 1 در قرن پنجم به آن پرداخته است. این رده بندی بر اساس سیر نزولی به این قرار است: سرافیم، کروبیان، عرشیان، فرشیان، متقیان (عبادت پیشگان (صاحبان قدرت، رؤسا، فرشتگان بزرگ و فرشتگان. او تعداد فرشتگان بزرگ 2 را به چهار تا هفت عدد می‌رسد که هر کدام کارهای خاصی دارند؛ مشهورترین آنها در مسیحیت قدیم عبارتند از: میخائیل، جبرائیل، رافائیل و اوریل. مهم ترین کارهای آنان عبادت، ستایش و خدمت به الله جل جلاله و اراده اوست.3 آنها گاهی در راستای خواسته الله جل جلاله متعال، در کارهای بشر مداخله می‌کنند؛ مانند پاداش دادن به مؤمنان، جزا دادن ستمگران، نجات دادن ضعیفان و خراب کردن و از بین بردن شرور که با بی انصافی هم نوعان خویش را می‌آزارند. ایشان همچنین معتقد بودند فرشتگان قبل از خلقت بشر، خدمات گوناگونی انجام می‌داده اند. در الهام های توصیفی حزقیل، کروبیان و سرافیم دو صنف برتر هستند که به صورت بالدار توصیف می‌شوند و از عرش خدا محافظت می‌کنند.

ملائکه وظایفی را که در کتب عهد قدیم به آنها نسبت داده شده، پیوسته متوجه انسانها می‌سازند، بنابراین، با توجه به این دیدگاه ملائکه حقیقتاً پیام آورانی هستند که هر دستوری را از آسمان به زمین می‌آورند. پس جبرئیل مژده تولد دو فرزند (عیسی و یحیی) را می‌دهد.4 و گروهی از سپاهیان آسمان در شب میلاد مسیح وارد می‌شوند.5 و دسته ای دیگر قیامت را اعلام می‌کنند.6 و یاری کنندگان مسیح در نجات انسانهای (نیکوکار) هستند، و به نگاهبانی از بشر می‌پردازند و درود قدیسان را به پیشگاه الله جل جلاله عرضه می‌نمایند. و روح نیکوکاران را به بهشت می‌برند7 و برای حمایت از کنیسه میکائیل را همراهی می‌کنند و به پیکار با شیطانی که سابقه نبرد با او از آغاز آفرینش بوده است می‌پردازند.

امروزه به عقیده کلیسای کاتولیک، فرشتگان موجوداتی مجرد از ماده هستند و آفرینش ایشان پیش از آفرینش انسان بوده است. آنها دارای سلسله مراتب و محافظ انسان هستند.8 پرستش بعضی از فرشتگان در کلیسای مسیحیت رایج است که از آن جمله می‌توان پرستش میکائیل یا فرشته جنگجو را نام برد. از

1. تورات، مزامیر، 20: 130.

2. تکوین، 28: 12

3. چالش های کلامی شبیه سازی انسان

4. لوقا 1: 19 و 26

5. لوقا 9: 14

6. متی 28: 75

7. عبرانیان 1: 14

8. احمد الوحی والملائکه فی اليهودیه، المسیحیه و الاسلام، ج 1 ص 21.

قرن چهارم میلادی به بعد در بسیاری از بلاد مسیحیت، نمازخانه هایی برای میکائیل ساخته شده است. نقاش ها و مجسمه سازها در دوره های مختلف نیز همگی فرشتگان را به صورت انسان و با بال به تصویر کشیده اند¹. عهد قدیم اشکالی متناسب با داستانهای اساطیری شرق را در بیان وحی خدای واحد به کار برده است، در موارد زیادی مشاهده می شود که ملک و سلطنت الله جل جلاله، همانند سلطنت پادشاهان شرقی توصیف شده است.

در رابطه با شرور فرشتگان در ابتدا بدون هیچ مشخصه ای وظایف شایسته یا ناشایست برای ملائکه قائل بودند، لذا الله جل جلاله ملائکه نیک را برای نگاهبانی از بنی اسرائیل گسیل می دارد: اینک من فرشته ای پیش روی تو می فرستم تا تو را در راه محافظت نموده، بدان مکانی که مهیا کرده ام برساند. و ملائکه بد را نیز می فرستد: و آتش خشم خود را بر ایشان فرستاد، غضب و غیظ و ضیق را به آنان نازل میکند.²

به نگاهبانی از انسانها مشغولند، از نیازهای جسمانی بشری به دور هستند، در عین حال از آخرین روز دنیا که فقط پدر آسمانی از آن خبر دارد، بی خبرند، مگر اینکه آنها را باخبر سازد³ در مقایسه خلقت، انسان در جایگاه اندکی پست تر از فرشتگان قرار گرفته است. او نسبت به قدرت، تحرک و دانش، محدودتر از فرشتگان است و او نسبت به مرگ در امان نیست. ولی در نقشه خدا، سرنوشت انسان قرار گرفتن تاج جلال و اکرام بر سر وی می باشد. محدودیت بدنی و فکری او کاملاً برداشته شده و او در جهان سرافراز خواهد شد، به سبب فرزند خدا بودن این استحقاق را می یابد که فرشتگان بر او سجده نمایند.⁴

یکی از بزرگترین وظایف دیگر فرشتگان بشارت به فرزند است، همانگونه که فرشتگان ولادت حضرت عیسی را بشارت داده اند در این مورد چنین آمده است: " فدخل اليها الملاك و قال سلام لك ايتها المنعم عليها. الرب معك مبارکه انت في النساء. فلما رآته اضطربت من كلامه و فكرت ما عسى أن تكون هذه التحية. فقال لها الملاك لا تخافي يا مريم لانك قد وجدت نعمه عند الله، و ها انت ستحبلين و تلدين ابنا و تسمينه يسوع"⁵ یعنی: پس بر وی (مریم) ملک داخل شد. و گفت سلم بر شما که احسان بر شماست، برکت پروردگار با شما است در میان زنان، پس زمانیکه وی را دید پریشان شد که این بشارت چه خواهد بود، پس فرشته بر وی گفت: هرگز نهراس زیرا شما مورد نعمت الله قرار گرفته اید، آگاه باش هرچه زودتر حامله خواهی شد، و فرزند خواهی بدینا آورد که نامش را یسوع میگذاری.

مطلب سوم: فرشتگان از منظر صابین

قرآن کریم، صابین را همانند یهودیان و مسیحیان، جزء اهل کتاب و از اهل توحید، معاد و رستگاری دانسته است. 6 درباره صابین و چگونگی آیین ایشان، اختلاف فراوانی در آرای دانشمندان به چشم می خورد.

صابین را با نام های دیگر از قبیل صبی، صابی، مغتسله و مندایی نیز می شناسند¹. صابین مندایی به دنیای فرشتگان اعتقاد دارند و آنها را حلقه واسطه بین هستی متعال و در رتبه دوم هستند. پنج فرشته

1. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار 1387

2. زمور 78: 49

3. متی 13: 39 و 49 و متی 24: 31

4. مک دونالد، تفسیر رساله عبرانیان ج 10 ص 13

5. لوقا 1: 26-31

6. سوره بقره 58-68

بزرگ مندایی بعد از فرشتگان نورانی فراوانی در مرتبه پایین تر از آنها، از اشیای نورانی طبیعت محافظت می کنند. بر این باورند که کتاب دینی و مقدس آنها که آن را گنزار با گنج بزرگ می نامند، یادگار حضرت آدم علیه السلام است. اینکه اکثر مفسران و متکلمان، این گروه را ستاره پرست معرفی کرده اند، می تواند ریشه در آمیزش و مجاورت صابئین با ستاره پرستان حران باشد و طبیعی است که تاثیر فرهنگی متقابل در اقوام وجود دارد. اما باید افزود که پاره ای از دانشمندان مسلمان، صابئین را به دو گروه حنفا و مشرکان تقسیم کرده اند. حنفا، اصحاب ابراهیم علیه السلام، شمرده می شوند و مشرکان، معتقدان به ستارگان هستند¹.

هدف ما در این مطلب همان حنفاء هستند که از آئین ابراهیمی هرچند تحریف شده پیروی میکنند، و در ادیان سماوی داخل هستند، پس آنان نیز فرشتگان را به عنوان بهترین آفریدگان الهی خوانده اند، و در مورد وظایف بزرگ آنان نیز شبیه اسلام، یهودیت و مسیحیت دیدگاه نزدیک دارند².

1. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار 1387
2. www.google.com

نتیجه گیری

اسلام در مرحله عمل و عقیده وظایفی قرار داده و پایه آن را بر ایمان به خدا و تقویت روح فضیلت و انسانیت بنا نهاده است. تعالیم اسلام در این زمینه بقدری دقیق و هماهنگ با فطرت انسان است که اگر به آن عمل شود، و معاشرتها رنگ انسانی الهی به خود می گیرد، سیمای زندگی عوض میشود، پیامد نیکو در دنیا و آخرت نصیب شده و رضامندی پروردگار که بزرگترین هدف یک مسلمان است دست میدهد. این تعالیم اسلامی عبارت از ایمان به خدا، ایمان به آخرت، ایمان به فرشتگان، خلاصه آنکه باورمندی به حساب و کتاب، تمایل به نیکوکاران و دوری از بدکاران، انتظار قیام قیامت، همه باعث بستگی به باورمندی غیبی دارد، من جمله وظایف فرشتگان چنانچه در این اثر به تفصیل تذکر رفت. در این پایان نامه به تفصیل پیرامون ایمان به فرشتگان، وظایف فرشتگان، اهمیت ایمان به فرشتگان، دفع شبهات مستشرقین، و صدها مسائل دیگری در مورد فرشتگان با ارایه شواهد از قرآن کریم، احادیث نبوی و علوم معاصر پرداختیم.

بدین منظور فشرده آنچه در این پایان نامه تذکر رفته است قرار ذیل می باشد:

1. واژه ملائکه یکی از واژگان تاریخی بوده که از دیر زمان کاربرد داشته است.
2. ادیان سماوی با در نظر داشت اختلاف دیدگاه ها پیرامون چگونگی فرشتگان همگان به وجود فرشتگان باورمند هستند.
3. ایمان به فرشتگان یکی از ارکان دین مبین اسلام بوده که بدون آن ایمان کامل نیست.
4. مستشرقین کسانی هستند که پیرامون فرهنگ و تمدن کشورهای شرقی مطالعه می نمایند.
5. از جمله فرشتگان چهار فرشته مقرب اند که جایگاه رفیع و وظایف عمده دنیوی و اخروی را ایفا می نمایند که ذکر آنان بارها در قرآن کریم تذکر رفته است.
6. فرشتگان بندگان فرمانبرداری هستند که مطابق اوامر الله عمل نموده و هرگز نافرمانی وی نمی کنند.
7. خاورشناسان در کل با برخی از دیدگاه های قرآنی پیرامون مسائل غیبی موافق نبوده و شبهات را بخاطر بی باوری مردم نیز مطرح مینمایند من جمله پیرامون آفرینش و وظایف فرشتگان.
8. با آنکه مشرکین به وجود فرشتگان یقین کامل داشتند اما آنان را دختران الله جل جلاله می دانستند.

بدین منظور می توان نوشت که صحبت در مورد مسائل مربوط به فرشتگان بسا ارزشمند و با اهمیت است زیرا، اندیشه و نحوه زندگی انسان را بسمت واقعیت های زندگی فنا پذیر سوق داده و از ارزش زندگی اخروی آگاه ساخته و انسان را شیفته و دلباخته داشته های بهشت من جمله فرشتگان میدارد.

پیشنهادات

در پایان این پایان نامه که حاوی پیشنهادات ضروری در مورد ایمان به فرشتگان، و اهمیت ایمان به آنان می باشد، به خواننده گرامی تقدیم می گردد. این پیشنهادات از نقطه نظر تربیتی کم اهمیت تر از ضروریات زندگی دنیوی نیست. سخن از بندگان مطیع الله همچون فرشتگان بینش نیکو به امت اسلامی جهت تربیت سالم دست میدهد، از آنجا که اعمال یومیه انسانی زیر نظر فرشتگان صورت میگیرد پس زندگی را بر اساس اعمال نیکو که توسط فرشته سمت راست تحریر میشود آراسته بداریم. بدین وسیله پیشنهادات قرار ذیل است:

1. توجه جدی مربیان عزیز جهت آگاهی رسانی در امور غیبی به ویژه فرشتگان.
 2. آشناسازی نسل نوین به داشته های قرآنی و احادیث نبوی که رهگشای خوبی جهت بهتر سازی زندگی دنیوی و اخروی انسانها میگردد.
 3. مسئولیت پذیری، علماء، مربیان، بزرگان و افراد با نفوذ جامعه در قبال تربیت سالم افراد و روی آوری به حلقات درسی اسلامی جهت تذکیر روحی.
 4. تمسک به آئین اسلامی، تشریح و تفصیل آیات و احادیث مربوط به عالم غیب.
 5. صحبت روی ویژگی های بهشت و بهشتیان، ترس از دوزخ و کناره گیری از اعمال دوزخیان.
 6. پابندی به عبادات، هم گام با باورمندی اسلامی بهترین وسیله و سیله آسایش قلبی است.
 7. اجتناب از ایجاد شک و شبهه پیرامون وجود فرشتگان در عالم حیات و عالم قیامت.
 8. اجتناب از شایعه پراگنی پیرامون وظایف فرشتگان در دنیا و آخرت.
- بدین وسیله خدمت شما عزیزان! پیشنهاد میگردد که موارد بالا را به دقت مطالعه نموده و طرز العمل یومیه خویش جهت بهبودی زندگی دنیا و آسایش در بهشت داشته باشید.

فهرست آیات

سورة البقرة				شماره
شماره صفحه	شماره آیات	آیه		
8	247	{ وَ زَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ }		1
10	29	{ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ }		2
10	164	{ خَلَقِ السَّمَاوَاتِ }		3
11	25	{ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرَ مُتَشَابِهٍ }		4
11	70	{ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا }		5
12	418	{ وَ لَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ }		6
13	285	{ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ ۚ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ }		7
14	34	{ إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ }		8
17	98	{ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ }		9
19	102	{ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَائِكَةِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ }		10
40-20	30	{ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ }		11
26	90	{ يُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ }		12
30	100	{ وَ هِيَ خَاضِعَةٌ عَلَى عُرْوَتِهَا }		13
36	161	{ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ }		14
46-39	98	{ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ }		15

64	105		{ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ }	17
67	109		{ وَكَثِيرٌ مِنَ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوِ يَزِدُّوكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ }	18
64	97		{ قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلْجِبْرِيلِ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ }	19
73	31		{ وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ }	20
			سوره آل عمران	
36	124		{ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُبَدِّلَكُمْ مِنْكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ }	1
86-36	126		{ بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ }	2
62	87		{ أُولَئِكَ جَزَاؤُهُمْ أَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ }	3
63	71		{ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ }	4
40	39		{ فَكَذَّبَهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ }	5
			سوره النساء	
16	172		{ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ }	1
38	136		{ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا }	2
50	140		{ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَاً مِثْلُهُمْ }	3
62-16	172		{ لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا }	4
			سوره المائدة	
9	15		{ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ }	1
			سوره الانعام	

11	99		{مُشْتَبِهًا وَ غَيْرِ مُتَشَابِهٍ}	1
19	61		{ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ }	2
50	68		{وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ }	3
51	100		{وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُصِفُونَ }	4
69	112		{وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا }	5
72	9		{وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِمْ مَا يَلْبَسُونَ }	6
			سوره الاعراف	
53	206		{إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ }	1
70	12		{قَالَ مَا مَنَّكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ }	2
			سوره الانفال	
59-40-90-88-86	12		{إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنْ يَمَعَكُمْ فَتَنْبِئُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ }	1
60	48		{نَكْصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ }	2
89-87	9		{إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِالْفِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ }	3
87	5		{وَلَوْ تَرَى إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَذْنَبا رُهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ }	4
			سوره التوبه	
77	32		{يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُنِيرَ نُورُهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ }	1
			سوره يونس	

9	5		{هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَ الْقَمَرَ نُورًا}	1
			سوره هود	
50	81		{قَالُوا يَا لَوُطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ}	1
			سوره يوسف	
8	100		{إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ}	1
21-23	31		{وَقُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ}	2
			سوره الرعد	
30	11		{لَهُ مُعَقِّبَاتٌ مِّن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ}	1
			سوره الحجر	
			سوره النحل	
15	50		{يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ}	1
52	57		{وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ}	2
52	58		{وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ}	3
			سوره الاسراء	
7-56	95		{قُلْ لَوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمْنُشُونَ مِطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا}	1
53	40		{أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا}	3
54	94		{وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا}	4
14	61		{وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتُ طِينًا}	5
			سوره الكهف	
70	50		{إِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ}	1
			سوره مريم	
21	16		{وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مَرْيَمَ إِذِ اتَّيَدَّتْ مِنْ أَمْرِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا}	1
14	17		{فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا}	2

74	64		{ وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا }	3
57	92		{ وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا }	4
93	17		{ فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا }	5
			سوره طه	
17	108		{ يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا }	1
			سوره الانبياء	
57-48-13-15	26		{ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُكْرَمُونَ }	1
70-14	19		{ لَا يَسْأَلُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ }	2
68	20		{ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْطُرُونَ }	3
73	8		{ وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ }	4
			سوره الحج	
55	75		{ اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ }	1
			سوره المومنون	
96	116		{ فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ }	1
			سوره الفرقان	
48-69	31		{ وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ }	1
55	7		{ وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ نَذِيرًا }	2
			سوره النمل	
31	41		{ أَئِنَّكُمْ يَأْتِيَنِي بَعْرَشُهَا }	1
43	87		{ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَرَعَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ }	2
			سوره الروم	
69	2		{ وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ }	1
			سوره السجده	

27-19	11		{ قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ }	1
			سوره الاحزاب	
33	43		{ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا }	1
35	56		{ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا }	2
			سوره الصافات	
65-14	164		{ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ }	1
34-14	165		{ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ - وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ }	2
58	151		{ أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ - وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ } 1	3
58	158		{ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ }	4
59	159		{ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ }	5
			سوره ص	
85	4		{ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِّنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ }	1
			سوره الزمر	
31-6	75		{ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَاقِقِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ }	1
94	68		{ وَتُفَحَّ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ تُفَحَّ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ }	2
			سوره غافر	
32-6	7		{ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا }	1
32	8		{ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ }	2
			سوره فصلت	
55	14		{ إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ }	1

89-41	30		{ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَخْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ }	2
			سوره الشورى	
14	5		{ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ }	1
			سوره الزخرف	
18	77		{ وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِيَ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَا كُنْتُمْ }	1
38	60		{ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ }	2
51	20		{ وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَنِ إِنَاءً أَشْهَدُوا خَلَقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ }	3
56	15		{ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ مُبِينٌ }	4
57	16		{ أَمْ اتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُم بِالْبَنِينَ }	5
62	22		{ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَى أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَى آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ }	6
			سوره الفتح	
42	8		{ لِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ }	1
			سوره ق	
14	18		{ مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ }	1
18-19	16		{ إِذْ يَتَلَفَّى الْمُتَلَقِّيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ }	2
			سوره الذاريات	
23	26		{ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ }	1
72	28		{ وَبَشِّرُوهُ بَغْلَامٍ عَلِيمٍ }	2
			سوره الطور	
57	39		{ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمُ الْبُنُونَ }	1
			سوره النجم	
14-22	5		{ عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى }	1
44-21	6		{ ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَى }	2
53	27		{ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً الْأُنثَى }	3
58	21		{ أَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ الْأُنثَى }	4
			سوره القمر	

9	31		{هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا}	1
54	24		{فَقَالُوا أَبَشَرًا مِّنَّا وَاحِدًا نَّتَّبِعُهُ إِنَّا إِذَا لَفِي ضَلَالٍ وَسُعْرٍ}	2
			سورة التحريم	
25-6	6		{عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ}	1
51	4		{إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ}	2
			سورة التحريم	
31	17		{وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ}	1
			سورة المدثر	
25	31		{وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ}	1
42	30		{عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ}	2
			سورة عبس	
15-16	15		{بِأَيْدِي سَفَرَةٍ - كِرَامٍ بَرَرَةٍ}	1
			سورة التكوير	
65-25	19		{إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ - ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ - مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ}	1
			الأنفطار	
22-27	10		{وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ - كِرَامًا كَاتِبِينَ - يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ}	1
			سورة الفجر	
15	22		{وَجَاءَ رُبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا}	1

فهرست احاديث

شماره	طرف حديث	صفحه
1	أَلَا تَصْغُرُونَ كَمَا تَصْغُرُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا	16
2	إني سائلك عن ثلاث لا يعلمهن إلا نبي: فما أول أشرار الساعة؟، وما أول طعام أهل الجنة؟، وما ينزع الولد إلى أبيه أو إلى أمه؟ قال: "أخبرني بمن جبريل أنفا" قال: جبريل؟ قال: نعم، قال: ذاك عدو اليهود من الملائكة،	65
3	أُذِنَ لِي أَنْ أُحَدِّثَ عَنْ مَلِكٍ مِنْ مَلَائِكَةِ اللَّهِ، مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ، إِنَّمَا بَيْنَ شَحْمَةِ أُذُنِهِ إِلَى عَاتِقِهِ مَسِيرَةُ سَبْعُمِائَةِ عَامٍ	98-32
4	إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَعَلَى الثَّانِي قَالَ إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الصَّفِّ الْأَوَّلِ قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَعَلَى الثَّانِي قَالَ وَعَلَى الثَّانِي	34
5	أُذِنَ لِي أَنْ أُحَدِّثَ عَنْ مَلِكٍ مِنْ حَمَلَةِ الْعَرْشِ رَجُلَاهُ فِي الْأَرْضِ السُّفْلَى وَعَلَى قَرْنَيْهِ الْعَرْشِ وَبَيْنَ شَحْمَةِ أُذُنَيْهِ وَعَاتِقِهِ خَفَقَانِ الطَّيْرِ سَبْعُمِائَةِ عَامٍ يَقُولُ ذَلِكَ الْمَلِكُ سُبْحَانَكَ حَيْثُ كُنْتُ	32
6	أن الرسول عليه الصلاة والسلام رأى جبرئيل عليه السلام له ستمئة جناح	24
7	إِذَا هُمْ عَبْدِي بِسَيِّئَةٍ فَلَا تَكْتُبُوهَا عَلَيْهِ فَإِنْ عَمِلَهَا فَاتَّكَبُوهَا سَيِّئَةً وَإِذَا هُمْ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا فَاتَّكَبُوهَا حَسَنَةً فَإِنْ عَمِلَهَا فَاتَّكَبُوهَا عَشْرًا	29-23
8	إِذَا قُبِرَ الْمَيِّتُ أَوْ قَالَ أَحَدُكُمْ أَنَاهُ مَلَكَانِ أَسْوَدَانِ أَرْزَقَانِ يُقَالُ لِأَحَدِهِمَا الْمُنْكَرُ وَالْآخَرُ النُّكَيْرُ	18
9	أَلَا تَصْغُرُونَ كَمَا تَصْغُرُ الْمَلَائِكَةُ عِنْدَ رَبِّهَا؟ قَالُوا وَكَيْفَ يَصْغُرُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ؟ قَالَ: يكملون الصَّفِّ الْأَوَّلِ وَالْأَوَّلِ يَتَرَاوُونَ فِي الصَّفِّ	23
10	إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَجِبُوهُ فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ	33
11	إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَحَبَّ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيلَ فَقَالَ: إِنِّي أُحِبُّ فُلَانًا فَأَحِبُّهُ، قَالَ فَيُحِبُّهُ جِبْرِيلُ ثُمَّ يُنَادِي فِي السَّمَاءِ فَيَقُولُ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ فُلَانًا فَأَجِبُوهُ فَيُحِبُّهُ أَهْلُ السَّمَاءِ قَالَ ثُمَّ يُوضَعُ لَهُ الْقُبُولُ فِي الْأَرْضِ وَإِذَا أَبْغَضَ عَبْدًا دَعَا جِبْرِيلَ فَيَقُولُ إِنِّي أَبْغُضُ فُلَانًا فَأَبْغِضْهُ قَالَ فَيَبْغِضُهُ جِبْرِيلُ ثُمَّ يُنَادِي فِي أَهْلِ السَّمَاءِ إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ فُلَانًا فَأَبْغِضُوهُ قَالَ فَيَبْغِضُونَهُ ثُمَّ تُوضَعُ لَهُ الْبَعْضَاءُ فِي الْأَرْضِ	33
12	إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُتَسَخَّرِينَ	34
13	إِذَا دَعَا الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ إِلَى فِرَاشِهِ فَأَبَتْ أَنْ تَجِيءَ لَعَنَتْهَا الْمَلَائِكَةُ حَتَّى تَضَحَّ	37
14	بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ يُؤْذِيكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ نَفْسٍ أَوْ عَيْنٍ حَاسِدٍ اللَّهُ يَشْفِيكَ بِاسْمِ اللَّهِ أَرْقِيكَ وَ اللَّهُ يَشْفِيكَ	35
15	جُعِلَتْ صُغُوفُنَا كَصُغُوفِ الْمَلَائِكَةِ	16
16	جاء جبريل إلى النبي صلى الله عليه وسلم فقال: ما تعدون أهل بدر فيكم؟ قال: من أفضل المسلمين أو كلمة نحوها قال: وكذلك من شهد بدرًا من الملائكة	30

17	خلقت الملائكة من نور، وخلق الجان من نار، وخلق آدم مما وصف لكم	20
18	رَأَيْتُ جِبْرِيلَ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى عَلَيْهِ سِتُّ مِائَةِ جَنَاحٍ يُنْتَثَرُ مِنْ رِيشِهِ التَّهَاقُوتُ: الدُّرُّ وَالْبَاقُوتُ	92
19	الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ	50
20	رَأَيْتُ اللَّيْلَةَ رَجُلَيْنِ أَتْيَانِي قَالَا الَّذِي يُوقِدُ النَّارَ مَالِكُ حَازِنُ النَّارِ وَأَنَا جِبْرِيلُ وَهَذَا مِيكَائِيلُ	18
21	طَرَفَ صَاحِبِ الصُّورِ مُنْذُ وَكَّلَ بِهِ مُسْتَعِدُّ يَنْظُرُ نَحْوَ الْعَرْشِ، خَافَةً أَنْ يُؤَمَرَ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْهِ طَرَفُهُ، كَأَنَّ عَيْنَيْهِ كَوَكَبَانِ دُرِّيَّانِ	43
22	فَإِذَا دَخَلَ الْمَسْجِدَ كَانَ فِي الصَّلَاةِ مَا كَانَتْ الصَّلَاةُ هِيَ تَحْبِسُهُ وَالْمَلَائِكَةُ يُصَلُّونَ عَلَى أَحَدِكُمْ مَا دَامَ فِي مَجْلِسِهِ الَّذِي صَلَّى فِيهِ يَقُولُونَ اللَّهُمَّ ارْحَمَهُ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ ثَبِّتْ عَلَيْهِ مَا لَمْ يُؤْذِ فِيهِ مَا لَمْ يُخْذِثْ فِيهِ	34
23	فَرَفَعَ لِي الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ فَسَأَلْتُ جِبْرِيلَ فَقَالَ هَذَا الْبَيْتُ الْمَعْمُورُ يُصَلِّي فِيهِ كُلُّ يَوْمٍ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ إِذَا خَرَجُوا لَمْ يَعُودُوا إِلَيْهِ آخِرَ مَا عَلَيْهِمْ	39
24	قَالَ اللَّهُ: كَذَّبَنِي ابْنُ آدَمَ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ، وَشَتَمَنِي وَلَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ، فَأَمَّا تَكْذِيبُهُ إِيَّايَ فَقَوْلُهُ: لَنْ يُعِيدَنِي، كَمَا بَدَأَنِي، وَلَيْسَ أَوَّلُ الْخَلْقِ بِأَهْوَنَ عَلَيَّ مِنْ إِعَادَتِهِ، وَأَمَّا شَتْمُهُ إِيَّايَ فَقَوْلُهُ: اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا وَأَنَا الْأَحَدُ الصَّمَدُ، لَمْ أَلِدْ وَلَمْ أُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لِي كُفْؤًا أَحَدٌ	58
25	الَّذِي يَقْرَأُ الْقُرْآنَ وَهُوَ مَاهِرٌ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ وَالَّذِي يَقْرَأُ وَهُوَ عَلَيْهِ شَاقٌّ لَهُ أَجْرَانِ	16
26	مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَعُودُ مُسْلِمًا غُدْوَةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يُمِيسِيَ وَإِنْ عَادَهُ عَشِيَّةً إِلَّا صَلَّى عَلَيْهِ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ حَتَّى يُصْبِحَ وَكَانَ لَهُ خَرِيفٌ فِي الْجَنَّةِ	35
27	مَا لِي لَمْ أَرِ مِيكَائِيلَ ضَاحِكًا قَطُّ؟ قَالَ: مَا ضَحِكَ مِيكَائِيلُ مُنْذُ خُلِقَتِ النَّارُ	17
28	مَرَرْتُ بِجِبْرِيلَ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي بِالْمَلَاءِ الْأَعْلَى، وَهُوَ كَالْحَلِيسِ الْبَالِي مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ	60
29	مَا زَالَ جِبْرِيلُ يُوصِينِي بِالْجَارِ حَتَّى ظَنَنْتُ أَنَّهُ سَيُورِيهِ	36
30	وَاللَّاتِ وَالْعِزَّى وَمَنَاتِ الثَّلَاثَةِ الْأُخْرَى فَإِنَّهُنَّ الْغَرَائِقُ الْعَلِيَّ وَإِنْ شَفَاعَتُهُنَّ لَتَرْجِي وَكَانُوا يَقُولُونَ: بَنَاتُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَهِنَّ يَشْفَعْنَ إِلَيْهِ	56
31	وَاللَّهُ لَنْ يُخْزِيكَ اللَّهُ أَبَدًا، إِنَّكَ لَتَصِلُ الرَّحِمَ وَتَحْمِلُ الْكَلَّ، وَتَكْسِبُ الْمَعْدُومَ وَتَقْرِي الضَّيْفَ وَتَعِينُ عَلَى نَوَائِبِ الْحَقِّ	85
32	يَتَعَاقَبُونَ فِيكُمْ مَلَائِكَةٌ بِاللَّيْلِ، وَمَلَائِكَةٌ بِالنَّهَارِ، وَيَجْتَمِعُونَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ، وَصَلَاةِ الْعَصْرِ	28

فهرست اعلام

شماره	اسم	صفحه
1	ابن منظور	7
2	ابن كثير رحمه الله	14
3	انس بن مالك رضى الله عنه	17
4	ابو هريره رضى الله عنه	36
5	بخارى رحمه الله	16
6	حسن بن يسار	28
7	راغب اصفهاني	7
8	زمخشري رحمه الله	7
9	سجستاني رحمه الله	32
10	سيد قطب رحمه الله	29
11	عبدالله بن عباس رضى الله عنه	29
12	عبدالله بن عمر رضى الله عنه	34
13	عمر رضى الله عنه	10
14	علي بن عبدالمطلب رضى الله عنه	35

فهرست منابع و مآخذ

قرآن كريم

1. ابراهيم، مصطفى، احمد الزيات، حامد عبدالقادر، محمد النجار، المعجم الوسيط، انتشارات دار الدعوه، 2008م
2. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين، معجم مقاييس اللغة، ناشر دار الفكر، سال نشر 1399هـ - 1979م.
3. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي، تفسير القرآن العظيم، - ابن كثير، ناشر، دار طيبة للنشر والتوزيع سال نشر 1999م
4. ابن كثير، أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي الدمشقي، البداية النهاية ، دار المعرفة للطباعة والنشر والتوزيع بيروت - لبنان، سال نشر: 1976م
5. ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد بن حبان بن معاذ بن مَعْبَد، التميمي، أبو حاتم، الدارمي، البُستي ، صحيح ابن حبان، مؤسسة الرسالة، بيروت ، سال نشر 1988م
6. ابن تيميه، شيخ الإسلام أحمد بن عبد الحلیم ابن تيمية الحراني، مجموع الفتاوى ، دار ركائز للنشر والتوزيع، الكويت، 1999م
7. ابن فارس، أحمد بن فارس بن زكرياء القزويني الرازي، أبو الحسين، مقاييس اللغة، ناشر دار الفكر، سال نشر 1979.
8. ابن منظور، أبو الفضل، جمال الدين ابن منظور الأنصاري الرويفعي الإفريقي ، لسان العرب، محمد بن مكرم بن علي، ناشر دار صادر - بيروت سال نشر 1414 هـ
9. احمد عبدالواحد، الوحي والملائكة في اليهودية والمسيحية والاسلام، ناشر: مكتبه وهبه، - القاهرة، سال نشر: 1978م
10. اسنكندرلو، محمد جواد، مستشرقان و تاريخگذارى قرآن، ناشر پژوهشهای تفسير و علوم قرآن، سال نشر 1387هـ
11. استانبولى، أبو الفداء إسماعيل حقي بن مصطفى الإستانبولي الحنفي الخلوتي ، المولى أبو الفداء، روح البيان، ناشر دار الفكر ، بيروت، سال نشر 2002م
12. اشقر، عمر سليمان اشقر العتيبي، رسالت رسول، ناشر: دار القلم - الكويت، سال نشر: 1981م
13. اشقر، عمر سليمان اشقر، سايت عقيدہ اهل سنت جماعت www.Aqeedah.com
14. اشقر، عمر بن سليمان بن عبد الله الأشقر العتيبي، عالم الملائكة الأبرار، ناشر: مكتبة الفلاح، الكويت ، سال نشر: 1083م
15. أندلسي، أبو حيان محمد بن يوسف بن علي بن يوسف بن حيان أثير الدين، البحر المحيط في التفسير ناشر دار الفكر - بيروت ، سال نشر 1420 هـ
16. انورشاه، محمد أنور شاه بن معظم شاه الكشميري الهندي ثم الديوبندي ، فيض الباري، ناشر: دار الكتب العلمية بيروت - لبنان، سال نشر 2005م
17. آلوسى، سيد محمود، روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، ناشر، دار الكتب العلمية - بيروت سال نشر 1415 هـ ق
18. آل عقده، أبو عاصم هشام بن عبد القادر بن محمد آل عقدة، مختصر معارج القبول، مكتبة الكوثر - الرياض، سال نشر 1418هـ ق

19. الباني، أبو عبد الرحمن محمد ناصر الدين، بن الحاج نوح بن نجاتي بن آدم، الأشقودري الألباني، صحيح الجامع الصغير وزياداته، ناشر المكتب الاسلامي، بدون تاريخ.
20. بغوي، أبو محمد حسين بن مسعود، معالم التنزيل في تفسير القرآن، تفسير البغوي، سال نشر 1320ق
21. بخارى، محمد بن اسماعيل البخارى، صحيح البخارى ، ناشر، دار الفكر بيروت سال نشر 1999م
22. بضاوى، ناصر الدين أبو سعيد عبد الله بن عمر بن محمد الشيرازي البضاوي، أنوار التنزيل وأسرار التأويل، ناشر، دار إحياء التراث العربي - بيروت، سال نشر 1418 هـ
23. بيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى الخُسْرُوْجَردي الخراساني، أبو بكر البيهقي، دلائل النبوة ومعرفة أحوال صاحب الشريعة، ناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، سال نشر: 1405هـ
24. بدر، عبدالرازق بن عبد المحسن البدر، شيخ عبدالرحمن بن سعدى وجهوده فى توضيح العقيدة، ناشر: مكتبه الرشد، - رياض، سال نشر: 1998م
25. بهى، محمد البهي، المبشرون والمستشرقون في موقفهم من الإسلام، ناشر: دار المعلم، بيروت، سال نشر: 2008م
26. ترمذي، محمد بن عيسى بن سؤرة بن موسى بن الضحاك، ، سنن الترمذي، ناشر مصطفى البابي الحلبي - مصر سال نشر 1975م
27. تونسى، محمد الطاهر بن محمد بن محمد الطاهر بن عاشور التونسي، التحرير والتنوير ، ناشر الدار التونسية للنشر - تونس، سال نشر 1984 هـ
28. تويجى، حمود بن عبد الله بن حمود بن عبد الرحمن التويجى، عقيدة أهل الإيمان في خلق آدم على صورة الرحمن، ناشر: دار اللواء للنشر والتوزيع، الرياض - المملكة العربية السعودية، سال نشر 1409هـ
29. تكوين
30. جزء ائرى، جابر بن موسى بن عبد القادر بن جابر أبو بكر الجزء ائرى، أيسر التفاسير لكلام علي الكبير، ناشر مكتبه العلوم و الحكم، سال نشر 2003م
31. جليند، محمد السيد الجليند، الاستشراق والتبشير، دار قباء للطباعة والنشر والتوزيع، بدون تاريخ
32. جواد على، تاريخ العرب فى الاسلام، ناشر: دار الساقى، سال نشر: 2001م
33. حاكم، أبو عبد الله الحاكم محمد بن عبد الله بن محمد بن حمدويه بن نعيم بن الحكم ضبي طهماني، نيسابوري، المستدرك على الصحيحين، دار الكتب العلمية - بيروت، سال نشر 1990م
34. حموى، أحمد بن محمد بن علي الفيومي ثم الحموي، أبو العباس ، المصباح المنير في غريب الشرح الكبير، ناشر المكتبة العلمية - بيروت، سال نشر 2004م
35. حلبوسى، شافعى جمعه حمادى حلبوسى، شبهاات من انكر ملائكه القبر و الرد عليها، ناشر: الوكاله، سال نشر: 2010 م

36. خازن، علاء الدين علي بن محمد بن إبراهيم بن عمر الشيعي أبو الحسن، مشهور به خازن، تفسير الخازن، لباب التأويل في معاني التنزيل ناشر دار الكتب العلمية – بيروت، سال نشر 1415 هـ
37. خرم دل، مصطفى، تفسير نور، ناشر چاپ اول احسان، سال نشر، 1388 هـ ش.
38. خطابی، أبو سليمان حمد بن محمد بن إبراهيم بن الخطاب البستي المعروف بالخطابي، بيان اعجاز القرآن، ناشر: دار المعارف بمصر، سال نشر 1976م
39. خليل، المستشرقون والسيرة النبوية، ناشر: دار ابن كثير للطباعة والنشر والتوزيع - دمشق، بيروت، سال نشر 1426 هـ
40. ديوبندی، محمد شفيع، مترجم، محمد يوسف حسين پور، تفسير معارف القرآن، ناشر شيخ الاسلام احمد، سال نشر 1385 هـ
41. دهلوی، شاه ولی الله دهلوی، حجه الله البالغه، مترجم محمد يوسف حسين پور، سايت عقیده www.Aqeeda.com
42. رازي، أبو عبد الله محمد بن عمر بن الحسن بن الحسين التيمي، مفاتيح الغيب = التفسير الكبير، ناشر، دار إحياء التراث العربي – بيروت سال نشر 1420 هـ
43. رازی، زين الدين أبو عبد الله محمد بن أبي بكر بن عبد القادر الحنفي الرازي، مختار الصحاح، انتشارات المكتبة العصرية – بيروت سال نشر 1999م
44. راغب، أصفهانی أبو القاسم الحسين بن محمد مشهور به راغب، المفردات في غريب القرآن، ناشر دار القلم، دمشق بيروت، سال نشر 1412 هـ.
45. رودی بارت، الدراسات العربيه و الاسلاميه في الجامعات المانيه، مترجم، مصطفى ماهر، ناشر: دار الكتب العربي، 2004م
46. زبيدي، محمد بن محمد بن عبد الرزاق الحسيني، أبو الفيض، الملقب بمرتضى، تاج العروس من جواهر القاموس، ناشر دار الهداية، سال نشر 2002م
47. زقزوق، محمود حمدي، الاستشراق و الخفيه الفكرية للصراع الحضاري، ناشر: دار القلم، سال نشر: 2004م
48. زماني، محمد حسين، شرقشناسي و اسلام شناسي غربيان، ناشر موسسه بوستان كتاب، سال نشر 1385
49. زمخشري، أبو القاسم محمود بن عمرو بن أحمد، الزمخشري جار الله، الكشف عن حقائق غوامض التنزيل ناشر، دار الكتاب العربي – بيروت، سال نشر 1407 هـ
50. سجستاني، ابو داود سليمان بن الشعث، سنن ابي داود، نشر دار الكتب عربي بيروت 2002م
51. سعدی، عبد الرحمن بن ناصر بن عبد الله، تيسير الكريم الرحمن في تفسير كلام المنان، ناشر مؤسسة الرسالة، سال نشر 2000م
52. سعيد، ادوارد، الاستشراق، ناشر: مؤسسه الابحاث العربيه – بيروت، سال نشر 1984م
53. سعدی، إسحاق بن عبد الله السعدي، دراسات في تميز الأمة الإسلامية وموقف المستشرقين منه، ناشر: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية، قطر، سال نشر 2013م

54. سباعي، مصطفى بن حسني السباعي، الاستشراق والمُستشرقون ما لهم وما عليهم، دار
الوراق للنشر والتوزيع - المكتب الإسلامي، بدون تاريخ
55. سليمانى، عبدالرحيم، كتاب مقدس، قم: انجمن معارف اسلامى، بهار 1378ش
56. سحيمي، صالح بن سعد سحيمي، اصول عقايد اهل سنت در پرتو كتاب و سنت، ناشر:
سایت عقیده
57. سيد قطب، في ظلال القرآن، ناشر دار الشروق ، بيروت - لبنان، سال نشر 1985م.
58. سيوطي، جلال الدين محمد بن أحمد المحلي، و جلال الدين عبد الرحمن بن أبي بكر
تفسير الجلالين، ناشر دار الحديث - القاهرة، سال نشر 2002م
59. سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، الدر المنثور، ناشر، دار
الفكر - بيروت سال نشر 1998م.
60. سيوطي، عبد الرحمن بن أبي بكر، جلال الدين السيوطي، الحبانك في اخبار الملائك،
ناشر: دار الفكر - بيروت، سال نشر
61. سفر
62. سفر خروج
63. شرقاوى، محمود عبدالله الشرقاوى ، الكنز المرصود فى فضائح التلمود، 2004م.
64. شنقيطي، محمد الأمين بن محمد المختار بن عبد القادر الجكني، أضواء البيان في إيضاح
القرآن بالقرآن، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، سال نشر: 1999م
65. شوكانى، محمد بن علي بن محمد بن عبد الله الشوكاني اليمني ، فتح القدير، ناشر، دار
ابن كثير، دار الكلم الطيب -دمشق، بيروت سال نشر 1414 هـ
66. شعراوى، محمد متولى الشعراوى، تفسير الشعراوى، - الخواطر، ناشر مطابع اخبار
اليوم، بدون تاريخ
67. شيباني، ابو عبدالله احمد بن محمد بن حنبل بن هلال بن اسد الشيباني مسند احمد بن
حنبل، نشر عالم الكتب بيروت ط1338
68. شهود، على بن نايف الشهود، الايمان بالملائكة و بيان صفاتهم، ناشر دار المعمور،
سال نشر 1430هـ - 2009م
69. صابوني محمد علي ، صفوة التفاسير، ناشر دار الصابوني ، القاهرة سال نشر، 1417
هـ - 1997م
70. صالحى، صدر الدين أبو الحسن عليُّ بن علاء الدين الدمشقي الصالحي، شرح عقيدة
طحاويه
71. صغير، محمدحسين، المستشرقون و الدراسات القرآنية، قم، مركز النشر لمكتب
الاعلام الاسلامي، ١٤١٣ هـ،
72. طباطبائي، مصطفى حسيني طباطبائي، نقد آثار خاورشناسان
73. طبرى، محمد بن جرير بن يزيد بن كثير بن غالب الأملي، أبو جعفر، جامع البيان في
تأويل القرآن، ناشر مؤسسة الرسالة، سال نشر 2000 م
74. عطا، عوض عبد الهادي العطا، الجهاد بين عقيدة المسلمين وشبه المستشرقين، ناشر:
الجامعة الاسلامية بالمدينة المنورة، سال نشر: 1985هـ
75. عبرانيان

76. علی، شاهین علی، دراسات في الاستشراق ورد شبه المستشرقين حول الإسلام، بدون تاريخ،
77. فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه نوین دینی، سال چهارم، شماره دوازدهم، بهار 1387
78. فوزان، صالح بن فوزان الفوزان، ایمان به فرشتگان و تأثیر آن در زندگی امت اسلام، مترجم: اسحاق دبیری، بدون تاریخ،
79. قاسم، عبد الملك بن محمد القاسم، يوم في بيت الرسول، ناشر: دار القاسم، سال نشر 2008م
80. قاسمی، محمد جمال الدین بن محمد سعید بن قاسم الحلاق القاسمی، محاسن التأویل، ناشر: دار الكتب العلمية – بيروت، سال نشر 1418هـ
81. قشمی، احمد بازماندگان قشمی، ملائكة الرحمن، سایت عقیده اهل سنت و جماعت. www.Aqeedah.com
82. فروغ، مصطفی خالد و عمر فروغ، التبشير و الاستعمار، ناشر: دار النهضة – بيروت، سال نشر 1957م
83. قرطبی، أبو عبد الله محمد بن أحمد بن أبي بكر بن فرح الأنصاري الخزرجي شمس الدين، الجامع لأحكام القرآن = تفسیر القرطبي، دار الكتب المصرية – القاهرة سال نشر 1964م
84. قزوینی، محمد با یزید ابو عبدالله، سنن ابن ماجه، نشر دار المعرفه بيروت، سال نشر 2002م
85. لوقا
86. ماسیه، هنری ماسیه، الاسلام، مترجم بهیج شعبان، ناشر: منشورات عویدات، - بيروت سال نشر 1960م
87. مبارکفوری، صفی الرحمن المبارکفوری، الرحيم المختوم، ناشر: دار الهلال – بيروت، سال نشر: 2004م
88. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة العقدية، محل دریافت مکتبه الشامله، سال برداشت: 1433
89. مجموعه از نویسندگان، وزارة الأوقاف والشئون الإسلامية، الكويت، الموسوعة الفقهية الكويتية، ناشر، دار السلاسل – الكويت، سال نشر 1427 هـ.
90. مجموعه از نویسندگان، الموسوعة الميسرة في الأديان والمذاهب والأحزاب المعاصرة، ناشر،
91. مجموعه ای از علماء تحت اشراف مركز تحقیقاتی ازهر، التفسیر الوسيط للقرآن الكريم ناشر، الهيئة العامة لشئون المطابع الأميرية سال نشر، 1993م
92. مرصفی، الأستاذ الدكتور سعد المرصفي، المستشرقون و السنة، ناشر: مكتبة المنار الإسلامية ومؤسسة الريان، بيروت، بدون تاریخ
93. مدنی، أبو مجاهد عبد العزيز بن عبد الفتاح بن عبد الرحيم بن الملاء محمد عظیم، المستشرقون في الميزان، ناشر: الجامعة الإسلامية بالمدينة المنورة، سال نشر: 1394

94. نسفي, أبو البركات عبد الله بن أحمد بن محمود حافظ الدين النسفي, مدارك التنزيل وحقائق التأويل, ناشر, دار الكلم الطيب, بيروت, سال نشر 1998م.
95. نذير حمدان, الرسول في كتابات المستشرقين, ناشر: دار الكتب العلمية, - بيروت, سال نشر 2004م,
96. نمله, علي بن إبراهيم الحمد النملة, المستشرقون والتنصير, ناشر: دار القلم - بيروت, سال نشر 2004م
97. نيشاپوري, مسلم بن الحجاج أبو الحسن القشيري, صحيح مسلم, دار إحياء التراث العربي, بيروت بدون تاريخ
98. نيشاپوري, نظام الدين الحسن بن محمد بن حسين القمي النيسابوري, غرائب القرآن و رغائب الفرقان, ناشر دار الكتب العلمية - بيروت
99. متى
100. مزمور
101. مزامير

Conclusion

This thesis is the issue that under the title of “Angels in the light of the Holy Quran and rejecting the doubts of the deniers” that is one of the best titles for these days. Because many people don’t have good information about angels. The Qur’an declares that its entire message was communicated verse by verse through an angel. The angel Gabriel revealed the Qur’an to the prophet Muhammad, and also communicated with all of God’s other prophets, Muslims believe. The best way for all Muslim, which that will connect them to Allah and his creators are to speak about their creators.

This thesis divided for three parts as the bellow:

1. In the first part of this thesis I have spoken about general definition of the angles, place of angels and Holy Quran, names of angels, ability of them, their duties and some other important issues about them.
2. In the second parts, I have spoken about the Rejection Doubt of deniers about angles, rejection of some important issues as a: they aren’t female, and they aren’t god, in the second part I have spoken about rejection of Jewish.
3. In the third part, I have spoken about orientalist ion and their doubt about angles. At first I explain about definition of orientalist, when they started, what is their aim among holy Quran, in the second part said about their opinions belong to duty of angels and their helping during the war with non-Muslim people.
4. When we recite in the holy Quran we found out some important things about angles for example: In the Qur’an, angels don’t have free will like they do in some other religious texts, such as the Torah and the Bible. The Qur’an says that angels can only do God’s will, so they all follow God’s commands, even when that means accepting tough assignments. For example, some angels must punish sinful souls in hell, but Al Tahrim 66:6 of the Qur’an says that they "do what they are commanded" without flinching.

We can say this thesis conclude more information about angles in the Quran, Tourah and Engels, for your kind information angles have deferent jobs include: worshiping god, protecting people, changing the weather, recording people’s choices.



Salam University

Faculty of Sharia & Law

Master Program in Jurisprudence & Law



Islamic Republic of Afghanistan

Ministry of Higher Education

Private Universities Presidency

Angels in the light of the Holy Quran and rejecting the doubts of the deniers

A Master's Thesis

Guiding Teacher: professor Dr Mohammad Ismail “Labib Balkhi”

Provider: Mohammad Shafi“ Hamass”

Year 2021